

زیارت عاشورا

فرا تر از شبهه

مجموعه نفیس از گفتارها و نوشته های

استاد الفقهاء والمجتهدین

میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

متوفی سنه 1437 هـ. ق

دار الصدیقه الشهدیه (علیها السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگی نامه استاد الفقهاء والمجتهدين

ميرزا جواد تبريزي (قدس سره)

يکي از اعيان و مفاخر فقهای نامدار شيعه و يکي از اکابر و متبحرين در علوم اسلامي و يکي از استوانه های فقهی و اجتهادی در فقه اسلامي که از نظر آثار و برکات وجودی با برکت بوده، مرحوم فقيه مقدس ميرزا جواد تبريزي (قدس سره) است بسيار عابد، زاهد، اهل خشوع و تهجد بود و مداومت بر علم و دانش داشت. جماعت بسياری از او بهره بردند. او بر تمام موالين و محبين اهل بيت (عليهم السلام) و فضلاء و طلاب حوزه حق دارد زیرا که در قرن خود در علوم و ولاء اهل بيت (عليهم السلام) تحولي عظيم ايجاد نمود.

هرگاه در پی شناخت ايشان برآييم ايشان را آگاه بر هر فني خواهيم يافت. جملات مدح و ستايش در معرفي او، ناتوانند. گويا او تندیس علم و دانش و ادب و تجسم فضل و کمال است.

فقيه هوشيار محدث پارسا، ثقه جليل القدر و سرچشمه بزرگواری ها و فضيلت ها و دارای تألیفات سودمندی است. علمای دين نه تنها از استاد خود درس علم و دانش می آموزند، بلکه مراتب معنوی و کسب کمال را سپری می نمایند. مرحوم ميرزا جواد تبريزي (قدس سره) همزمان با طی مدارج علمی و

سریع تر از آن مدارج معنوی و کمالات روحی را پیمودند تا آنجا که مصداق واقعی عالم ربانی گشت. این ادعا با مروری بر سجایای اخلاقی ایشان کاملاً روشن می شود از جمله خصائص بارز اخلاقی مرحوم میرزا(قدس سره) می توان به این موارد اشاره کرد:

یاد خداوند متعال: مرحوم میرزا(قدس سره) هیچ گاه از یاد خدا غافل نبود و تمام اعمالش را با قصد قربت انجام می داد.

زیارت و توسل: مرحوم میرزا(قدس سره) به زیارت ائمه هدی(علیهم السلام) اهمیت فراوانی می داد و هر جا فرصت می یافت و یا امکان بر ایشان حاصل می شد شروع به خواندن دعا و زیارت ائمه(علیهم السلام) می نمودند.

توجه خاص و توسل به معصومین(علیهم السلام) باعث گردیده بود که مرحوم میرزا(قدس سره) به تألیف کتب عقایدی روی آورند و اهمیت خاصی در رد شبهات و دفاع از کیان تشیع و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) دهند.

زهد و پارسایی: یک ویژگی بسیار مهم در زندگی این بزرگ مرد زهد و پارسایی و ساده زیستی اوست. مرحوم میرزا(قدس سره) تمام امکانات را در اختیار داشتند اما با همه اینها، زندگی شخصی مرحوم میرزا(قدس سره) در نهایت زهد و پارسایی سپری می شد.

تواضع: تواضع مرحوم میرزا(قدس سره) از دیگر خصائص اوست. مرحوم میرزا(قدس سره) هیچ گاه به مقام اجتماعی و بالا و پائین بودن موقعیت نظر

نمی کرد با آن خصائص روحی و کمالات معنوی با علم و دانش گسترده از او شخصیتی ممتاز ساخته بود.

سعه صدر، خوش فهمی، حسن سلیقه، داشتن نظم و برنامه تحصیلی، ظرافت طبع، معنویت سخن و پختگی و بی نقص بودن آثار علمی، تخلق به اخلاق الهی و قرب منزلت از خصوصیات این عالم ربانی است.

تعلیم و تعلم از مهم ترین خدمات ایشان به شمار می آید. شخصیت بارز علمی ایشان در دقتی بودن در مطالب، و عمیق فکر کردن و حسن سلوک با طلاب باعث می شد هر روز گروه بیشتری از افراد علاقمند و با استعداد به سوی مجلس درس ایشان جذب شوند.

ایشان یکی از اعجوبه های روزگار خود بودند که در زمینه های مختلف علمی از جمله: فقه، اصول، کلام، رجال و... کتابهایی ارزشمند نوشته که به زیور طبع آراسته شده و در حدود ده ها کتاب از آثار خطی از ایشان به جای مانده است که حاکی از نبوغ این فقیه فقید است.

تألیفات فراوان و گوناگون وی در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه ای پایان ناپذیر است که هم اکنون با گذشت ایام روز به روز بر ارزش و اعتبار آن افزوده می شود و جایگاهی بس رفیع و والا یافته اند و در صدر قفسه کتابخانه ها و در سینه فقها و دانشمندان جای می گیرد که از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

1- ارشاد الطالب فی شرح المکاسب - 7 جلد

- 2- تنقيح مباني العروة (طهارة) - 7 جلد
- 3- تنقيح مباني العروة (صلاة) - 6 جلد
- 4- تنقيح مباني العروة والمناسك (الحج) - 3 جلد
- 5- اسس القضاء والشهادات
- 6- اسس الحدود والتعزيرات
- 7- كتاب القصاص
- 8- كتاب الدييات
- 9- كتاب نكاح
- 10- كتاب اجاره
- 11- تعليقه عروة الوثقى
- 12- تعليقه بر منهاج الصالحين
- 13- طبقات الرجال
- 14- الدروس فى علم الاصول (دوره كامل اصول)
- 15- تنقيح مباني العروة (كتاب الصوم)
- 16- تنقيح مباني العروة (كتاب الزكاة والخمس)
- 17- صراط النجاة 12 جلد
- 18- كتاب ظلمات فاطمة الزهراء (عليها السلام) (در حال چاپ)
- 19- كتاب امير المؤمنين على بن ابي طالب: (در حال چاپ)
- 20- فدى

- 21- الشعائر الحسينية (فارسی - عربی)
 - 22- زیارت عاشوراء فوق الشبهات
 - 23- نفی السهو عن النبی (صلی الله علیه وآله)
 - 24- نصوص الصحیحه علی الائمه (علیهم السلام)
 - 25- الانوار الیهیه فی مسائل العقائدیّه
 - 26- النکات الرجالیّه (مخطوط)
 - 27- ما استفدت من الروایات فی استنباط الاحکام الشرعیّه (وسائل الشیعّه مخطوط)
 - 28- النصایح (فارسی - عربی)
- و...
- فوائد ارزشمند نوشته های ایشان همچون ابر بهاری تمام سرزمین ها را از قطرات حیات بخش بارانش سیراب می سازد.
- تألیفات او بر پیشانی روزگار همچون مروارید می درخشد و کلماتشان در میان سطرها همچون گوهرهایی گران بها کنار هم چیده می شود.
- تمام کسانی که یادی از ایشان کرده اند جز ستایش و تعریف هیچ ندارد و بنابر شهادت تمام بزرگان مرحوم میرزا (قدس سره) قله های رفیع علوم مختلف از جمله فقه، اصول، کلام، رجال و... را درنور دیده است.

وفات

مردان الهی با رفتن از دنیا نمی میرند بلکه تا ابد در یاد و خاطر آیندگان زنده اند و برکات آنان خلاصه در ایام زندگیشان نیست بلکه پس از وفات نیز به واسطه تألیفات و شاگردان و باقیات و صالحاتی که بر جای گذارده اند منشأ بسیاری از عنایات الهی بر مردم هستند.

مرحوم میرزا (قدس سره) هنگام مرگ خدمات فراوانی از خود بر جای گذاشتند که به حمد الله پس از ایشان شاگردان و فرزندان ادامه دهندگان این راه پرفروغ، خدمات ارزشمندی ارائه می نمایند اما جای خالی یک عالم فرزانه را هیچ کس و هیچ چیز پر نمی کند.

چراغ عمر مرحوم میرزا پس از 82 سال نورافشانی در شب 27 شوال سال 1427 هـ ق در شهر مقدس قم خاموش گشت و جهان از فیض وجود این عالم گرانمایه محروم شد و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه کنار قطعه بزرگان و مفاخر مذهب آرامید. راهش پر رهرو و یادش گرامی باد آمین یا رب العالمین.

(وصیت نامه)

تأکید آیت الله العظمی فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره)
بر حفظ شعائر

بسمه تعالی

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك اعدائهم

حال که پیکر این جانب بر دستان شماسست و یا در قبر آرمیده است، بر دستان شاگردان عزیزم که سال ها برای موفقیت آنان تلاش کردم و هیچ گاه تعطیلی را احساس نکردم، این ناقابل نصیحتی دارم که در طول حیاتم سعی کرده ام قبل از آنکه نصیحتی متوجه کسی کنم، خود بدان عمل کرده باشم. بر تمام مؤمنین است با دل و جان از مسلمات مذهب حق دفاع کنند و هیچ گاه اجازه ندهند بعضی با القاء شبهه، عوام از مؤمنین را فریب دهند، خصوصاً در مسائل شعائر حسینی که تشیع به واسطه آن زنده است، حفظ شعائر اهل بیت (علیهم السلام) حفظ مذهب بر حق تشیع است. در آن کوتاهی نکنید که مسؤول هستید، به طلاب عزیز نصیحت می کنم که با جدّیت و تلاش تقوای الهی را پیشه خود کنند و در امر تحصیل تلاش کنند و همواره رضای خدا را مدّ نظر داشته باشند. این جانب در طول دوران عمرم، طلبه ای بیش نبودم و مثل یک طلبه جوان شب و روز در امر تحصیل تلاش

می کردم تا بتوانم خدمتی ناچیز داشته باشم و اثری از خود بر جای بگذارم که طلاب عزیز از آن استفاده کنند. عزیزانم! سکان هدایت مردم به دست شماست. کاری نکنید که دل امام زمان (علیه السلام) به درد آید. او ناظر بر اعمال ما به اذن خداست و در همین جا از پیشگاه مبارکشان می خواهم که اگر کوتاهی از طرف این جانب سر زده، بر من ببخشند، عزیزانم به دعاء خیر شما نیاز دارم. من چه در میان شما باشم یا نباشم، دلی به دنیا نبسته ام که در ادای وظیفه خود تردید کرده باشم، هنگامی که در میان شما بودم، خود را یک خادم کوچک حساب می کردم که امیدوارم این خدمت ناچیز مورد رضایت اهل بیت (علیهم السلام) واقع شده باشد که رضای آنان رضای خداست. حال که در میان شما نیستم، به دعای خیر شما عزیزان محتاجم. در پایان بر حفظ شعائر تأکید می کنم و ضمن طلب دعای خیر، شما عزیزان را به خدای بزرگ می سپارم. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ جَمِيعًا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

جواد تبریزی

آخرین توصیه های فقیه مقدس، آیت الله العظمی

میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

در بستر بیماری چند روز قبل از رحلت، در ایام شهادت

رئیس مذهب، حضرت امام صادق (علیه السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام شهادت امام صادق (علیه السلام) در حالی فرا می رسد که من در بستر بیماری هستم؛ پس قلبم از اندوه پر شده و اشک هایم جاری است؛ از حزن بر مصائبی که بر آن امام بزرگوار (علیه السلام) وارد شده است؛ از محاصره و دستگیری آن حضرت (علیه السلام) توسط عمال منصور و بردن آن بزرگوار (علیه السلام) با پای برهنه، در حالی که حضرت عمامه بر سر نداشت، همان طور که جد بزرگوارشان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) را نیز به آن حال دستگیر کرده و به اجبار بردند، تا ترساندن عیالات آن حضرت و رعب و وحشتی که بر اهل بیت حضرت (علیه السلام) مستولی شده بود - همان طور که بر فرزندان امام حسین (علیه السلام) در کربلا مستولی بود - تا قطعه قطعه شدن قلب مبارک حضرت (علیه السلام) در اثر سم مهلک، همان طور که قلب جد مظلومشان، امام حسین (علیه السلام) با تیرها قطعه قطعه شده بود، پس از اعماق قلبم آرزو دارم که

در احیای مراسم عزاداری جهت این فاجعه دردناک شریک باشم. این امر باعث شده تا برادران و فرزندان مؤمنم را مورد خطاب قرار داده و از آنها بخواهم که در احیای مراسم عزای اهل بیت (علیهم السلام)، در ایام شادی و حزن آن بزرگواران و اقامه مجالس عزاداری برای مصائب اهل بیت (علیهم السلام) تلاش نمایند و ضمن برگزاری مجالس با عظمت و پر شکوه، آن را با امور موهن، از قبیل کف زدن و استعمال آلات موسیقی و مثل آن اموری که موجب اذیت اهل بیت (علیهم السلام) می شود، هتک ننموده و نیز در ترویج شعائر حسینی، به نحوی که بین طائفه بر حق شیعه معروف است، و زنده نگه داشتن مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) در طول تاریخ و گذر زمان تلاش نمایند، و برای کسانی که در این شعائر تشکیک کرده و در جهت تغییر، تبدیل یا محو آن تلاش می کنند، مجالی باقی نگذارند که این شعائر، همان چیزی است که سیره علمای ابرار ما، بر آن جاری است و شیعیان مخلص اهل ولاء در طول قرون متمادی بر آن مشی کرده اند و این خود، به کار بستن دستورالعملی است که از حضرات معصومین (علیهم السلام) وارد شده است که فرموده اند: وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُحْيِي فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ، و نیز وارد شده است: إِنَّ الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي

کل ما جزع، ما خلا البكاء والجزع علی الحسین بن علی (علیه السلام) فانه فیه مأجوراً.^۲

همه مؤمنین می دانند که اینجانب وقتی مشاهده نمودم که بعضی از اشخاص در صدد تشکیک در مسلمات طائفه بر حق امامیه و عقاید بر حق آنها هستند و می خواهند مظلومیت صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را مورد خدشه قرار دهند، به صورتی واضح و صریح و بدون ملاحظه و مجامله با هیچ شخصی، هر کس که باشد، در صدد دفاع از مظلومیت بانوی بزرگوار اسلام و شفیعه روز جزا، فاطمه شهیده مظلومه (علیها السلام) و دفاع از حریم عقاید مذهب بر آدم و مؤمنین را نسبت به خطر این افکار پلید، و تشکیکات مخرب آن مطلع ساختم و در این راه مصائب و اذیت هایی را از دور و نزدیک متحمل شدم؛ ولیکن اینها ما را از ادامه راه فداکاری و دفاع از مذهب برحق جعفری باز نداشته و مانع نشده است. به این جهت، به برادران مؤمن، اهل ولایت و با غیرت تأکید می کنم که در مسیر دفاع از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و عقاید برحق آنها، استقامت داشته و از کید دشمنان مذهب و مکر تشکیک کنندگان و یاوه سرایان نترسند که شما به کمک حضرت حجت (علیه السلام) پیروز خواهید بود. به تبلیغات مادی و دنیایی آنها که غرضشان برگرداندن شما از وظیفه دفاع از مذهب حق است، ترتیب اثر ندهید و به آن اعتنائی نکنید. همان طور که از علما و فضلا

۲- کامل الزیارات، ص 201، ح 286؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 557؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 507، ح 13.

انتظار می رود که نهایت تلاش خود را در این راه مبارک به کار گیرند، هر چند راه سخت و دشواری است همان طور که از معصومین (علیهم السلام) وارد شده است: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سُلِبَ مِنْهُ نُورُ الْإِيمَانِ^۳. در نهایت به برادران مؤمن خود نسبت به ضرورت احیای این حادثه عظیم؛ یعنی زنده نگه داشتن شهادت رئیس مذهب، امام صادق (علیه السلام) تأکید می کنم و از آنها می خواهم که این مراسم را مانند «ایام عاشورا» و «ایام فاطمیه» در این سال و همه سال ها جهت تحکیم ارکان مذهب جعفری و تجلیل از مقام این امام بزرگ، که حیات خود را در راه نجات ما از هر گونه گمراهی فدا کرد، زنده نگه دارند. از خداوند متعال مسئلت دارم که همه را برای خدمت به ائمه معصومین (علیهم السلام) موفق گرداند؛ إِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

۳- علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۶؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۰۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۷۱، ح ۹.

مقدمه:

زیارت عاشورا، نجوای آسمانی

زیارت عاشورا، نجوایی است الهی که بند بند آن یاد آور حماسه خونین کربلا و مصائب اهل بیت (علیهم السلام) است. مردانی که از اجابت هوا و هوس گذشته و در رکاب امام معصومشان پا بر نردبان ترقی نهاده و تا مقام محمود عروج نمودند و نامی جاودان تا ابد از خود به یادگار گذاشتند. آنان که برای حراست از ارکان و شرایع دین بپا خاسته و قدم در مسلخ عشق گذاشتند تا با فدا نمودن هستی خویش از آخرین دین و مکتب الهی دفاع نموده و به کسب مقام رضای الهی نائل آیند. زیارت عاشورا، یادآور مصیبت عظمایی است که سنگینی آن تاب تحمل از صابران گیتی برده و حتی ارض و سماء نیز در مقابل این مصیبت جانگداز کمر خم نموده اند: «وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مَصِیْبُتُکَ فِی السَّمَاوَاتِ عَلٰی جَمِیْعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ». زیارت عاشورا، نه تنها سند زنده و گویای مظلومیت، بلکه عزت و عظمت سبط نبی اعظم و شاهراه حیات مذهب بر حق تشیع است. زیارت عاشورا، هویت شیعه و بازگو کننده نهایت شقاوت اعداء، و عروج بی منتهای اهل ولاست. بر همین اساس دشمنان حق ستیز، دائماً درصدد محو این زیارت -

که بازگو کننده حقایق و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) است - هستند و در طول تاریخ به هر وسیله ای متوسل شدند تا ارزش و اعتبار این هدیه آسمانی را محو نمایند، (يُرِيدُونَ لَيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)^۴. اما در هر برهه از زمان، مردان صاحب کمال، با نهایت درایت و فقاہت در مقابل این افکار شوم دشمنان خیره سر ایستاده، و از حقانیت اهل بیت دفاع نمودند. و در این عصر نیز، بعضی بدخواهان با ایجاد شبهه در اذهان عوام، آنان را از خواندن زیارت عاشورا و نائل شدن به فوز اعظم دلسرد می نمایند. اما فقیه پاسبان مذهب حق و احیاگر فاطمیه حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره) با درایت و فراست قلم از پیام برآورد و با توسل به کلمات نورانی معصومان (علیهم السلام)، چون صاعقه ای بر شبهات واهی آنان تافته، آرزوی آنان را به یأس و ناامیدی مبدل ساخت. اکنون که آن حامی، مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) از دنیای فانی به جوار خوبان عالم شتافته اند بر ماست که پیرو خط آن مرجع عظیم الشأن بوده و نگذاریم دشمنان با شبهه افکنی در اعتبار زیارت عاشورا، مؤمنان را از این فیض اکمل محروم نمایند.

مرکز دارالصدیقه الشہیده (علیها السلام) ضمن ترجمه کتاب «زیارت عاشورا فوق الشبهات» آن مرجع راحل، بیانات و استفتائات ایشان (قدس سره) در خصوص این زیارت شریفه را به صورت کتاب درآورده و در اختیار عزیزان و مدافعین خط

اصیل اهل بیت (علیهم السلام) قرار می دهد. امید است که این عمل مورد رضایت
درگاه احدیت و ائمه اطهار (علیهم السلام) قرار گیرد و ذخیره ای باشد برای قبر و
قیامت، در روزی که (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ).
مرکز تحقیقات دار الصدیقه الشهیده (علیها السلام)

ربیع الثانی سنه 1430 هـ . ق

قم المقدسه

فضیلت زیارت سیدالشهدا (علیه السلام)

زیارت عاشورا

«قال صالح بن عقیبة وسیف بن عمیرة: قال علقمة بن محمد الحضرمی: قلت لأبی جعفر (علیه السلام): علّمنی دعاء أدعو به ذلک الیوم إذا أنا زرتہ من قرب ودعاءً أدعو به إذا لم أزره من قرب وأومأت من بعد البلاد ومن داری بالسلام إلیه. قال: فقال لی: یا علقمة إذا أنت صلیت الركعتین بعد أن تومیء إلیه بالسلام، فقل بعد الإیماء إلیه من بعد التکبیر هذا القول (أی الزیارة الآتیة)، فإنک إذا قلت ذلک، فقد دعوت بما یدعو به زوّاره من الملائكة، وکتب الله لک مئة ألف ألف درجة، وکنت کمن استشهد مع الحسین (علیه السلام) حتی تشارکهم فی درجاتهم، ولا تعرف إلاّ فی الشهداء الّذین استشهدوا معه، وکتب لک ثواب زیارة کل نبیّ وکل رسول وزیارة کل من زار الحسین (علیه السلام) منذ یوم قتل علیه السلام وعلى اهل بیته^۵:

السَّلَامُ عَلَیْکَ یا ابا عَبْدِالله، السَّلَامُ عَلَیْکَ یا ابْنَ رَسُولِ الله، السَّلَامُ عَلَیْکَ یا ابْنَ
أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیِّینَ، السَّلَامُ عَلَیْکَ یا ابْنَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نَسَاءِ الْعَالَمِینَ،
السَّلَامُ عَلَیْکَ یا ثارَ الله وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِثَرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَیْکَ وَعَلَى الْأَرْواحِ
الَّتِی حَلَّتْ بِفَنَائِکَ...»^۶ (الی آخر زیارت عاشورا)

۵- مصباح المتعجد، ص 536 - 537.

۶- در کتاب کامل الزیارات به جای این فقره، «خیرة الله وابن خیرته» آمده است.

۷- فرازهایی از زیارت عاشورا. (مصباح المتعجد، ص 537)

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره می گویند: علقمه بن محمد حضرمی به ما گفت:

محضر مبارک ابی جعفر (علیه السلام) عرض کردم: دعائی به من تعلیم فرمائید، که در آن روز (روز عاشورا) وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را بخوانم و دعائی به من یاد دهید، که هرگاه نتوانستم از نزدیک به زیارت ایشان بروم، از شهرهای دور و پشت بام خانه ام، به آن حضرت با اشاره سلام داده و آن را بخوانم.

حضرت فرمودند: ای علقمه، بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی، اگر این دعا و زیارت (زیارت عاشورا) که شرحش را برایت بیان می کنم، خواندی، به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعا، کرده اند، تو نیز دعا نموده ای و خداوند متعال صد هزار هزار درجه مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو مثل کسانی می باشی، که با حضرت حسین بن علی (علیه السلام) شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرار خواهی گرفت و شناخته نمی شوی، مگر در زمره شهدائی که با آن حضرت شهید شده اند و ثواب تمام انبیاء و رسولان و کسانی که امام حسین (علیه السلام) را از زمان شهادتش تا به الآن زیارت نموده اند را برایت می نویسد.

می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمُؤْتُوْرَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِیْ
حَلَّتْ بِفِنَائِكَ...» (تا آخر زیارت عاشورا)

«قال علقمة: قال ابو جعفر (عليه السلام): وإن استطعت أن تزوره في كل يوم بهذه
الزيارة في دارك فافعل ولك ثواب جميع ذلك»^٨.

وروى محمد بن خالد الطيالسي عن سيف بن عميرة قال: خرجت مع صفوان بن
مهران الجمال وعندنا جماعة من أصحابنا إلى الغرى بعد ما خرج ابو عبدالله (عليه
السلام)، فسرنا من الحيرة إلى المدينة، فلما فرغنا من الزيارة [أي زيارة أمير
المؤمنين (عليه السلام)] صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله الحسين (عليه السلام)،
فقال لنا: تزورون الحسين (عليه السلام) من هذا المكان من عند رأس أمير المؤمنين (عليه
السلام)، من ههنا أو ما إليه ابو عبدالله الصادق (عليه السلام) وأنا معه.

قال [سيف بن عميره]: فدعا صفوان بالزيارة التي رواها علقمة بن محمد
الحضرمي عن أبي جعفر (عليه السلام) في يوم عاشوراء، ثم صلى ركعتين عند رأس
أمير المؤمنين (عليه السلام) وودّع في دبرها أمير المؤمنين (عليه السلام) و...^٩؛

علقمه می گوید: حضرت ابو جعفر امام باقر (عليه السلام) فرمودند: ای علقمه اگر
بتوانی هر روز با این زیارت (زیارت عاشورا) امام حسین (عليه السلام) را زیارت

٨- مصباح المتعجب، ص 539.

٩- مصباح المتعجب، ص 540.

کنی البته این کار را انجام بده که ان شاء الله تمام ثواب هایی که ذکر شده برای تو منظور می گردد.

محمد بن خالد طرابلسی به نقل از سیف بن عمیره گفت: بیرون رفتم با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف، بعد از خروج حضرت صادق (علیه السلام) از حیره به جانب مدینه، پس زمانی که ما فارغ شدیم از زیارت [زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام)] صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابوعبدالله (علیه السلام)، گردانید و گفت: برماست که زیارت کنیم حسین (علیه السلام) را از این مکان، از نزد سر مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام)، که از اینجا ایما و اشاره کرد به سلام بر آن حضرت امام صادق (علیه السلام)، و من در خدمتش بودم.

سیف گفت: پس خواند صفوان همان زیارتی را که روایت کرده بود علقمه بن محمد حضرمی از حضرت باقر (علیه السلام) در روز عاشورا (زیارت عاشورا)، آنگاه دو رکعت نماز در نزد سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) خواند و با آن حضرت وداع نمود.

این زیارت شریفه به نص حضرت امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) وارد شده است و از مصادیق زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) می باشد، که طبق روایات وارده، اجر و ثواب فراوانی دارد و اثر معنوی عجیبی در زندگی انسان بر جای می گذارد، که فی الجمله، به بعضی از آنها اشاره می نمایم:

حفظ عرض و اموال، لقاء الله، دفع پریشانی و قضاء حوائج، طول عمر و افزایش رزق و روزی، آمرزش معاصی، ایام زیارت جزء عمر حساب نمی شود، دفع بلایا، اعطاء خیر و برکات، اعطاء ثواب حج، رفع عقوبت عالم قبر و قیامت و مأوای او بهشت و... است.

زیارت سیدالشهدا امام حسین (علیه السلام) افضل اعمال است

«عن أبی خدیجة، عن أبی عبدالله (علیه السلام) قال: سألته عن زیارة قبر الحسین (علیه السلام)، قال: أنّه أفضل ما یكون من الاعمال»^{۱۰}.

ابی خدیجه، گفت: از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) پرسیدم، حضرت فرمودند: زیارت آن جناب افضل اعمال می باشد.

«عن أبی عبدالله (علیه السلام) قال: من أحبّ الأعمال إلى الله تعالى زیارة قبر الحسین (علیه السلام)، وأفضل الأعمال عندالله إدخال السرور علی المؤمن، وأقرب ما یكون العبد الی الله تعالى هو ساجد باک»^{۱۱}.

حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) فرمودند: محبوب ترین اعمال نزد حق تعالی زیارت قبر حضرت حسین (علیه السلام) بوده و برترین اعمال نزد او جلّ و علی، ادخال سرور و شادی بر مؤمن است و نزدیک ترین حالت بنده به خدا، حالت بنده ای است که در حال سجود بدرگاه الهی گریان باشد.

«عن أبی خدیجة، قال: قلت لابی عبدالله (علیه السلام): ما یبلغ من زیارة قبر الحسین (علیه السلام)؟ قال: أفضل ما یكون من الأعمال»^{۱۲}.

۱۰- کامل الزیارات، ص 276، ح 431؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 499؛ بحارالانوار، ج 98، ص 49.

۱۱- کامل الزیارات، ص 277، ح 434؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 499.

۱۲- کامل الزیارات، ص 277، ح 435؛ بحارالانوار، ج 98، ص 49.

ابی خدیجه می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) عرض کردم: از زیارت قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) چه چیز به ما می رسد و عائدمان می گردد؟ حضرت فرمودند: افضل و برترین اعمال است.»

«أبو خديجه عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: إنَّ زيارة الحسين (عليه السلام) أفضل ما يكون من الأعمال؛^{۱۳}

ابو خدیجه گفت: حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) فرمودند: زیارت امام حسین (علیه السلام) افضل و برترین اعمال می باشد.»

«عن معاوية بن وهب قال: استأذنت عن أبي عبدالله (عليه السلام) فقبل لي: أُدخل، فدخلت فوجدته في مصلاه في بيته، فجلست حتى قضى صلاته فسمعتَه، وهو يناجي ربَّه ويقول: «يا مَنْ خَصَّنَا بالكرامة؛ وَخَصَّنَا بالوصية؛ وَوَعَدَنَا بالشفاعة؛ وَأَعْطَانَا علم ما مضى وعلم ما بقى؛ وجعل أفئدة من الناس تهوى إلينا، اغفر لي ولإخواني ولزوّار قبر أبي [عبدالله]؛ الحسين (عليه السلام)، الذين أنفقوا أموالهم وأشخصوا أبدانهم رغبةً في برِّنا، ورجاءً لما عندك في صلتنا، و سروراً أدخلوه على نبيِّك صلواتك عليه وآله، وإجابةً منهم لأمرنا، وغيظاً أدخلوه على عدوّنا، أرادوا بذلك رضاك، فكافهم عنّا بالرضوان، واكلاًهم بالليل والنهار، واخلف على أهاليهم وأولادهم الذين خلّفوا بأحسن الخلف واصحبهم، واكفهم شرَّ كلِّ جَبَّار عنيد؛ وكلِّ

۱۳- کامل الزیارات، ص 278، ح 436؛ موسوعه احادیث اهل البيت (علیهم السلام)، ج 1، ص 381.

ضعيف من خلقك وشديد، وشرّ شياطين الإنس والجنّ، واعطهم أفضل ما أملوا منك
 فى غربتهم عن أوطانهم، وما آثرونا به على أبنائهم وأهاليهم وقراباتهم.
 اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ خُرُوجَهُمْ، فلم ينههم ذلك عن الشخوص إلينا خلافاً
 منهم على من خالفنا، فارحم تلك الوجوه التى غيّرتها الشمس، وارحم تلك الحدود
 التى تقلّبت على حفرة أبى عبدالله الحسين (عليه السلام)، وارحم تلك الأعين التى
 جرت دموعها رحمةً لنا، وارحم تلك القلوب التى جزعت واخترقت لنا، وارحم تلك
 الصرخة التى كانت لنا، اللَّهُمَّ إِنِّى استودعك تلك الأنفس وتلك الأبدان حتّى
 نوافيهم على الحوض يوم العطش [الأكبر].

فما زال (عليه السلام) وهو ساجدٌ يدعو بهذا الدعاء، فلمّا انصرف قلت: جعلت فداك
 لو أنّ هذا الذى سمعت منك كان لمن لا يعرف الله عزّ وجلّ لظننت أنّ النار لا تطعم
 منه شيئاً!! والله لقد تمنّيت أنّى كنت زرتّه ولم أحجّ، فقال لى: ما أقربك منه؛ فما
 الذى يمنعك من إتيانه؟ ثمّ قال: يا معاوية لم تدع ذلك، قلت: جُعِلْتُ فداك لم أدر
 أنّ الأمر يبلغ هذا كلّهُ؟ فقال: يا معاوية [و]من يدعو لزوّاره فى السماء أكثر ممّن
 يدعو لهم فى الأرض؛^{١٤}

معاوية بن وهب مى گوید: اذن خواستم كه بر امام صادق (عليه السلام) داخل
 شوم، به من گفته شد كه داخل شو، پس داخل شده آن جناب را در محلّ

١٤- الكافى، ج 4، ص 583؛ وسائل الشيعه، ج 14، ص 411.

نمازشان یافتم، پس نشستم تا حضرت نمازشان را تمام کردند، پس شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می گفتند: بار خدایا، ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) وعده شفاعت دادی و و علم به گذشته و آینده را به ما عطا فرمودی، و قلوب مردم را مایل به طرف ما نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین(علیه السلام) را بیمارز، آنان که اموالشان را انفاق کرده و ابدانشان را به سختی انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردنشان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن خشم بر دشمنان ما.

اینان اراده و نیتشان از این ایثار تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و به واسطه‌ی رضوان احسانشان را جواب گو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنّی حفظ فرما و عطا کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش از تو آرزو کرده اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که به واسطه اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند، بار خدایا دشمنان ما به واسطه‌ی خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت دشمنان، ایشان را از

تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورت هائی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت هائی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) می گذارند و بر می دارند مشمول لطف و رحمت بگردان و همچنین به چشم هائی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند نظر عنایت فرما و دل هائی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته اند را ترحم فرما، بار خدایا به فریادهائی که به خاطر ما بلند شده برس، خداوندا من این بدن ها و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می شوند آنها را سیراب نمائی.

و پیوسته امام (علیه السلام) در سجده این دعا را می خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم: فدایت شوم این فقرات و مضامین ادعیه ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عزّ وجلّ را نمی شناسد گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیاید! به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین (علیه السلام)) را زیارت کرده ولی به حج نروم.

امام (علیه السلام) به من فرمودند: چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی، پس چه چیز تو را از زیارتش باز می دارد؟

سپس فرمودند: ای معاویه زیارت آن حضرت را ترک مکن.

عرض کردم: فدایت شوم نمی دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.

حضرت فرمودند: ای معاویه کسانی که برای زائرین امام حسین (علیه السلام) در
آسمان دعا می کنند، به مراتب بیشتر هستند از آنانکه در زمین برای ایشان دعا و
ثنا می نمایند» - پایان حدیث

آثار زیارت¹⁵ سیدالشهدا امام حسین (علیه السلام) در کلام معصومین (علیهم

السلام)

1- انسان مؤمن همواره درصدد آن است کاری را انجام دهد، که خداوند متعال او و آبرو و اموالش را حفظ کند و سعادتمند باشد.

«عن عبدالله بن هلال، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: قلت له: جعلت فداك ما أدنى لزائر قبر الحسين (عليه السلام)؟ فقال لي: يا عبدالله إن أدنى ما يكون له أن الله يحفظه في نفسه وأهله حتى يردّه إلى أهله، فإذا كان يوم القيامة كان الله الحافظ له»¹⁶

عبدالله بن هلال، می گوید: محضر امام (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم کمترین ثواب و اجری که برای زائر قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) می باشد

۱۵- زیارت از ریشه «زور» به فتح، به معنای قصد و میل است و در لغت به معنای دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه مفهوم میل و قصد نهفته است، گویی زائر از دیگران رو برتافته و به سوی زیارت شونده گرایش و تمایل یافته. ریشه «زور» در قرآن چهار بار به صورت «زرتم، تزاور، الزور، زوراً» آمده است به طور مثال در سوره تکوین، آیه 2 می فرماید: (حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ). زیارت در عرف شیعه، به معنای حضور در پیشگاه شخص با جسم و جان، همراه با توجه قلبی و حضور دل نسبت به اولیای خدا است و زیارت جزء اعمال پسندیده و از سنت های برجسته است که از معصومین (علیهم السلام) احادیث فراوانی در باب سفارش به زیارت وارد شده و این تأکید به زیارت تا حدی اشاعه داشته که محدثان بزرگ با جمع آوری احادیث زیارت، کتبی را تألیف نمودند که از باب نمونه می توان به کتاب «کامل الزیارات» ابن قولویه (رحمه الله)، کتاب مزار، وسائل الشیعه حر عاملی (رحمه الله)، مصباح ابن طاووس (رحمه الله)، مزار بن مشهدی (رحمه الله)، کفعمی و... اشاره کرد.

۱۶- کامل الزیارات، ص 255، ح 382؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 240.

چیست؟ حضرت فرمودند: ای عبدالله! کمترین پاداشی که برای او است اینکه: خداوند متعال خود و اهلش را حفظ کرده تا به خویشانش بازگردد و وقتی روز قیامت شد خداوند متعال حافظ او خواهد بود».

2- زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) آنگونه فضیلت دارد، که امام صادق (علیه السلام) آن را برابر با دیدار خدا در عرش می داند.

«عن زید الشحام قال: قلت لأبي عبدالله (عليه السلام): ما لمن زار قبر الحسين (عليه السلام)؟ قال: كان كمن زار الله في عرشه، قال: قلت: ما لمن زار أحداً منكم؟ قال: كمن زار رسول الله (صلى الله عليه وآله)»^{۱۷}

زید بن شحام گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: زائر امام حسین (علیه السلام) در نزد پروردگار دارای چه مقام و منزلتی است؟ امام (علیه السلام) فرمودند: «همانند کسی است که خدا را در عرش دیدار نموده باشد». گفتم: برای کسی که یکی از شما را زیارت کند چه می باشد؟ فرمود: «همانند کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را زیارت نموده است».

3- دفع پریشانی و قضای حاجات، خواسته هر فرد مؤمن است، که از فضل خداوند متعال زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) چنین آثاری را دارد.

«عن فضیل بن یسار قال: قال أبو عبدالله (عليه السلام): انّ إلى جانبكم قبراً ما أتاه مكروب إلاّ نفّس الله كربته، وقضى حاجته»^{۱۸}

۱۷- کامل الزیارات، ص 278، ح 437؛ منهاج الصالحین، ج 1، ص 363.

فضیل بن یسار می گوید: حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) فرمودند: نزد شما قبری است که هیچ محزون و اندوهگینی آن را زیارت نمی کند، مگر آن که حق تعالی حزن و اندوهش را برطرف کرده و حاجتش را روا می سازد».

«عن أبي الصباح الكناني قال: سمعت أبا عبدالله (عليه السلام) يقول: إنَّ إلى جانبكم قبراً ما أتاه مكروب إلاَّ نفس الله كربته، وقضى حاجته، وإنَّ عنده أربعة آلاف ملك منذ [يوم] قبض شعثاً غبراً يبيكونه إلى يوم القيامة، فمن زاره شيَّعوه إلى مأمنه، ومن مرض عادوه، ومن مات اتَّبِعُوا جنازته»^{۱۹}

ابو صباح کنانی می گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا نزد شما قبری است که هیچ فرد پریشانی نزد آن نمی رود، مگر آنکه خداوند از او پریشانی را دفع نموده و حاجتش را برآورده می نماید، و همانا در حریم کبریایی شهید کربلا چهار هزار فرشته هستند، که از هنگام شهادتش آشفته حال و غم آلود تا روز قیامت بر آن مصیبت عظمی می گریند. هر کس او را زیارت کند، وی را تا خانه اش بدرقه می کنند، و هر که مریض شود به عیادتش می روند، و هر که بمیرد جنازه اش را تشییع می کنند».

۱۸- کامل الزیارات، ص 312، ح 527؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 238.

۱۹- کامل الزیارات، ص 312، ح 528؛ و ص 350.

«عن عبدالله بن مسكان قال: قال أبو عبدالله (عليه السلام): انّ الله تبارك وتعالى يتجلى لزوّار قبر الحسين (عليه السلام) قبل أهل عرفات، ويقضى حوائجهم، ويغفر ذنوبهم، ويشفعهم في مسائلهم، ثمّ يثني بأهل عرفات فيفعل بهم ذلك؛^{۲۰}

امام صادق (عليه السلام) فرمود: به درستی که خدای تبارک و تعالی، قبل از اهل عرفات، برای زائران قبر حسین (عليه السلام) تجلی می نماید، حوائج آنان را بر آورده می کند، گناهانشان را آمرزیده و درخواستهایشان را به اجابت مقرون می سازد، و سپس متوجه اهل عرفات شده و در مورد آنان نیز این گونه عمل می کند».

4- زیارت امام حسین (عليه السلام) بابی از ابواب فضل الهی است که باعث افزایش رزق، طول عمر و دفع بلا یا و... می شود.

«عن عبدالملک الخثعمی عن أبي عبدالله (عليه السلام) «قال: قال لي: يا عبدالملک لا تدع زيارة الحسين بن علي (عليه السلام) ومُرْ أصحابك بذلك، يمدّ الله في عمرک، ويزيد الله في رزقک، ويحييک الله سعيداً، ولا تموت إلاّ سعيداً، ويکتبک سعيداً؛^{۲۱}

امام صادق (عليه السلام) به عبدالملک خثعمی فرمود: زیارت حسین بن علی (عليه السلام) را ترک مکن و دوستانت را نیز به آن فرمان بده، تا خداوند بر عمرت افزوده و روزیت را زیاد گرداند. خداوند سبحان زندگانی تو را در سعادت قرار

۲۰- کامل الزیارات، ص 309، ح 522؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 363.

۲۱- کامل الزیارات، ابن قولویه (رحمه الله)، ص 286، ح 461؛ بحار الانوار، ج 98، ص 47.

خواهد داد، و نمی میری مگر سعادتمند، و نام تو را در سلک سعادتمندان خواهند نوشت».

«عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إنَّ الحسين صاحب كربلاء قتل مظلوماً مكروباً عطشاناً لهفاناً، وحقَّ على الله عزَّ وجلَّ أن لا يأتيه لهفان، ولا مكروب ولا مذب ولا مغموم ولا عطشان ولا ذو عاهة ثمَّ دعا عنده وتقرَّب بالحسين (عليه السلام) إلى الله عزَّ وجلَّ إلاَّ نفَّس الله كربته، وأعطاه مسألته، وغفر ذنبه ومدَّ في عمره، وبسط في رزقه، فاعتبروا يا أولى الأبصار»^{۲۲}

محمد بن مسلم گفت: امام باقر (عليه السلام) فرمودند: امام حسین (عليه السلام) در حالی به شهادت رسید که مظلوم، تشنه و به خود می پیچید و بر پرورگار متعال است که زائر امام حسین (عليه السلام) و اگر شخصی گنه کار، غم دیده تشنه باشد و در نزد قبر امام حسین (عليه السلام) دعا کند و به واسطه امام حسین (عليه السلام) به پروردگار متعال تقرب بجوید، بر نمی گردد، مگر آنکه خداوند حاجتش را به او بدهد و گناهانش را ببخشد و عمرش را طولانی کند و توسعه در روزیش بدهد، ای صاحبان خرد عبرت بگیرید».

۵- شیطان همواره در کمند انسان است، و مؤمنین سعی می کنند از وسوسه شیطان، رهایی یابند. اما گاهی القاءات شیطان بر انسان اثر می کند و لغزش صادر شود و یکی از بهترین وسائل آمرزش گناه زیارت سیدالشهدا (عليه السلام) است.

۲۲- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۶ با اندکی اختلاف؛ کامل الزیارات، ص ۳۱۳، ح ۵۳۱.

«عن محمد بن مسلم، عن أبي عبدالله (عليه السلام) - في حديث - قال: ومن زار قبر الحسين (عليه السلام) عارفاً بحقه، كتب الله له ثواب ألف حجة مقبولة، وغفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر؛^{٢٣}

محمد بن مسلم نقل می کند از امام صادق (عليه السلام) که فرمود: هر کس قبر امام حسین (عليه السلام) را زیارت کند در حالی که عارف به حق او باشد خداوند ثواب هزار حج مقبول را بر او ثبت می کند و گناهان قبل و بعد او را می بخشد.»
«عن ابن مسكان، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: من أتى قبر الحسين (عليه السلام) عارفاً بحقه غفر [الله] له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر؛^{٢٤}

ابن مسكان می گوید: حضرت ابی عبدالله (عليه السلام) فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین (عليه السلام) رود، در حالی که به حق آن جناب عارف باشد، خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.»
«عن مثني الحنات، عن أبي الحسن موسى ابن جعفر (عليه السلام) قال: سمعته يقول: من أتى قبر الحسين (عليه السلام) عارفاً بحقه، غفر [الله] له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر؛^{٢٥}

٢٣- وسائل الشیعه، ج ١٤، ص ٤٤٦؛ امالی، طوسی، ص ٢١٥.

٢٤- الجواهر الکلام، ج ٢٠، ص ٩٧؛ الکافی، ج ٤، ص ٥٨٢.

٢٥- کامل الزیارات، ص ٢٦٤، ج ٤٠١؛ نواب الاعمال، ص ٨٥.

مثنی حناط گفت: از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: کسی که به زیارت قبر حسین (علیه السلام) رود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.»

«عن جابر الجعفی قال: قال أبو عبد الله (علیه السلام) - فی حدیث طویل - فإذا انقلبت من عند قبر الحسین (علیه السلام) ناداک مناد لو سمعت مقالته لأقمت عمرک عند قبر الحسین (علیه السلام) وهو یقول: طوبی لک أیها العبد؛ قد غنمت وسلمت، قد غفر لک ما سلف فاستأنف العمل - وذكر الحدیث بطوله - ۲۶»

جابر جعفی گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «چون از نزد قبر حسین (علیه السلام) بازگشتی، ندا کننده ای تو را ندا می دهد که اگر آن را می شنیدی، حاضر بودی تمام عمر را نزد قبر شریف حسین (علیه السلام) اقامت می گزیدی. آن منادی گوید: خوشا به حال تو ای بنده خدا، که سود فراوان بردی و به سلامت (در دین) دست یافتی. عمل از سربگیر که گناهان گذشته ات آمرزیده شد.»

6- یکی از نعمتهایی که خداوند متعال به زائر امام حسین (علیه السلام) داده؛ آن است که ایام زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) جزء عمر انسان حساب نمی شود و نظر الهی به اوست.

«عن أبي الحسن الرضا، عن أبيه (عليه السلام) قال: قال أبو عبد الله جعفر بن محمد الصادق (عليهما السلام): إنّ أيام زائري الحسين (عليه السلام) لا تحسب من أعمارهم ولا تعدّ من آجالهم»^{٢٧}

حضرت ابی الحسن الرضا (عليه السلام) از پدر بزرگوارشان نقل نمود که ابو عبد الله جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام) فرمودند: ایام زیارت حضرت امام حسین (عليه السلام) جزء عمر زائر شمرده نشده و از اجلشان محسوب نمی گردد.»

«عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إنّ الله تبارك وتعالى يبدأ بالنظر إلى زوار قبر الحسين (عليه السلام) عشية عرفة، قال: قلت: قبل نظره لأهل الموقف؟ قال: نعم، قلت: كيف ذلك؟ قال: لأنّ في أولئك أولاد زنا؛ وليس في هؤلاء أولاد زنا»^{٢٨}

حضرت ابی عبد الله (عليه السلام)، فرمودند: خداوند تبارک و تعالی عصر روز عرفة ابتداء به زوار قبر مطهر حضرت امام حسین (عليه السلام) نظر می کند. راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: قبل از نظر نمودن به اهل موقف (حاجی ها)؟ حضرت فرمودند: بله.

٢٧- کامل الزیارات، ص 259، ح 391؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 382.

٢٨- کامل الزیارات، ص 317، ح 538؛ معانی الاخبار، ص 392؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص

عرض کردم: چرا این طور است؟ حضرت فرمودند: زیرا در بین حاجی ها زنازاده وجود داشته، ولی در میان زائرین قبر مطهر آن حضرت ابداً زنازاده نمی باشد».

7- کمترین چیزی که به زائر امام حسین (علیه السلام) عنایت می شود مصون ماندن از بلایا است، و همچنین در آخرت در ظل الطاف خداوند متعال قرار می گیرد.

«عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: مروا شيعتنا بزيارة قبر الحسين (عليه السلام) فإنّ إتيانه يزيد في الرزق، ويمد في العمر، ويدفع مدافع السوء، وإتيانه مفروض على كلّ مؤمن يقرّ للحسين بالإمامة من الله؛^{۲۹}

محمد بن مسلم می گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: شیعیان ما را به زیارت قبر سیدالشهدا (علیه السلام) امر کنید، اگر به زیارت مشرف شوند روزی آن ها زیاد و عمرشان طولانی خواهد شد، خداوند سوء (بدی ها) را از آنها دفع خواهد کرد و رفتن به زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) بر هر مؤمنی که اقرار بر امامت امام حسین (علیه السلام) کند واجب شده است».

8- انسان در جستجوی خیر و برکت است. زائر امام حسین (علیه السلام) مورد اکرام خداوند قرار می گیرد:

۲۹- وسائل الشیعه، ج 10، ص 346؛ بحار الانوار، ج 98، ص 4.

«عن عبدالله الطحان، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: سمعته يقول: ما من أحد يوم القيامة إلاّ وهو يتمنى أنّه زوار الحسين بن علي (عليهما السلام) لما يرى لما يصنع بزوار الحسين بن علي من كرامتهم على الله؛^{۳۰}

امام صادق (عليه السلام) فرمود: در روز قیامت نیست کسی، مگر آنکه آرزو کند زائر امام حسین (عليه السلام) می بود به واسطه اکرامی که خداوند متعال بر زوار امام حسین (عليه السلام) می کند».

«عن صالح بن ميثم، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: من سرّه أن يكون على موائد النور يوم القيامة، فليكن من زوار الحسين بن علي (عليهما السلام)؛^{۳۱}

امام صادق (عليه السلام) فرمود: اگر کسی می خواهد در روز قیامت بر سفره های نورانی قرار گیرد، پس بوده باشد از زوار امام حسین (عليه السلام)».

«عن أبي اسامة، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: من أراد أن يكون في جوار نبیه وجوار علی وفاطمة فلا يدع زيارة الحسين (عليهم السلام)؛^{۳۲}

امام صادق (عليه السلام) فرمود: اگر کسی می خواهد در جوار پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا (عليهم السلام) باشد، زیارت امام حسین (عليه السلام) را ترک نکند».

۳۰- کامل الزیارات، ص 258، ح 388؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 424.

۳۱- کامل الزیارات، ص 258، ح 389؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 424.

۳۲- کامل الزیارات، ص 260، ح 392.

9- امام صادق (علیه السلام) در ضمن بیان فضائل و آثار پر خیر و برکت زیارت قبر سبط نبی اعظم (علیه السلام)، زیارت آن حریم ملکوتی را مساوی با حج بیت الله الحرام دانسته و در ادامه می فرماید: «نام زائر سیدالشهدا (علیه السلام) در اعلی علین ثبت شده و در دریای رحمت الهی غرق می شود و همواره دعای معصومین (علیهم السلام) بدرقه راهش خواهد بود».

«عن زید الشحام، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: زیارة الحسين (عليه السلام) تعدل عشرين حجة، وأفضل من عشرين حجة»^{۳۳}

زید شحام گفت: حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) فرمودند: زیارت امام حسین (علیه السلام): معادل بیست حج بلکه برتر از بیست حج می باشد.
«عن ابن مسكان، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: من أتى قبر الحسين (عليه السلام) عارفاً بحقه، غفر [الله] له ما تقدم من ذنبه وما تأخر»^{۳۴}

ابن مسكان می گوید: حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) رود، در حالی که به حق آن جناب عارف باشد، خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.

۳۳- کامل الزیارات، ص 302، ح 506.

۳۴- کامل الزیارات، ص 264، ح 400.

«محمد بن أبی جریر القمیّ قال: سمعت أبا الحسن الرضا (عليه السلام) يقول لأبي: من زار الحسين بن علي (عليهما السلام) عارفاً بحقه، كان من محدّثي الله فوق عرشه، ثمّ قرأ: ان المتقين في جنّات ونهر في مَقْعَدِ صَدَقٍ عند مليك مقتدر؛^{۳۵}

محمد بن ابی جریر قمی گفت: از حضرت ابا الحسن الرضا (عليه السلام) شنیدم که به پدرم می فرمودند: کسی که حضرت حسین بن علی (عليهما السلام) را زیارت کند، در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد، از هم صحبت های حق تعالی بالای عرش می باشد، سپس این آیه را قرائت فرمودند: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ * فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ)^{۳۶}.

(همانا اهل تقوی در باغ ها و کنار نهرا منزل گزینند، در منزل گاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزّت و سلطنت جاودانی متنعم می باشند).

«عن عبدالله بن مسکان، عن أبی عبدالله (عليه السلام) قال: من أتى قبر الحسين (عليه السلام) كتبه الله في عليّين؛^{۳۷}

امام صادق (عليه السلام) فرمود: هر کس به زیارت قبر حسین (عليه السلام) برود، در حالی که عارف به حق او باشد، خداوند نام او را در اعلی علیین می نویسد».

۳۵- کامل الزیارات، ص 268، ح 414؛ سوره قمر، آیه 54 - 55 .

۳۶- قمر، آیه 54 - 55 .

۳۷- کامل الزیارات، ص 280، ح 441؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 330 .

«عن عبدالله بن ميمون القداح، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: قلت له: ما لمن أتى قبر الحسين (عليه السلام) زائراً عارفاً بحقه غير مستكف ولا مستكبر؟ قال: يكتب له ألف حجة وألف عمرة مبرورة، وإن كان شقيّاً كتب سعيداً، ولم يزل يخوض في رحمة الله عزّ وجلّ»^{۳۸}

از امام صادق (عليه السلام) پرسیدند: ثواب کسی که قبر امام حسین (عليه السلام) را زیارت کند، در حالی که کبر و غرور نداشته باشد، چیست؟ فرمود: برایش هزار عمره و حج مقبول نوشته می شود. اگر شقی باشد، سعید نوشته می گردد، و پیوسته در رحمت الهی غوطه‌ور خواهد بود».

«عن معاوية بن وهب، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: قال لي: يا معاوية لا تدع زيارة الحسين (عليه السلام) لخوف، فإن من تركه رأى من الحسرة ما يتمنى أن قبره كان عنده، أما تحب أن يرى الله شخصك وسوادك فيمن يدعو له رسول الله (صلی الله عليه وآله) وعليّ وفاطمة والائمة (عليهم السلام)؟ أما تحب أن تكون ممّن ينقلب بالمغفرة لما مضى ويغفر له ذنوب سبعين سنة؟ أما تحب أن تكون ممّن يخرج من الدنيا وليس عليه ذنب تتبع به؟ أما تحب أن تكون غداً ممّن يصافحه رسول الله (صلی الله عليه وآله)؟»^{۳۹}

۳۸- کامل الزیارات، ص 274، ح 426؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 399؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 454.

۳۹- کامل الزیارات، ص 230، ح 338؛ بحار الانوار، ج 98، ص 9 و 53.

معاویه بن وهب، گفت: حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

ای معاویه، به خاطر خوف و هراس زیارت [قبر] امام حسین (علیه السلام) را ترک مکن، زیرا کسی که زیارت آن حضرت را ترک کند، چنان حسرتی ببیند که تمناً و آرزو کند قبر آن جناب نزدش باشد، آیا دوست نداری که خداوند متعال تو را در زمره کسانی محسوب کند، که رسولش (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی و فاطمه و ائمه (علیهم السلام) برایش دعا می کنند؟

آیا دوست نداری از کسانی باشی که گناهان گذشته ات آمرزیده شده و برای گناهان هفتاد سال بعد طلب غفران برایت کنند؟

آیا دوست نداری از کسانی باشی که از دنیا خارج می شوند، در حالی که گناهی قابل مؤاخذه ندارند؟

آیا دوست نداری فردای قیامت از کسانی باشی، که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با آنها مصافحه می کند؟»

10- عذاب قبر و قیامت و آتش جهنم از مسلمات و ارکان مهم دین است، و براساس آیات و روایات وقوع آن حتمی است، به همین لحاظ انسان مؤمن همواره در پی دفع این عقوبت سخت است، و طبق روایات یکی از بهترین طرق رهایی از این بلایا زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) است، که ضامن سلامتی و امان از عذاب در قبر و قیامت خواهد بود.

«عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله؛ أو أبا جعفر (عليهما السلام) يقول: من أحب أن يكون مسكنه الجنة ومأواه الجنة فلا يدع زيارة المظلوم، قلت: من هو؟ قال:

الحسين بن علي (عليهما السلام) صاحب كربلا، من أتاه شوقاً إليه وحباً لرسول الله وحباً لفاطمة وحباً لأُمير المؤمنين، أقعده الله على موائد الجنة، يأكل معهم والناس في الحساب؛^{٤٠}

ابی بصیر می گوید: از امام صادق (علیه السلام) یا امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: کسی که دوست دارد مسکن و جایگاهش در بهشت باشد نباید زیارت مظلوم را ترک کند.

عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند: مظلوم حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) بوده که صاحب كربلاء می باشد، کسی که از روی شوق به آن حضرت و به جهت محبت به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و به فاطمه زهرا (علیها السلام) و به امیرالمؤمنین (علیه السلام) به زیارت آن حضرت برود، خداوند متعال او را بر سر سفره های بهشتی می نشاند، که با رسول خدا و فاطمه زهرا (علیها السلام) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم غذا باشد، در حالی که مردم در حال حساب می باشند».

۴۰- کامل الزیارات، ص 261، ح 393؛ ص 269، ح 416؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 496.

۴۱- ابن قولویه روایت مذکور را دوبار به مضمون و الفاظ واحد، اما با اختلاف طرق ذکر کرده است. در مورد اول، روایت را به اسناد شیخ صدوق (رحمه الله) در ص 261، باب 52، ح 393، از ابی بصیر به نقل از امام باقر یا صادق (علیه السلام) ذکر کرده، در مورد دوم، روایت را به اسناد پدرش «محمد بن قولویه» در ص 269، باب 56، ح 416 به همان ترتیب ذکر کرده است.

«عن عبدالله بن زرارة قال: سمعت أبا عبدالله (عليه السلام) يقول: إنّ لزوار الحسين بن علي (عليهما السلام) يوم القيامة فضلاً على الناس، قلت: وما فضلهم؟ قال: يدخلون الجنة قبل الناس بأربعين عاماً وسائر الناس في الحساب والموقف؛^{٤٢} عبدالله بن زراره می گوید: از حضرت ابوعبدالله (عليه السلام) شنیدم که می فرمودند: در روز قیامت برای زوّار حسین بن علی (عليهما السلام) بر سایر مردم فضیلت و برتری می باشد.

عرض کردم: فضیلتشان چیست؟

حضرت فرمودند: چهل سال قبل از آنها به بهشت داخل می شوند، در حالی که مردم در حساب و موقف می باشند».

«عن حذيفة بن منصور قال: قال أبو عبدالله (عليه السلام): من زار قبر الحسين (عليه السلام) وفي الله، اعتقه الله من النار وآمنه يوم الفزع الأكبر، ولم يسأل الله تعالى حاجة من حوائج الدنيا والآخرة إلا أعطاه؛^{٤٣}

حذیفه بن منصور می گوید: حضرت ابوعبدالله (عليه السلام) فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین (عليه السلام) را قربۀ الی الله و برای خدا زیارت کند، حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد نموده و روز فزع اکبر او را در امان قرار می دهد و

٤٢- کامل الزیارات، ص 262، ح 395؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 425.

٤٣- کامل الزیارات، ص 276، ح 430؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 499.

حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند نخواسته، مگر آنکه باری تعالی به وی اعطاء می فرماید».

«عن ابی اسامة زید الشحام قال: سمعت أبا عبدالله (عليه السلام) يقول: من أتى قبر الحسين (عليه السلام) تشوّفاً إليه كتبّه الله من الآمنين يوم القيامة، واعطى كتابه بيمينه، وكان تحت لواء الحسين (عليه السلام) حتّى يدخل الجنة، فيسكنه في درجته ان الله سمیع علیم»^{۴۴}.

زید شحام می گوید: از امام صادق (عليه السلام) شنیدم که فرمود: هرکس به زیارت قبر امام حسین (عليه السلام) برود، خداوند متعال او را جزء آمنین در روز قیامت قرار داده و نامه اعمالش را به دست راستش خواهد داد و زیر لواء امام حسین (عليه السلام) خواهد بود تا داخل بهشت شود و او را در جوار امام حسین (عليه السلام) جای دهد».

احادیث ماثور در فضیلت و ثواب زیارت سیدالشهدا امام حسین (عليه السلام)، شامل زیارت شریفه عاشورا می باشد که به حول و قوه الهی در نظر است در این جزوه سند زیارت عاشورا مورد بررسی قرار گیرد ان شاء الله تعالی.

۴۴- کامل الزیارات، ص 270، ح 418؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 388، ح 4.

حدیث زیارت عاشورا

شیخ طوسی (رحمه الله) در مصباح المتهجد در بخش زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا می فرماید:

«روی محمد بن اسماعیل بن بزيع، عن صالح بن عقبه، عن أبيه، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: من زار الحسين بن علي (عليهما السلام) في يوم عاشوراء [من المحرم]^{۴۵} حتى يظل عنده باكيا، لقي الله عز وجل يوم^{۴۶} يلقاه بثواب ألفي^{۴۷} حجة وألفي عمرة وألفي غزوة، ثواب كل غزوة وحجة وعمرة كثواب من حج واعتمر وغزى مع رسول الله (صلى الله عليه وآله) ومع الأئمة الراشدين؛

محمد بن اسماعیل بن بزيع از صالح بن عقبه از پدرش (عقبه بن قيس) از حضرت ابی جعفر الباقر (علیه السلام)، روایت کرده که آن حضرت فرمودند: کسی که در روز عاشورا (روز دهم محرم الحرام) حضرت امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند، روز قیامت خدا را ملاقات کند، در حالی که خداوند متعال ثواب دو هزار عمره و دو هزار مرتبه جهاد را به وی بدهد، ثواب هر حج و عمره و جهادی، همچون ثواب کسی است که حج و عمره و جهاد را در معیت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) بجا آورده باشد».

۴۵- مطالب داخل گیومه متعلق به کامل زیارات است.

۴۶- يوم القيامة .

۴۷- در کامل زیارات «ألفي الف حجة وألفي الف عمرة و...» دارد.

«قال: قلت: جعلت فداك فما لمن كان في بعيد البلاد وأقاصيه ولم يمكنه المصير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان كذلك برز إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره، وأوماً إليه بالسلام، واجتهد في الدعاء على قاتله وصلى بعده ركعتين، وليكن ذلك في صدر النهار قبل أن تزول الشمس، ثم ليندب الحسين (عليه السلام) ويبيكه ويأمر من في داره ممن لا يتقيه بالبكاء عليه ويقيم في داره المصيبة بإظهار الجزع عليه، وليعز بعضهم بعضاً بمصائبهم بالحسين (عليه السلام) وأنا الضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله تعالى جميع ذلك، قلت: جعلت فداك أنت الضامن ذلك لهم والزعيم؟ قال: أنا الضامن وأنا الزعيم لمن فعل ذلك؛

علقمه می گوید: محضر مبارک امام پنجم (عليه السلام) عرضه داشتم: فدایت شوم، چه اجر و ثوابی است برای کسی که در شهرهای دوردست و بلاد غریب و بعید بوده به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشورا) به زیارت حضرت بشتابد؟

امام (عليه السلام) فرمودند: وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش بر آید و با سلام به حضرت اشاره کرده، سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت (زیارت عاشورا) را قبل از ظهر آن روز انجام دهد، سپس برای امام حسین (عليه السلام) ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگیرند و با اظهار جزع و

فزع بر آن جناب در خانه اش اقامه مصیبت نماید و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهائی که داده شد عمل کنند، من ضامن می شوم که حق تعالی تمام ثواب هائی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید. محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها می شوید؟

حضرت فرمودند: در صورتی که به دستورهائی داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می باشم.

«قلت: فكيف يعزى بعضنا بعضاً؟ قال: تقولون: أعظم الله أجورنا بمصابنا بالحسين (عليه السلام) وجعلنا وإياكم من الطالبين بثاره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد (عليهم السلام). وإن استطعت أن لا تنتشر يومك في حاجة فافعل فإنه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة مؤمن، فإن قضيت لم يبارك له فيها ولم ير فيها رشدًا، ولا يدخرن أحدكم لمنزله فيه شيئاً، فمن ادخر في ذلك اليوم شيئاً لم يبارك له فيما ادخره ولم يبارك له في أهله. فإذا فعلوا ذلك كتب الله تعالى لهم ثواب ألف حجة وألف عمرة وألف غزوة كلها مع رسول الله (صلى الله عليه وآله)، وكان له أجر وثواب مصيبة كل نبي ورسول ووصي وصديق وشهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة»^{٤٨}.

علقمه می گوید: محضر مبارک امام (علیه السلام) عرض کردم: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند؟
 حضرت فرمودند: بگویند: اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين (علیه السلام)، وجعلنا وایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد صلوات الله علیهم^{۴۹}.
 (خداوند متعال اجرها و ثواب های عزادار بودن ما را برای امام حسین (علیه السلام) زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب ظفر قرین، حضرت امام مهدی قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد).
 و اگر قدرت و توانائی این را داشتی که آن روز (روز عاشورا) را بدنبال نیازمندی هایت نیروی البته مرو، چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روا نمی گردد و اگر هم حاجت بر آورده شود مبارک نبوده و خیری نخواهد داشت.

توجه داشته باش در آن روز در منزلت آذوقه ای را ذخیره نکنی، چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند برایش میمون و مبارک نبوده و برای اهلش نیز برکت نخواهد داشت.

بنابر این کسی که به این دستورها عمل کند ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد که تمامی را در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) انجام داده باشد برایش نوشته می شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبتی که به انبیاء و

رسل و صدیقین و شهدائی که فوت کرده یا کشته شده اند، رسیده است را از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطاء می فرماید».

«قال صالح بن عقبه وسيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد الحضرمي قلت لأبي جعفر (عليه السلام): علمني دعاء ادعو به في ذلك اليوم إذا أنا زرتك من قرب، ودعاء أدعو به إذا لم أزره من قرب، وأو مات من بعد البلاد ومن داري بالسلام اليه، قال: فقال لي: يا علقمة إذا أنت صليت الركعتين بعد أن تومئ اليه بالسلام فقل بعد الإيماء اليه ومن بعد التكبير هذا القول، فانك اذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعو به من زواره من الملائكة، وكتب الله لك الف الف درجة، وكنت كمن استشهد مع الحسين (عليه السلام) حتى تشاركهم في درجاتهم، ولا تعرف إلا في الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زيارة كل نبي وكل رسول وزيارة كل من زار الحسين (عليه السلام) منذ يوم قتل عليه السلام و على أهل بيته؛⁵⁰»

صالح بن عقبه و سيف بن عميره می گویند: علقمة بن محمد حضرمی می گوید:

محضر مبارک ابی جعفر (علیه السلام) عرض کردم: دعائی به من تعلیم فرمائید، که در آن روز (روز عاشورا) وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم، آن را

۵۰- مصباح المتهجد، ص 536؛ و همچنین این روایت در کتاب کامل الزیارات با اندکی اختلاف نقل شده است.

خوانده و دعائی یادم دهید که هر گاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت، با اشاره سلام دادم، آن را بخوانم. حضرت فرمودند: ای علقمه، بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی، اگر این دعاء (زیارت عاشورا) و زیارت را که شرحش را برایت می گویم خواندی، پس به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعاء کرده اند تو نیز دعاء نموده ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار درجه نوشته و تو را از کسانی قرار می دهد، که با حضرت حسین بن علی (علیه السلام) شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرار خواهی گرفت و شناخته نمی شوی مگر در زمره شهدائی که با آن حضرت شهید شده اند و ثواب زیارت تمام انبیاء و رسولان و کسانی که امام حسین (علیه السلام) را از زمان شهادتش تا به الآن زیارت نموده اند را برایت می نویسد.

«الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمُؤْتُونَ...». تا پایان زیارت

متن زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ^{۵۱} وَالْوَثَرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ
 الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَداً مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا
 أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ
 الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ
 أُمَّةً أَسَّسَتْ آسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ
 وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْأُمَمَ الَّذِينَ
 لَهُمْ بِالْأَتَمِّينَ مِنَ قِتَالِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ
 وَأَوْلِيَائِهِمْ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ^{۵۲} إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،
 وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ
 اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أُسْرِجَتْ^{۵۳} وَأُلْجِمَتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ،
 يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي^{۵۴} لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي

۵۱- در کتاب کامل الزیارات «خیرة الله وابن خیرته» به جای این فقره از دعا دارد.

۵۲- اضافه در نسخه دیگر: «وَوَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَغَدُوٍّ لِمَنْ عَادَاكُمْ» دارد.

۵۳- در کامل الزیارات و مزار ابن مشهدی کلمه «تهیات» دارد.

۵۴- اضافه در نسخه دیگر: «یا ابا عبدالله» دارد.

بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ^{٥٥}، اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهاً بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^{٥٦}.

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُوالاتِكَ^{٥٧} وَبِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَتَصَبَّ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبِرَاءَةِ [مِمَّنْ أَسَسَ الظُّلْمَ وَالْجَوْرَ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ بِالْبِرَاءَةِ] مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوالاتِكُمْ وَمُوالاةِ وَلِيِّكُمْ وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتَبَاعِهِمْ^{٥٨}، إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيْتُ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدَوْتُ لِمَنْ عَادَاكُمْ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيائِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ [الَّذِي] لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِي^{٥٩} مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ

٥٥- کلمه «سَلِمْتُ» در نسخه اصلی وجود ندارد.

٥٦- اضافه در نسخه دیگر: «وَمِنْ الْمُقَرَّبِينَ» دارد.

٥٧- اضافه در نسخه دیگر: «وَمُوالاةِ أَوْلِيائِكَ» دارد.

٥٨- اضافه در نسخه دیگر: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» دارد.

٥٩- در نسخه مصباح شیخ طوسی (رحمه الله) و مزار ابن مشهدی (رحمه الله) «تَارِكِ» دارد.

٦٠- در کامل الزیارات «مع امام مهدی» دارد.

وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَني بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ^{٦١}،
 [يَا لَهَا مِنْ] مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتُهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ، اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةُ وَمَغْفِرَةُ، اَللّهُمَّ
 اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ إِنَّ هَذَا
 يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَابْنُ آكَلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ
 نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيِّكَ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ]^{٦٢}، اَللّهُمَّ الْعَنُ أَبَا سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ
 الْأَبَدِينَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرَحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ،
 اَللّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ الْأَلِيمَ، اَللّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا
 الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُؤَالَاةِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ
 نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

سپس می گوئی: اَللّهُمَّ الْعَنُ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ
 عَلَى ذَلِكَ، اَللّهُمَّ الْعَنُ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ [وَشَايَعَتْ]^{٦٣} وَتَابَعَتْ وَبَايَعَتْ
 عَلَى قَتْلِهِ، اَللّهُمَّ الْعَنُكُمْ جَمِيعاً. آن را یکصد مرتبه تکرار می کنی.

٦١- در نسخه دیگر: «بمُصِيبَةٍ» دارد.

٦٢- مصباح المنتهجد اضافه دارد.

٦٣- مصباح ندارد.

٦٤- مصباح ندارد.

آن گاه می گویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ،^{۶۵} عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي [لِزِيَارَتِكُمْ]^{۶۶}، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ . آن را هم یکصد مرتبه می گویی .

بعد از آن می گویی: اَللّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَأَبْدَأَ بِهِ أَوَّلًا^{۶۷} ثُمَّ اَلْعَنِ الثَّانِيَّ وَالثَّلَاثَ وَالرَّابِعَ، اَللّهُمَّ اَلْعَنِ يَزِيدَ خَامِسًا، وَاَلْعَنِ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

بعد به سجده می روی و می گویی: اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي، اَللّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْوُرُودِ وَتَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجَهُمْ^{۶۸} دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (پایان زیارت)

قال علقمة: قال ابو جعفر الباقر (عليه السلام): «ان استطعت أن تزوره في كل يوم بهذه

الزيارة من دارك فافعل، ولك ثواب جميع ذلك»^{۶۹} .

۶۵- اضافه در نسخه دیگر: «وَأَنَاخْتُ بِرَحْلِكَ» دارد.

۶۶- مصباح «لِزِيَارَتِكَ» دارد.

۶۷- در نسخه دیگر: «الْأَوَّلَ» دارد.

۶۸- اضافه در نسخه دیگر: «مَهْجَتَهُمْ» دارد.

۶۹- مصباح المتعجل، ص 536؛ كامل الزيارات، ص 332 .

ترجمه زیارت عاشورا

حضرت امام باقر (علیه السلام) درباره روش خواندن زیارت عاشورا به علقمه فرمودند، می خوانی:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، [سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش]، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه، سرور بانوان عالم، سلام بر تو ای خون خدا (یعنی خدا صاحب خون تو و طلب کننده آن است) و فرزند خون خدا و تنها مانده ای که خونخواهی نشده است، سلام بر تو و بر روح های مطهری که کنار تو قرار گرفته اند! از طرف من تا ابد و تا وقتی که هستم و شب و روز باقی هستند، سلام خداوند بر شما باد. ای ابا عبدالله! عزای شما بزرگ بوده و مصیبت شما بر ما و تمام اهل آسمان ها و زمین سنگین می باشد، پس خداوند متعال گروهی را که اساس و پایه های ظلم و ستم بر شما اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه وآله) را بنا نهاده اند، لعنت کند و از رحمتش دور سازد و گروهی که شما را از مقام و منزلتان بازداشتند، لعنت فرماید و خدا لعنت کند کسانی را که شما را از جایگاه و مقامتان که خدا برای شما مقرر فرموده، برکنار نمودند و لعنت نماید گروهی را که شما را کشتند، و لعنت نماید کسانی را که برای قاتلان شما زمینه سازی کرده و ایشان را بر کشتن شما یاری نمودند. بیزاری جویم به سوی خدا و به سوی شما از این گروه و از پیروان و تابعین آنها.

ای اباعبدالله ! من با کسی که با شما در صلح بوده، در صلح هستم و با آن کس که با شما در جنگ می باشد، تا روز قیامت در جنگ خواهم بود . پس خدا لعنت کند دودمان زیاد و دودمان مروان را و لعنت کند تمام بنی امیه را و لعنت کند جماعتی را که اسب ها را زین کرده، لجام زده و برای کشتن تو آماده شدند .

ای ابا عبدالله ! پدر و مادرم به فدایت، مصیبت شما بر من گران و بزرگ است، پس من از خدایی که مقام تو را گرامی داشته درخواست می کنم، که به واسطه شما مرا نیز مورد کرامتش قرار دهد و بر من منت نهد که همراه امام یاری شده از آل محمد(علیهم السلام)، خون تو را طلب نمایم. بار خدایا ! مرا به واسطه حسین (علیه السلام) نزد خودت در دنیا و آخرت آبرومند قرار بده . ای آقای من ! ای ابا عبدالله ! من به خدای تعالی، به رسولش (صلی الله علیه وآله)، به امیر المؤمنین (علیه السلام)، به فاطمه (علیها السلام) و به حسن (علیه السلام) به سوی تو تقرب می جویم، به واسطه محبتم به تو و بیزاری جستن از دشمنانت و از کسانی که تو را کشتند و جنگ با تو را به پا کردند و نیز بیزاری از کسانی که ظلم و ستم را پایه گذاری کرده و ساختمان ظلم را بر آن بنا نهادند و به دنبالش بر شما و شیعیان شما ظلم و جور نمودند . از ایشان به سوی خدا و تو تبری و بیزاری می جویم و به سوی خدا و سپس به سوی شما تقرب می جویم، با دوست داشتن شما و دوستان شما، و با بیزاری از دشمنان شما و کسانی که جنگ با شما را به پا نمودند و نیز بیزاری از پیروانشان و دنباله روهای آنان .

من با کسانی که با شما در صلح هستند، در صلح بوده و با آنان که با شما حرب و جنگ می کنند، جنگ می نمایم . کسی که شما را دوست دارد دوست دارم و با کسی که با شما دشمنی دارد، دشمن می باشم . پس از خدایی که به واسطه شناخت شما و شناخت دوستان شما، مرا مورد کرامت قرار داد و بیزاری از دشمنانتان را روزی من قرار داد، درخواست می کنم که در دنیا و آخرت مرا همراه شما قرار داده، و در دو عالم به مقام صدق و صفای با شما مرا ثابت بدارد. و از او می خواهم که مرا به مقام پسندیده ای که شما نزد حضرتش دارید، برساند و نیز روزی من کند، که در رکاب امام هدایت شده ناطق، خون شما را مطالبه کنم و به حقانیت شما و به شأن و مرتبه ای که نزد او دارید، از خداوند درخواست می کنم که به واسطه عزاداری من برای شما، بالاترین اجری را که به مصیبت دیدگان می دهد، به من عطا فرماید .

بارخدایا ! مرا در این مقام و مرتبه ای که دارم، از کسانی قرار بده که درودها، رحمت و آمرزشی از تو به ایشان می رسد .

خداوندا ! حیات مرا همچون حیات محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله) و موتم را مانند موت محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله) قرار بده . بارخدایا ! به درستی که امروز، روزی است که لعنت بر دودمان زیاد، امیه و پسر خورنده جگرها؛ یعنی ملعون، فرزند ملعون بر زبان تو و زبان پیامبرت فرود آمده؛ در هر سرزمین و مکانی که پیامبرت (صلی الله علیه وآله) در آن وقوف و درنگ داشته باشد .

خداوندا! ابوسفیان، معاویه و یزید، پسر معاویه را برای همیشه مورد لعنتت قرار بده . خداوندا ! لعنت جاودانی خود را بر ایشان، به خاطر کشتن حسین (علیه السلام) چند برابر گردان .

بارخدایا ! من در این روز و در این مکان و در طول مدت زندگانی ام به تو تقرب می جویم؛ به واسطه بیزاری از ایشان، درخواست لعنت بر ایشان، به واسطه دوست داشتن پیامبرت - محمد (صلی الله علیه وآله) - و دوست داشتن اهل بیت (علیهم السلام) پیامبرت (صلی الله علیه وآله) که درود خدا بر همه آنان باد .

سپس صد مرتبه می گویی:

بارخدایا ! لعنت کن اولین ستمگری را که با غضب کردن حق محمد (صلی الله علیه وآله) و آل محمد (علیهم السلام)، به ایشان ستم نمود و آخرین کسی که از این ستمگران در غضب کردن حق ایشان، پیروی کرد . خداوندا ! لعنت کن گروهی را که با حسین (علیه السلام) به جنگ برخاستند و از دشمنان او پیروی نموده، با آنان بیعت کرده و بر قتل آن حضرت و کشتن یارانش، با ایشان هم قسم شدند .

خداوندا ! همگی آنان را لعنت نما و از رحمت دور ساز .

سپس صد مرتبه می گویی:

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر ارواح طیبه ای که اطرافت را گرفته و در مأوی و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده اند . از جانب من، سلام، تحیت و رحمت خدا همیشه بر شما باد تا وقتی که من باقی، و شب و روز باقی می باشند و این

زیارت را آخرین زیارت من قرار مده . سلام بر حسین و بر علی بن الحسین و
بر یاران حسین، صلوات و رحمت خدا بر همه ایشان باد .

سپس یک مرتبه می گویی:

بارخدایا ! لعن خود را مخصوص گردان به اولین کسی که به اهل بیت
پیغمبرت ستم کرده، سپس لعن کن دشمنان آل محمد را از اولین و آخرین.
خدایا ! یزید و پدرش را لعن فرما و عبیدالله بن زیاد و دودمان مروان و همه بنی
امیه را تا روز قیامت لعن کن .

سپس به سجده می روی و در آن می گویی:

بارخدایا ! تو را ستایش می کنیم؛ ستایش سپاسگزاران بر مصیبتی که بر آنان
وارد می شود، حمد و ستایش خدا بر سنگینی مصیبت و عزاداری من . خدایا !
شفاعت امام حسین (علیه السلام) را در روز ورود به جهان آخرت نصیبم فرما و
قدم صدقی را نزد خودت، همراه امام حسین (علیه السلام) و اصحابش برای من
ثابت بگردان، آن اصحابی که جانشان را در برابر امام حسین (علیه السلام) ایثار
نمودند، صلوات و رحمت خدا بر همه آنان باد .

(پایان ترجمه زیارت عاشورا)

علقمه می گوید: حضرت ابوجعفر امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ای علقمه اگر
بتوانی هر روز با این زیارت (زیارت عاشورا) امام حسین (علیه السلام) را زیارت
کنی، البته این کار را انجام بده، که ان شاء الله تمام ثواب هایی که ذکر شده برای
منظور می گردد».

دعای بعد از زیارت عاشورا (حدیث صفوان)^{۷۰}

«وروی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال وعندنا جماعة من أصحابنا إلى الغری بعدما خرج ابو عبدالله (عليه السلام)، فسرنا من الحيرة إلى المدينة، فلما فرغنا من الزيارة [زيارة أمير المؤمنين (عليه السلام)] صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله الحسين (عليه السلام) فقال لنا: تزورون الحسين (عليه السلام) من هذا المكان عند رأس أمير المؤمنين (عليه السلام) من ههنا أو ما إليه ابو عبدالله الصادق (عليه السلام) وأنا معه. قال: فدعا صفوان بالزيارة التي رواها علقمة بن محمد الحضرمي عن ابي جعفر (عليه السلام) في يوم عاشوراء ثم صلى ركعتين عند رأس أمير المؤمنين (عليه السلام) وودّع في دبرها أمير المؤمنين (عليه السلام) وأوماً إلى الحسين بالسلام، منصرفاً بوجهه نحوه وودّع وكان فيما دعا في دبرها؛

يا الله يا الله يا الله، يا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يا كاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، يا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا

۷۰- اکثر ناشرین که کتاب مفاتیح الجنان را چاپ کرده اند، این فقره از دعا را به نام «دعای علقمه» ذکر کرده اند، حال آنکه علقمة این دعا را نقل نکرده، بلکه این دعا متعلق به صفوان می باشد، صفوان می گوید: امام (عليه السلام) بعد از آنکه دو رکعت به جای آورد این دعا (دعای بعد از زیارت عاشورا) را خواند، آنگاه سیف بن عمیره خطاب به صفوان می گوید: علقمه بن محمد این دعا را بر ما نخواند، پس نشان می دهد که این دعا نقل علقمة نیست بلکه نقل صفوان است و اشتباهاً به دعای علقمة معروف شده است.

مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأُفُقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ،
وَيَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَيَا مَنْ لَا تَغْلُظُهُ
الْحَاجَاتُ، وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ، يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ،
وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا
مُنْفَسَ الْكُرْبَاتِ، يَا مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ، يَا وَلِيَّ الرَّغْبَاتِ، يَا كَافِيَ الْمُهِمَّاتِ، يَا مَنْ يَكْفِي
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَإِنِّي
بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ
وَأُقْسِمُ وَأُعْزِمُ عَلَيْكَ، وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي
فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ،
وَبِهِ أَبْنَتْهُمْ وَأَبْنَتْ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ، حَتَّى فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعاً،
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي،
وَتَكْفِينِي الْمُهِمَّ مِنْ أُمُورِي، وَتَقْضِيَ عَنِّي دِينِي وَتَجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ وَتَجِيرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ
وَتُغْنِيَنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ، وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ، وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ
جَوْرَهُ، وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ، وَحُزُونََ مَنْ أَخَافُ حُزُونَتَهُ، وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ،
وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ، وَيَغِي مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ، وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ، وَكَيْدَ مَنْ

أَخَافُ كَيْدَهُ، وَمَقْدِرَهُ مَنْ أَخَافُ مَقْدِرَتَهُ عَلَيَّ، وَتَرَدُّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ وَمَكْرَ الْمَكْرَةِ،
اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ، وَأَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبِأَسْأَلُ وَأَمَانِيَهُ،
وَأَمْنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَ شِئْتَ، اللَّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ، وَبِإِلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ،
وَبِإِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا، وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ، وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبِرُهَا، اللَّهُمَّ اضْرِبْ
بِالذُّلِّ نَصَبَ عَيْنِيهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ، حَتَّى تَشْغَلَهُ
عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ، وَأَنْسِيهِ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ
وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ
السُّقْمَ وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي، وَاكْفِنِي يَا
كَافِي مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِيَ سِوَاكَ، وَمُفَرِّجٌ لَا مُفَرِّجَ سِوَاكَ،
وَمُغِيثٌ لَا مُغِيثَ سِوَاكَ، وَجَارٌ لَا جَارَ سِوَاكَ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ، وَمُغِيثُهُ
سِوَاكَ، وَمَفْزَعُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَمَهْرَبُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَمُلْجَأُهُ إِلَى غَيْرِكَ سِوَاكَ، وَمَنْجَاةُ
مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ، فَأَنْتَ تَقْتِي وَرَجَائِي وَمَفْزَعِي وَمَهْرَبِي وَمُلْجَأِي وَمَنْجَايَ، فَبِكَ
أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ، فَأَسْأَلُكَ
يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، فَالْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ،
فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ
وَعَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ

عَنْهُ وَكَفَّنِي كَمَا كَفَّنْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ، وَمَوْنَةَ مَا أَخَافُ مَوْنَتَهُ، وَهَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ بِلا مَوْنَةٍ عَلَى نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ، وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَكِفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ .

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا، اَللَّهُمَّ أَحْيِنِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَمَتِنِي مِمَّا تَهْتَمُّ وَتَوْفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَتَيْنَكُمَا زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا، وَمُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي هَذِهِ فَاشْفَعَا لِي فَإِنَّ لَكُمَا عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْجَاهَ الْوَجِيهَ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ، إِنِّي أَتَقَلَّبُ مِنْكُمَا مُنْتَظِرًا لِنَتِجَزِ الْحَاجَةَ وَقَضَائِهَا وَنَجَاحِهَا مِنْ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ، فَلَا أُخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَاسِرًا، بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَتَشَفُّعًا لِي إِلَى اللَّهِ، انْقَلَبْتُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مُفَوَّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ مُلْجَأًا ظَهَرِي إِلَى اللَّهِ، مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَوَرَاءَكُمْ يَا سَادَتِي مُنْتَهَى، مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمَا، اِنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ وَأَنْتَ

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي وَسَلَامِي عَلَيْكُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمَا غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُمَا سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمَا أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلَ فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، إِنَّقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمَا تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا، رَاجِيًا لِلْإِجَابَةِ غَيْرَ آيِسٍ وَلَا قَانِطٍ، آيِبًا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى زِيَارَتِكُمَا، غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكُمَا وَلَا عَنْ زِيَارَتِكُمَا بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، يَا سَادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُمَا وَإِلَى زِيَارَتِكُمَا بَعْدَ أَنْ زَهَدَ فِيكُمَا وَفِي زِيَارَتِكُمَا أَهْلُ الدُّنْيَا، فَلَا خِيْبَتِي اللَّهُ مَا رَجَوْتُ وَمَا أُمِّلْتُ فِي زِيَارَتِكُمَا إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ. (پایان دعای بعد از زیارت عاشورا [حدیث صفوان]):

«قال سيف بن عميرة: سألت صفوان، فقلت له: إنَّ علقمة بن محمد الحضرمي، لم يأتنا بهذا عن أبي جعفر (عليه السلام)، إنَّما أتانا بدعاء الزيارة، فقال صفوان: وردت مع سيدي أبي عبد الله (عليه السلام) إلى هذا المكان، ففعل مثل الذي فعلناه في زيارتنا، ودعا بهذا الدعاء عند الوداع بعد أن صلى كما صلينا، وودَّع كما ودَّعنا، ثم قال لي صفوان: قال لي أبو عبد الله (عليه السلام): تعاهد هذه الزيارة وادع بهذا الدعاء وزر به، فإنني ضامن على الله تعالى لكل من زار بهذه الزيارة ودعا بهذا الدعاء من قرب أو بعد، أن زيارته مقبولة وسعيه مشكور وسلامه واصل غير محجوب وحاجته مقضية من الله بالغاً ما بلغت ولا يخيبه. يا صفوان وجدت هذه الزيارة مضمونة بهذا الضمان عن أبي وأبي عن أبيه على بن الحسين (عليه السلام)، مضموناً بهذا الضمان عن

الحسين، والحسين عن أخيه الحسن مضموناً بهذا الضمان، والحسن عن أبيه أمير المؤمنين مضموناً بهذا الضمان، وأمير المؤمنين عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) مضموناً بهذا الضمان، ورسول الله (صلى الله عليه وآله) عن جبرئيل (عليه السلام) مضموناً بهذا الضمان، وجبرئيل عن الله عز وجل مضموناً بهذا الضمان، قد آلى الله على نفسه عز وجل أن من زار الحسين (عليه السلام) بهذه الزيارة من قرب أو بعد ودعا بهذا الدعاء، قبلت منه زيارته وشفعته في مسأله بالغاً ما بلغ وأعطيته سؤله، ثم لا ينقلب عني خائباً وأقلبه مسروراً قريباً عينه بقضاء حاجته والفوز بالجنة والعق من النار، وشفعته في كل من شفع خلا ناصب لنا اهل البيت آلى الله تعالى بذلك على نفسه وأشهدنا بما شهدت به ملائكة ملكوته على ذلك، ثم قال جبرئيل: يا رسول الله أرسلني إليك سروراً وبشراً لك، وسروراً وبشراً لعلي (عليه السلام) وفاطمة والحسن والحسين (عليهما السلام) وإلى الأئمة من ولدك إلى يوم القيامة، فدام يا محمد سرورك وسرور علي وفاطمة والحسن والحسين والأئمة (عليهم السلام) وشيعتكم إلى يوم البعث، ثم قال صفوان: قال لي أبو عبد الله (عليه السلام): يا صفوان إذا حدث لك إلى الله حاجة، فزر بهذه الزيارة من حيث كنت، وادع بهذا الدعاء وسل ربك حاجتك تأتاك من الله، والله غير مخلف وعده ورسوله (صلى الله عليه وآله) بمنه والحمد لله»^{٧١}.

ترجمه‌ی دعای بعد از زیارت عاشورا (حدیث صفوان)^{۷۲}

محمد بن خالد طرابلسی به نقل از سیف بن عمیره می گوید: من و صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف حرکت کردیم. بعد از خروج امام صادق (علیه السلام) از حیره به جانب مدینه، آنگاه که ما از زیارت فارغ شده و با مولای متقیان وداع نمودیم، صفوان گفت: برماست که از این مکان (اشاره به بالاسر مضجع شریف امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)) امام حسین (علیه السلام) را زیارت کنیم، زیرا در خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم و ایشان از همین مکان حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را زیارت کردند، آنگاه صفوان بعد از خواندن زیارت عاشورا و دو رکعت نماز آن، از همان بالاسر مضجع توجه به مشهد سیدالشهدا (علیه السلام) نموده و در ضمن اشاره این دعا را خواند:^{۷۳}

ای خدا، ای خدا، ای خدا! ای مستجاب کننده دعای بیچارگان و ای برطرف کننده غم و اندوه پریشان خاطران. ای دادرس دادخواهان و ای فریادرس فریادخواهان و ای آنکه از شاهرگ من به من نزدیک تری.
ای آنکه بین شخص و قلب او حایل می شوی! ای آنکه ذات در منظر بلند و وجودت در افق، روشن است.

۷۲- در اکثر کتب چاپ شده مفاتیح الجنان این دعا به نام علقمة معرفی شده است حال آنکه این دعای علقمة نیست بلکه حدیث صفوان بن مهران است.
۷۳- مصباح المتعجل، ص 777؛ مزار کبیر، باب 71، ص 325 و 328.

ای آنکه او منحصرأ بخشاینده و مهربان و بر عرش مستقر است، ای آنکه نظر چشم آنان که به خیانت نگرند و آنچه در دل ها پنهان دارند، همه را می دانی؛ ای آنکه هیچ امر مستور و سر مخفی بر تو پنهان نیست. ای آنکه اصوات بر تو مشته نخواهد شد و حاجات، تو را به اشتباه نیفکند و ای کسی که الحاح و التماس، تو را رنج و ملال ندهد.

ای مُدرک هرچه فوت شود و ای جمع آرنده هرچه در جهان متفرق و پریشان شود، ای برانگیزنده جان ها پس از موت.

ای آنکه تو را در هر روز شأن خاصی است؛ ای برآورنده حاجات؛ ای برطرف کننده غم و رنج ها؛ ای عطا بخش سؤالات.

ای مالک رغبت و اشتیاقات، ای کفایت کننده مهمات خلایق.

ای کسی که تو به تنهایی کفایت از همه می کنی و هیچ چیز در آسمان و زمین از تو کفایت نمی کند.

از تو درخواست می کنم، به حق محمد(صلی الله علیه وآله)، خاتم پیغمبران و به حق علی، امیر اهل ایمان و به حق فاطمه، دخت پیغمبرت و به حق حسن و حسین(علیه السلام) که من به وسیله آن بزرگواران به درگاه حضرتت روی آورده ام در این مقام و به آنها توسل جسته و آنان را به درگاهت شفیع می آورم و به حق آن پاکان از تو مسئلت می کنم و سوگند می خورم و سوگند می دهم تو را و به شأن و مقامی که آن بزرگواران را نزد توست، و به قدر و منزلتشان نزد تو، و به آن سر حقیقتی که موجب افضیلت آنها بر عالمیان گردید و به آن اسم خاصی که

تو نزد آنها قرار دادی از همه خلق به آنها اختصاص دادی تا آنکه فضل و کمال آنان برتر از تمام عالمیان گردید.

(به این امور تو را قسم می دهم و) از تو درخواست می کنم که درود فرستی بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله)، و هم و غم و رنج مرا برطرف سازی. و مهمات امورم را کفایت فرمایی و دینم را ادا سازی و از فقر و مسکنتم نجات دهی و مرا از سؤال از خلق، به لطف و کرمت بی نیاز گردانی و مرا کفایت کنی از هر هم و غمی که از آن می ترسم و از مشکل و دشواری هر که را که از او خائفم و از شر هر اشراری که ترسانم و از مکر و ظلم و جور کسانی که ترسناکم و از تسلط، خدعه، کید و اقتدار کسانی که از آنها خائفم بر خود؛ از همه مرا حفظ و کفایت فرمایی و کید و خدعه حیل و گران و مکر مکاران را از من بگردانی.

پروردگارا! هرکس با من اراده شری دارد، شرش را به خود او برگردان و هرکه با من قصد خدعه و فریب دارد آرزو، فریب و آسیب او را از من برطرف ساز و به هر طریق و به هرگاه که می خواهی، آزارش را از من منع فرما. خداوند! سرگرمش کن او را از من، به چنان فقر و بیچارگی که جبرانش نکنی و به بلایی که مستورش نکنی و به نیازمندی و تهی دستی که سامانش ندهی و به دردی که درمانش نکنی و به خواری و ذلتی که عزتش ندهی و به چنان بیچارگی که جبرانش نکنی.

خداوند! ذلت نفس را نصب العین او گردان و فقر و احتیاج را به منزل او داخل ساز، و درد و مرض را به بدن او جای ده تا او را از من، همیشه مشغول درد و الم و فقر خودش گردانی و مرا از یاد او ببر چنان که یاد خود را از خاطرش بردی و آن دشمن مرا تو به کرم، گوش، چشم، زبان، دست، پا، قلب و جمیع اعضایش را از آزار و اذیت به من منع فرما و دردی به تمام این اعضا و جوارحش مسلط فرما که ابداً شفا نبخشی تا از من مشغول شود و یاد من از خاطرش برود و مهمات مرا کفایت فرما، ای کافی! مهماتی که غیر تو احدی آن مهمات را کفایت نتواند کرد که همانا تویی کفایت کننده در عالم و جز تو کفایت کننده ای نیست و فرج و گشایش امور منحصر به توست و غیر تو نیست، و فریاد رس خلق تویی و غیر تو نیست و پناه بیچارگان تویی و غیر تو نیست.

هرکس به جوار غیر تو پناه برد و فریادرسی جز تو طلبید و زاری به درگاه غیر تو کرد و ملجأ و پناهی غیر تو جست و نجات بخشی ماسوای تو، از مخلوق طلب کرد، محروم و ناامید گشت.

پس تویی ای خدا، اعتماد و امید من و محل زاری، پناه، ملجأ و نجات بخش من که به لطف تو گشایش و فیروزی می طلبم و به وسیله محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) به درگاه تو روی می آورم و توسل و شفاعت می جویم. پس از تو درخواست می کنم ای خدا، ای خدا، ای خدا! و تو را شکر و ستایش می کنم و به درگاه تو به شکوه، ناله و زاری می آیم و از تو یار و یاور می طلبم.

باز تنها از تو مسئلت می کنم، ای خدا، ای خدا، ای خدا! به حق محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله) که درود فرستی بر محمد و آل اطهارش و از من هم و غم و رنج و پریشانیم را برطرف سازی در همین جا که اقامت دارم.

چنان که هم و غم و رنج پیغمبرت را نیز تو برطرف فرمودی و از هول و هراس دشمنش کفایت کردی؛ پس از من برطرف ساز چنان که از آن حضرت برطرف ساختی و به من فرج و گشایش بخش، چنان که به او بخشیدی، و امورم را کفایت فرما چنان که از او کفایت فرمودی، و هرچه از آن هراسانم تو برطرف گردان و از من آنچه که از مشقت و زحمتش ترسانم و آنچه از او اندوهناک و پریشان خاطرم بدون رنج و زحمت برخوردارم، تو از من کفایت فرما و مرا حاجت برآورده، از اینجا بازگردان و مهمات امور دنیا و آخرت را کفایت فرما.

ای امیرالمؤمنین و ای ابا عبدالله الحسین! سلام و تحیت خدا از من بر شما باد، همیشه تا من باقیم و تا شب و روز باقی است و خداوند این زیارت مرا آخرین عهد من در زیارت شما قرار ندهد و خدا هرگز میان من و شما جدایی نیفکند.

خداوندا! مرا به طریق حیات محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله) زنده بدار و به طریق آنان بمیران و بر ملت و شریعتشان قبض روح فرما و در زمره آن بزرگواران محشورم گردان و طرفه العینی تا ابد در دنیا و آخرت میان من و آنها جدایی میفکن.

ای امیرالمؤمنین و ای ابا عبدالله! من آمدم به زیارت شما و برای توسل به سوی خدا، پروردگار من و شما و برای توجه به درگاه او به وسیله شما و به شفاعت شما و به شفاعت شما به سوی خدا، برای برآمدن حاجتم؛ پس برای من به درگاه خدا شفاعت کنید که شما را نزد خدا مقام بلند محمود، آبرومندی رتبه و منزلت رفیع است و وسیله خدایید.

حال که من از زیارت شما باز می گردم، منتظر برآمدن قطعی حاجت و روا شدن آن از لطف خدا هستم به واسطه شفاعتی که شما به درگاه حق در این باره برایم می فرمایید.

پس ای خدا! ناامید نشوم و از این سفر زیارت به زیان و حرمان باز نگردم؛ بلکه از آن درگاه کرم، با فضیلت، رستگاری، فیروزی، اجابت دعاها و برآورده شدن تمام حاجاتم باز گردم و با شفاعت به درگاه حق برگردم بر آنچه مشیت خدا قرار گرفته و هیچ جنبش و نیرویی جز به خواست خدا نیست، کارم را به خدا واگذار می کنم و پشت و پناهم را خدا قرار می دهم و بر خدا توکل می کنم.

پیوسته می گویم که خدا مرا بس و کافی است، که خدا هر که او را به دعا بخواند می شنود و مرا جز درگاه شما بزرگوارانم که اولیای خدایید، دری دیگر نیست.

آنچه پروردگارم خواسته، وجود یابد و آنچه نخواستہ وجود نخواهد یافت و هیچ جنبش و نیرویی جز به خواست خدا وجود ندارد.

من شما دو بزرگوار را اینک وداع می گویم و خدا این زیارت را آخرین عهدم به زیارت شما قرار ندهد.

من بازگشتم، ای آقای من، ای امیرالمؤمنین! و ای آقای من، ای ابا عبدالله! و سلام و تحیت من، مادام که شب و روز پیوسته به یکدیگرند بر شما باد و همیشه این سلام من به شما واصل شود و هیچ گاه از شما پوشیده و محجوب نباشد، ان شاء الله و از خدا به حق شما دو بزرگوار مسئلت می کنم که این، همیشه با مشیت خدا و عنایت الهی انجام یابد که او البته خدای بزرگوار ستوده صفات است.

ای آقای من! بازگشتم از زیارت شما در حالی که از هر گناه توبه کرده و به حمد، شکر و سپاس حق مشغولم و امیدوار اجابت دعاهایم هستم و ابداً از لطف خدا مأیوس نیستم که باز مکرر، رجوع به درگاه شما و بازگشت به زیارت قبور مطهر شما کنم و از شما و زیارت قبور مطهرتان هیچ سیر نشوم؛ بلکه مکرر باز بیایم ان شاء الله و البته هیچ جنبش و نیرویی جز به خواست خدا نخواهد بود.

ای بزرگان! من به زیارت شما مشتاق و مایل بودم، بعد از آنکه اهل دنیا را دیدم که به شما و زیارت شما بی میل و رغبت بودند؛ پس خدا مرا از امید و آرزویی که دارم محروم نگرداند و از زیارت شما نیز محروم نسازد که او به ما نزدیک است و بسیار اجابت کننده دعا است. (پایان ترجمه زیارت بعد از زیارت عاشورا

(حدیث صفوان))

سیف بن عمیره گوید به صفوان گفتیم: علقمه بن محمد این دعا را برای ما از حضرت باقر (علیه السلام) روایت نکرد بلکه همان زیارت را حدیث کرد؟ صفوان گفت: وارد شدم با سید خودم حضرت صادق (علیه السلام) به این مکان، پس به جا آورد مثل آنچه را که ما به جا آوردیم در زیارت و دعا کرد به این دعا هنگام وداع، بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت چنانچه ما نماز گذاشتیم و وداع کرد چنانکه ما وداع کردیم، پس صفوان گفت: حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود: مواظب باش این زیارت را و بخوان این دعا و زیارت کن به آن پس به درستی هر که زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا از نزدیک یا دور من ضامنم بر خدا که زیارتش مقبول شود و سعیش مشکور و سلامش به آن حضرت برسد و محجوب نماند و حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نومید برنگرداند، ای صفوان یافتیم این زیارت را به این ضمان از پدرم و پدرم از پدرش علی بن الحسین (علیه السلام) به همین ضمان و از حسین (علیه السلام) به همین ضمان و حسین (علیه السلام) از برادرش حسن (علیه السلام) به همین ضمان و حسن (علیه السلام) از پدرش امیرالمؤمنین (علیه السلام) با همین ضمان و امیرالمؤمنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با همان ضمان و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از جبرئیل با همین ضمان و جبرئیل از خدای تعالی با همین ضمان، و به تحقیق که خداوند عزوجل قسم خورده به ذات مقدس خود، که هر که زیارت کند حسین (علیه السلام) را با این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، قبول می کنم از او زیارت او را، و می پذیرم از او

خواهش او را به هر قدر که باشد و میدهم خواسته اش را، پس باز نگردد از نزد من با ناامیدی و خسار و بازش گردانم با چشم روشن به بر آوردن حاجت و فوز به جنت و آزادی از دوزخ و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند، حضرت فرماید: جز دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود، قسم خورده حق تعالی به این امر بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند با آن ملائکه ملکوت او، پس جبرئیل گفت: یا رسول الله خدا فرستاده مرا به سوی تو به جهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی (علیه السلام) و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد تو (علیهم السلام) تا روز قیامت پس مستمر و پاینده باد مسرت تو و مسرت علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و امامان (علیهم السلام) و شیعه شما تا روز رستخیز. پس صفوان گفت: حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای صفوان هرگاه روی داد از برای تو به سوی خدای عزوجل حاجتی، پس زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که بوده باشی و بخوان این دعا را، بخواه از پروردگار خود حاجت را که برآورده شود از خدا و خدا خلاف نخواهد فرمود و وعده خود را بر رسول خود به جود و امتنان خویش والحمد لله.

زیارت عاشورا در کتب روائی

زیارت عاشورا یکی از زیارات مشهوره می باشد، که در کتب بزرگان شیعه در طول قرون و اعصار ذکر شده است، که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی (رحمه الله)، قرن چهارم
2. مصباح المتعجل، شیخ طوسی (رحمه الله)، قرن پنجم
3. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)، قرن ششم
4. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم
5. فرح الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم
6. منهاج الصلاح، علامه حلی (رحمه الله)، قرن هشتم
7. کتاب مزار، شهید اول، سید محمد بن مکی (رحمه الله)، قرن نهم
8. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعمی (رحمه الله)، قرن دهم
9. بحار الانوار و تحفہ الزائر و زاد المعاد، علامه مجلسی (رحمه الله)، قرن یازدهم و

عدم نیاز به بررسی سند زیارت عاشورا

استاد الفقهاء میرزا جواد تبریزی (قدس سره) معتقد بودند، زیاراتی مانند زیارت عاشورا (جامعه کبیره، توسل، کساء، ناحیه مقدسه و...) احتیاج به بررسی سند ندارد، و این گونه زیارات مشهور و شعار شیعه شده است و مضامین آن در

روایات صحیح وجود دارد و علماء بزرگ بدان عمل کرده و جزء معتقدات شیعه شده است، چه شعاری بالاتر از بیان ظلم‌هایی که بر خاندان اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است. زیارت عاشورا بیان ظلم، و لعن بر ظالمین اهل بیت (علیهم السلام) و سیدالشهدا (علیه السلام) و احیاء واقعه طف است و باید بر آن محافظت کرد، زیرا زنده نگاه داشتن واقعه کربلا، زنده نگاه داشتن مذهب بر حق تشیع است. اگر کسی به مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص هجوم به خانه وصی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و دخت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و حضرت صدیقه شهیده فاطمه زهرا (علیها السلام) و سیدالشهدا امام حسین (علیه السلام) (که از مسلمات نزد شیعه است) آگاهی پیدا کند، حقیقت را خواهد یافت. همانگونه که بسیاری از افراد به واسطه آگاهی بر این ظلم‌ها حقانیت مذهب تشیع و اهل بیت (علیهم السلام) بر آنها روشن گردیده و بدان روی آورده اند. همانگونه که شهادت بر مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) (شهادت ثالثه) در اذان شعار شیعه شده است و ترک آن جایز نمی باشد و کوتاهی در مثل این موارد گناهی نابخشودنی به دنبال دارد⁷⁴، زیرا که شعار مذهب و بانگ حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) است.

۷۴- کلیه فرازا از کتاب زیارت عاشورا فراتر از شبهه و مجموعه استفتائات فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) اخذ شده است.

شهرت زیارت عاشورا

یکی از زیارات مشهوره که علماء بزرگ به آن توجه خاص داشته اند و در کتب خود، متن کامل زیارت، همراه با فضائل آن زیارت شریفه را، نقل نموده اند، زیارت مبارکه عاشورا می باشد. بزرگانی چون: شیخ طوسی (رحمه الله) در مصباح المتعجل، ابن قولویه قمی (قدس سره) در کتاب کامل الزیارات، مرحوم کفعمی در کتاب بلد الامین، مرحوم ابن طاووس (رحمه الله) در مصباح الزائر و شهید اول در مزار و... تمام فرازهای زیارت و فضائل آن را ذکر کرده اند. زیارت عاشورا جزء زیارات مشهور و مجرب است که علماء بزرگ در قرون متمادیه بر آن تأکید کرده اند.

کفایت شهرت در ثبوت بعضی از موضوعات خارجی

یادگیری احکام شرعی و فراگیری مسائل فقهی از برترین کارهاست، شما می دانید که در رابطه با ثبوت موضوعات خارجی حدودی وجود دارد، و در همه و یا در بیشتر آنها باید بینه اقامه گردد، ولی در پاره ای از امور، مجرد شهرت در ثبوت (موضوعات خارجی) کافی است، و نیازی به اقامه بینه و یا چیز دیگری ندارد، مثل آنکه، کسی زمینی را بخرد و پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است، از امام (علیه السلام) در مورد حکم این مسئله سؤال شد. حضرت (علیه السلام) فرمود: اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است خرید آن جایز نیست، و آن را پس بدهد، و از این قبیل است حدود منی و

مشعر، (که حدود منی و عرفات با شهرت ثابت می شود)، و همچنین مقابر، ممکن است کسی دویست سال پیش در جایی دفن شده باشد، والان کسی نباشد که دیده باشد فلان شخص در این مکان دفن شده، ولی بین مردم مشهور است که این مکان، محل دفن فلان شخص است، این شهرت کافی است.

و از این روست مقام و مزار حضرت رقیه بنت الحسین (علیها السلام)، که از اول مشهور بود، گویا حضرت امام حسین (علیه السلام) نشانی را از خود در شام به یادگاری سپرده است، تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار اسارت خاندان طهارت (علیهم السلام) و حوادث آن پردازند، این دختر خردسال گواه بزرگی است بر اینکه در ضمن اسیران حتی دختران خردسال نیز بوده اند، ما ملتزم به این هستیم که بر دفن حضرت رقیه (علیها السلام) در این مکان شهرت قائم است، حضرت (علیها السلام) در این مکان جان سپرده و دفن شده است. ما به زیارتش شتافتیم، و باید احترام او را پاس داشت، (نگویید خردسال است) علی اصغر (علیه السلام) که کودک شیرخواری بود، دارای آن مقامی است که روبروی حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در کربلا دفن گردید، گفته اند که دفن وی در این مکان نشان از آن دارد که در روز حشر حضرت (علیه السلام) این کودک (علی اصغر) (علیه السلام) خردسال را به دست خواهد گرفت و نشان خواهد داد. دفن این طفل خردسال (حضرت رقیه (علیها السلام)) در شام گواه بزرگ و نشان قوی از اسارت خاندان طهارت، و ستم روا داشته بر ایشان دارد، آن ستمی که تمام پیامبران از آدم تا خاتم بر آن گریستند، تا آنجا که خدا عزای امام حسین (علیه السلام) را بر آدم

خواند، از این رو احترام این مکان لازم است، به سخنان فاسد گوش فرا ندهید، و به سخنان باطلی که می گویند: رقیه (علیها السلام) طفلی خردسال بیش نبود، گوش فرا ندهید، مگر علی اصغر (علیه السلام) کودک خردسال نیست که در روز قیامت شهادی خواهد بود، و موجب آمرزش گنهکاران شیعه خواهد شد ان شاء الله تعالی.

بنابراین بر همه واجب است احترام این مکان (محل دفن حضرت رقیه (علیها السلام)) را داشته باشند، و به سخنان فاسد و بیهوده ای که از گمراهی شیاطین است، گوش فرا ندهند و اعتنایی نکنند. ما با زیارت دختر امام حسین (علیه السلام) (رقیه (علیها السلام)) به خداوند متعال تقرب می جوئیم، آن دختری که خود مظلوم بود، و خاندان وی همه مظلوم بودند^{۷۵}.

نتیجه کلام: مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمایند: مجرد شهرت در ثبوت پاره ای از موضوعات خارجی کافی است و لذا می توان این استفاده را از کلام ایشان کرد که برای اثبات زیارت عاشورا، نیازی به اقامه بینه وجود ندارد بلکه صرف شهرت در اثبات اعتبار آن کافی می باشد.

چرا زیارت عاشورا در مجامع حدیثی شیعی ذکر نشده است

۷۵- درس های برگرفته از فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره)، ص ۱۵۹.

مجامع حدیثی شیعه به عنوان منابع مورد مراجعه کلیه افراد حتی عامه بوده است و مبنای محدثان بزرگ اجتناب از ذکر احادیثی بوده که با تقیه سازگاری ندارد (با توجه به اینکه شیعه همواره در فشار حکام جور بوده است)، از این رو مشاهده می شود که این زیارت شریفه در منابع حدیثی ذکر نشده است و به ذکر زیارت عاشورا در کتب ادعیه، که فقط مورد مراجعه شیعه بوده، اکتفا نموده اند، پس عدم ذکر زیارت عاشورا در منابع اولیه شیعه، حاکی از آن نیست که این زیارت قبلاً نبوده و بعد پدید گشته است، بلکه دستگاه ظلم که بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با تکیه بر اریکه قدرت، قرن ها نگذاشت شیعه به راحتی رأی و معتقدات خود را منتشر کنند و بارها کتابخانه های شیعی به واسطه مخالفین مورد هجوم قرار گرفته، و به آتش کشیده شد. به همین جهت علماء بزرگ با تلاش بی وقفه و تحمل مشقات آن زمان (که همواره در دوران متعدد، تقیه را پیشه کار خود قرار داده بودند) توانستند اثری را جهت حفظ مبانی حدیثی شیعه تدوین نمایند. که اولین آنها 400 اثری بود که به اصول اربعمائه معروف گردید. این مجموعه توسط اصحاب ائمه (علیهم السلام) تدوین شد، که حاوی کلمات ائمه (علیهم السلام) در موضوعات مختلف بوده است که به مرور زمان، و هجوم به منابع غنی شیعی، اکثر آنها از بین رفته است، و آنچه که امروزه از اصول اربعمائه باقی مانده است بیش از 16 اصل نمی باشد، که مرحوم محدث نوری (رحمه الله) در خاتمه کتاب مستدرک الوسائل ذکر نموده اند. سپس با تلاش

بزرگان، کتب اربعه تدوین شد که هم اکنون این کتب «الکافی، تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه» منبع مراجعه علماء بزرگ می باشد.

از زمان غضب خلافت و تخلف از فرامین رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) و خانه نشین کردن امام شیعیان علی بن ابی طالب(علیه السلام) و تبعید یاران راستین اسلام، فشار بر شیعیان و مخلصین درگاه اهل بیت(علیهم السلام) به واسطه مخالفین روز به روز بیشتر شد و عرصه را بر شیعیان تنگ تر کردند، در شام که دورترین نقطه خلافت اسلامی بود، بنی امیه - لعنة الله علیهم - ریشه دواند و قدرت گرفت و جانشین رسول خدا(صلی الله علیه وآله) را بر روی منابر مورد لعن قرار داده و با به شهادت رساندن دخت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فاطمه زهرا(علیها السلام) و علی بن ابی طالب(علیه السلام) وصی بر حق رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)، هر آنچه که توانستند بر سر اسلام آوردند. به طوری که دو ریحانه رسول خدا(صلی الله علیه وآله)، امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) را با بدترین آزارها به شهادت رساندند.

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

ذلت و خواری شیعه و بلای مهم و کشتار، پس از شهادت امام حسن(علیه السلام) و در زمان معاویه بود. در هر شهری شیعیان ما را می کشتند و دست و پای افراد را، حتی به گمان شیعه بودن آنان، قطع می کردند. هرکسی به ما اظهار محبت می نمود، به زندان می رفت. اموالش را غارت، و خانه اش را خراب

می کردند و این بلا و مصیبت ادامه داشت، تا آن که زمان ابن زیاد و قاتل امام حسین (علیه السلام) فرا رسید»^{۷۶}.

پس از بنی امیه، بنی عباس - لعنہ الله علیہم - با شعار دروغین، با افکار پلید و منحرف خود، هر آنچه توانستند به سر شیعیان آوردند، زیرا از حقانیت و قدرت گرفتن شیعیان هراس داشتند و ائمه اطهار (علیهم السلام) را با بهانه های پوچ و بی اساس یا مسموم و یا شهید نمودند و اصحاب راستین آنان را زندانی، تبعید و یا به شهادت رساندند، این روش خصمانه در قرون متمادی ادامه داشت و حکام جور هر چه از آثار شیعی به دستشان می رسید از بین می بردند. لکن این مذهب با فداکاری علماء بزرگ و حامیان دین، توانست پا برجا بماند، ولو با اندک مبانی که علی رغم تقیه و فشار تدوین شده است و همواره علماء طائفه سعی کرده اند، طوری حرکت کنند که به دست مخالفین بهانه ندهند و عدم ذکر مثل زیارت عاشورا که با تقیه سازگاری ندارد، از همین رو است، به همین خاطر زیارت عاشورا را فقط در کتبی که مورد مراجعه شیعه بوده، ثبت و ضبط نموده اند. این زیارت شریفه عمدتاً در کتب ادعیه ای، که به کتب مزار علماء معروف است، ذکر شده است.

۷۶- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 15 .

اعتبار زیارت عاشورا

- 1- اگر خبری شهرت پیدا کرده یعنی از منابع حدیثی مختلف و به سندهای گوناگون، همراه با راویان متعدد، نقل شد، و به حد شهرت رسید، موجب وثوق و اطمینان به صدور آن خبر از معصوم (علیه السلام) خواهد شد.
- 2- گاهی منشأ عقلائی، موجب ثبوت و اطمینان به صدور روایت از معصوم می گردد، و آن به دلیل تنوع و تعدد منابع و مصادر خبر می باشد، که در نهایت موجب حصول اطمینان به صدور روایت از معصوم می شود، کما اینکه علمای بزرگ به بعضی از نصوص - با اینکه از جهت سند تمام نمی باشد - اعتماد کرده اند، به خصوص در مستحبات و مکروهات.
- 3- عالی بودن الفاظ و مضامین زیارت عاشورا، صدور آن را از اهل بیت (علیهم السلام) تأیید می نماید. [و این امر را به وضوح در کتاب «نهج البلاغه» مولانا امیر المؤمنین علی، بن ابی طالب (علیه السلام) مشاهده می کنیم، که مضامین عالی و انسجام الفاظ موجب اطمینان به صدور آن از مولانا امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است].
- 4- توافق مضامین زیارت با ملاکات و ادله عامه مذکوره در کتاب و سنت قطعی، خود دلیل دیگری بر اعتبار زیارت عاشورا است.
- 5- هماهنگی بخشی از مضامین و جملات وارده در زیارت عاشورا، از قبیل اظهار درد، اندوه، سلام و لعن، در برخی از روایات صحیح آمده است.

6- بعضی از فرازهای زیارت عاشورا، مدح، ستایش و سلام بر خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) می باشد، و فرازهای دیگر آن، لعن، نفرین و بیزاری از غاصبان و ظالمین اهل بیت (علیهم السلام) است، که این زیارت شریفه، جامع این دو امر (لعن و سلام) می باشد، و هر یک از این دو یعنی سلام بر خاندان اهل بیت (علیهم السلام) و لعن بر دشمنانشان - بر طبق روایات وارده از معصوم (علیهم السلام) - مورد تأکید امامان بوده، و برای آن اجر و پاداش فراوانی قرار داده شده است.

7- این زیارت، احیاء نام اهل بیت (علیهم السلام) است، چرا که یادآور ظلم هایی است که دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در حق آنان (علیهم السلام) روا داشتند، و برپایی هرگونه مجالس اهل بیت (علیهم السلام) که یادآوری مصائب و مظلومیت آنان (علیهم السلام)، به خصوص سیدالشهدا (علیه السلام) باشد، احیای امر آنها (علیهم السلام) است که ثواب فراوان دارد.

و در این زمینه روایات متعددی وارد شده است، که به بعضی از آنها اشاره می شود:

1- «قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَقْدِرُ عَلَيْنَا وَيَمْدَحُنَا وَيَرْثِي لَنَا»^{۷۷}

۷۷- کامل الزیارات، ص 539، ح 829؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 599.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می آیند، و ما را مدح و مرثیه می گویند».

2- «قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): تَزَاوَرُوا وَتَلَاقُوا وَتَذَاكُرُوا وَأَحْيُوا أَمْرَنَا»^{۷۸}

امام صادق (علیه السلام) فرمود: به زیارت و دیدار یکدیگر بروید، با هم به سخن و مذاکره بنشینید، و امر ما را (کنایه از امامت) زنده کنید».

3- «قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) لِلْفَضِيلِ: تَجْلِسُونَ وَتُحَدِّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْبَبُهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَى أَمْرَنَا»^{۷۹}

امام صادق (علیه السلام) از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می نشینید و حدیث و سخن می گوید؟ گفت: آری؟ فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند».

4- «قَالَ الرُّضَا (عليه السلام): مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ»^{۸۰}

امام رضا (علیه السلام) فرمود: هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (ولایت و امامت) ما احیا می شود، دلش در روزی که دل ها می میرند، نمی میرد».

۷۸- بحار الانوار، ج 71، ص 352.

۷۹- وسائل الشیعه، ج 10، ص 392.

۸۰- بحار الانوار، ج 44، ص 278.

خواندن زیارت شریفه عاشورا، خود به تنهایی یکی از راه های حفظ شعائر است؛ زیرا دارای الفاظ و مضامینی است، که موجب زنده نگاه داشتن واقعه کربلا می شود، و حماسه کربلا ارتباط مستقیم با دین دارد، و از جهت دیگر، حفظ دین بر همگان واجب است، و باید در برگزاری هر آنچه که دین را زنده نگاه می دارد - از جمله احیاء امر اهل بیت (علیهم السلام) - تلاش کرد.

8- زیارت عاشورا، صرف نظر از سند آن، تحت ادله عمومی استحباب زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) قرار گرفته است، و مشمول «اخبار من بلغ» نیز می شود. بر فرض خدشه در سند زیارت عاشورا، می توان ثواب قرائت این زیارت شریفه را، به واسطه فضل خداوند نسبت به بندگانش، که اخبار من بلغ بیانگر آن است، ثابت کرد.

اخبار من بلغ، مجموعه ای از روایاتی است که با عنوان اخبار من بلغ، از ائمه (علیهم السلام) نقل شده است، از جمله آنها: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَمْ يَقُلْهُ؛^{۸۱}

کسی که از پیامبر خبری به او برسد که مشتمل بر ثواب باشد و آن شخص این کار را انجام دهد، آن ثواب برای او خواهد بود، اگرچه رسول خدا آن را نفرموده باشد».

۸۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۰، باب ۱۸.

ظاهر این روایات، از فضل خداوند نسبت به بندگان خبر می دهد، که بدون در نظر گرفتن حکم واقعی عمل، هر عملی را که مؤمن به اعتماد فضل او انجام دهد، بی ثواب نخواهد گذارد برای نمونه می توان به مسجد کوفه اشاره کرد که فضیلت مسجد کوفه بر طبق روایات صحیحیه از مسلمات است، و در فضیلت^{۸۲} این مسجد همین کافی است، که محل عبادت بسیاری از انبیاء و امامان

۸۲- فضیلت مسجد کوفه و نماز در آن:

- 1- امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: «هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در این مسجد نماز خوانده اند». (کامل الزیارات، ص 28، ح 5)
- 2- در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «اگر من در نزدیکی مسجد کوفه بودم امید آن داشتم که حتی یک نماز در آن هم از من فوت نشود». سپس خطاب به راوی می فرماید: «آیا از فضل آن آگاهی؟» عرض کرد: نه، فرمود: «هیچ عبد صالحی و هیچ پیامبری نبود مگر اینکه در مسجد کوفه نماز خواند، حتی زمانی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به معراج رفت، جبرئیل به آن حضرت گفت: آیا می دانی در این لحظه در کجا هستی یا محمد؟ فرمود: نه؛ عرض کرد: تو در مقابل مسجد کوفه هستی. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: بنابراین، از پروردگارت اجازه بگیر که فرود آیم و در آن نماز بخوانم. جبرئیل اجازه گرفت، خداوند نیز اجازه داد و پیامبر (صلی الله علیه وآله) هبوط کرد و دو رکعت نماز خواند. آن گاه امام صادق (علیه السلام) فرمود: «نماز واجب در آن معادل هزار نماز، و نماز نافله در آن معادل پانصد نماز است. در هر جهت از چهار جهت او، باغی از باغ های بهشت قرار دارد. نشستن در آن بدون نماز و ذکر نیز، عبادت است». (کامل الزیارات، ب 8، ص 27، ح 6)
- 3- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به کسی که برای درک فضیلت مسجدالاقصی بار خود را بسته بود و برای خدا حافظی خدمت آن حضرت در مسجد کوفه رسید، فرمود: زاد و راحله ات را بفروش و بیا در این مسجد نماز بگذار که نماز واجب در آن، معادل یک حج مقبول و نماز نافله در آن، معادل یک عمره مقبوله است...هیچ غمزده و دردمندی حاجتی از حوائجش را در این مسجد طلب نمی کند مگر اینکه خداوند به او پاسخ می دهد و مشککش را برطرف می سازد». (کامل الزیارات، ب 8، ص 27، ح 18) و...

معصوم (علیه السلام) بوده است، لکن در خصوص اینکه هر رکعت نماز در آن مسجد شریف چقدر ثواب دارد، روایات مختلفی وارد شده است، اینگونه موارد را اخبار من بلغ شامل می شود، و ثوابی که در روایات بابت هر رکعت نماز در مسجد کوفه وارد شده است، خداوند متعال به فضل خود نسبت به بندگان، آن ثواب را می دهد، و همین گونه است زیارت سیدالشهدا (علیه السلام)، چرا که بر طبق روایات صحیح، زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) از افضل اعمال است، اما با توجه به احتمال ناصحیح بودن سند زیارت عاشورا (بر فرض قبول اشکال در سند زیارت)، اخبار من بلغ شامل این زیارت شریفه می شود، و ثواب موعود در زیارت شریفه عاشورا، به فضل خداوند به بندگان داده می شود. نهایتاً این نتیجه حاصل می شود، که قرائت زیارت عاشورا رجاءاً ثواب موعود را به دنبال دارد.

9- در مکاشفاتی^{۸۳} که برای برخی بزرگان شیعه رخ داده حکایت از اعتبار و عظمت این زیارت دارد.

محدث نوری در کتاب نجم الثاقب از سید احمد فرزند سید هاشم رشتی (رحمه الله)، تاجر ساکن رشت، نقل می کند که گفت: «در سال هزار و دویست و هشتاد، برای ادای حج و زیارت خانه خدا از رشت به تبریز آمدم، آنجا در خانه یکی از

۸۳- مکاشفه به معنی آشکار شدن اسرار و امور غیبی است. (آنچه در کشف و شهود به عنوان رکن اصلی نمود دارد داشتن چشم حقیقت بین است تا از مهم ترین حقیقت غیبی یعنی حقایق الهیه و اسماء پنهان در این گنجینه پرده بردارد).

تجار معروف، به نام حاج صفر علی منزل نمودم. چون کاروانی نبود متحیر بودم که چگونه سفر را ادامه دهم، تا آنکه حاج جبار نامی که جلودار کاروان و از شهر سده اصفهان بود، مال التجاره ای برداشت، و من به همراه کاروان او حرکت کردم.

در یکی از منازل ما بین راه (در ترکیه) حاجی جبار جلودار، نزد ما آمد، که این منزلی که در پیش داریم مخوف است، قدری زودتر بار کنید که به همراه قافله باشید، چون در سایر منازل ما اغلب از قافله عقب بودیم، ما هم تقریباً دو ساعت و نیم یا سه ساعت به صبح مانده حرکت کردیم. به اندازه نیم یا سه ربع فرسخ از منزل دور شده بودیم، که هوا تاریک شد و برف باریدن گرفت، به طوری که هر یک از رفقا سر خود را پوشانده و تند راندند. هرچه کردم به آنها برسم ممکن نشد، تا آنکه آنها رفتند و من تنها ماندم، پس از اسب خود پیاده شده و در کنار راه نشستم. از آنجا که مبلغ ششصد تومان با خود داشتم مضطرب گشته، و تصمیم گرفتم که در همین مکان بمانم تا آفتاب طلوع کند، و سپس به منزل قبلی مراجعت کرده تا دلیلی بیابم و به کاروان ملحق شوم.

ناگاه در مقابل خود باغی دیدم، که در آن، باغبانی بیل به دست گرفته بر درختان می زد تا برف آنها بریزد. مرد پیش من آمد و در فاصله کمی ایستاد، فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم: رفقای من رفته اند و تنها در این بیابان مانده ام و راه را هم نمی دانم. به زبان فارسی فرمود: نماز شب بخوان تا راه را پیدا کنی.

من مشغول خواندن نماز شب شدم. بعد از فراغ از تهجد، باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: به خدا قسم راه را نمی دانم. فرمود: زیارت جامعه بخوان! من زیارت جامعه را از حفظ نمی دانستم - و الان هم از حفظ ندارم - اما ایستادم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم. باز فرمود: نرفتی؟ بی اختیار گریه ام گرفت، و گفتم: راه را نمی دانم! فرمود: زیارت عاشورا بخوان! من عاشورا را از حفظ نمی دانستم - و تا کنون هم حفظ نیستم - اما در آنجا با لعن و سلام و دعای علقمه از حفظ خواندم.

باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: نرفتم. تا صبح شد، فرمود: من حالا تو را به کاروان می رسانم، رفت و بر الاغی سوار شد، بیل خود را به دوش گرفت، و فرمود: پشت سر من بر الاغ سوار شو! سوار شدم، عنان اسب خود را کشیدم، تمکین نکرد و حرکت ننمود. فرمود: جلوی اسب را به من بده! دادم، بیل را به دوش چپ و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد و اسب در نهایت تمکین، متابعت کرد. پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نماز شب نمی خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: نافله، نافله، نافله.

باز فرمود: چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا.

بعد فرمود: چرا جامعه نمی خوانید؟ سه مرتبه فرمود: جامعه، جامعه، جامعه.

در همان حال به من فرمود: اینها رفقای تو هستند که لب نهر آب فرود آمده و

برای نماز صبح مشغول وضو گرفتن هستند!!

من از الاغ پیاده شدم که سوار اسب خود شوم نتوانستم، او پیاده شد و بیل را در برف فرو برد، مرا سوار کرد و به سوی رفقا برگردانید.

در آن هنگام به فکر فرو رفته و از خود سؤال کردم که این شخص چه کسی بود که به زبان فارسی حرف می زد، در صورتی که زبانی جز ترکی، و مذهبی غالباً جز عیسوی در آن حدود یافت نمی شد، چگونه مرا با این سرعت به رفقایم رسانید؟ پس پشت سر خود نگاه کردم، احدی را ندیده، و اثری از او نیافتم و آن گاه به رفقای خود ملحق شدم.^{۸۴}

10- این زیارت شریفه در طول تاریخ مورد توجه علمای بزرگ بوده است. به طوری که بر آثار و برکت خواندن آن اتفاق نظر داشته، و حتی بر خواندن روزانه آن اصرار نموده اند.^{۸۵} بی شک چنین زیارتی بی نیاز از بررسی سندی است.

۸۴- نجم الثاقب، ص 601 - 602، مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (رحمه الله)، بعد از زیارت جامعه کبیره حکایت سید رشتی.

۸۵- توجه و مداومت بزرگانی چون آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی (معروف به کمپانی)، آیت الله شیخ صدرای بادکوبه ای (رحمه الله)، آیت الله شیخ مرتضی انصاری (رحمه الله)، علامه مجلسی (رحمه الله)، آیت الله شیخ عبدالکریم حائری (رحمه الله) مؤسس حوزه علمیه قم و (خود فقیه مقدس آیت الله میرزا جواد تبریزی (قدس سره) که مدافع سر سخت زیارت عاشورا بودند و همواره بر خواندن آن برای قضای حوائج تأکید می کردند).

فرزند علامه امینی نقل می کند که: پدرم (رحمه الله) با کثرت مطالعات و تحقیقاتی که داشت، بر خواندن زیارت عاشورا مداومت می کرد، و من حدود چهار سال بعد از فوتشان، ایشان را که خواب دیدم و از محضرشان پرسیدم که چه عملی باعث نجات است، به من گفتند: زیارت عاشورا را به هیچ عنوان و عذری ترک مکن.

- ^{۸۶} ۱۱- نقل زیارت عاشورا در منابع و کتاب های بزرگان و حامیان دین، از ده قرن قبل تاکنون، خود دلیل دیگری بر معتبر بودن این زیارت شریف می باشد.
- از جمله می توان به کتاب ها و منابع معتبر زیر اشاره کرد:
۱. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی (رحمه الله)، قرن چهارم
 ۲. مصباح المتعجل، شیخ طوسی (رحمه الله)، قرن پنجم

مرحوم شیخ مشکور (رحمه الله) که از علمای بسیار مذهب نجف و از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی (رحمه الله) است خواب می بیند که آیت الله محلاتی - که ساکن شیراز بود - از دنیا رفته، و به او مقام شایسته ای داده شده است. شیخ (رحمه الله) از مرحوم محلاتی (رحمه الله) می پرسد: این مقام را از کجا به دست آورده ای؟ مرحوم محلاتی (رحمه الله) می گویند: از زیارت عاشورا. شیخ مشکور، خواب خود را برای میرزای شیرازی نقل کرده، و مرحوم میرزا دستور مهیا شدن برای عزاداری می دهند. با این وجود طلاب گفتند: خواب حجت نیست و هنوز خبر فوت ایشان به ما نرسیده است، مرحوم آیت الله میرزای شیرازی (رحمه الله) می گوید: این خواب هرکس نیست، خواب شیخ مشکور (رحمه الله) است. بعد از سه روز، خبر فوت مرحوم آیت الله محلاتی (رحمه الله) به نجف می رسد. مرحوم محلاتی (رحمه الله) مدت سی سال هر روز زیارت عاشورا را خواند و هرگز آن را ترک نکرد و اگر مریض می شد، نایب می گرفت.

از شیخ محمد حسن انصاری (رحمه الله) برادر زاده و داماد مرحوم شیخ انصاری نقل شده که فرزند سوم شیخ - معروف به آقا شیخ بزرگ (رحمه الله) که از اجله اهل فضل نجف اشرف بود - را در عالم رؤیا دیدم و از او پرسیدم که آنجا چه عملی برای ما بیشتر سود دارد؟ آقا بزرگ، سه بار تکرار کردند: زیارت عاشورا. (شیخ جعفر تبریزی فرزند فقیه مقدس راحل میرزا جواد تبریزی (قدس سره) نقل می کند: مرحوم میرزا (قدس سره) اهمیت خاصی به زیارت عاشورا می دادند و می فرمودند: این زیارت حلال مشکلات است. ما زمانی که نجف مشغول درس بودیم اگر مشکلی داشتیم در کنار قبر مطهر سیدالشهدا (علیه السلام) زیارت عاشورا می خواندیم و نتیجه می گرفتیم. مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) خود، جهت قرائت زیارت عاشورا به بالای پشت بام می رفتند و زیارت عاشورا را زمزمه می کردند و به دیگران برای قضای حوائج خود می گفتند: زیارت عاشورا بخوانید).

3. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)، قرن ششم
4. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم
5. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم
6. منهاج الصلاح، علامه حلی (رحمه الله)، قرن هشتم
7. کتاب مزار، شهید اول، محمد بن مکی (رحمه الله)، قرن نهم
8. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعمی (رحمه الله)، قرن دهم
9. بحار الانوار و تحفه الزائر، علامه مجلسی (رحمه الله)، قرن یازدهم
- 12- مجرب بودن زیارت عاشورا، در رفع مشکلات و قضای حاجات، و آثار شگفت آور آن، موجب شده است که این زیارت در میان علما و بزرگان دین و مردم مؤمن عظمت خاصی داشته باشد، و این خود دلیل محکمی بر حقانیت و صحت آن است.

برای بیان آثار پر عظمت این زیارت شریفه، می توان به حکایتی که آقای حاج سید احمد زنجانی (رحمه الله) در کتاب الکلام یجر الکلام از مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (رحمه الله) نقل نموده است اشاره کرد که فرمود: من و آقای آقا میرزا علی آقا (رحمه الله) - آقا زاده میرزای شیرازی (رحمه الله) - و آقا سید محمود سنگلجی (رحمه الله) در سامرا شبی روی بام در خدمت مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی (رحمه الله) درس می خواندیم. در اثنای درس، استاد

بزرگ ما، مرحوم آقای سید محمد فشارکی (رحمه الله)⁸⁷ تشریف آوردند، در حالی که آثار گرفتگی و انقباض در بشره اش پیدا بود، معلوم شد شنیدن خبر بروز وبا در عراق (سامرا) ایشان را این گونه منقلب کرده است. فرمود: شما مرا مجتهد

۸۷- آیت الله سید محمد بن قاسم فشارکی (رحمه الله) اصفهانی؛ در سال 1253 قمری (1214 شمسی) در منطقه فشارک (اصفهان) به دنیا آمد، در سن 11 سالگی به عراق رفت، و کفالت او را برادر بزرگش ابراهیم ملقب به «کبیر» بر عهده گرفت. و برخی دروس را نزد برادر و ما بقی را نزد علمای دیگر مانند آیت الله فاضل اردکانی (رحمه الله) و حاجی آقا حسن بن سید مجاهد (رحمه الله) گذراند. در سال 1286 قمری، به نجف رفت و در محضر آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی (رحمه الله) تلمذ کرد و در سال 1291 به همراه آیت الله شیرازی (رحمه الله) به سامرا رفت. پس از وفات آیت الله شیرازی (رحمه الله) مجدداً در سال 1312 هجری قمری به نجف بازگشت. آن طور که آقا بزرگ تهرانی در کتاب خود می فرماید: در مسجد هندی در نجف، کرسی تدریس داشت، که حدود 300 شاگرد در درس او حاضر می شدند. شیخ عباس قمی (رحمه الله) در «فوائد الرضویه» می فرماید: زمانی که آیت الله شیرازی (رحمه الله) در شعبان 1312 وفات کرد بزرگان به او رجوع کردند؛ زیرا اعتقاد داشتند که او اعلم پس از میرزاست، و از او خواستند که تصدی امور شرع و مرجعیت را بر عهده بگیرد، اما ایشان فرمود: من خود می دانم که شایسته این کار نیستم؛ زیرا ریاست امور شرعی نیاز به امور دیگری غیر از علم دارد، و من در این امور وسواس خاصی دارم، و من به غیر از تدریس به کاری نباید مشغول شوم. ایشان اشاره کرد که به سراغ مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی (رحمه الله) بروند که این یکی از دلایل بلندی همت، پاکی نفس و اخلاص قلب این بزرگوار بوده است. حاج میرزا محمد حسین نائینی (رحمه الله)، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (رحمه الله)، آقا شیخ محمد رضا نجفی (رحمه الله)، حاج شیخ محمد حسین طبسی (رحمه الله) و آقا میرزا سید علی مدرس یزدی (رحمه الله) از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی، اصالة البرائة، الاغسال، الفروع المحمدیه، مجموعه رسالاتی در فقه و غیره، شرح اوائل رساله البرائة شیخ انصاری، رساله ای در خلل نماز می باشد. وفات وی را در 1316 قمری (1277 شمسی) دانسته اند. محل دفن وی یکی از حجرات صحن مقدس علوی است.

می دانید؟ عرض کردیم: بلی، فرمود: عادل می دانید؟ عرض کردیم: بلی! فرمود: من به تمام زن و مرد شیعه سامرا حکم می کنم که هر یک از ایشان یک مرتبه زیارت عاشورا را به نیابت از طرف نرجس خاتون، والده ماجده امام زمان (علیه السلام) بخوانند، و آن مخدره را نزد فرزند بزرگوارش، شفیع قرار دهند تا آن حضرت از خداوند عالم بخواهد که خدا شیعیان مقیم سامرا را از این بلا نجات دهد. به محض اینکه حکم صادر گردید، تمام شیعیان مقیم سامرا، حکم را اطاعت کرده و زیارت عاشورا را طبق همان دستور خواندند، در نتیجه بعد از خواندن زیارت عاشورا، یک نفر شیعه سامرا تلف نشد، در صورتی که هر روز حدود پانزده نفر از غیر شیعه تلف می شدند.^{۸۸} لازم به تذکر است که از آن به بعد تمامی تلفات متوجه عامه بود که باعث شد عده ای از آنان متنبه شده و به مذهب حق روی آورند.^{۸۹}

۸۸- الکلام بجر الکلام، ج ۱، ص ۵۴ - ۵۵.

۸۹- فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می فرمودند: هر هفته عده ای از طلاب حوزه نجف اشرف شب های جمعه برای زیارت سالار شهیدان (علیه السلام) از نجف به کربلا می رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم، و هر هفته به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می کردم، و موفق می شدم که در کنار قبر مطهر و روبه روی ضریح آن امام مظلوم (علیه السلام) زیارت عاشورا بخوانم، و به واسطه این توسل، از سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) مدد می جست. در این جهت مولی (علیه السلام) عنایت فراوانی به من کرد، و بسیاری از مشکلاتم به واسطه این توسل حل می شد. زیارت عاشورا مجرب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه توسلات بوده که از جمله آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت

عاشورا سهل انگاری نکنید، خداوند به واسطه این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالی.

اهمیت زیارت عاشورا

زیارت عاشورا در دو کتاب مهم «کامل الزیارات»، تألیف شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (رحمه الله) و «مصابح المتعجدين» نوشته ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (رحمه الله)، آمده است. مرحوم شیخ طوسی (رحمه الله)، کتاب مصباح المتعجدين را مختصر نمود و نام آن را مختصر المصباح^{۹۰} نهاد. قابل ذکر است، گرچه بنای شیخ (رحمه الله) در کتاب مختصر المصباح، بر اختصار بوده اما از آنجا که زیارت عاشورا از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، آن را در دو کتاب نقل کرده است. و در اهمیت این زیارت شریفه همین کافی است که بزرگان طائفه طی قرون مختلفه از جمله ابن قولویه قمی (رحمه الله)، شیخ طوسی (رحمه الله)، بن مشهدی (رحمه الله)، بن طاووس (رحمه الله)، علامه حلی (رحمه الله)، شهید اول (رحمه الله)، مرحوم کفعمی (رحمه الله)، علامه مجلسی (رحمه الله) و... آن را نقل کرده اند.

۹۰- این کتاب را که «مصابح صغیر» نیز بدان گفته اند، خود شیخ طوسی (رحمه الله) از «مصابح المتعجدين» تلخیص کرده و در فهرست، نام آن را جزء تألیفات خود ذکر می کند، و نسخ خطی آن در نجف، قم، مشهد مقدس و جاهای دیگر موجود است، از آن جمله، نسخه خطی ابن العلقمی (رحمه الله) و نسخه خطی طبسی مشهدی (رحمه الله) و نسخه خطی بن زنبور (رحمه الله) (کپی این سه نسخه در مرکز دار الصدیقه الشهیده (علیها السلام) - در شهر مقدس قم موجود است) و نسخه خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی (رحمه الله) در قم و نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (رحمه الله) در قم و نسخه خطی کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء (رحمه الله)، در نجف اشرف، و دو نسخه خطی کتابخانه مدرسه فاضل خان در مشهد مقدس می توان اشاره کرد.

کتاب کامل الزیارات

ناقل زیارت عاشورا

شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (رحمه الله)⁹¹

موضوع کتاب کامل الزیارات، مجموعه احادیث و روایات اهل بیت (علیهم السلام) درباره شیوه زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) و دیگر امامان و امامزادگان (علیهم السلام) و ثواب و فضیلت آن می باشد.

ابن قولویه در آغاز کتاب، تمام راویان کتاب خود را توثیق کرده است⁹². «لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا...».

۹۱- محدث نوری (رحمه الله) داستان جالبی از ابن قولویه (رحمه الله) به نقل از کتاب «خرایج» قطب الدین راوندی (رحمه الله) آورده است که همان را علامه مجلسی (رحمه الله) در جلد 13 بحار الانوار باب 23 (باب کسانی که امام زمان (علیه السلام) را دیده اند) نقل کرده است. علامه مجلسی (رحمه الله) می نویسد: در «خرایج» راوندی (رحمه الله) است که از ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (رحمه الله) روایت شده که گفت: وقتی در سنه 307 (یعنی سال 337 هجری) به عزم حج بیت الله وارد بغداد شدم، و آن سالی بود که قرامطه «حجر الاسود» را به جای خود برگردانیده بودند بیشترین سعی من این بود که خود را به مکه برسانم و ببینم چه کسی حجر الاسود را در جای خود نصب می کند. زیرا در خلال بعضی از کتاب ها دیده بودم که نوشته بود: «حجر الاسود را می ربایند و بار دیگر امام آن عصر (علیه السلام)، آن را در جای خود نصب می کند، چنان که در زمان حجاج بن یوسف، امام زین العابدین (علیه السلام) آن را در جای خود نهاد و به همان حال ماند.

۹۲- در خصوص توثیق تمام راویان کتاب کامل الزیارات اختلاف وجود دارد. مرحوم استاد الفقهاء سید خویی (رحمه الله) نهایتاً با توجه به توثیق ابن قولویه در مقدمه کتاب قائل شدند که تمام مشایخ ابن قولویه ثقه می باشند. لکن رجالی خبیر مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می فرمودند: سلسله روات در کتاب ابن قولویه باید مورد بررسی قرار گیرد تا وثاقت یا ضعف خبر معلوم شود و توثیق ابن

کتاب کامل الزیارات، شامل 843 حدیث می باشد که در 108 باب تنظیم شده است.

مؤلف این کتاب، انگیزه نگارش آن را این گونه بیان می فرماید:
«انگیزه من در نگارش این کتاب، تقرب به درگاه الهی، پیامبر، علی، فاطمه و ائمه (علیهم السلام) بوده و تلاش کرده ام با نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام) و نقل ثواب زیارت آن بزرگواران، به جمیع اهل ایمان هدیه ای تقدیم کرده باشم».
این یادگار ماندگار شیعه، بیش از هزار سال است که مورد توجه محدثین و فقهای عظیم الشان عالم اسلام بوده است.^{۹۳}

قولویه ناظر به اعتبار کتب یا افرادی است که از آن کتب روایات را نقل کرده است و ناظر به موثق بودن راویان روایات کامل الزیارات نمی باشد.

ولی در بغداد دچار بیماری سختی شدم، به طوری که جان خود را در معرض خطر دیدم و نتوانستم شخصاً به حج بروم. ناچار شخصی به نام «ابن هشام (رحمه الله)» را نائب گرفتم که از جانب من به حج برود و نامه سربسته ای به وی دادم که در آن به حضرت امام زمان (علیه السلام) نوشته بودم و از مدت عمر خود و اینکه در این مرض می میرم یا نه، سؤال کرده بودم. به ابن هشام (رحمه الله)، نائب خود گفتم: تمام مقصودم این است که این نامه را به دست کسی برسانی که حجر الاسود را در جای خود می گذارد، و جواب آن را گرفته و بیاوری. وقتی ابن هشام (رحمه الله) از سفر حج برگشت نقل کرد که چون وارد مکه شدم و مردم در صدد برآمدن حجر الاسود را در جای خود نصب کنند، من مبلغی پول به عده ای از خدام حرم دادم تا راه را باز کنند و من بتوانم آن کس که حجر الاسود را در جای خود می گذارد، ببینم. چند نفر از خدام را با خود نگاه داشتم که ازدحام جمعیت را به یک سو زنند (و بدین گونه به نزدیک محل رسیدم).

هرکس حجر الاسود را برداشت که در جای خود نصب کند، قرار نگرفت. تا اینکه جوانی گندمگون و زیبا روی آمد و آن را برداشت و در جای خود گذارد، به طوری که گویی اصلاً کنده نشده بود. در این موقع صدای شادی حاجیان از هر سو برخاست. سپس جوان مزبور از یکی از درهای مسجد الحرام خارج شد.

نویسنده کتاب در مقدمه آن - پس از ذکر غرض خود از تألیف آن - می نویسد: «در هر موضوع هرگاه دیدم احادیث منقول از اهل بیت (علیهم السلام) کافی است، احادیث منقول از غیر طریق آنان (اهل سنت) را ذکر نکرده ام. از طرفی روشن است که ما به تمام احادیث معصومین در این موضوع و غیر آن احاطه نداریم، ولیکن آنچه که در نزد ماست، همگی از طریق راویان مورد وثوق شیعه است؛ و از روایاتی که احادیث شاذ و نادر نقل می کنند، و در نقل روایات معروف، و در فقه و علم، مشهور نیستند، حتی یک حدیث، نقل نکرده ام و نام این کتاب را کامل الزیارات و فضل ها و ثواب آن گذاشتم.

من هم برخاستم و از هر طرف مردم را متفرق ساختم و به دنبال وی شتافتم. مردم هم به من راه می دادند، و مرا دیوانه می پنداشتند، اما من در آن گیر و دار چشم از او بر نمی گرفتم تا اینکه از میان جمعیت بیرون آمدم.

من با سرعت پشت سر او می دویدم، و او آهسته راه می رفت، با این وجود به او نمی رسیدم. وقتی به جایی رسیدم که جز من کسی او را نمی دید ایستاد و به من نگریست و گفت: آنچه با خود داری بیاور! من هم نامه را به او دادم. بدون اینکه به آن نگاه کند گفت: بگو (خطاب به بن قولویه (رحمه الله)) از این بیماری وحشت مدار که بعد از سی سال دیگر خواهی مُرد! در این وقت گریه ام گرفت و چندان گریستم که قدرت هرگونه حرکتی از من سلب شد. در همین حال مرا گذاشت و رفت. ابن قولویه (رحمه الله) گفت: این داستان را ابن هشام (رحمه الله) نائب من بعد از مراجعت از سفر حج برای من نقل کرد. چون سال 367 رسید، ابن قولویه بیمار شد و به امور خود پرداخت و تهیه لوازم قبر می دید. وصیت خود را نوشت و در این باره سعی بلیغ مبذول می داشت. به او می گفتند این همه ترس برای چیست؟ امید است خداوند سلامتی بدهد، ترس ندارد. اما ابن قولویه (رحمه الله) می گفت: این همان سالی است که قبلاً وعده مرگ مرا داده اند و سرانجام در همان بیماری رحلت کرد و محل قبر شریف این بزرگوار، قم می باشد.

و این کتاب دارای ابواب زیر است:

- 1- ثواب زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله)
- 2- آداب و ثواب زیارت امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام)
- 3- آداب و ثواب زیارت امام حسن (علیه السلام)
- 4- ثواب گریه و اقامه عزای امام حسین (علیه السلام) و چگونگی نماز و زیارت در حرم آن حضرت (که بخش اعظم کتاب را در بر گرفته است).
- 5- شیوه زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام جواد (علیهما السلام).
- 6- شیوه زیارت سایر ائمه (علیهم السلام)
- 7- زیارت مؤمنین
- 8- زیارت امامزادگان

جعفر بن قولویه قمی (رحمه الله) نویسنده کامل *الزیارات*، از برجسته ترین چهره های راویان شیعه و فقیهان امامیه، در قرن چهارم هجری است که در شهر مقدس قم به دنیا آمد و از اساتید بزرگی همچون، احمد بن ادریس اشعری قمی (رحمه الله)، پدرش محمد بن قولویه (رحمه الله)، محمد بن یعقوب کلینی (رحمه الله)، محمد بن حسن صفار (رحمه الله) و علی بن بابویه (رحمه الله) (پدر شیخ صدوق) بهره برده است.

شیخ مفید (رحمه الله) از ممتازترین شاگردان ابن قولویه (رحمه الله) است که از او ستایش فراوان کرده است. یکی از عبارات شیخ مفید (رحمه الله) این گونه است:

«خداوند، شیخ مورد اعتماد ما، ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن قولویه را تأیید فرماید».

ابن قولویه (رحمه الله) به عنوان یکی از محدثان سرشناس و مورد اطمینان بزرگان امامیه، در سلسله سند 507 روایت قرار گرفته است و با محافظت از این گنجینه علمی، افزون بر زنده نگه داشتن یاد و نام ائمه (علیهم السلام)، خدمات شایانی نیز به جهان تشیع و تثبیت باورهای آن کرده است.

اسناد زیارت عاشورا در کتاب کامل الزیارات

اسناد مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (رحمه الله)

ابن قولویه (رحمه الله) ابتدا روایت فضیلت زیارت سیدالشهدا را در روز عاشورا

ذکر می کند و می فرماید:

«حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ وَصَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ جَمِيعًا، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ».

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) يَوْمَ عَاشُورَاءَ مِنَ الْمَحْرَمِ حَتَّى يَظُلَّ عِنْدَهُ بَاكِيًا لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَوَابِ أَلْفِ حِجَّةٍ وَأَلْفِي أَلْفِ عُمْرَةٍ وَأَلْفِي أَلْفِ غَزْوَةٍ وَثَوَابُ كُلِّ حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ وَغَزْوَةٍ كَثَوَابٍ مِنْ حَجٍّ وَاعْتَمَرٍ وَغَزَاً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَمَعَ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ...»^{۹۴}... تا آخر حدیث

حکیم بن داود بن حکیم و غیرش، از محمد بن موسی همدانی، از محمد بن خالد طیالسی، از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه جملگی، از علقمه بن محمد حضرمی و محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر الباقر (علیه السلام)، نقل می کنند که حضرت فرمودند: کسی که در روز

عاشورا؛ یعنی روز دهم محرم الحرام، حضرت امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند، روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که خداوند متعال ثواب دو میلیون حج، دو میلیون عمره و دو میلیون مرتبه جهاد را به وی بدهد».

شایان توجه است که ثواب چنین حج، عمره و جهادی، همچون ثواب کسی است که حج، عمره و جهاد را در معیت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و ائمه راشدین (علیهم السلام) به جا آورده باشد.

«قال: قلت: جعلت فداک فما لمن کان فی بعد البلاد وأقاصیها ولم یکنه المصیر إلیه فی ذلک الیوم؟ قال: اذا کان ذلک الیوم برز إلی الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً فی داره، و أوما إلیه بالسّلام، واجتهد علی قاتله بالدعاء، و صلّی بعده رکعتین یفعل ذلک فی صدر النهار قبل الزوال، ثم لیندب الحسین (علیه السلام) و یبکیه ویأمر من فی داره بالبکاء علیه، و یقیم فی داره مصیبتّه باظهار الجزع علیه، ویتلاقون بالبکاء بعضهم بعضاً فی البیوت، ولیعزّ بعضهم بعضاً بمصاب الحُسین (علیه السلام)، فأنا ضامن لهم إذا فعلوا ذلک علی الله عزوجل جمیع هذا الثواب، فقلت: جعلت فداک و أنت الضامن لهم إذا فعلوا ذلک والزعیم به؟ قال: أنا الضامن لهم ذلک والزعیم لمن فعل ذلک؛

علقمه می گوید، محضر مبارک امام پنجم (علیه السلام) عرضه داشتم:

فدایت شوم! اجر و ثواب کسی که در شهرهای دور دست و بلاد غریب و بعید بوده، به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشورا) به زیارت حضرت بشتابد، چگونه است؟

امام (علیه السلام) فرمود: وی در چنین روزی به صحرا رفته، یا به پشت بام بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده، سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس برای امام حسین (علیه السلام) ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فرع بر آن جناب، در خانه اش اقامه مصیبت نماید، و مواظب باشند هرگاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردند، با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهایی که داده شد، عمل کنند من ضامن می شوم که حق تعالی تمام ثواب هایی که ذکر شد را به ایشان اعطا فرماید.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم! شما برای ایشان ضامن این ثواب ها می شوید؟

حضرت فرمودند: در صورتی که به دستورهای داده شده، عمل کنند البته که من ضامن آن می باشم.

«قال: قلت: فكيف يعزّى بعضهم بعضاً؟ قال: يقولون: عظم الله أجورنا بمصابنا بالحسين (عليه السلام)، وجعلنا و اياكم من الطالبين بشاره مع وليه الامام المهدي من آل محمد؛ فان استطعت أن لا تنتشر يومك في حاجة فافعل، فانه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة، وان قضيت لم يبارك له فيها ولم ير رشداً، ولا تدخرن لمنزلك شيئاً، فانه من ادخر لمنزله شيئاً في ذلك اليوم لم يبارك له فيما يدّخره ولا يبارك له في أهله، فمن فعل ذلك كتب له ثواب ألف ألف حجة و ألف ألف عمرة، و ألف ألف غزوة كلها مع رسول الله (صلى الله عليه وآله) و كان له ثواب مصيبة كل نبيّ و رسول و صديق و شهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا الى أن تقوم الساعة».

علقمه می گوید، محضر مبارک امام (عليه السلام) عرض کردم: اگر بعضی بخواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند:

حضرت فرمودند:

بگویند: عظم الله أجورنا بمصابنا بالحسين (عليه السلام)، و جعلنا و اياكم من الطالبين بشاره مع وليه الامام المهدي من آل محمد (صلى الله عليه وآله) (خداوند متعال اجرها و ثواب های عزادار بودن ما را برای امام حسين (عليه السلام) زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب قرین ولی آن حضرت، حضرت امام مهدي، قائم آل محمد (صلى الله عليه وآله) از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد).

و اگر قدرت و توانایی این را داشتی که آن روز (روز عاشورا) را به دنبال نیازمندی هایت نروی، البته مرو چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در

آن روا نمی گردد و اگر هم حاجت برآورده شود، برای شخص حاجتمند مبارک نبوده، و وی خیر نخواهد دید.

توجه داشته باشید در آن روز در منزل خویش آذوقه ای را ذخیره نکنی، چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند، برایش میمون و مبارک نبوده و برای اهلش نیز برکت نخواهد داشت.

بنابر این کسی که به این دستورها عمل کند، ثواب هزار هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد، که تمامی را در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام داده باشد، برایش نوشته می شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبتی که به انبیا، رسولان، صدیقین و شهدایی که در راه حق کشته شده اند رسیده است را، از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطا می فرماید.

و بعد از آنکه ابن قولویه (رحمه الله) مطلب بالا را ذکر کرد، در ادامه می نویسد:
«قَالَ صَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ الْجُهَنِيُّ وَسَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ قَالَ عَلْقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيُّ:
فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام): عَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِذَا أَنَا زُرْتُهُ مِنْ قَرِيبٍ وَ دُعَاءً أَدْعُو بِهِ إِذَا لَمْ أَزُرْهُ مِنْ قَرِيبٍ وَأَوْ مَاتُ إِلَيْهِ مِنْ بَعْدِ الْبِلَادِ وَمِنْ سَطْحِ دَارِي بِالسَّلَامِ قَالَ: فَقَالَ: يَا عَلْقَمَةُ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ بَعْدَ أَنْ تُؤْمِيَ إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ وَقُلْتَ عِنْدَ الْإِيمَاءِ إِلَيْهِ وَ بَعْدِ الرُّكَعَتَيْنِ هَذَا الْقَوْلَ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ دَعَوْتَ بِمَا يَدْعُو بِهِ مَنْ زَارَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهَا أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْكَ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَكَ مِائَةَ أَلْفٍ [أَلْف] دَرَجَةً وَ كُنْتَ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ

عَلَى حَتَّى تُشَارِكَهُمْ فِي دَرَجَاتِهِمْ وَلَا تُعْرِفُ إِلَّا فِي الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ اسْتُشْهِدُوا مَعَهُ
وَكُتِبَ لَكَ ثَوَابُ كُلِّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ وَزِيَارَةِ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) مُنْذُ
يَوْمٍ قُتِلَ؛^{۹۵}

علقمه بن محمد حصرمی می گوید: محضر مبارک ابی جعفر (علیه السلام) عرض
کردم: دعایی به من تعلیم فرمایید که در آن روز وقتی از نزدیک به زیارت آن
حضرت رفتم آن را خوانده و دعایی به من یاد دهید که هرگاه از نزدیک به
زیارت آن جناب نرفته؛ بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت (علیه
السلام) با اشاره سلام دادم، آن را بخوانم.

حضرت (علیه السلام) فرمودند: ای علقمه! اگر بعد از سلام و خواندن دو رکعت
نماز، این دعا و زیارت را، که شرحش را برایت می گویم خواندی پس، به آنچه
فرشتگان زائر آن حضرت، دعا کرده اند تو نیز دعا نموده ای و خداوند متعال
برای تو هزار هزار حسنه نوشته و هزار هزار گناه محو می فرماید و صد هزار
هزار درجه، مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو را از کسانی قرار می دهد که با
حضرت حسین بن علی (علیه السلام) شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان
قرار می دهد، و شناخته نمی شوی مگر در زمره شهدایی که با آن حضرت
شهید شده اند و ثواب تمام انبیا، رسولان و کسانی که امام حسین (علیه السلام) را از
زمان شهادتش تا به الان زیارت نموده اند را برایت می نویسد.

حضرت (علیه السلام) به علقمه فرمودند: در زیارت ابا عبدالله الحسین در روز عاشورا بگو:

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمَوْثُورَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ...»^{۹۶}

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه، که سرور بانوان عالم می باشد...»^{۹۷}

۹۶- کامل الزیارات، ص 325 - 328.

۹۷- کامل الزیارات، ص 325 - 328.

مصباح المتهجد و سلاح المتعبد

شیخ طائفه، محمد بن حسن طوسی (رحمه الله)⁹⁸

شیخ طوسی (رحمه الله) کتاب مصباح المتهجد و سلاح المتعبد را به درخواست جمعی از شاگردان خود نوشته و یکی از بهترین کتاب هایی است که در موضوع

۹۸- شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی (رحمه الله)، معروف به «شیخ طوسی» در ماه رمضان سال 385 هجری دیده به دنیا گشود. محمد بن حسن طوسی، مقدمات متداول علمی را فرا گرفت و در بهار جوانی از فضیلت علمی خوبی برخوردار بود. در آن اوقات منطقه طوس، شهرهای نیشابور، ری و قم مناطقی بوده است که طوسی می توانسته از محاضر دانشمندان آنجا استفاده کند. شیخ طوسی (رحمه الله)، طوس را برای ترقیات شایان و سیر کمالات خود تنگ می دید، به منظور استفاده بیشتر و درک محضر شیخ مفید (رحمه الله) و دیگران، به سال 408 هجری، که بیست و سه ساله بود، رهسپار بغداد گردید.

هنگامی که شیخ طوسی (رحمه الله) وارد بغداد شد، به حوزه درس مفید، استاد بزرگ و سالخورده درآمد، جالب است که محصل که جوانی بیست و سه ساله بود در حوزه درس مفید، که جایگاه رادمردان بود حضور به هم می رسانید و در اندک زمانی مورد توجه خاص استاد عالی مقام واقع شد و به مرور ایام نیز بر همگان تفوق یافت! دانشمند جوان که تا آن موقع ادبیات عرب، فقه، اصول و حدیث را خوب آموخته بود، با استفاده از فرصت مناسبی که در اختیار داشت، شب و روز با شور و شوق و پشت کار زاید الوصفی به کسب دانش از محضر پر فیض مفید اهتمام ورزید و در سایه فکر مواج، نبوغ سرشار و استعداد خدادادش، نظر استاد بزرگ را به خود جلب کرد. شیخ طوسی مدت پنج سال، یعنی تا پایان زندگانی شیخ مفید، علی الدوام از محضر او بهره مند بود و لحظه ای را به غفلت نمی گذرانید. او به علاوه از محضر مشایخ دیگر شیعه و استادان فن هم استفاده نمود که از جمله ابو الحسن علی بن احمد بن ابی جید، احمد بن محمد بن موسی، معروف به ابو صلت اهوازی، حسین بن عبیدالله غضائری و احمد بن عبدالواحد، معروف به ابن عبدون بودند و اسامی آنها را به عنوان مشایخ حدیث در کتب خود آورده است. ۹

مزار تألیف شده است. شیخ طوسی (رحمه الله) در مقدمه کتاب غرض از تألیف را این گونه می فرمایند:

«... شما که خدایتان تأیید کند از من خواستید تا عبادت های سال، چه آنها که مکرر می شود و چه غیر از آنها را، برایتان در کتابی جمع آوری^{۹۹} کنم و دعاها

© شیخ طوسی (رحمه الله) در اواخر عمر استادش شیخ مفید (رحمه الله) با اشتیاق فراوان و پشتکار زیاد از محضر وی مستفید بود، تا اینکه استاد بزرگ از این جهان زودگذر، چهره فرو تافته و به ملکوت اعلا شتافت. بعد از رحلت وی، چون ریاست علمی و دینی شیعه به بزرگ ترین شاگرد او، سید مرتضی (رحمه الله) رسید و شیخ طوسی (رحمه الله) نیز هنوز راه های ترقی و تکامل را می پیمود و خود را بی نیاز از درک محاضر اساتید و خوشه چینی از خرمن دانش آنها نمی دید، بیست و سه سال نیز از حوزه درس سید مرتضی، به خصوص از علم کلام، فقه و اصول وی استفاده کرد. علامه متبّع، مرحوم حاج میرزا حسین نوری (رحمه الله) در خاتمه «المستدرک الوسائل» ج 3، ص 509، 37 تن را به عنوان استادان شیخ طوسی (رحمه الله) ذکر نموده است. شیخ (رحمه الله)، خود در «فهرست»، «تهذیب»، «استبصار» و غیره بیشتر از پنج دانشمند؛ یعنی شیخ مفید (رحمه الله)، غضائری (رحمه الله)، ابن عبدون (رحمه الله)، ابن ابی جید (رحمه الله) و ابن صلت (رحمه الله) را روایت می کند، اما در کتب کلامی، فقهی، اصولی و تفسیر اغلب به گفتار استاد عالیقدرش، سید مرتضی (رحمه الله) استناد می جوید، و از نظریات وی در ادبیات عرب شاهد می آورد. چنان که در «تبیان»، «مبسوط»، «عدة الاصول»، «غیبت» و «تلخیص الشافی» می بینیم. باری! شیخ طوسی که دانشمندی ایرانی بود و در دیار غربت و میان ملت عرب و اهل تسنن به سر می برد و خود یکی از نوابغ و افراد مستعد بود، همان مقام و موقعیت زمان شیخ مفید (رحمه الله) را نزد سید مرتضی (رحمه الله) پیدا کرد؛ بلکه باید گفت مقامی بیشتر و امتیازاتی افزون تر یافت تا آنجا که سرآمد شاگردان سید (رحمه الله) به شمار آمد.

سید مرتضی (رحمه الله) به سال 436، بعد از 80 سال عمر گران بها و 23 سال ریاست مطلق بر دنیای شیعه و به جای گذاشتن تألیفات ارزنده و پرورش شاگردان برازنده، رخت به سرای باقی کشید. با اینکه دانشمندان بزرگی از شاگردان مفید (رحمه الله) و هم عصران سید مرتضی (رحمه الله) مانند: ابو یعلی جعفری (رحمه الله)، نجاشی (رحمه الله) و کراجکی (رحمه الله) در قید حیات بودند و هرکدام از مفاخر

منتخبه هر عبادتی را نیز به طور اختصار بر آن بیفزاییم. و برخی از مسائل فقهیه را، که از ذکر آن ناگزیریم، بدان ضمیمه سازم، و در این باره بسط کلام ندهم؛ زیرا مسائل فقهیه، به طور مشروح در کتاب های فقهی مانند: مبسوط، نهائیه، الجمل والعقود، مسائل الخلاف و غیره ذکر شده است و مقصود از تألیف این کتاب، تنها برای عمل کردن و ذکر دعاهایی است که در کتاب های فقهیه خود ذکر نکرده ایم؛^{۱۰۰} زیرا بسیاری از اصحاب ما هستند که اهل عمل اند و حالی برای

دانشمندان شیعه محسوب می گشتند و نزد عموم با احترام می زیستند، اما هیچ کدام مقام،^{۱۰۱}

© موقعیت و شخصیت شیخ طوسی (رحمه الله) را نیافتند. اینک شیخ طوسی (رحمه الله) پنجاه و یکساله است. می توان گفت بیش از چهل سال است که در محضر بیش از چهل تن از دانشمندان ایران و عراق، علوم متداول عصر اعم از معقول و منقول مانند ادبیات عرب، حدیث، تفسیر، رجال، فقه، اصول، کلام و غیره را هر کدام نزد اساتید مبرز آن رشته، آموخته و بیست و هشت سال است که شب و روز به مطالعه، تحقیق، تألیف و تصنیف پرداخته و کتاب های ذی قیمتی در آن رشته ها نوشته و منتشر ساخته است.

شهرت علمی، شخصیت اجتماعی و احاطه وسیع وی بر عقاید و مذاهب موجب گردید که از طرف خلیفه وقت، القائم بامر الله عباسی، کرسی علم کلام، که به سرآمد دانشمندان عصر تعلق می گرفت، در اختیار وی گذاشته شود. شیخ الطائفه (رحمه الله) روی این کرسی می نشست و علم کلام؛ یعنی بحث در پیرامون عقاید و مذاهب را که رایج ترین علوم آن روز بود، درس می گفت.

شیخ طوسی (رحمه الله) تا سال 448 در بغداد بود و ناگزیر شد در همین سال بغداد را ترک کند، حوادث شومی برای شیعیان «محلّه کرخ» روی داد که تأثیر عمیقی در اوضاع شیعه و سرنوشت شیخ الطائفه (رحمه الله) داشت. این حوادث بیشتر در ایام محرم و صفر، که شیعیان مشغول عزاداری شهدای کربلا و تجلیل از مقام جانبازی سالار شهیدان، حضرت امام حسین (علیه السلام) بودند، به وقوع می پیوست. و حوادث خونینی روی داد که طی آن گروه بسیاری به قتل رسیدند و بیش از آن مجروح

تفقه ندارند، و برخی به عکس، در صدد تفقه اند، و برخی هم در این میان بین هر دو کار را جمع کرده اند و ما برای هر یک از این سه دسته، کتاب هایی نوشته تا هر کدام بدان مراجعه کرده و خواسته خود را از آن بگیرند.» تا آخر کلام شیخ طوسی (رحمه الله)¹⁰¹

شدند و خانه ها، دکان ها و اموال بسیاری از شیعیان به تاراج رفت! خلاصه ماجرا بدین قرار بود که وجود سلاطین شعبی آل بویه و تسلط آنها بر دستگاه خلافت بنی عباس، که نزدیک یک قرن ادامه داشت باعث گردید که خلیفه القائم بامر الله پنهانی طغرل بیک، حکمران سلجوقی را که سنی متعصبی بود تشویق به اشغال بغداد و منقراض ساختن قدرت آل بویه نمود. ارسالن ترکی معروف به «بساسیری» که مردم را دعوت به خلفای فاطمی مصر می نمود در آن اوقات قدرت زیادی به دست آورده بود و خلافت آل عباس سخت در مخاطره قرار داشت. طغرل بیک در سال 447 وارد بغداد شد و خلیفه را نجات داد، بساسیری فرار کرد و سلسله آل بویه در بغداد به کلی منقرض گشت. از آن روز، سختگیری نسبت به شیعیان رو به فزونی نهاد؛ زیرا دولت و ملت، خود را از قید تسلط دودمان آل بویه آزاد دیدند و موقعیت را برای خالی کردن عقده های خود نسبت به شیعه و نفوذ علما و دانشمندان آنها در نیم قرن گذشته، غنیمت شمردند.

با ورود طغرل سلجوقی، شیعیان «محلّه کرخ» از گفتن «حی علی خیر العمل» در اذان ممنوع شدند، و مأمور گشتند که به جای آن به شیوه اهل تسنن «الصلاة خیر من النوم» بگویند! به علاوه تمام شعارها و کتیه هایی که شیعیان بر دیوارها و دروازه های کرخ نوشته بودند؛ مانند محمد و علی خیر البشر را محو کردند. سپس مداحان اهل تسنن، وارد کرخ شدند و با صدای بلند اشعاری در مدح خلفا قرائت نمودند. به امر ابن سلمه، رئیس الرؤسا، ابو عبدالله جلاب (گلاب) رئیس بزازهای کرخ را به جرم غلو در تشیع به قتل رساندند و بر در مغازه اش به دار آویختند. شیخ طوسی (رحمه الله) نیز پنهان شد و خانه اش غارت گردید. در ماه صفر سال 449 چند بار کتاب های شیخ الطائفة (رحمه الله) را جلوی مسجد نصر آوردند و در ملا عام آتش زدند و شیخ نیز چند نوبت پنهان گردید. چگونگی سوزاندن کتب شیخ (رحمه الله) و فرار وی و غارت خانه اش بدین قرار بوده است که در حمله به محلّه کرخ، خانه شیخ (رحمه الله) نیز که رئیس شیعیان بود، مورد حمله قرار گرفت. شیخ پنهان گردید. چون دسترسی

کتاب مصباح یک بار در سال 1338 در تهران به صورت سنگی به چاپ رسیده که قطع آن وزیری و در 600 صفحه است و مخارج چاپ آن را حاج عباسقلی خان سهم الملک عراقی پرداخته است.

به وی پیدا نکردند کلیه موجودی خانه اش را غارت نمودند، سپس کتاب ها و کرسی تدریس او را به محله کرخ آورده و سه پرچم سفید را که در قدیم شیعیان هنگام زیارت مولای متقیان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) با خود حمل می کردند، روی آنها نهاده و همه را طعمه حریق ساختند. سال بعد که بساسیری قدرت بیشتری یافت، شیعیان نیز فرصت یافتند و انتقام خود را از مخالفان در محله به کرخ، آتش زدن و غارت خانه ها و مغازه های خود گرفتند. اما دیری نپائید که طغرل سلجوقی مجدداً به بغداد بازگشت و بساسیری فرار کرد و بعد کشته شد و بغداد به تصرف طرفداران خلافت عباسی درآمد. حمله عمومی به محله کرخ، از سر گرفته شد. بسیاری از خانه ها و اماکن به تاراج رفت و دود آتش از هر سوی کرخ برخاست. کتابخانه شاهپور ابن اردشیر، وزیر بهاء الدوله، پسر عضد الدوله دیلمی، که مردی دانشمند و دانش دوست بود، و در تشیع، قدمی داشت طعمه حریق گردید. شاهپور بن اردشیر، این کتابخانه را در سال 381 هجری در محله کرخ به منظور استفاده دانشمندان و افراد با سواد شیعه تأسیس کرد و از نفیس ترین کتابخانه های آن روز بود. این کتابخانه دارای ده هزار و چهار صد جلد کتاب بود. شیخ طائفه (رحمه الله) مجبور شد بغداد را به قصد نجف ترک کند. نجف در آن موقع شهر نبود، حتی عنوان قریه هم نداشت، فقط تنی چند از زوار و مردم پرشور شیعه در جوار بارگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می زیستند. در زمان سلاطین دیلمی، از جمله معز الدوله، عضد الدوله، بهاء الدوله و وزراء و شخصیت های شیعی این خاندان، نجف، رونق گرفت. تغییرات زیادی پیدا کرد و اشیاء نفیسی، وقف بارگاه آن حضرت (علیه السلام) نمودند. سلاطین مزبور خود نیز به زیارت مرقد منور مولای متقیان (علیه السلام) می آمدند و طبق وصیت آنها بعد از مرگ نیز در سرداب صحن نجف، کنار آن تربت پاک به خاک رفتند. اما در آن موقع که شیخ (رحمه الله) به نجف آمد، دیگر نجف رونق زمان آل بویه را نداشت و از آن آمد و رفت ها خبری نبود، تعصب های جاهلانه سایه شوم خود را در همه جا افکنده و حالت رعب و وحشت همه جا را فرا گرفته بود.

در حاشیه این چاپ، ترجمه مصباح، به قلم محدث بزرگوار،^{۱۰۲} مرحوم حاج شیخ عباس قمی (رحمه الله)^{۱۰۳} نیز چاپ شده و فراغت از ترجمه، در سال 1331 هـ. ق بوده است، و متصدی چاپ در مقدمه آن ذکر کرده که این نسخه با پنج نسخه مقابله شده است، و سپس خصوصیات نسخ مزبور را ذکر می کند. کتاب مصباح را علامه حلی (رحمه الله)^{۱۰۴} تلخیص کرده که شرح آن در ذیل ذکر شده است:

منهاج الصلاح فی مختصر المصباح، این کتاب را علامه حلی (رحمه الله) به درخواست وزیر محمد بن محمد قوهدهی از روی مصباح مختصر کرده و آن را به ده باب مرتب ساخته و در پایان، باب دیگری از مسائل اصول دین که برای مکلفین دانستن آنها لازم بوده، بدان اضافه نموده و عنوانش را چنین قرار داده:

شیخ الطائفه (رحمه الله) دوازده سال آخر عمرِ گرانبهای خویش را در نجف گذرانید. تردیدی نیست که اقامت دوازده ساله شیخ الطائفه (رحمه الله)، گروهی از شاگردان وی و اهل فضل را به منظور استفاده از محضر پر فیض شیخ (رحمه الله) به نجف کشانده است. به همین نسبت نیز به مرور ایام، عده ای از شیعیان به آن مکان مقدس کوچیده و توطن اختیار کرده اند؛ زیرا در اواخر عمر شیخ (رحمه الله) و بعد از رحلت او که پسرش شیخ ابو علی طوسی (رحمه الله) و نوه او در نجف مرجعیت داشته اند، نجف دارای حوزه علمی و محل آمد و رفت علما و دانشمندان بود و همین موضوع نیز به خوبی ثابت می کند که ورود شیخ رونقی به آن مکان مقدس داد.

پایه گذار حوزه نهصد ساله نجف اشرف، شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی (رحمه الله) عطر الله مرقده است، و اقامت آن دانشمند عالیقدر در آن مکان مقدس، نجف را به صورت شهر و مرکز دنیای شیعه درآورد.

۱۰۳- حاج شیخ عباس قمی، متوفای سال 1359 هـ. ق.

۱۰۴- علامه حلی، متوفای سال 726 هـ. ق.

«الباب الحادی عشر فیما یجب علی عامّة المکلفین من معرفة اصول الدین» و چون این باب به خصوص جامع مسائل اصول عقاید بوده و احتیاج مردم بدان بیش از سایر ابواب بوده، آن را جداگانه استنساخ و تدوین کرده اند و بارها به چاپ رسیده و به «باب حادی عشر» معروف شده، محل انظار محققین قرار گرفته و شروح و تعلیقات بسیاری بر آن نوشته اند که مؤلف الذریعه، نام بیست و دو شرح آن را^{۱۰۵} ذکر می کند و بسیاری از دانشمندان نیز آن را ترجمه کرده اند که در الذریعه^{۱۰۶} مذکور است.

در اینجا بد نیست جریانی را که در مورد کتاب مصباح برای شیخ طوسی (رحمه الله) اتفاق افتاده و قاضی نور الله در مجالس المؤمنین نقل کرده عیناً نقل کنیم که سید بحر العلوم به نقل از وی در کتاب «فوائد الرجالیه» می نویسد:

بعضی از مخالفان به عرض خلیفه عباسی، که معاصر شیخ طوسی (رحمه الله) بود رسانیدند که او و اصحاب او از شیعه امامیه، سب صحابه می کنند و کتاب مصباح که دستور اعمال و ادعیه سنی متهجدان است، گواه بر این امر است؛ زیرا که در دعای عاشورا دارد: «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابدأ به اولاً ثم الثانی ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن یزید خامساً» که لعن بر خلفا می باشد؛ پس خلیفه در پی شیخ و کتاب مصباح فرستاد، چون با کتاب حاضر شد، شیخ

۱۰۵- الذریعه، ج 3، ص 5 - 7.

۱۰۶- ج 3، ص 7 و ج 4، ص 136 و ج 13، ص 117 - 123 و غیر آن.

طوسی (رحمه الله) منکر سب شد و وقتی کتاب را گشودند و دعای مذکور را به او نشان دادند و گفتند: این را چه عذر خواهید گفت؟ شیخ (رحمه الله) فوراً گفتند: یا... مراد از آن عبارت نه آن است که غمازان گمان برده اند؛ بلکه مراد به اول ظالم؛ قابیل، قاتل هابیل است که بنیاد قتل در دنیا نهاد، و ابواب لعن بر روی خود گشود و مراد به ثانی عاقر (پی کننده)، ناقه صالح است و اسم او قیدار بن سالف بود، و مراد به ثالث قاتل، یحیی بن زکریا است که به سبب زن زناکاری از زنان زناکار بنی اسرائیل، اقدام بر قتل آن معصوم کرد، و مراد به رابع، عبدالرحمن بن ملجم است که اقدام بر قتل علی بن ابی طالب (علیه السلام) نمود.

خلیفه چون آن تأویل را شنید تصدیق او نموده، انعام فرمود و از ساعی و غماز انتقام کشید.^{۱۰۷}

و کتاب مصباح از کتب جامع و بسیار معتبر و مهم ادعیه می باشد که ناقل زیارت شریفه عاشورا به سند می باشد که این کتاب شریف، چه مصباح صغیر و چه کبیر مکرراً چاپ شده است و به دلیل مراعات تقیه، فقره «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی و ابداء به اولاً ثم الثانی والثالث ثم الرابع...» حذف شده یا بعضی از نسخ که این فقره را ندارند از نسخه هایی کپی گرفته شده اند که آن فقره، به دلیل تقیه حذف شده بود.

۱۰۷- نور الله (رحمه الله) در مجلس پنجم کتاب (مجالس المؤمنین)، ج ۱، ص ۴۸۱؛ فوائد الرجالیه علامه بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۳۸ (چاپ سنگی تهران، سال ۱۲۱۹).

نقل روایت زیارت عاشورا

از کتاب مصباح المتهجد و سلاح المتعبد

شیخ طوسی (رحمه الله) در کتاب مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، می گوید:
محمد فرزند اسماعیل، پسر بزیع، از صالح - فرزند عقبه - از پدرش روایت کرده
است از امام محمد باقر (علیه السلام) که فرمود:

«روی محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح بن عقبه عن أبيه عن
أبي جعفر (عليه السلام) قال: من زار الحسين بن علي (عليهما السلام) في يوم عاشوراء
من المحرم حتى يظل عنده باكياً لقي الله عز وجل يوم يلقاه بثواب ألفي حجة وألفي
عمرة وألفي غزوة، ثواب كل غزوة وحجة وعمرة كثواب من حج واعتمر وغزى مع
رسول الله (صلى الله عليه وآله) ومع الأئمة الراشدين. قال: قلت: جعلت فداك فما لمن
كان في بعيد البلاد وأقاصيه ولم يمكنه المصير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان
كذلك برز إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره وأوماً إليه بالسلام واجتهد
في الدعاء على قاتله وصلى من بعد ركعتين، وليكن ذلك في صدر النهار قبل أن
تزل الشمس، ثم ليندب الحسين (عليه السلام) ويكيه ويأمر من في داره ممن لا يتقيه
بالكفاء عليه ويقيم في داره المصيبة بإظهار الجزع عليه وليعز بعضهم بعضاً بمصابهم
بالحسين (عليه السلام) وأنا الضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله تعالى جميع ذلك،
قلت: جعلت فداك أنت الضامن ذلك لهم والزعيم؟ قال: أنا الضامن وأنا الزعيم لمن
فعل ذلك. قلت: فكيف يعزى بعضنا بعضاً؟ قال: تقولون: أعظم الله أجورنا بمصابنا

بالحسين (عليه السلام) وجعلنا وإياكم من الطالبين بثاره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد (صلى الله عليه وآله). وإن استطعت أن لا تنتشر يومك في حاجة فافعل فإنه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة مؤمن، فإن قضيت لم يبارك ولم ير فيها رشدًا، ولا يدخرن أحدكم لمنزله فيه شيئًا، فمن ادخر في ذلك اليوم شيئًا لم يبارك له فيما ادخره ولم يبارك له في اهله. فإذا فعلوا ذلك كتب الله تعالى لهم ثواب ألف حجة وألف عمرة وألف غزوة كلها مع رسول الله (صلى الله عليه وآله)، وكان له أجر وثواب مصيبة كل نبي ورسول ووصي وصديق وشهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة. قال صالح بن عقبة وسيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد الحضرمي قلت لأبي جعفر (عليه السلام): علمني دعاء أدعو به ذلك اليوم إذا أنا زرت من قرب ودعاء أدعو به إذا لم أزره من قرب وأومأت من بعد البلاد ومن دارى بالسلام إليه. قال: فقال لي: يا علقمة! إذا أنت صليت الركعتين بعد أن تؤمى إليه بالسلام فقل بعد الإيماء إليه من بعد التكبير هذا القول فإنك إذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعو به زواره من الملائكة، وكتب الله لك مائة ألف ألف درجة، وكنت كمن استشهد مع الحسين (عليه السلام) حتى تشاركهم في درجاتهم ولا تعرف إلا في الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زيارة كل نبي وكل رسول وزيارة كل من زار الحسين (عليه السلام) منذ يوم قتل (عليه السلام) وعلى أهل بيته؛^{١٠٨}

امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی (علیهما السلام) را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد، که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرین (علیهم السلام). راوی گفت، عرض کردم: فدایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا باشد و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت، در مثل این روز ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب، بخواند پس ندبه کند بر حسین (علیه السلام) و بگوید بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند - هرگاه از ایشان تقیه نمی کند - به گریستن بر آن حضرت، و بر پا دارد در خانه خود مصیبتی به اظهار کردن جزع بر سیدالشهدا (علیه السلام)، و به یکدیگر تسلیت بگویند. سپس امام (علیه السلام) فرمود: من ضامن می شوم در نزد خداوند که اگر کسی این عمل را انجام داد، تمام ثواب هایی که ذکر کردم، برای او اعطا شود. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می شوی این ثواب ها را برای ایشان و کفیل می شوی این ثواب ها را؟ فرمود: بلی! من ضامن و کفیل از برای کسی که این عمل را به جا آورد. گفتم: چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ

الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله) ؛ یعنی بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت امام حسین (علیه السلام) و قرار دهد ما و شما را از طلب کنندگان خون او، با ولی او، امام مهدی از آل محمد (علیهم السلام). و آن گاه امام (علیه السلام) فرمود: اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است، که برآورده نمی شود در آن حاجت مؤمن و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید. ذخیره نکند از شما برای منزلش در آن روز چیزی را؛ پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را، برکت نخواهد دید، در آن چیزی که ذخیره نموده، و مبارک نخواهد بود بر اهلش. پس هرگاه به جای آوردند این عمل را، بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد، که همه را با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) انجام داده باشد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را، تا زمانی که به قیامت پای شود.

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره نقل می کنند که، علقمه بن محمد حضرمی گفت، به حضرت باقر (علیه السلام) عرض کردم: تعلیم فرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز، هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک، و دعایی که بخوانم آن را هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک، و بخواهم اشاره کنم به سلام به سوی او از شهرهای دور و از خانه ام. به من فرمود: ای علقمه! هرگاه تو به جای

آوردی آن دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کردی به سوی آن حضرت به سلام، پس در وقت اشاره به آن حضرت، بعد از گفتن تکبیر، این قول - زیارت عاشورا - را بگو؛ پس به درستی که تو هرگاه گفتی این قول را، به تحقیق که دعا کرده ای به آن چیزی که دعا می کند کسی که شهید شده باشد با امام حسین (علیه السلام)، تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی، مگر در جمله شهیدانی که شهید شده اند با آن حضرت و نوشته شود برای تو، ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین (علیه السلام) را، از روزی که شهید شده است و سلام خدا بر آن حضرت و بر اهل بیتش باد».

سپس شیخ طوسی (رحمه الله) زیارت عاشورا به شکل مشهور ذکر می کند:

«السلامُ عَلَیْکَ یا ابا عَبْدِاللهِ، السلامُ عَلَیْکَ یا بنَ رَسُولِ اللهِ، السلامُ عَلَیْکَ یا خَیرَةَ اللهِ وَابنَ خَیرَتِهِ، السلامُ عَلَیْکَ یا بنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَابنَ سَیدِ الوَصِیینَ، السلامُ عَلَیْکَ یا بنَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعَالَمینَ ...» تا آخر دعا

شیخ طوسی (رحمه الله) بعد از ذکر زیارت عاشورا، روایت علقمه^{۱۰۹} را می فرمایند، که امام باقر (علیه السلام) فرمود: ای علقمه! اگر بتوانی هر روز با این زیارت (زیارت عاشورا) امام حسین (علیه السلام) را زیارت کنی، البته این کار را انجام بده که ان شاء الله تمام ثواب هایی که ذکر شده است، برایت منظور گردد.

۱۰۹- مصباح متهجد، شیخ طوسی، ص 538 و 539 (الاعلمی).

همچنین شیخ طوسی روایت محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره^{۱۱۰} را ذکر می کند و می گوید:

من به همراه صفوان بن مهران جمال و چند نفر از دوستانمان، پس از خروج امام صادق (علیه السلام) از حیره به جانب مدینه برای زیارت امیر المؤمنین (علیه السلام) روانه نجف اشرف شدیم. پس از راه حیره^{۱۱۱} وارد شهر شدیم و پس از آنکه امیر المؤمنین (علیه السلام) را زیارت نمودیم، صفوان روی خود را به سمت قبر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) برگردانید و به ما گفت: امام حسین (علیه السلام) را از این مکان از بالای سر مقدس امیر المؤمنین (علیه السلام) زیارت کنید، که حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) - در وقتی که در خدمت آن بزرگوار به این مکان مقدس آمده بودم - از همین جا به سوی او اشاره کرد و این زیارت را خواند (زیارت عاشورا) و سپس دو رکعت در بالا سر امیر المؤمنین (علیه السلام) خواند و سپس امیر المؤمنین (علیه السلام) را وداع کرد و سلام کرد، با سر خود با امام وداع کرد.

و جمله دعاهایی که امام بعد از زیارت عاشورا خواندند، این بود:

«یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ، یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، یا کاشِفَ کُرْبِ الْمَكْرُوبِینَ، یا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِینَ، یا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِخِینَ، وِیا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ، وِیا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرءِ وَقَلْبِهِ، وِیا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِینِ، وِیا مَنْ هُوَ

۱۱۰- مصباح متهجد، شیخ طوسی (رحمه الله)، ص 539 و 540 (الاعلمی).

۱۱۱- شهری است در یک فرسنگی کوفه.

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ،
وَيَا مَنْ لَا تُخْفِي عَلَيْهِ خَافِيَةٌ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ...».

سیف بن عمیره گفت، سؤال کردم از صفوان و به او گفتم: علقمه بن محمد
حضر می برای ما از امام باقر (علیه السلام) زیارت را به این شکلی که تو می گویی
نقل نکرد؛ همانا او فقط دعا و زیارت را برای ما نقل نمود. صفوان گفت: با
آقایم، امام صادق (علیه السلام) وارد این مکان شدیم، و حضرت مثل همین عملی
که در این زیارت انجام دادیم، انجام داد و دعا فرمود در هنگام وداع، به همین
دعا بعد از آنکه نماز خواند به همان شکلی که ما نماز خواندیم، و وداع کرد به
همین شکلی که ما وداع کردیم. سپس صفوان گفت، امام صادق (علیه السلام) به من
فرمود: این زیارت را انجام بده و دعا کن به این دعا و زیارت کن به این زیارت
و همانا من در نزد خداوند متعال ضمانت می کنم بر هر کسی که این زیارت را
انجام دهد و این دعا را بخواند چه از راه دور و چه نزدیک، که زیارتش مقبول
گردد، تلاش و سعی او مرضی خداوند شود، سلام او به سیدالشهدا (علیه السلام)
برسد و حاجت او برآورده گردد از طرف خداوند، هر حاجتی که باشد.

ای صفوان! این زیارت - زیارت عاشورا - را دیدم با همین ضمانتی که نقل کردم
از پدرم و پدرم از پدرش، علی بن الحسین و او هم از حسین (علیه السلام) نقل کرد
و حسین هم از برادرش، حسن و او هم از امیرالمؤمنین و حضرت هم از رسول
خدا و ایشان هم به همین ضمانت از جبرئیل، و جبرئیل هم به همین ضمانت از
خداوند عالم نقل فرمود: همانا خداوند عالم بر خود لازم کرده که هرکس زیارت

کند حسین (علیه السلام) را به این زیارت چه از راه دور و چه نزدیک و دعا کند به این دعا، همانا من قبول می کنم زیارت او را و شفاعت می کنم و می پذیرم حاجت او را هر چه باشد. و از درگاه من بر نمی گردد نا امید، و بر می گردانم او را خوشحال، در حالی که چشمانش روشن باشد به رسیدن به حاجاتش، رسیدنش به بهشت و آزادیش از جهنم. و می پذیرم دعای او را در حق هر کس که بر او دعا کند (مگر ناصب و دشمن خانواده ما را). همانا خداوند بر خود فرض و لازم فرموده آنچه که گفتم و ما را شاهد قرار داده به آنچه که بر ملائکه ملکوت در اجر و ثواب این زیارت، نشان داده است.

سپس جبرئیل عرض کرد: ای رسول خدا! خداوند مرا به سوی تو فرستاد تا به تو بشارت دهم و تو را خوشحال کنم و علی، فاطمه، حسن، حسین و ائمه از فرزندان تو را (علیهم السلام) خوشحال کنم تا روز قیامت. پس ای رسول خدا! خوشحالی شما، علی، فاطمه، حسن، حسین و ائمه (علیهم السلام) همیشگی باد تا روز قیامت. ای صفوان! هر وقت حاجتی داشتی پس دعا کن به این زیارت در هر کجا که بودی، که خداوند برآورده می کند.^{۱۱۲}

اسناد زیارت عاشورا
در مصباح المتہجد و سلاح المتعبد
شیخ طوسی (رحمہ اللہ)

سند اول:

«روی محمد بن إسماعیل بن بزيع عن صالح بن عقبة عن أبيه عن
أبي جعفر (عليه السلام) قال: من زار الحسين بن علي (عليهما السلام) في يوم عاشوراء
من المحرم حتى يظل عنده باكياً لقي الله عز وجل يوم يلقاه بثواب ألفي حجة وألفي
عمرة وألفي غزوة، ثواب كل غزوة وحجة وعمرة كثواب من حج واعتمر وغزى مع
رسول الله (صلى الله عليه وآله) ومع الأئمة الراشدين. قال: قلت: جعلت فداك فما لمن
كان في بعيد البلاد وأقاصيه ولم يمكنه المصير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان
كذلك برز إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره وأومأ إليه بالسلام واجتهد
في الدعاء على قاتله وصلى من بعد ركعتين، وليكن ذلك في صدر النهار قبل أن
تزل الشمس، ثم ليندب الحسين (عليه السلام) ويبيكيه ويأمر من في داره ممن لا يتقيه
بالبكاء عليه ويقيم في داره المصيبة بإظهار الجزع عليه وليعز بعضهم بعضاً بمصابهم
بالحسين (عليه السلام) وأنا الضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله تعالى جميع ذلك،
قلت: جعلت فداك أنت الضامن ذلك لهم والزعيم؟ قال: أنا الضامن وأنا الزعيم لمن
فعل ذلك. قلت: فكيف يعزى بعضنا بعضاً؟ قال: تقولون: أعظم الله أجورنا بمصابنا
بالحسين (عليه السلام) وجعلنا وإياكم من الطالبين بثاره مع وليه الإمام المهدي من آل

محمد(صلى الله عليه وآله). وإن استطعت أن لا تنتشر يومك فى حاجة فافعل فإنه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة مؤمن، فإن قضيت لم يبارك ولم ير فيها رشدًا، ولا يدخرن أحدكم لمنزله فيه شيئًا، فمن ادخر فى ذلك اليوم شيئًا لم يبارك له فيما ادخره ولم يبارك له فى اهله. فإذا فعلوا ذلك كتب الله تعالى لهم ثواب ألف حجة وألف عمرة وألف غزوة كلها مع رسول الله(صلى الله عليه وآله)، وكان له أجر وثواب مصيبة كل نبي ورسول ووصى وصديق وشهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة. قال صالح بن عقبة وسيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد الحضرمي قلت لأبي جعفر (عليه السلام): علمنى دعاء أدعو به ذلك اليوم إذا أنا زرت من قرب ودعاء أدعو به إذا لم ازره من قرب وأومأت من بعد البلاد ومن دارى بالسلام إليه. قال: فقال لى: يا علقمة! إذا أنت صليت الركعتين بعد أن تؤمى إليه بالسلام فقل بعد الايماء إليه من بعد التكبير هذا القول فإنك إذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعو به زواره من الملائكة، وكتب الله لك مائة ألف ألف درجة، وكنت كمن استشهد مع الحسين (عليه السلام) حتى تشاركهم فى درجاتهم ولا تعرف إلا فى الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زيارة كل نبي وكل رسول وزيارة كل من زار الحسين (عليه السلام) منذ يوم قتل (عليه السلام) وعلى أهل بيته؛^{١١٣}

١١٣- مصباح المتهجد، شيخ طوسى(رحمه الله)، ص 536 - 537، چاپ بيروت.

محمد فرزند اسماعیل، پسر بزیع، از صالح - فرزند عقبه - از پدرش، از امام باقر (علیه السلام) که فرمود:

امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی (علیهما السلام) را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد، که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرین (علیهم السلام). راوی گفت، عرض کردم: فدایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا باشد و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت، در مثل این روز ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب، بخواند پس ندبه کند بر حسین (علیه السلام) و بگوید بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند - هرگاه از ایشان تقیه نمی کند - به گریستن بر آن حضرت، و بر پا دارد در خانه خود مصیبتی به اظهار کردن جزع بر سیدالشهدا (علیه السلام)، و به یکدیگر تسلیت بگویند. سپس امام (علیه السلام) فرمود: من ضامن می شوم در نزد خداوند که اگر کسی این عمل را انجام داد، تمام ثواب هایی که ذکر کردم، برای او اعطا شود. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می شوی این ثواب ها را برای ایشان و کفیل می شوی این ثواب ها را؟ فرمود: بلی! من ضامن و کفیل از برای کسی که این

عمل را به جا آورد. گفتم: چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بَثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله)؛ یعنی بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت امام حسین (علیه السلام) و قرار دهد ما و شما را از طلب کنندگان خون او، با ولی او، امام مهدی از آل محمد (علیهم السلام). و آن گاه امام (علیه السلام) فرمود: اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است، که برآورده نمی شود در آن حاجت مؤمن و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید. ذخیره نکند از شما برای منزلش در آن روز چیزی را؛ پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را، برکت نخواهد دید، در آن چیزی که ذخیره نموده، و مبارک نخواهد بود بر اهلش. پس هرگاه به جای آوردند این عمل را، بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد، که همه را با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) انجام داده باشد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را، تا زمانی که به قیامت پای شود.

سند دوم: «صالح بن عقبه و سیف بن عمیره عن علقمة بن محمد الحضرمی عن

الامام الباقر (علیه السلام)».

در روایت دارد: «قال صالح بن عقبة وسيف بن عميرة قال علقمة بن محمد الحضرمي»؛ یعنی دو نفر ناقل زیارت از علقمة بن محمد الحضرمی هستند، یکی صالح بن عقبة و دیگری سيف بن عميره. ابوجعفر، محمد بن حسن بن علی طوسی، معروف به شیخ طوسی اصل سند زیارت عاشورا را این گونه نقل می فرماید:

«قال صالح بن عقبة وسيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد الحضرمي قلت لأبي جعفر (عليه السلام): علمني دعاء أدعو به ذلك اليوم إذا أنا زرته من قرب ودعاء أدعو به إذا لم أزره من قرب وأو مات من بعد البلاد ومن داري بالسلام اليه. قال: فقال لي: يا علقمة! إذا انت صليت الركعتين بعد أن تؤمى اليه بالسلام فقل بعد الايماء اليه من بعد التكبير هذا القول: فانك اذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعو به زواره من الملائكة... السلام عليك يا ابا عبدالله! السلام عليك يا ابا عبدالله! السلام عليك يا ابن امير المؤمنين و ابن سيد الوصيين! السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين! السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور...»؛^{۱۱۴}

علقمة می گوید، به امام باقر (عليه السلام) عرض کردم: دعایی به من آموزش بده که اگر در آن روز امام حسین (عليه السلام) را از نزدیک زیارت کردم، آن را بخوانم و اگر نتوانستم از نزدیک زیارت کنم، از شهرهای دور و از خانه ام به سوی او با سلام اشاره کرده و آن دعا را بخوانم. امام فرمود: هرگاه که دو رکعت نماز زیارت

۱۱۴- مصباح المتهجد، شیخ طوسی، ص 536، چاپ بیروت.

را به جا آوردی و بعد از آن با سلام به سوی آن حضرت اشاره کردی، در حال اشاره، تکبیر بگویی و بخوانی این زیارت را (زیارت عاشورا)، همان دعایی را خوانده ای که ملائکه در هنگام زیارت آن حضرت می خوانند. خداوند صد هزار هزار درجه برای تو می نویسد و مانند کسی هستی که با امام حسین (علیه السلام) شهید شده و در درجات آنها شرکت کرده باشد و برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر، رسول و هر زائری که امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده، نوشته شود. بعد از نقل زیارت، علقمه می گوید، امام باقر (علیه السلام) به من فرمودند: «اگر بتوانی هر روز در خانه خود این زیارت را بخوانی، تمام این ثواب ها برای تو خواهد بود».

سند سوم: «محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیرة عن صفوان بن مهران». شیخ طوسی (رحمه الله)، زیارت عاشورا با سند دیگر به این صورت نقل می فرماید: «و روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیرة قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال و عندنا جماعة من أصحابنا إلى الغری بعد ما خرج أبو عبدالله (علیه السلام) فسرنا من الحيرة إلى المدينة فلما فرغنا من الزيارة صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله الحسين (علیه السلام) فقال لنا: تزورون الحسين (علیه السلام) من هذا المكان من عند رأس أمير المؤمنين (علیه السلام) من ههنا أو ما إليه أبو عبدالله

الصادق (عليه السلام) وأنا معه قال: فدعا صفوان بالزيارة التي رواها علقمة بن محمد الحضرمي عن أبي جعفر (عليه السلام) في يوم عاشورا ...؛^{۱۱۵}

شیخ در مصباح از محمد بن خالد طیالسی و او از سیف بن عمیره نقل می کند که گفت: پس از آنکه امام صادق (عليه السلام) از حیره به مدینه تشریف بردند، با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب به نجف اشرف رفتیم. پس از آنکه از زیارت امیرالمؤمنین (عليه السلام) فارغ شدیم، صفوان روی خود را به سوی قبر حضرت سیدالشهدا نمود و به ما گفت که از این مکان آن حضرت را زیارت کنید زیرا زمانی که من در خدمت امام صادق (عليه السلام) بودم ایشان از این مکان آن حضرت را زیارت نمود.

آن گاه شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و بعد از تمام شدن زیارت، «دعای علقمه» را که پس از آن زیارت عاشورا می خوانند، خواند.

سیف بن عمیره می گوید، به صفوان گفتم: وقتی علقمه بن محمد زیارت عاشورا را برای ما نقل کرد این دعا را نگفت.

صفوان گفت: در خدمت امام صادق (عليه السلام) به این مکان آمدم چون آن حضرت زیارت عاشورا خواندند، پس از خواندن دو رکعت نماز، این دعا را نیز خواندند. آن گاه حضرت به من فرمودند: ای صفوان! مواظب این زیارت و دعا باش و اینها را بخوان، که من ضامن می شوم هر کس این زیارت و دعا را، چه از

دور و چه از نزدیک بخواند، زیارتش مقبول شود، سعیش مشکور گردد، سلامش به آن حضرت برسد، حاجت او از سوی خداوند برآورده شود و به هر مرتبه ای که بخواهد برسد و او را نومید برنگردانند. ای صفوان! من این زیارت را با این ضمان از پدرم یافتم و پدرم از پدرش، علی بن الحسین (علیه السلام) با همین ضمان و او از امام حسین (علیه السلام) با همین ضمان از برادرش امام حسن (علیه السلام) با همین ضمان و امام حسن (علیه السلام) از پدرش امیرالمؤمنین (علیه السلام) با همین ضمان و امیرالمؤمنین از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با همین ضمان و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از جبرئیل با همین ضمان و جبرئیل این زیارت را با همین ضمان از خدای عز وجل یافت و خدای عز وجل به ذات خود قسم خورده است که هر کس حسین (علیه السلام) را با این زیارت، از دور یا از نزدیک، زیارت کرده و با این دعا، دعا کند، زیارت او را قبول می کنم و خواهش او را هر قدر که باشد می پذیرم و سؤالش را عطا می کنم، پس نا امید از طرف من بر نمی گردد؛ بلکه مسرور و خوشحال با حاجت روا شده، فوز بهشت و آزادی از آتش بر می گردد و شفاعت او را درباره هر کس، غیر از دشمن اهل بیت، قبول می کنم.

حق تعالی به ذات خود قسم خورده و ما را گواه بر آن گرفته چنان که ملائکه ملکوتش بر آن گواهند، و جبرئیل گفت: یا رسول الله! خداوند مرا به سوی تو فرستاد، سرور و بشارت بر تو و سرور و بشارت بر علی، فاطمه، حسن، حسین و ائمه خاندان تو (علیهم السلام) باد تا روز قیامت. پس ای محمد! سرور تو و سرور

علی، فاطمه، حسن، حسین(علیهم السلام)، امت و شیعه تو تا روز قیامت پاینده باد!
آن گاه صفوان گفت که حضرت صادق(علیه السلام) به من فرمودند: هر وقت
حاجتی برایت پیش آمد در هر مکانی که هستی، این زیارت و دعا را بخوان و
حاجت خود را از خداوند بخواه که برآورده می شود و خداوند و رسول او
خلف وعده نمی کنند.

زیارت عاشورا در کتاب

مزار کبیر

الشیخ ابو محمد عبدالله محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)

زیارة ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) فی یوم عاشورا

شیخ ابو عبدالله محمد بن جعفر مشهدی (رحمه الله)^{۱۱۶} در ابتداء کتاب خود می فرماید: «فانی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات للمشاهد المشرفات، وماورد فی الترغیب فی المساجد المبارکات والادعیه المختارات وما یدعی به

۱۱۶- شیخ سعید ابو عبدالله، محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری؛ معروف به محمد بن مشهدی و بن مشهدی از اجلاء علمای سلف می باشد و اصحاب به کتب او اعتماد کرده اند و عمده ادعیه و زیارات، از کتب ایشان اخذ شده است ولیکن به دلیل آنکه کتب ایشان (رحمه الله) کم منتشر گردیده از این رو اسمشان مجهول مانده است. و علمای بزرگ از جمله محدث حر عاملی می گوید: شیخ محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله) فاضل محدث و صدوق و برای ایشان کتب متعددی است و شیخ شهید محمد بن مکی (رحمه الله) در اجازه اش به شمس الدین شیخ سعید ابی عبدالله محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله) می نویسد که روایت کرده از بن مشهدی (رحمه الله) به واسطه تمام کتب و روایاتش و این خود دال بر آن است که بن مشهدی مرتبه والایی داشته است.

علامه مجلسی (رحمه الله) در کتاب شریف «بحار الانوار» از کتاب کبیر «فی الزیارات» بن مشهدی (رحمه الله) نقل می کند و سید بن طاووس (رحمه الله) در کتاب شریف «مصباح الزائر» خود از بن مشهدی (رحمه الله) نقل می کند و شیخ منتجب الدین (رحمه الله) در کتاب فهرست خود می گوید، سید ابو البرکات محمد بن اسماعیل مشهدی (رحمه الله) فقیه محدث است.

کتاب مزار بن مشهدی (رحمه الله) از کتبی است که علمای بزرگ از جمله سید رضی الدین علی بن موسی (رحمه الله) در «مصباح الزائر» و سید عبدالکریم ابن طاووس (رحمه الله) در «فرحة الغری» و علامه مجلسی اعتماد نموده اند.

عقوب الصلوات وما یناجی به التقدیم تعالی من لذیذ الدعوات فی الخلوات وما یلجأ الیه من الادعیه عند المهمات ممّا اتصلت به من ثقات الرواة الی السادات؛^{۱۱۷} مرحوم بن مشهدی (رحمه الله) در خصوص کتاب مزار خود می گوید: آنچه در این کتاب گردآوری کردم از زیاراتی که در مساجد مختلف قرائت می شود و ادعیه اختیار شده و هرآنچه بعد از نماز به صورت تعقیبات ذکر می شود و ادعیه ای که در خلوت با خدا با آن راز و نیاز می کند و دعاهایی که در هنگام طلب حاجت ذکر می شود و آنچه که ذکر کردم به واسطه ثقات به ائمه (علیهم السلام) می رسد. مرحوم بن مشهدی در بخش زیارت سیدالشهدا (علیه السلام)، ابتدا روایت عبدالله بن سنان را در خصوص چگونگی زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) در روز عاشورا نقل می کند:

«اخبّرنا الشیخ الفقیه العالم عماد الدین محمد بن ابی القاسم الطبری قراءة علیه وانا اسمع فی شهور سنة ثلاث و خمسين و خمسمائة بمشهد مولانا امیرالمؤمنین (علیه السلام)، عن الشیخ المفید ابی علی الحسن بن محمد، عن والده الشیخ ابی جعفر رضی الله عنه، عن الشیخ المفید ابی عبدالله محمد بن محمد بن النعمان، عن ابن قولویه و ابی جعفر بن بابویه، عن محمد بن یعقوب الکلینی، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن عبدالله بن سنان، قال:

۱۱۷- المزار، محمد بن المشهدی، ص 27؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج 1، ص 360.

دخلت علی سیدی ابی عبدالله جعفر بن محمد (علیهما السلام) فی یوم عاشوراء،
فألفیته کاسف اللون، ظاهر الحزن، و دموعه تنحدر من عینیه کالؤلؤ المتساقط،
فقلت: یا ابن رسول الله ممّ بکاؤک؟ لا أبکی الله عینیک، فقال لی: أو فی غفلة انت؟
أما علمت انّ الحسین بن علیّ (علیه السلام) قتل فی مثل هذا الیوم»^{۱۱۸}

عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند: روز عاشورا به
محضر آن حضرت مشرف شدم و آن حضرت را با رنگی تیره و گرفته و محزون
و در حالی که اشکشان مانند دانه های لؤلؤ از چشمان مبارک جاری می شد
مشاهده نمودم، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! خداوند چشمانتان را نگریند،
گریه شما به خاطر چیست؟ حضرت فرمود: آیا غافلی و نمی دانی که حسین (علیه
السلام) در مثل چنین روزی به مصائب مبتلا شده است؟ عرض کردم: ای سید و
آقای من! نظرتان درباره روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند: این
روز را روزه بدار؛ اما بدون اینکه آن را به پایان برسانی، افطار کن و بدون آنکه از
پروردگار انتظار رحمت داشته باشی و آن را صوم کامل قرار نده و بعد از گذشت
ساعتی از نماز عصر با جرعه آبی افطار کن.

عبدالله بن سنان می گوید: پس امام صادق (علیه السلام) گریه کرد به طوری که
محاسنشان از اشک خیس شد و فرمودند: خداوند متعال، نور را در روز جمعه،
مصادف با اول رمضان (بنابر تقدیر خود) خلق کرد و ظلمت را در روز چهارشنبه

۱۱۸- مزار بن المشهدی، ص 473، باب 18؛ مصباح المتهجد، ص 782؛ بحار الانوار، ج 45، ص 63.

مطابق با روز عاشورا (بنابر تقدیر خود) خلق کرد و برای هر یک از امت ها آئین و راهی معین نمود. برترین عمل در این روز لباس پاکیزه به تن کردن و به حالت تسلب خارج شدن است.

عبدالله بن سنان می گوید: سؤال کردم تسلب یعنی چه؟

امام فرمود: یعنی جلوی پیراهن را باز کنی و دست ها را تا آرنج نمایان کنی. امام (علیه السلام) ادامه دادند: در آن حال بعد از طلوع آفتاب خارج می شوی به بیابان (کویر) یا به جایی می روی که کسی تو را نبیند یا در منزلی می مانی که کسی آنجا نباشد و یا در یک جای خلوت می مانی.

«فتصلی اربع رکعات تحسن رکوعهن و سجودهن، وتسلم بین کل رکعتین، تقرأ فی الركعة الاولى سورة الحمد، و«قل یا ایها الکافرون»، و فی الثانية الحمد، و«قل هو الله احد»، ثم تصلی رکعتین اخریین، تقرأ فی الاولى الحمد و سورة الاحزاب، و فی الثانية الحمد و«إذا جاءک المنافقون»، أو ما تيسر من القرآن؛^{۱۱۹}

چهار رکعت نماز می خوانی و رکوع و سجود خود را نیکو به جا می آوری، و بین هر دو رکعت سلام می دهی و در رکعت اول بعد از سوره حمد، «قل یا ایها الکافرون» را می خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد، «قل هو الله احد» می خوانی و سپس دو رکعت نماز دیگر می خوانی و در رکعت اول حمد

۱۱۹- المزار، محمد بن مشهدی، ص 474؛ مصباح المتعبد، ص 783.

می خوانی و سپس سوره احزاب و در رکعت دوم حمد می خوانی و سوره «اذا جاءك المنافقون» یا هر آنچه که بر تو خواندندش از قرآن میسر شد». بعد از سلام نماز، صورت خود را طرف قبر امام حسین (علیه السلام) متوجه می سازی در حالی که حماسه امام (علیه السلام) و یارانش را در ذهن تصور کرده، لعن بر قاتلین بفرست و تبری جوی از افعال دشمنان امام (علیه السلام)، اگر این کار را در روز عاشورا انجام دادی خداوند درجه تو را در بهشت بالا خواهد برد و گناهان تو را خواهد بخشید، سعی کن در مکانی که هستی چه صحرا و فضا و... بگویی:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، رِضاً بِقَضَائِهِ وَتَسْلِيماً لِّأَمْرِهِ».

در حالی که محزون هستی، تسبیح خدا کن، «انا لله و انا اليه راجعون» بگو و اگر از این کارها فارغ شدی، در همان جایی که نماز خواندی بایست و بخوان: «اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ، وَ حَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ، وَعَبَدُوا غَيْرَكَ، وَاسْتَخَلُّوا مَحَارِمَكَ، وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْإِتْبَاعَ، وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ مُحِبًّا، وَمَنْ أَوْضَعَ مَعَهُمْ أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا».

اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ الْكَفَرَةَ الْجَاهِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأُتِحْ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»^{۱۲۰}

سپس امام (علیه السلام) فرمود: ابن سنان! این فعل تو افضل است از فلان مقدار حج و فلان مقدار عمره که مستحبی انجام می دهی، مال بر آن صرف می کنی، بدنت را بر آن خسته می کنی، و از اهل و فرزندان دور می شوی. و خداوند متعال عنایت می کند به واسطه نماز در روز عاشورا و دعای با اخلاص و این عمل، ده خصلت و از جمله آن خصال، در امان ماندن از مرگ بد، در امان ماندن از مکر و فقر، و دشمن او در دنیا نمی ماند و او در امان می ماند از مرض جنون و برص، هم خودش و هم چهار پشت بعد از خودش. خداوند متعال نمی گذارد که شیطان بر او مسلط شود و تا چهار پشت او را خداوند از تسلط شیطان جلوگیری می کند.

«قال ابن سنان: فانصرفت و أنا أقول:

الحمد لله الذی من علی بمعرفتکم و حبکم، وأسأله المعونة علی المفترض علیّ من طاعتکم بمَنّة و رحمته»^{۱۲۱}.

ابن سنان می گوید: من از نزد امام (علیه السلام) خارج شدم در حالی که می گفتم: خدا را شاکریم که بر ما منت نهاد و شما را بر ما معرفی کرد و حب شما را در دل ما قرار داد، و از خداوند متعال در خصوص آنان که طاعتشان را بر من فرض کرد تمسک و یاری خواستم (که بتوانم به وظیفه خود و مقابل آنان عمل کنم). زیارت عاشورا را ذکر می کند.

۱۲۱- مصباح المتهجد، ص 787؛ اقبال الاعمال، ص 568؛ ابن مشهدی در مزارش، ص 480؛ مجلسی در بحار الانوار، ج 101، ص 309؛ مستدرک الوسائل، ج 6، ص 280.

زیارة اخرى له فى يوم عاشورا

من قريب او بعيد، تقول:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمُؤْتُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي
حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ
وَالنَّهَارُ»...^{١٢٢}

و بعد از ذکر زیارت عاشورا می گوید: «زیارة الشهداء رضوان الله عليهم فى
يوم عاشورا» زیارت شهدای کربلا در روز عاشورا را ذکر می نماید... الى آخر.

زیارت عاشورا منقول در

مصباح الزائر

علی بن موسی (ابن طاووس) (رحمه الله)

جمال العارفین، سید رضی الدین سید علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (رحمه الله)^{۱۳۳}، زیارت عاشورا را در فصل دهم از کتاب مصباح الزائر نقل نموده است:

۱۳۳- سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (رحمه الله)، از نوادگان امام حسن مجتبی و امام سجاد (علیهما السلام) می باشد و در روز ۱۵ محرم سال ۵۸۹ هجری در شهر «حله» به دنیا آمد. جد هفتم ایشان مرحوم محمد بن اسحاق (رحمه الله)، که به دلیل زیبایی و ملاحظت به «طاووس» مشهور شده بود، از سادات بزرگوار مدینه محسوب می شد. پدر او، مرحوم موسی بن جعفر (رحمه الله) نیز، از روات بزرگ حدیث است که روایات خود را در اوراقی نوشته بود و بعد از او، فرزندش آنها را جمع آوری نموده و با نام «فرقة الناظر و بهجة الخاطر مما رواه والدی موسی بن جعفر» آن را منتشر نمودند. مادر او نیز دختر مرحوم ورام بن ابی فراس (رحمه الله)، از بزرگان علمای امامیه بود. او مدت دو سال و نیم به تحصیل فقه پرداخت و پس از آن خود را از استاد بی نیاز دید و بقیه کتب فقهی عصر خویش را به تنهایی مطالعه نمود. ابن طاووس (رحمه الله) که از محضر اساتید حله استفاده کافی و لازم را برده بود، برای استفاده از علمای دیگر شهرها عزم سفر نمود. او ابتدا به کاظمین رفت. پس از مدتی ازدواج نمود و ساکن بغداد شد. مدت ۱۵ سال در شهر بغداد به تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف پرداخت. ورود سید (رحمه الله) به بغداد سال ۶۲۵ هجری بوده است. سید (رحمه الله) که برای پذیرش پست های حکومتی تحت فشار دولت عباسی قرار گرفته بود از بغداد به حله، زادگاه خودش، مراجعت کرد. سید (رحمه الله) مدت سه سال نیز در جوار امام هشتم (علیه السلام) به سر برد. سپس به نجف و کربلا هجرت کرده و در هر کدام حدود ۳ سال مقیم شد. در این زمان علاوه بر تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف، همت اصلی خویش را بر سیر و سلوک و کسب معنویات قرار داد. مادر پدرش نیز نوه شیخ طوسی (رحمه الله) می باشد و به همین دلیل سید گاهی می گوید: «جدی ورام بن ابی فراس (رحمه الله)» و گاهی می گوید: «جدی الشیخ الطوسی (رحمه الله)» برادرها و برادر

ذکر زیارة عاشوراء و فضلها و کیفیتها

و عمل ذلک الیوم علی التقریب

عن الصادق (علیه السلام) قال: «من زار الحسین بن علی (علیهما السلام) یوم عاشوراء

عارفاً بحقه، کان کمن زار الله فی عرشه». ۱۲۴/۱۳۵

کسی که امام حسین (علیه السلام) را در روز عاشورا، در حالی که عارف به حقش باشد زیارت کند، مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده باشد.

زاده ها و فرزندان او نیز از علمای بزرگوار شیعه بوده اند. ابتدای تحصیلات سید ابن طاووس (رحمه الله) در شهر حله بود، که از محضر پدر و جد خود، ورام بن ابی فراس علوم مقدماتی را آموخت. سید (رحمه الله) با درکی قوی و هوشی سرشار، قدم در راه علم نهاد و در اندک زمانی از تمام همشاگردی های خود سبقت گرفت. وی در «کشف المحجّه» می گوید: «وقتی من وارد کلاس شدم

آنچه را دیگران در طول چند سال آموخته بودند، در یک سال آموختم و از آنان پیشی گرفتم». آخرین سفر ابن طاووس (رحمه الله) در سال 652 هجری به بغداد بود. وی در بغداد منصب نقابت را پذیرفت و تا پایان عمر خویش در همان جا سکنی گزید. زمانی که مغول ها به بغداد حمله کرده و آن را اشغال نمودند، سید (رحمه الله) نیز در بغداد بود. ابن طاووس (رحمه الله) حدود 50 تألیف دارد که بسیاری از آنها در موضوعات ادعیه و زیارات است. ده جلد کتاب «المهمات والتتمات» که هر یک با عنوان مستقل چاپ شده است از جمله: فلاح السائل، زهره الربیع، جمال الاسبوع، اقبال الاعمال و... . سید (رحمه الله) این کتب را به عنوان تتمه مصباح المتهجد، شیخ طوسی نوشته است. کشف المحجّه لثمره المهجّه، کتابی اخلاقی است و شامل وصیت های سید (رحمه الله) به فرزندانش می باشد و مراحل مختلف زندگی خویش را هم در آن ذکر کرده است. سید علی بن طاووس در سال 664 هجری در سن 75 سالگی و در شهر بغداد وفات نمود. بدن شریفش را به نجف اشرف منتقل نموده و در حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپردند.

۱۲۵- مصباح الزائر، الفصل العاشر، ص 261.

و یروی فی حدیث مرفوع اختصرناه عن عبدالله بن سنان قال: دخلت علی سیدی
أبی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) یوم عاشوراء فألقىته کاسف اللون،
ظاهر الحزن، و دموعه تنحدر من عینیہ کالؤلؤ المتساقط، فقلت: یا ابن رسول الله،
ممّ بکاؤک، لا أبکی الله عینیک؟

فقال لی: «أو فی غفلة أنت، أما علمت أن الحسین بن علی اصیب فی مثل هذا
الیوم؟»^{۱۲۶}

در حدیث دیگر دارد: «وجبت له الجنة».

فرمود: بهشت بر او واجب می شود.

و عن الصادق (علیه السلام): «من زار الحسین (علیه السلام) فی یوم عاشوراء و بات
عنده کان کمن استشهد بین یدیه»^{۱۲۷}

کسی که زیارت کند سیدالشهدا (علیه السلام) را در روز عاشورا و بماند آن شب
را در نزد سیدالشهدا (علیه السلام) مانند کسی است که در میان دو دست
حضرت (علیه السلام)، شهید شده باشد».

عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند: روز عاشورا به
محضر آن حضرت مشرف شدم و آن حضرت را با رنگی تیره و گرفته و حزنی
که در چهره، ظاهر بود و اشکی که همچون دانه های لؤلؤ از چشمان مبارک

۱۲۶- مصباح الزائر، الفصل العاشر، ص 262.

۱۲۷- مصباح المتعبد، ص 772؛ کامل الزیارات، ص 323؛ وسائل الشیعة، ج 10، ص 372.

جاری بود مشاهده نمودم، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! خداوند چشمانتان را نگیریاند، گریه شما به سبب چیست؟ حضرت فرمود: آیا غافلی و نمی دانی که حسین (علیه السلام) در مثل چنین روزی به مصائب مبتلا شده است؟ عرض کردم: ای سید و آقای من! نظرتان درباره روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند: این روز را روزه بدار؛ اما بدون اینکه آن را به پایان برسانی، افطار کن و بدون آنکه از آن انتظار رحمت داشته باشی و آن روز را صوم کامل قرار نده. ساعتی از نماز عصر گذشته، با جرعه ای آب آن را افطار کن.

عبدالله بن سنان می گوید: پس امام صادق (علیه السلام) گریه کرد به طوری که محاسنشان از اشک خیس شد و فرمودند: خداوند متعال، نور را در روز جمعه، مصادف با اول رمضان خلق کرد و ظلمت را در روز چهارشنبه، مطابق با روز عاشورا خلق کرد و برای هر یک از امت ها آئین و راهی معین کرد. برترین عمل در این روز، لباس پاکیزه به تن کردن و به حالت تسلب خارج شدن است.

عبدالله بن سنان سؤال کرد: تسلب یعنی چه؟

امام (علیه السلام) فرمود: یعنی جلوی پیراهن را باز و دست ها را تا آرنج نمایان کنی.

امام (علیه السلام) ادامه دادند: در آن حال بعد از طلوع آفتاب خارج می شوی به بیابان (کویر) یا به جایی می روی که کسی تو را نبیند یا در منزلی می مانی که کسی آنجا نباشد و یا در یک جای خلوت می مانی.

چهار رکعت نماز می خوانی و در رکوع و سجود نماز، تأمل می کنی و بین هر دو رکعت سلام می دهی و در رکعت اول بعد از حمد، سوره «قل یا ایها الکافرون» را می خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «قل هو الله احد» را می خوانی و در نماز دوم بعد از حمد، سوره «احزاب» را می خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد، «اذا جاءک المنافقون» یا هرچه از قرآن که توانایی داشتی می خوانی.

بعد از سلام نماز، صورت خود را طرف قبر امام حسین (علیه السلام) متوجه می سازی در حالی که حماسه امام (علیه السلام) و یارانش را در ذهن تصور می کنی، لعن بر قاتلین بفرست و تبری جوی از افعال دشمنان امام (علیه السلام)، اگر این کار را در روز عاشورا انجام دادی، خداوند درجه تو را در بهشت بالا خواهد برد و گناهان تو را خواهد بخشید، سعی کن در آن مکانی که هستی چه صحرا و فضا و... بگویی:

«اَنَا لله و اَنَا اِلَيْهِ راجِعُونَ، رِضاً بِقَضَائِهِ وَ تَسْلِيماً لِأَمْرِهِ».

در حالی که محزون هستی، تسبیح خدا کن، «انا لله و انا اِلَيْهِ راجِعُونَ» بگو و اگر از این کارها فارغ شدی در همان جایی که نماز خواندی، بایست و بخوان:

«اللهم عَذِّبِ الْفَجْرَةَ الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ، وَ حَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ، وَ عَبَدُوا غَيْرَكَ، وَ اسْتَخَلُّوا مَحَارِمَكَ، وَ الْعَنِ الْقَادَةَ وَ الْإِتْبَاعَ، وَ مَنْ كَانَ لَهُمْ مُحِبًّا، وَ مَنْ أَوْضَعَ مَعَهُمْ أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا».

اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ اُيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ الْكَفَرَةَ الْجَا حِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَتِحْ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوْكَ وَعَدُوْهِمْ سُلْطَانًا نَصِيْرًا»^{۱۲۸}

سپس امام (علیه السلام) فرمود: ای ابن سنان! این فعل تو افضل است از فلان مقدار حج و فلان مقدار عمره مستحبی که انجام می دهی، مال بر آن صرف می کنی، بدنت را بر آن خسته می کنی و از اهل و فرزندان دور می شوی.

و خداوند متعال عنایت می کند به واسطه نماز در روز عاشورا و دعای با اخلاص و این عمل، ده خصلت و از جمله آن خصال، در امان ماندن از مرگ بد، در امان ماندن از مکر و فقر است، و دشمنی بر او ظاهر نمی شود تا اینکه بمیرد و در امان می ماند از مرض جنون و برص هم خودش و هم چهار پشت بعد از خودش. خداوند متعال نمی گذارد که شیطان بر او مسلط شود و تا چهار پشت او را خداوند از تسلط شیطان جلوگیری می کند.^{۱۲۹}

سپس مرحوم ابن طاووس (رحمه الله) بعضی از اعمال شب عاشورا را به نقل از مصباح کبیر^{۱۳۰}، و اقبال الاعمال^{۱۳۱}، نقل می کند.

۱۲۸- مصباح الزائر، الفصل العاشر، ص 263.

۱۲۹- مصباح المتعبد، ص 537؛ اقبال الاعمال، ص 568؛ ابن مشهدی در مزارش، ص 687؛ مجلسی در بحار الانوار، ج 101، ص 309.

۱۳۰- مصباح المتعبد، ص 537.

۱۳۱- اقبال الاعمال، ص 555.

سپس زیارت عاشورا را بر طبق روایت صالح بن عقبه نقل می کند و می فرماید: این بهترین زیارت (زیارت عاشورا) است که در روز عاشورا از نزدیک یا دور خوانده می شود.

«... وأما فضل الزيارة و عمل ذلك اليوم (روز عاشوراء) فقد روى زيارة أخرى يُزار بها الحسين (عليه السلام) في يوم عاشوراء من القرب والبعد:»^{۱۳۲}

اما بهترین زیارت و عمل در روز عاشورا، به درستی که زیارت دیگری بر روز عاشورا بر امام حسین (علیه السلام) ذکر شده که از نزدیک و دور خوانده می شود: صالح بن عقبه، عن أبيه، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليهما السلام) فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ مِنَ الْمَحْرَمِ حَتَّى يَظِلَّ عِنْدَهُ بَاكِياً، لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَلْقَاهُ بِثَوَابِ أَلْفِي حِجَّةٍ، وَأَلْفِي عُمْرَةٍ، وَأَلْفِي غَزْوَةٍ، ثَوَابُ كُلِّ حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ وَغَزْوَةٍ كَثُوبَ مَنْ حَجَّ وَاعْتَمَرَ وَغَزَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَعَدَ الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدِينَ)»^{۱۳۳}

محمد بن اسماعیل بن بزيع از صالح بن عقبه، از پدرش، از حضرت امام باقر (علیه السلام) که فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی (علیهما السلام) را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها

۱۳۲- مصباح الزائر، ص 267.

۱۳۳- وسائل الشیعه، ج 10، ص 372.

مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرين (علیهم السلام). راوی گفت، گفتم: فدایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا بوده و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت در مثل این روز ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود، و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن، دو رکعت نماز کند و انجام دهد این کار را در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب؛ پس ندبه کند بر حسین (علیه السلام) و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند - هرگاه از ایشان تقیه نمی کند - به گریستن بر آن حضرت و بر پا دارد در خانه خود مصیبتی به اظهار کردن جزع بر آن حضرت و تعزیت بگویند یکدیگر را به مصیبت ایشان به حسین (علیه السلام). و من ضامن می شوم در نزد خداوند که اگر کسی این عمل را انجام داد، تمام ثواب هایی که ذکر کردم، برای او باشد. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می شوی این ثواب ها را برای ایشان و کفیل می شوی این ثواب ها را؟ فرمود: بلی! من ضامن و کفیل از برای کسی که این عمل را به جا آورد. گفتم که چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله)»؛ یعنی بزرگ فرماید خداوند اجر و ثواب عزاداری ما را بر امام حسین (علیه السلام) قرار دهد ما و شما را از خواهندگان خون او، با ولی او، امام مهدی از آل محمد (علیهم

السلام) و اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است که برآورده نمی شود در آن حاجت مؤمن، و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید. البته هیچ یک از شما برای منزلش در آن روز چیزی را ذخیره نکند؛ پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را، برکت نخواهد دید در آن چیزی که ذخیره نموده و مبارک نخواهد بود از برای اهلش. پس هرگاه این عمل را به جای آوردند، بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد که همه را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام داده باشد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را، تا زمانی که قیامت به پای شود.

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره نقل کرده اند از علقمه بن محمد حضرمی که گفت، به حضرت باقر (علیه السلام) عرض کردم: که تعلیم فرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز، هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک و دعایی که بخوانم آن را هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک و بخواهم اشاره کنم به سلام به سوی او از شهرهای دور و از خانه ام. امام (علیه السلام) فرمود: ای علقمه! هرگاه تو به جای آوردی آن دو رکعت نماز را (نماز زیارت)، بعد از آنکه اشاره کنی به سوی آن حضرت به سلام، پس بگو در وقت اشاره به آن حضرت بعد از گفتن تکبیر، این قول؛ یعنی زیارت آتیه را، پس به درستی که تو هرگاه گفتی این قول را به تحقیق که دعا کرده ای به آن چیزی که دعا می کند کسی که شهید شده

باشد با امام حسین (علیه السلام)، تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در جمله شهیدانی که شهید شده اند با آن حضرت، و نوشته شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین (علیه السلام) را، از روزی که شهید شده است، سلام خدا بر آن حضرت (علیه السلام) و بر اهل بیتش (علیهم السلام) باد.

«قال صالح بن عقبه و سيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد الحضرمي: قلت لابي جعفر (عليه السلام): علمني دعاء أدعو به في ذلك اليوم اذا أنا زرته من قرب، و دعاء أدعو به اذا أنا لم أزره من قرب وأومأت من بعد البلاد ومن داري بالتسليم إليه؛^{۱۳۴} صالح بن عقبه و سيف بن عميرة نقل می کنند که علقمة بن محمد الحضرمی گفت، به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: دعایی به من تعلیم فرماید که اگر از نزدیک زیارت کردم، بخوانم و دعایی که اگر از دور اشاره به سلام کردم، بخوانم. حضرت فرمودند: ای علقمه! هرگاه تو اشاره به سلام نمودی و دو رکعت نماز را خواندی، هنگام اشاره به آن حضرت بعد از تکبیر، این قول - زیارت عاشورا - را بگو: پس اگر تو این زیارت را خواندی دعا کرده ای به آنچه که ملائکه زائر حسین دعا می کنند و خداوند صد هزار هزار درجه برای تو می نویسد و مانند کسی هستی که با امام حسین (علیه السلام) شهید شده و در درجات آنها شرکت کرده باشد، و شناخته نمی شوی مگر جزء شهدایی که با سیدالشهدا (علیه السلام)

شهید شدند و خداوند منظور می گرداند برای تو ثواب زیارت هر نبی، رسول و هر زائری که امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده از زمانی که به شهادت رسید».

سپس مرحوم بن طاووس (رحمه الله) زیارت عاشورا را نقل می کند:

«السلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِثَرَ الْمُؤْتَوْرَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلامُ اللَّهِ أَبَداً مَا بَقِيََتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ»... تا آخر دعا

بعد از نقل زیارت عاشورا، علقمه می گوید، امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اگر بتوانی هر روز در خانه خود این زیارت (زیارت عاشورا) را بخوانی ان شاء الله تمام ثواب هایی که ذکر شده است، برای تو منظور می گردد.^{۱۳۵}

سپس مرحوم بن طاووس (رحمه الله) روایت محمد بن خالد طرابلسی از سیف بن عمیره را متذکر می شود که گفت:

من به همراه صفوان بن مهران جمال و چند نفر از دوستانمان پس از خروج امام صادق (علیه السلام) از حیره به جانب مدینه برای زیارت امیر المؤمنین (علیه

۱۳۵- مصباح المتهجد، ص 539؛ «قال علقمة: قال ابو جعفر (عليه السلام): ان استطعت ان تزوره في كل يوم بهذه الزيارة من دارك فافعل ولك ثواب جميع ذلك».

السلام) روانه نجف اشرف شدیم . پس از راه حیره^{۱۳۶} وارد شهر شدیم و پس از آنکه مضجع شریف امیر المؤمنین (علیه السلام) را زیارت نمودیم، صفوان روی خود را به سمت قبر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) برگردانید و به ما گفت: امام حسین (علیه السلام) را از این مکان، از بالای سر مقدس امیر المؤمنین (علیه السلام) زیارت کنید و زیارت عاشورا را خواند. (همین مقدار از روایت را فقط ذکر می کند)

بعد از آنکه صفوان زیارت عاشورا را تمام کرد، نزد سر امیر المؤمنین (علیه السلام) دو رکعت نماز به جای آورد؛ سپس امیر المؤمنین (علیه السلام) را وداع گفت و رو به جانب مرقد امام حسین (علیه السلام) کرد و به آن سو اشاره نمود و با آن حضرت نیز وداع نمود . از جمله دعاهایی که پس از آن دو رکعت نماز خواند، این دعا بود:

«یا الله یا الله یا الله، یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، یا کاشِفَ کُرْبِ الْمَكْرُوبِینَ، یا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِینَ، یا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِخِینَ، ویا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ، ویا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرءِ وَقَلْبِهِ، ویا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِینِ، ویا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوَى، ویا مَنْ یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعِینِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ»...

تا آخر دعا^{۱۳۷}

۱۳۶- شهری است در یک فرسنگی کوفه .

۱۳۷- کتاب مصباح الزائر ابن طاووس، زیارت عاشورا .

زیارت عاشورا منقول در کتاب

فرحۃ الغری

سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)

سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)^{۱۳۸} در کتاب فرحۃ الغری، روایت صفوان را ذکر می کند: که روایت شده از صفوان جمال که گفت: با حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) از مدینه مشرفه بیرون رفتم و اراده کوفه داشتیم و چون

۱۳۸- غیاث الدین، ابوالمظفر، عبدالکریم بن احمد (693 - 648 ق)، فقیه، ادیب و نسب شناس. وی در کربلا، زاده شد و در حلّه، رشد و کمال یافت و در بغداد، درس خواند. ادبیات را نزد حسین بدر ادیب، از عالمان عامه آموخت (نامه دانشوران، ج 1، ص 183) استادان او در سطوح عالی عبارت بودند از: پدر، عمویش، رضی الدین علی بن موسی، خواجه نصیر الدین طوسی و محقق حلی (جعفر بن حسن، 602 - 676 ق). وی از آنان اجازه روایت یافت. شاگردان بسیاری نیز در حوزه درس او شرکت می کردند که برخی از آنان به مراتب بلند علمی و فقهی دست یافتند، از آن میان می توان از ابوالبرکات شیخ عبدالرحمن بن احمد حربی حنبلی و عبد الصمد بن احمد بن ابی الجیش، دو تن از عالمان اهل سنت، نام برد که از او به کسب اجازه روایت نیز نایل آمدند. گفته اند که او در 11 سالگی حافظ قرآن بود. وی در ادب دستی توانا داشت و به استواری شعر می سرود و به شیوایی می نوشت. چنان که از کتاب «فرحۃ الغری» او بر می آید، در 680 ق به قصد زیارت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به خراسان سفر کرده است. او در روزگار خود مقام نقابت علویان را نیز یافت. از سید عبدالکریم آثاری بر جای مانده است که مشهورترین آنها «فرحۃ الغری بصرحۃ الغریه» است که در تعیین محل دفن امام امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است و در 1311 ق در تهران و 1368 ق در نجف چاپ شده است. نسخه هایی خطی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و آستان قدس موجود است. وی حاشیه ای نیز بر دعای سمات نوشته که نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. سید عبدالکریم در کاظمین درگذشت، اما محل دفن او معلوم نیست. فرزند او، رضی الدین ابوالقاسم علی (د 741 ق) نیز از محدثان به شمار آمده است. وی از پدر خود و از خواجه نصیر الدین طوسی روایت کرده است. شهید اول (محمد بن مکی، 734 - 786 ق) با یک واسطه از او روایت کرده است.

از حیره گذشتیم، فرمود: یا صفوان! گفتم: لیبیک ای پسر رسول خدا! فرمود: شتران را رو به «قایم» ببر - و قایم، میلی یا عمارتی بوده است - و به طرف «غری» برو. و چون به «قایم» رسیدند، آن حضرت ریسمان باریکی بیرون آوردند و آن ریسمان را در منطقه قایم گره زدند و در حالی که ریسمان را در دست داشتند به طرف مغرب چند گام رفتند و ادامه ریسمان را با دست خود می بردند تا آنجا که ریسمان پایان یافت، ایستادند و کفی از خاک برداشتند و مدتی مدید بو کردند و چند قدم آمدند تا موضعی که اکنون موضع قبر آن حضرت است و به دست مبارک، قبضه ای از خاک برداشتند، بوئیدند، نعره ای زدند و از هوش رفتند. من گمان کردم که از دنیا مفارقت فرمودند، و چون به هوش آمدند فرمودند: والله! که این محل، قبر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. بعد از آن خطی بر دور قبر کشیدند، من عرض کردم: ای پسر رسول خدا! چه چیزی معصومان این اهل بیت را از اظهار قبر آن حضرت منع می کرد؟ فرمودند که از خوف بنی مروان و خوارج علیهم اللعنة اظهار نکرده و مخفی کردند. صفوان گفت، از آن حضرت سؤال کردم: به چه نحو امام را زیارت بکنیم؟ فرمود: وقتی که می خواهی زیارت کنی، غسل کن و دو جامه پاکیزه شسته یا نو بپوش و بوی خوش استعمال کن، و اگر بوی خوش به دستت نیاید باکی نیست، و چون از خانه بیرون آیی، این دعا را بخوان.^{۱۳۹}

۱۳۹- کتاب فرحة الغری، ترجمه علامه محمد باقر مجلسی، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

بعد از ذکر موارد فوق، مرحوم سید عبدالکریم بن طاووس (رحمه الله) می گوید:
دعا و زیارت (زیارت عاشورا) را ذکر نکردم؛ زیرا که به طول
می انجامد.

منهاج الصلاح

ناقل زیارت عاشورا

علامه حلی (رحمه الله)

علامه حسن بن علی بن مطهر حلی^{۱۴۰} در کتاب منهاج الصلاح، زیارت عاشورا را در باب فیما يتعلق بشهر المحرم وهو آخر الاشهر الحرم الاربعه و قتل فی العاشر منه مولانا السبط الشهيد الامام ابو عبدالله الحسين (عليه السلام) ...

علامه حلی (رحمه الله) در فصل پنجم کتاب با عنوان آنچه که به ماه محرم تعلق دارد می گوید: محرم، از ماه های حرام است و مولای ما، امام حسین (علیه السلام) در دهم این ماه به شهادت رسید و مستحب است روزه گرفتن در روز دهم این ماه، در حالی که حزین باشد و افطار کند بعد از ظهر به مقدار کمی از تربت امام حسین (علیه السلام).^{۱۴۱}

۱۴۰- جمال الدین حسن، فقیه بزرگ شیعه و از مفاخر علما در اصول، کلام، حدیث، تفسیر، منطق، فلسفه، ادبیات عرب، ریاضی، رجال و در تمام این علوم صاحب تألیفات است. در حدود یکصد کتاب از آثار او شناسایی شده که بعضی مانند «تذکره الفقهاء» کافی است که نبوغ او را نشان دهد. علامه، کتاب زیادی دارد که غالب آنها در زمان های بعد، از طرف فقهاء شرح داده شده است.

پدرش، سید الدین یوسف ابن مطهر حلی (رحمه الله)، از دانشمندان و فقه های بزرگ و بسیار شجاع و با تدبیر، مادرش زنی فاضله و بلند مرتبه از خاندان بنی سعید، برادرش رضی الدین (رحمه الله) صاحب «العدد القویه لدفع المخاوف الیوم» که سیزده سال از علامه، بزرگ تر بود. خواهرش همسر مجد الدین ابو الفوارس که دو فرزند او از شاگردان علامه بودند. لقب او آیت الله، و جمال الدین فاضل بود و کنیه اش «ابو منصور» و «ابن مطهر» در سخنان بزرگان از او با لقب «علامه» و «علامه دهر» نام برده شده است. علامه حلی در 29 رمضان سال 648 هـ.ق، در شهر حله به دنیا آمد. از همان کودکی در

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس زیارت کند قبر امام حسین (علیه السلام) را در روز عاشورا در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد، مانند کسی است که خداوند را در عرش زیارت کرده است.

فاطمه زهرا (علیها السلام) طعامی از خرما، نان و روغن فراهم کرد و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) همراه با علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) طعام را میل فرمودند. بعد از اتمام طعام، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سجده طولانی نمود، سپس گریه کرده، پس از آن خندیدند و سپس نشستند.^{۱۴۲}

محضر پدر، علوم تفسیر، حدیث و صرف و نحو را یاد گرفت. آن گاه در خدمت دایی خود «نجم الدین حلی (رحمه الله)» معروف به محقق حلی (رحمه الله) به تحصیل علم پرداخت. او با آن هوش و استعداد سرشار، علاقه زیادی به تعلیم علوم مختلف نزد اساتید بزرگ از خود نشان داد که خیلی زود تمام مدارج علمی را طی کرد و آن طور که نقل کرده اند: هنوز به سن بلوغ نرسیده بود که به درجه اجتهاد رسید و در جوانی به تألیفات پرداخت. در سن 26 سالگی به نگارش فقه و اصول مشغول شد به طوری که آثارش امروزه جزء مهم ترین کتب شیعه و مورد استفاده دانشمندان است. علامه حلی (رحمه الله) یکی از پرکارترین و موفق ترین فقهای نامدار شیعه، از نظر تألیف به شمار می آید. طبق شمارشی که از تألیفات او به عمل آورده اند با تقسیم به روزهای عمر او، به هزار سطر در هر روز عمر او رسیده است. آنچه که باعث شهرت بیشتر علامه شد، فتوایی بود که در جهت حل مشکل طلاق الجایتو داد. ماجرا این است که (الجایتو - محمد خدابنده) روزی از همسرش عصبانی می شود و او را در یک مجلس، سه طلاقه کرد و بعد از آن پشیمان شد و درباره حلال شدن همسرش سؤال می کرد بنابر، مذهب اهل تسنن فقهای اهل سنت گفتند: هیچ راهی نیست.

بالاخره بعضی او را از وجود فقیه‌ای از حله با خبر کردند که او این گونه طلاق را اصلاً باطل می داند. سلطان با اینکه با اعتراض درباریان مواجه شد اما به دنبال علامه حلی (رحمه الله) فرستاد. علامه (رحمه الله) برای او گفت که در مذهب ما (شیعه) سه طلاقه کردن در یک مجلس مردود است و این طلاق باطل است و دلایل حکم خود و حقانیت مذهب شیعه را اثبات کرد. الجایتو (سلطان محمد خدا بنده) در

امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: ای رسول خدا! امروز از شما چیزی را دیدیم که قبلاً مشاهده نکرده بودیم؛ سجده کردید و گریه کردید و سپس خندیدید، سبب این کارها چه بود؟

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: هنگامی که با شما غذا خوردم به سلامت و اجتماع شما مسرور شدم. سجده کردم برای خدا تا او را شکر گویم در آن هنگام در حالی که در سجده بودم جبرئیل نازل شد و گفت: خداوند متعال به شما سلام می‌رساند و می‌گوید شما سجده کردید، و سجده^{۴۳} شکر به دلیل

این موقع بود که به مذهب شیعه گروید و دستور داد که به نام امامان دوازده گانه، خطبه خوانند و سکه زدند. علامه (رحمه الله) و پسرش مدتی در مراغه اقامت داشتند و در سلطانیه که مرکز حکومت (الجایتو) پادشاه مغول ایران بود، به بحث های کلامی با سایر علما پرداخت. او آن قدر حاضر جواب و مستدل حرف می زد که بر تمام رقیبان پیروز می شد.

حافظ آبروی شافعی می گوید: ایشان به هیچ وجه در مباحث، تعصب نداشت. «ابن حجر» او را به رهبر و مصنف شیعی تعبیر می کند و می گوید: آیتی از آیات الهی در هوش و ذکاوت اوست. «صفدی» علامه را دانشمندی شیعی می داند که در حال پیاده و سوار، تصنیف می کرد. «سید بحر العلوم»، در وصف او می نویسد: که علامه (رحمه الله) از بنی آدم است که خداوند از هر خرمی، بهره ای به او عطا کرده است. «جلال الدین محمد بلخی بهائی» می گوید که: او آیت خداوند، در میان عالمیان بوده است.

علامه حلی (رحمه الله)، بعد از عمری تلاش پیوسته علمی و مذهبی، در شب شنبه 21 محرم سال 726 هـ. ق در سن 78 سالگی در شهر «حله»، از دنیا رحلت کرد. پیکر مطهرش را به نجف اشرف منتقل کرده و در حجره سمت راست حرم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در ایوان طلا، مدفون است.

اساتید: 1- پدر بزرگوارش، سید الدین یوسف (در علم تفسیر، حدیث، صرف و نحو). 2- خواجه نصیر الدین طوسی (در علم حکمت و فلسفه). 3- برهان الدین نسفی (در علم جدل). 4- دایی خود محقق حلی، نجم الدین حلی. 5- شمس الدین محمد کیشی (سبب آشنایی علامه، با افکار ابن عربی شد). 6- عز الدین ابوالعباس واسطی (سبب آشنایی او با کتب سهروردی (شیخ اشراق) شد. 7- سید علی بن

اینکه با اهل بیت بودی، سپس جبرئیل فرمود: خبر دهم به تو آن چیزی که بعد از شما بر آنها اتفاق می افتد؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: بلی، ای برادر من جبرئیل!^{۱۴۴}

جبرئیل فرمود: اما دختر تو (فاطمه زهرا (علیها السلام)) اول کسی است که به تو ملحق خواهد شد، بعد از آنکه به او ظلم خواهند کرد، حقش را می گیرند، از ارث منعش می کنند، به شوهرش ظلم می کنند و پهلویش را می شکنند. اما پسر

طاووس. 8- تقی الدین صباغ کوفی (تفسیر زمخشری را به او آموخت). 9- ابن میثم بحرانی (شارح نهج البلاغه). 10- سید احمد بن موسی طاووس. 11- جمال الدین ایاز نحوی (در علم صرف و نحو). گفتنی است که علامه حلی نزد بسیاری از دانشمندان مذاهب مختلف، تحصیل علم کرده است. شاگردان نامدار او، از مفاخر تاریخ اسلام و معارف شیعه هستند. از مهم ترین آنها :

1- فرزندش، ابو طالب محمد (ملقب به فخر المحققین). 2- جمال الدین ابو الفتوح بن علی آوی. 3- سراج الدین حسن بن بهاء الدین سرایشنوی. 4- سید محمد بن قاسم معیه. 5- عمید الدین و ضیاء الدین اعرجی حسینی، خواهر زاده های علامه. تألیفات و آثار:

ایشان، در حوزه های متعدد علوم و فنون عقلی و نقلی، صاحب آثار گوناگون هستند که بعضی از آنها در چندین مجلد و بعضی شامل چند صفحه است. تألیفات ایشان، همیشه مورد توجه زیاد فقها، متکلمین، محدثان و مفسران است. خود ایشان، تألیفاتش را 64 عنوان ذکر کرده اما بعضی ها 120 عنوان، 109 عنوان و 70 عنوان گفته اند که مهم ترین آنها:

1- منتهی المطلب فی تحقیق المذهب (اولین و جامع ترین اثر در فقه استدلالی). 2- تبصرة المتعلمین فی احکام الدین. 3- تحریر الاحکام الشرعیة علی مذاهب الامامیه. 4- قواعد الاحکام فی معرفه الحلال والحرام. 5- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد (در کلام و عقاید). 6- منهاج الکرامه فی معرفه الامامة. 7- نهج الحق و کشف الصدق. 8- الباب الحادی عشر. 9- النکت البدیعه فی تحریر الذریعه (در اصول فقه). 10- تهذیب طریق الوصول الی علم الاصول (اصول). 11- ایضاح المقاصد (در شرح کاتبی قزوینی). 12- الاسرار الخفیه فی العلوم العقلیه (در فلسفه و منطق).

عموی تو (علی بن ابی طالب (علیه السلام)) پس به او ظلم می کنند، از حقش منع می کنند و به شهادتش می رسانند. اما امام حسن (علیه السلام) به او ظلم می کنند، از حقش منعش می کنند و به واسطه سم به شهادت می رسد و امام حسین (علیه السلام)، به او ظلم می کنند، از حقش منع می کنند و در حالی که غریب است او را شهید می کنند، اسب ها بر بدنش می تازند، هستی اش به تاراج می رود و بانوان و ذریه اش به اسیری برده می شوند و در حالی که غریب، و بدنش غوطه‌ور در خون است دفن می شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: پس گریه کردم و سؤال کردم از جبرئیل که آیا کسی امام حسین (علیه السلام) را زیارت می کند؟ جبرئیل جواب داد: زیارت می کنند او را غرباء (آنها که راه دور هستند). سپس سؤال کردم از جبرئیل که کسی که زیارت کند حسین (علیه السلام) را، چه ثوابی به او داده می شود؟ جبرئیل جواب داد: نوشته می شود بر زائر امام حسین (علیه السلام)، هزار حج، هزار عمره و هزار غزوه که در رکاب تو (پیامبر) باشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: پس خندیدم.

سپس علامه حلی می فرماید: مستحب است زائر، در روز عاشورا، از قریب و بعید به این زیارت (زیارت عاشورا)، زیارت کند امام حسین (علیه السلام) را. سپس زیارت عاشورا را با تمام فقرات ذکر می کند.

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِثَرَ الْمُؤْتُونَ،

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِئَاثِکَ، عَلَیْکُمْ مِنْی جَمِیْعًا سَلَامُ اللهِ اَبَدًا
مَا بَقِیْتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ...».

بعد از اتمام نقل زیارت عاشورا، علامه حلی (رحمه الله) می فرماید: مستحب است در روز عاشورا اظهار جزع و بکاء به خاطر شهادت امام حسین (علیه السلام). و امام باقر (علیه السلام) فرمود که امام علی بن الحسین (علیه السلام) می فرمود: هر مؤمنی چشمانش به خاطر شهادت امام حسین (علیه السلام) بگرید، به گونه ای که قطرات اشک بر صورتش جاری شود، خداوند متعال به واسطه این اشک، اتاق هایی را در بهشت برای او مهیا می کند که مدت های طولانی و جاودان در آن سکنی می گزیند، و هر مؤمنی چشم هایش گریان شد، به طوری که اشک ها بر گونه اش جاری گردید، خداوند متعال بر او جایگاه جاویدانی در بهشت در نظر می گیرد. و هر مؤمنی به خاطر ما مورد اذیت قرار گیرد، خداوند متعال اذیت و سختی را، از او بر می دارد و او را در روز قیامت از آتش جهنم و غضبش ایمن می کند.

و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، امام حسین (علیه السلام) را بر روی ران راست و فرزندش، ابراهیم را بر روی ران چپ قرار می داد؛ گاهی امام حسین (علیه السلام) و گاهی ابراهیم را می بوسید، پس روزی جبرئیل بر او نازل شد و گفت: خداوند متعال می گوید، بر تو نیست آن دو را جمع کنی! یکی را انتخاب کن تا آنکه یکی را بگیرم؟ پس پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) قدری تأمل کرد و فرمود: بر خداوند متعال سلام برسان! من حسین (علیه السلام) را انتخاب کردم؛ زیرا اگر

ابراهیم بمیرد، من گریه می کنم ولیکن اگر امام حسین (علیه السلام) بمیرد من، فاطمه و علی گریه خواهیم کرد. پس ابراهیم را بعد از سه روز قبض روح کن، همچنین وقتی امام حسین (علیه السلام) روبه روی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قرار می گرفت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمود: مرحبا به کسی که فرزندم ابراهیم را بر او فدا کردم! و همچنین روایت است، هنگامی که روح هارون قبض شد، موسی (علیه السلام) گریه کرد و با خداوند متعال مناجات کرد و گفت: ای خدا! از تو می خواهم که به واسطه هارون مرا مورد لطف قرار دهی، پس وحی کرد خداوند متعال، و فرمود: ای موسی! تو تنها نیستی و من در کنار تو هستم و انیس و جلیس تو می باشم. قسم به عزت و جلالم، اگر واسطه شدی برای شفاعت جن و انس، شفاعت تو را قبول می کنم الا قاتل سیدالشهدا، امام حسین بن علی (علیه السلام) و به درستی که قاتل امام حسین (علیه السلام) نصف عذاب اهل دنیا را تحمل خواهد کرد.

کتاب مزار شهید اول

ناقل زیارت عاشورا

محمد بن مکی شهید اول (رحمه الله)

شهید اول، محمد بن مکی (رحمه الله)^{۱۴۵} در کتاب مزار قبل از ذکر زیارت عاشورا عنوان باب را این گونه می آورد: «ذكر زیارات ابی عبدالله (علیه السلام) المخصوصة بالایام والشهور وما يتعلق منها من قول أو عمل مبرور» و بعد می فرماید: «منها زیارة اول...».

۱۴۵- جبل عاملی، منطقه ای است کوهستانی در جنوب لبنان و نامی است آشنا که در تاریخ شیعه، سوابق درخشانی دارد. فقهای نامدار و گرانقدری همچون محقق ثانی (رحمه الله)، شیخ بهایی (رحمه الله)، شهید ثانی (رحمه الله)، علامه سید محسن امین (رحمه الله) و سید عبدالحسین شرف الدین عاملی (رحمه الله)، همگی از آن دیار عالم پرورند. شهید اول (رحمه الله) نیز از همین خطه دانش گستر برخاسته است. در یکی از روزهای سال 734 ق، لطف الهی پسری زیبا به خاندان ابو محمد مکی (رحمه الله)، ملقب به جمال الدین عطا کرد که او را «محمد» نامیدند. محمد در دامان مادری مهربان که بانویی از آل معیه - خاندانی علوی از عراق - بود، و همچنین تحت تربیت پدری صالح، مراحل رشد و ترقی را در زادگاهش جبل عامل، پیمود. شهید اول از فقهای سرشناسی است که پدر و اجدادش، همه از دانشمندان معروف بودند. وی در خاندانی زندگی کرد و رشد نمود که همگی اهل دین، دانش، فضیلت و تقوا بودند و همت بلندی در نشر معارف اسلامی داشتند و دوستداران و مدافعان واقعی پیامبر و اهل بیت به شمار می آمدند. تبارنامه شهید اول به چهار قبیله همدان، اوس، خزرج و مطلب می رسد که از بزرگ ترین و گرامی ترین قبایل عرب در صدر اسلام بودند.

مرحوم، شهید اول (رحمه الله) در کتاب *المزار* خود بعد از ذکر بعضی از زیارت مخصوصه روزها و ماه ها می فرماید:^{۱۴۶}

«ومنها زیارة يوم عاشوراء قبل أن تزول الشمس من قرب أو بعد».

و می فرماید: اگر اراده کردی زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) را، به طرف مرقد مطهر سیدالشهدا، در حالی که سلام می کنی متوجه شو، آنچه که از دعا بر علیه قاتلین سیدالشهدا (علیه السلام) به ذهنت آمد، بگو و هنگامی که متوجه آن حضرت شدی بگو:^{۱۴۷}

مدرسه و حوزه علمیه حله در قرن هشتم هجری از رونق بسزایی برخوردار بود و اندیشمندان بزرگ شیعه در آنجا حضور داشتند، به طوری که تشنگان دانش و فقاہت از هر سو به آن سرچشمه دانش و فضیلت روی می آوردند. در این زمان حوزه درس فخر المحققین، فرزند نابغه علامه حلی (رحمه الله)، اهمیت فوق العاده ای داشت. از این رو شهید، آهنگ این شهر شیعه نشین و فقیه پرور را کرد و در سال 750 ق، در حالی که گنجینه دانش دانشمندان بزرگ و فقهای نامی، به عراق هجرت کرد و وارد شهر تاریخی «حله» شد. نقل شده است که شهید (رحمه الله)، اولین شخصی بود که از جبل عامل برای تحصیل علم به عراق مهاجرت کرد. شهید (رحمه الله) پنج سال در «حله» ماند و در آنجا از محضر فقهای شیعی نظیر فخر المحققین، سید فخر موسوی (رحمه الله)، سید عمید الدین حسینی (رحمه الله) و برادرش، سید ضیاء الدین حسینی (رحمه الله) (خواهر زادگان علامه حلی (رحمه الله))، تاج الدین بن معیہ حسینی (رحمه الله)، نجم الدین جعفر بن نما (رحمه الله) و دیگران که همه از دانشوران و فقهای سترگ این دیار بودند، استفاده کرد و به زینت دانش، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس، بیش از پیش آراسته گردید.

وی با نبوغ و پشتکار در تحصیل علوم، در سال 751 ق در هفده سالگی، از دست فخر المحققین به دریافت گواهی اجتهاد و نقل حدیث موفق شد و نیز دومین و سومین اجازه را در سال 756 ق از او دریافت کرد و نیز از دست تاج الدین ابن معیہ حسینی (رحمه الله)، به اخذ گواهی اجتهاد و نقل حدیث، مفتخر گشت.

«السلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ
اللَّهِ وَابْنِ خَيْرَتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ

مدتی را در دمشق اقامت گزید و بیشترین زمان تحصیل، تدریس، تألیف آثار و اجازاتی که به شاگردانش داده است، در آنجا بود. شاید بیشترین اقامت وی نسبت به مناطق دیگر، شهر «دمشق» باشد که شهید ثانی (رحمه الله) در این باره می نویسد: چهار فرزند شهید اول (رحمه الله)، در شام متولد شدند. ولادت فرزندانش در شام، دلیلی است که مدت زیادی در آنجا اقامت داشته، در عین اینکه به زادگاهش، شهرها و کشورهای اسلامی نیز مسافرت کرده است.

آوازه دانش، فضل و تقوای شهید، از دمشق به سراسر جهان اسلام رسید و به مثابه یگانه مرجع دین و بزرگ ترین فقیه شیعی مشهور گشت و پیوسته دانشمندان، شیعیان و حاکمان شیعه با او در ارتباط بودند و ابراز علاقه و محبت می کردند. سلطان علی بن موید (رحمه الله)، آخرین زمامدار سربداران، که در سال 766 ق حکومت سربداران در خراسان را به عهده گرفت از جمله زمامداران شیعه است که با فرستادن نامه و هدایایی نظیر نسخه ای از قرآن مجید و کتاب صحیفه سجاده، دوستی و اخلاص خویش را نسبت به این مرجع و عالم دین اظهار می کرد. تا اینکه به طور رسمی از شهید (رحمه الله) دعوت کرد با تشریف فرمایی خویش به خراسان (مرکز حکومت سربداران) در دیار بارگاه ملکوتی امام هشتم، علی بن موسی الرضا (علیه السلام) منصب «مرجعیت و زعامت» را عهده دار شود تا مردم و شیعیان این منطقه، که تشنه حق و عدالت اند از وجود پر فیض فقیه و دانشمندان عصرشان استفاده کنند. حسادتی که در دل بعضی از دانشمندان و قاضیان وابسته به حکومت، به ویژه در «ابن جماعه، قاضی القضاة دمشق» بود، شهید (رحمه الله) را به زندان انداخت و حوادث تلخ بعدی را به وجود آورد. مرد تقوا و دانش در گوشه زندان از خویش دفاع کرد و در ضمن اشعاری که برای شاه فرستاد چنین نوشت: به جانم قسم! هیچ گاه جنایتی را مرتکب نشده ام و کسی که ظلم و جنایتی را مرتکب نشده است، چرا عذر خواهی کند. شما نباید به گفتار سخن چینان که از دروغ و دشمنی گفته شده است، گوش دهید. خدا را، خدا را گواه می گیرم که من از این اتهامات به دور هستم. عقیده خالص من، دوستی و محبت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و عشق ورزیدن به کسانی است که پیامبر را دوست دارند و ما دوستدار صحابه همراهان پیامبر می باشیم. فقه، نحو، تفسیر، اصول، فقه، اصول دین، قرآن و حدیث مرا می شناسید. سپس آزادی خویش را درخواست می کند که مورد موافقت قرار نمی گیرد.

يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمُؤْتُونَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ^{١٤٨} بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا
مَا بَقِيََتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ»... تا آخر دعا

و بالا سر حضرت امیرالمؤمنین دو رکعت نماز بخوان سپس با امیرالمؤمنین
وداع کن و به طرف مرقد مطهر سیدالشهدا (علیه السلام) متوجه شو و در حالی که
صورت خود را به سمت آن مرقد شریف کردی، بگو:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ...».

شهید اول (رحمه الله) می فرماید: تا آخر دعای مذکور در آخر زیارت
امیرالمؤمنین (مراد زیارت امیرالمؤمنین مذکور در خود کتاب مزار شهید است که
حدیث صفوان ذکر شده است) می باشد.

عاقبت، مجلس محاکمه ایمان، تقوا و فقاہت شیعی با حضور شاه و ابن جماعه، قاضی القضاة دمشق و
دیگر قضات درباری آراسته گردید و سخنان شهید در جلسه محاکمه هم اثری نبخشید و حکم از پیش
تعیین شده قاضی چنین اعلام شد: من ریختن خون او را واجب می دانم! پس از محاکمه و فتوای قتل
اعلم فقهای شیعی، حکم اجرا شد.

روز پنج شنبه 9 جمادی الاولی 786 ق (در 52 سالگی) در قلعه دمشق، شهر شام، مرکز طرفداران بنی
امیه، شهری که در طول تاریخ برای خاندان رسالت و نبوت و پیروان دلباخته آنان خاطرات تلخ داشته
است، شهید اول را به شهادت رساندند. بعد از شهادت، بدن مقدسش را به دار زدند و سپس سنگسار
کردند! و آن گاه جسم پاکش را سوزاندند! به طوری که آثاری از او باقی نماند. اما بسی کور اندیشی!
گرچه از بدن مقدس شهید اول اثری نیست و آرامگاهی ندارد که از تربت پاکش تبرک جویند، روحش و
فقه دانشش در قلب شیعیان و شاگردانش در طول تاریخ جای دارد.

زیارت عاشورا در کتاب

البلد الامین

معروف به مصباح کفعمی (رحمه الله)

علامه شیخ ابراهیم کفعمی (رحمه الله)^{۱۴۹} در مقدمه کتاب شریف مصباح فی الادعیه والصلوات والزیارات والاحراز والعودات می فرماید:^{۱۵۰}

۱۴۹- علامه مامقانی در تنقیح، ج 4، ص 198 در مورد کفعمی می گوید: «ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمد بن صالح الکفعمی، کان ثقة فاضلاً، اديباً، شاعراً و... هو من مشاهير الفضلاء والمحدثين، والصلحاء المتورين، وکان بين زمانى الشهيدين و...» او از دانشمندان بزرگ شیعه در قرن نهم و دهم هجری است. او عالمی وارسته، محدثی مورد اطمینان، ادیبی توانا و شاعری زبردست و... بود کفعمی در نیمه اول قرن نهم هجری در روستای «کفعم» یا «کفرعیما» از نواحی جبل عام در یک خانواده علمی، مذهبی دیده به جهان گشود. این روستا نزدیک منطقه جبشیت بود امروزه تنها آثار ویرانه های این روستا به چشم می خورد. دودمان کفعمی مانند سائر خاندان های علمی جبل عامل، اهل دانش و تقوا بودند. شیخ زین الدین علی کفعمی (متوفی 861 هـ.ق) از دانشمندان و محدثان بزرگ جبل عامل و پدر و استاد کفعمی است و از مشایخ اجازه او به شمار می رود. این محدث نام آور شیعه، تلاش فراوانی در گردآوری حدیث نمود. او به کتابهای مختلف در این مورد رجوع می کرد و در هر کجا حدیثی را می یافت که بزرگان و دانشمندان دیگر آن را در کتابهای خود نیاورده بودند، وی آن را ثبت و برای طالبان معارف زلال اهل بیت (علیهم السلام) نقل می نمود.

اگر امروزه به کتابهای بزرگ و معتبر شیعه، همچون: وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و بحار الانوار رجوع کنیم، در می یابیم که محدث کفعمی چقدر در نشر و گسترش احادیث و روایات ائمه (علیهم السلام) نقش داشته است. شیخ حر عاملی (رحمه الله) در وسائل الشیعه، محدث نوری (رحمه الله) در مستدرک الوسائل و علامه مجلسی (رحمه الله) در بحار الانوار ده ها روایت در موضوعات مختلف علوم اسلامی، از محدث کفعمی نقل کرده اند که بخشی از موضوعات آن روایات عبارتند از: آداب نماز، دعا، وصیت، طهارت، آداب دفن و کفن میت مسلمان، اخلاق اجتماعی، معماری اسلامی، آداب زندگی و معاشرت، خواص سوره های قرآن، آثار تربیت امام حسین (علیه السلام)، آداب زیارت و توسل، حقوق

«وقد جمعته من كتب معتمد على صحتها مأمور بالتمسك بوثقی عروتها لا یغیرها کر العصرین ولامر الملوین... وسمیة جُنَّة الامان الواقیة، فی جنة الايمان الباقیة وهو اسم وافق المسمى والفظ طابق المعنی...»[المصباح الکفعمی، ص 4] یعنی: کتابی را که گردآوری کردم به وثاقت روایت آن ایمان دارم و چیزی از کتاب به مرور زمان تغییر نخواهد کرد... و اسم آن را... گذاشتم که نام با مسمایی است...».

«اما زیارت عاشورا من قرب او بعد فمن اراد ذلک و کان بعيداً عنه(علیه السلام)الی الصحراء او یصعد سطحاً مرتفعاً فی داره و یومی الیه(علیه السلام)...».

اما زیارت عاشورا از قریب یا بعید؛ اگر کسی اراده کند زیارت سیدالشهدا(علیه السلام) را در روز عاشورا و بعید بود از مرقد مطهر امام حسین(علیه السلام).^{۱۵۱}

اجتماعی مسلمانان، بهداشت و مسائل فردی، تاریخ شهادت و ولادت ائمه(علیهم السلام)، مهدویت، مسایل حج و سایر موضوعات گوناگون فقهی، اخلاقی، عبادی و اجتماعی که زینت بخش صفحات منابع گرانسنگ شیعه است و کفعمی در نشر و گسترش آنها سهم عظیمی را به خود اختصاص داده است. آثار:

این دانشمند گرانمایه در طول زندگی پربار خویش، نتیجه سالها تلاش علمی و فرهنگی خود را در قالب کتابها و رساله های ارزشمند به جهان دانش عرضه کرده است. او تألیفات فراوانی را در موضوعات مختلف علوم اسلامی به رشته تحریر کشیده و نقش به سزایی در تدوین و تکمیل آثار مذهبی به ویژه آثار شیعی در قرن نهم هجری داشته است تا آن جا که علامه مامقانی وجود این شخصیت پژوهشگر اسلامی را حلقه اتصال بین دو دانشمند نخبه شیعی، یعنی شهید اول و شهید ثانی می داند.

تنوع موضوعات در آثار کفعمی، نشانگر تسلط سرشار آن بزرگوار بر علوم مختلف و رایج عصر خویش می باشد. تاکنون نزدیک به 50 اثر از تألیفات و تصنیفات این بزرگمرد شناخته شده است که می توان آنها را در 12 موضوع طبقه بندی کرد که عبارتند از:

امام (علیه السلام) فرمود: وی در چنین روزی به صحرا رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده، سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت، سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند. البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز، قبل از ظهر انجام^{۱۵۲} دهد، سپس برای امام حسین (علیه السلام) ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه

عرفان و سیر و سلوک: 1. محاسبه النفس اللوامة و تنبيه الروح النواמה که به شرح فارسی ترجمه شده است. 2. المقام الاسنى فی شرح الاسماء الحسنی. 3. صفوة الصفات فی شرح دعاء السمات، که در سال 875 هـ ق نوشته شده است و در کتابخانه شیخ ضیاء الدین نوری در تهران، نسخه ای از آن دیده شده است.

قراءت: 1. اللفظ الوجیز فی قرائة الكتاب العزیز.

تفسیر: 1. قراضة النصیر؛ تلخیص تفسیر «مجمع البیان» طبرسی می باشد. 2. الرسالة الواضحة فی شرح سورة الفاتحة. 3. تلخیص «غریب القرآن» نوشته محمد سجستانی. 4. تلخیص «تفسیر علی بن ابراهیم». 5. تلخیص «جوامع الجامع» طبرسی.

ادبیات: 1. فرج الکرب و فرج القلب؛ درباره اقسام علم ادبیات تألیف شده و نزدیک به 20000 بیت است (هر بیت، سطر 50 حرفی را می گویند). 2. نهایة الارب فی امثال العرب؛ در دو جلد نگارش یافته است، که در نوع خود بی نظیر است. 3. لمع البرق فی معرفة الفرق. 4. زهرا الربیع فی شواهد البدیع. 5. تلخیص «زهوة اللبایء فی طبقات الادباء» اثر کمال الدین عبدالرحمن بن محمد انباری. 6. فروق اللغة. 7. مقالید الكنوز فی افعال اللغوز. 8. تلخیص «مغرب اللغة» مطرزی. 9. رسالة فی علم البدیع. 10. تلخیص «المجازات النبویه» اثر سید رضی (رحمه الله).

شعر و قصیده: 1. قصیده فی البدیع فی مدح النبی (صلی الله علیه وآله) و شرح آن. 2. نور حدیقه البدیع؛ در شرح تعدادی از قصیده های معروف عرب. 3. قصیده غدیریة و سایر اشعار اخلاقی و ادبی. 4. البدیعیه؛ که قصیده ای است میمیه و حاوی تمامی محسنات و زیبایی های ادبی و آرایش های کلامی در علم بدیع می باشد.

می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب، در خانه اش اقامه مصیبت نماید و مواظب باشند هرگاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردند، با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) تسلیت دهند و بگویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِنَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله)» و بعد^{۱۵۳} از خواندن دو رکعت

تاریخ: 1. ارجوزة الفیه فی مقتل الحسین (علیه السلام) و اصحابه: درباره نام ها، اشعار و زجرهای اصحاب امام حسین (علیه السلام). وی در این مقتل از منابع متعددی بهره گرفته و شیوه نو در این زمینه به کار برده است. 2. تاریخ و فیات العلماء.

حدیث: 1. مشکاة الانوار: این کتاب غیر از «مشکاة الانوار» طبرسی و مجلسی می باشد و به این نام کتابهای متعدد در موضوعات مختلف تألیف شده است. 2. تلخیص «علل الشرایع» اثر صدوق (رحمه الله).

اخلاق: 1. مجموع الغرائب و موضوع الرغائب: این کتاب در سال 1412 هـ ق به چاپ رسیده است. محقق کفعمی در مقدمه آن می گوید: من این کتاب را از کتاب کبیر و بی نظیر خودم گرد آورده ام و آن را بعد از مطالعه و رجوع به 1000 تألیف و تصنیف نوشته ام. 2. حیاة الارواح اللطایف و الاخبار و الآثار: نگارش این کتاب در سال 843 هـ ق به اتمام رسیده است. کفعمی این اثر را در 78 باب تنظیم کرده است.

عقاید: 1. تعلیقات بر «کشف الغمه» علی بن عیسی اربلی: این تعلیقات مورد توجه پژوهشگران مسلمان قرار گرفته است.

فقه: 1. التلخیص فی مسائل العویص من الفقه. 2. تلخیص «قواعد» شهید (رحمه الله). 3. تلخیص «الحدود و الحقایق فی تفسیر الالفاظ المتداوله فی الشرع و تصریفها»؛ اصل این کتاب تألیف سید مرتضی علم الهدی (رحمه الله) است. 4. منظومه ای درباره ایام شریفه ای که روزه آنها مستحب است.

نماز، که ذکر کردیم پس صد بار تکبیر بگو و سپس به سیدالشهدا (علیه السلام) اشاره کرده و بگو:

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ^{۱۵۴} يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلْسَّلَامُ

این سروده قصیده ای از نوع رجز می باشد که در 130 بیت ترتیب یافته است. وی این منظومه فقهی را به درخواست علامه بابلی به رشته نظم کشیده است. ابیات آغازین آن چنین است:

الحمد لله الذي هداني الى طريق الرشد و الايمان *** ثم صلاة الله ذى الجلال على النبي المصطفى و الآل

العالم البحر الفتى العلامة البابلى صاحب الكرامه *** اشار ان انظم ما قد ندبا من الصيام دون ما قدو جبا

دعا و زیارات:

1. البلد الامين: کفعمی در این کتاب، دعاها، ذکرها، زیارت ها و اعمال سال را آورده است. او این کتاب را قبل از مصباح تألیف نموده است. آداب نمازهای یومیه، تعقیبات، دعاهاى مختصه و زیارات متعددی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) در این کتاب ذکر شده و در پایان، مناجات ائمه و دعاهاى وارده در مناسبتهاى گوناگون بیان شده است.

2. شرح صحیفه سجاده که آن را به نام «الفوائد الطریفه فی شرح الصحیفه» نامگذاری کرده است. وی در آخر این کتاب می گوید: من دعاهاى این کتاب صحیفه را از منابع معتبر استخراج کرده و نقل نموده ام.

3. جنه الامان الواقیه و جنه الايمان الباقیه: این کتاب معروف ترین اثر کفعمی است که به مصباح کفعمی شهرت دارد. چون این کتاب به شیوه «مصباح المتهجد» شیخ طوسی نگارش یافته است و شباهت زیادی به «مصباح» شیخ دارد. مصباح نام گرفته است و برای تمایز از «مصباح» شیخ طوسی به «مصباح کفعمی» چنین آمده است.

در مورد منزلت والای این کتاب، معروف است که «مصباح کبیر» شیخ طوسی قبل از «مصباح کفعمی» از مقبولیت بسیار بالایی برخوردار بود و در بیشتر خانه های شیعیان نسخه ای از آن موجود بود، اما بعد

عَلَيْكَ يَا بِنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ
 الْمُؤْتُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ
 أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ
 الْمُصِيبَةُ بِكَ...»... تا آخر دعا^{۱۵۵}

از تألیف «مصبح کفعمی» در سال 895 هـ ق «مصبح المتهجد» شیخ طوسی جای خود را به «مصبح» کفعمی داد.

این کتاب بین کتابهایی که درباره «ادعیه و زیارات» نوشته شده، بی نظیر است. علامه شیخ کفعمی در مورد ارزش و اعتبار این کتاب می گوید:

«من این اثر را از کتابهای مورد اعتماد جمع آوری کرده ام که باید به ریسمان محکم آنها چنگ زده شود و آن را به گونه ای تنظیم نموده ام که خواننده را به بالاترین درجات وصول به حضرت حق برساند».

او در آخر کتاب، فهرست منابع را یادآور شده، که تعداد آنها به 239 عنوان بالغ می شود. کتاب مصباح دارای 50 فصل است که از احکام وصیت شروع می شود و با طهارت و مقدمات نماز ادامه می یابد و با ذکر نمازهای واجب و مستحب و تعقیبات نماز، وارد بحث ادعیه می شود.

اعمال شب و روز و دعاها، مختلف، هر یک در فصل های جداگانه ای ذکر شده است. از فصل 41 بحث زیارات شروع شده و پس از آن، مناسبت های ایام سال همراه ذکر ولادتها و شهادت های ائمه (علیهم السلام) بیان شده است و در پایان کتاب، آداب دعا که شامل عوامل استجاب دعا، شرایط دعا کننده، کیفیت دعا و مقدمات و شرایط آن است بیان شده است. این کتاب دارای ترجمه های متعدد و تلخیص می باشد.

کفعمی در این کتاب شریف به مناسبت هایی به نکات تاریخی و ادبی، اشاره کرده است؛ از جمله قطعه هایی از واقعه کربلا، حماسه آفرینی های امام علی (علیه السلام) در صحنه های مختلف، شعرهای مناسب و خطبه های بلیغ و جذاب برای روزهای عید فطر و قربان و خطبه مؤنقه علی (علیه السلام) را که آن حضرت بدون حرف الف ایراد فرمود، در آخر کتاب آورده است.

همچنین مستحب است در روز عاشورا چهار رکعت (غیر از دو رکعتی که بعد از زیارت عاشورا خوانده است) نماز بخواند و قبلاً کیفیت خواندن آن در فصل صلوات بیان شد.^{۱۵۶}

4. مختصر مصباح، که بعد از تألیف کتاب مصباح، آن را نوشته است. نام دیگر این کتاب الجنّة الواقیه می باشد.

5. المنتقى فی العوذ و الرقی.

موضوعات متفرقه: 1. العین المبصره. 2. الکواکب الدریّة. 3. حدیقه انوار الجنان الفاخره. 4. اختصار لسان الحاضر و القدیم. 5. مجموعه کبیره، که نویسنده ریاض العلماء آن را در شهر ایروان دیده است. 6. ملحقات الدروع الواقیه. 7. رساله خطی شبیه کشکول. 8. حجله العروس. 9. الحدیقه الناصره. 10. الروضه و النحله. 11. تلخیص «الغریب» نوشته هروی. 12. النخبه.

شعر و خطابه:

کفعمی علاوه بر خلق آثار متعدد و تألیفات متنوع در رشته های گوناگون علوم اسلامی، در عرصه ادبیات و شعر و خطابه هم چون ستاره ای درخشید. خطابه های نغز و کم نظیر وی و اشعار بدیع و ابتکاری او در نهایت فصاحت و بلاغت می باشد. او در یکی از خطبه های زیبای خویش که در شرح بدیعه خود گفته است، تمامی سوره های قرآن را مندرج و موجب شگفتی اهل فضل و ادب گردیده است.

دیدگاه صاحب نظران

1. علامه مجلسی علاوه بر نقل روایات کفعمی، بارها در کتاب بحار الانوار از نکات علمی، تفسیری و ادبی محدث کفعمی سود جسته و در معانی لغات مشکل و شرح بعضی جملات و عبارات سنگین، از نظرات این دانشمند فرزانه بهره گرفته است.

وی در مورد فضل و عظمت و کمالات کفعمی می گوید:

«کتابها و آثار او ما را از سخن گفتن در مورد شخصیت وی باز می دارد و شکوه و جلالت این عالم جلیل القدر را، نوشته ها و آثار جاویدان وی بر همگان آشکار می سازد».

2. شیخ حرّ عاملی، نویسنده وسائل الشیعه:

«او شخصیتی مورد اطمینان، فاضل، ادیب، شاعر، عابد و پارسا بود. او کتاب بزرگ و پر بار مصباح را به نام الجنّة الواقیه در سال 895 هـ ق تألیف کرده است و هم چنین گزیده مصباح و البلد الامین و شرح

سپس دو رکعت نماز بخوان، هرگونه که خواندی و بعد از آن بگو: «اللهم إني لك صليت ولك ركعت ولك سجدة وحدك لا شريك لك لأنه لا تجوز الصلاة والركوع والسجود إلا لك لأنك أنت الله لا إله إلا أنت،^{۱۵۷} اللهم صل على محمد

صحیفه از آثار اوست. وی اشعار بسیار سروده و رساله های متعددی نیز تألیف کرده است. (امل الآمل، ج 1، ص 28، رقم 5)

3. علامه امینی، نویسنده الغدير:

«شیخ تقی الدین ابراهیم بن شیخ زین الدین علی بن شیخ بدر الدین حسن بن شیخ محمد بن شیخ صالح بن شیخ اسماعیل حارثی همدانی خارفی عاملی کفعمی لویزی جبعی، یکی از چهره های درخشان قرن نهم هجری قمری می باشد که جامع علم و ادب بود».

4. خیر الدین زرکلی، از شخصیت نگاران اهل سنت:

«ابراهیم بن علی بن الحسن الحارثی عاملی کفعمی ملقب به تقی الدین، مردی ادیب و از فضلاء امامیه می باشد. او در روستای «کفرعیما» از توابع جبل عامل متولد شد و در همان جا وفات یافت. وی مدتی در شهر کربلا مسافرت کرد و در آن جا اقامت گزید. آثار وی در قالب نظم و نثر به 49 کتاب و رساله می رسد».

سپس زرکلی تعدادی از آثار کفعمی را نام می برد.

5. الشیخ ابراهیم بن علی بن الحسن بن صالح بن اسماعیل العالمی الکفعمی مولداً اللویزی متحدا الجبعی ابا الحارثی نسبا التقی لقباً الامامی مذهباً. (تکلمة امل الآمل، ص 75)

6. ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمد قال الشیخ الحر فی امل الآمل - الشیخ تقی الدین ابراهیم بن علی... کان ثقة، فاضلاً، ادیباً، شاعراً، عابداً، زهداً، ورعاً. (معجم رجال الحديث، ج 1، ص 237) وفات:

شیخ ابراهیم کفعمی، در اواخر عمر خویش، در کربلا زندگی می کرد و محلی هم برای دفن خودش در آن جامعین کرده و وصیت نموده بود که در آن جا دفن شود و سروده ای هم در این زمینه دارد که نهایت علاقه وی را به آستان مقدس امام حسین (علیه السلام) می رساند:

وآله محمد وأبلغهم أفضل السلام والتحية وأردد على منهم السلام، اللهم وهاتان الركعتان هدية مني إلى سيدي مولاي^{١٥٨} الحسين بن علي (عليهما السلام)، اللهم صل

سألتكم بالله ان تدفونني اذمت في قبر بارض عقير: فآني به جار الشهيد بكربلا سليل رسول الله خير مجير امنت به في حضرتي غير خائف: بلا مريئة من منكر ونكير: امنت به من موقفي و قيامتي إذا الناس خافوا من لظي و سعير فكيف بسبط المصطفى ان يرث من بحائره ثاو بغير نصير. (محاسبة النفس، كفعمي، ص 21)

من از شما (خانواده ام) می خواهم برای خدا، مرا بعد از مرگم در سرزمین عقیر (کربلا) دفن کنید. بدین وسیله من با شهید کربلا همسایه خواهم شد؛ شخصیتی که از سلاله پاک رسول الله (صلی الله علیه وآله) بوده و بهترین پناه دهنده است. من به خاطر محبت آن بزرگوار، بدون تردید از منکر و نکیر هیچ گونه واهمه ای نخواهم داشت. من با توسل به سید الشهداء (علیه السلام) در قبر و در روز قیامت از عذاب الهی در امان خواهم بود و این در حالی است که مردم از جهنم و شعله های آتش در بیم و هراس خواهند بود. من اقوام عرب را دیده ام که از مهمان خویش حمایت می کنند و از رسیدن آسیب به او جلوگیری می نمایند. چطور ممکن است فرزند مصطفی (صلی الله علیه وآله) رد کند کسی را که غریب و تنها در کوی او آرمیده باشد.

کشف آرامگاه کفعمی

کفعمی با همه علاقه ای که به کربلا داشت، موفق نشد تا آخر عمر در آن جا بماند و مهمان حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) بشود. وی در اواخر عمر خویش، سفری به زادگاهش نمود که در همان جا در سال 900 هجری قمری وفات یافت و به خاک سپرده شد. آن منطقه به مرور زمان خراب شده و قبر شریف کفعمی در زیر خاک ماند و از منظر مردم پنهان گردید. کسی آن جا را نمی شناخت و از اثر قبر او اطلاعی نداشت، تا این که بعد از قرن یازدهم هجری قمری، کشاورزی هنگام زدن زمین، گاو آهن وی به سنگی برخورد و آن را از محل خودش تکان داد، از زیر آن سنگ جسدی با کفن تر و تازه برخاست و با حیرت تمام به راست و چپ نگاه کرد و گفت: «هل قامت القيامة؟ آیا قیامت به پا شده است؟!» آن گاه افتاد و دوباره به خواب ابدی فرو رفت. کشاورز از مشاهده این واقعه شگفت انگیز بیهوش می شود و بعد از مدتی که به حال طبیعی بر می گردد، اهالی روستا را مطلع می کند. آنان نوشته سنگ

علی محمد وآله و تقبلهما منی و أجرنی علیهما أفضل أملی و رجائی فیک و فی ولیک
یا ولی المؤمنین».^{۱۵۹}

قبر را مشاهده می کنند که روی آن چنین حک شده بود: هذا قبر الشیخ ابراهیم بن علی
الکفعمی (رحمه الله).

بعد از این واقعه، مردم قبر شریف او را بازسازی و تعمیر نمودند. هم اکنون نیز مرقد او زیارتگاه عاشقان
اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان جهان می باشد. بدین ترتیب، کفعمی بعد از عمری تلاش و جهاد در
راه احیای فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) در سال ۹۰۵ هـ.ق در آستانه سلطنت شاه اسماعیل صفوی،
در زادگاه خویش جهان را وداع گفت و به لقای دوست شتافت.

علامه مامقانی در تنقیح المقال، ج ۴، ص ۲۰۲ در ضمن شرح حال کفعمی، حکایت اخیر را ذکر کرده و
می گوید: «انی لا اعول علی مثل هذه الدعاوی فانها لا تستند الی الحس، بل هی مما تحصل فی حال
الاعماء، ومجرد هذا ابراهیم بن علی الکفعمی، لایثبت المدعی، لاحتمال ان یکون غیر المترجم من اهل
کفعم». اولاً: این حکایت ادعایی بیش نیست و مستندش حدس است نه حس. دوماً: مجرد یافتن قبری
به نام ابراهیم بن علی دلالت بر این نمی کند که این قبر شیخ کفعمی است و علامه در ادامه می گوید:
«علی کل حال فانی ارجح النقل الآخر الذی ذکره فی الروضات وغیره و... فدفنه فی کربلاء قطعی عندی
كما اختاره فی روضات الجنات». و به نظر علامه مامقانی شیخ کفعمی در کربلاء در جوار ملکوتی
حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) برای همیشه آرمیده است.

۱۵۹- مصباح الکفعمی، ص ۴۸۵؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۵۴.

بحارالانوار

ناقل زیارت عاشورا

علامه محمد باقر مجلسی (رحمه الله)

علامه محمد باقر مجلسی (رحمه الله)^{۱۶۰} در کتاب مزار بحارالانوار [ج 98، باب 24، ص 290]، زیارت عاشورا را ذکر نموده است. ایشان ابتدا با عنوان کیفیت زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا، بعضی از روایات دال بر فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا را متذکر و سپس ضمن ذکر روایت علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر (علیه السلام)، زیارت عاشورا را با تمام فرازهای آن بیان می کند.

کیفیه زیارت صلوات الله علیه یوم عاشورا

حکیم بن داود و غیره، عن محمد بن موسی الهمدانی، عن محمد بن^{۱۶۱} خالد الطیالسی، عن سیف بن عمیره و صالح بن عقبه معا، عن علقمه بن محمد الحضرمی

۱۶۰- بی گمان علامه محمد باقر مجلسی (رحمه الله) تداعی گر بزرگ ترین و پر اهمیت ترین رساله های شیعی و حدیثی است. ملا محمد باقر مجلسی (رحمه الله) معروف به «علامه مجلسی» (رحمه الله) از مشهورترین عالمان شیعی ایرانی تبار است که در دوران حاکمیت سلسله صفویه بر مسند فقاقت و زعامت دینی قرار گرفت. بحارالانوار از عمده ترین و گسترده ترین دائرة المعارف های بزرگ حدیث شیعه است که روایات کتب حدیث را با باب بندی و نظم، ذکر کرده است. ایشان در تفسیر و شرح روایات از منابع مختلف لغت، فقه، تفسیر، کلام، تاریخ، اخلاق و... استفاده کرده است.

علامه در مقدمه «بحارالانوار» چنین می نگارد:

و محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن مالک الجهنی، عن أبی جعفر الباقر (علیه السلام) قال: من زار الحسین (علیه السلام) يوم عاشورا حتّی یظلّ عنده باکیاً لقی الله عزّ وجلّ يوم القيامة بثواب ألفی ألف حجّة، وألفی ألف عمرة، وألفی ألف غزوة و ثواب کل حجّة و عمرة و غزوة کثواب من^{۱۶۲} حجّ واعتمر و غزامع رسول

«در آغاز کار، به مطالعه کتاب های معروف و متداول پرداختم و بعد از آن به کتاب های دیگری که در طی اعصار گذشته به علل مختلف متروک و مهجور مانده بود روی آوردم. هر جا که حدیث یا نسخه حدیثی بود سراغ گرفتم و به هر قیمتی که ممکن شد بهره برداری می کردم. شرق و غرب را جویا گشتم تا نسخه های بسیار گردآوری نمودم. در این مهم دینی، جماعتی از برادران مذهبی مرا یاری نمودند و به شهرها، قصبه ها و بلاد دور سر کشیدند تا به فضل الهی مصادر لازم را به دست آوردند... بعد از تصحیح و تنقیح کتاب ها، بر محتوای آنها واقف شدم، نظم و ترتیب کتاب ها را نامناسب دیدم و دسته بندی احادیث را در فصل ها و ابواب متنوع راهگشای محققان و پژوهشگران نیافتم، از این رو به ترتیب فهرستی همت گماشتم که از هر جهت جالب و مفید باشد. در سال 1070 هجری این فهرست را ناتمام رها کرده و از فهرست بندی سایر کتاب ها دست کشیدم؛ زیرا اقبال عمومی را مطلوب ندیده و سران جامعه را فاسد و نامطبوع دیدم...»

ترسیدم که در روزگاری بعد از من باز هم نسخه های تکثیر شده من در طاق نسیان، متروک و مهجور شود و یا مصیبتی از ستم غارتگران، زحمات مرا در تهیه نسخه ها بر باد دهد، از این رو راه خود را عوض کردم - از خدا یاری طلبیدم - و به کتاب بحارالانوار پرداختم. در این کتاب پربار قریب به 3000 باب طی 48 کتاب علمی خواهید یافت که... شامل هزاران حدیث است. شما در این کتاب برای اولین بار با نام برخی از کتاب ها آشنا می شوید که سابقه علمی ندارد و طرح آن کاملاً تازه است».

فرصت کم و مشاغل زیاد علامه مجلسی (رحمه الله) مانع از آن شد که به تصحیح روایات بپردازد. به همین علت در مقدمه، علامه مجلسی (رحمه الله) چنین نگاشت:

«در نظر دارم که اگر مرگ مهلت دهد و فضل الهی مساعدت نماید، شرح کاملی متضمن بر بسیاری از مقاصدی که در مصنفات سایر علما باشد بر آن (بحارالانوار) بنویسم و برای استفاده خردمندان، قلم را به قدر کافی پیرامون آن به گردش درآورم».

الله (صلی الله علیه وآله) ومع الائمة الراشدين صلوات الله علیهم، قال: قلت: جعلت فداک
فما لمن کان فی بعد البلاد وأقاصیها ولم یکنه المصیر إلیه فی ذلک
الیوم؟...»^{۱۶۳} حدیث

هر که زیارت کند امام حسین (علیه السلام) را در کربلا در روز عاشورا و آن روز
گریان بماند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می کند که به ثواب هزار
هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار غزوه رسیده است و ثواب هر حج، هر
عمره و هر غزوه مثل ثواب کسی است که حج کند، عمره کند و جنگ کند در
رکاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین (علیهم السلام).

مالک جهنی می گوید، به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: فدایتان شوم! اگر
کسی از کربلا دور بود و ممکن نبود در روز عاشورا خود را به کربلا برساند، چه
عملی انجام دهد؟

امام (علیه السلام) فرمود: روز عاشورا به بیابان برو یا بر بلندی خانه ات قرار گیر
و به سوی سیدالشهدا (علیه السلام) اشاره کن و آنچه که به نظرت می رسد از دعا
(مراد، دعا علیه قاتلان حضرت) بر قاتلان حضرت امام حسین (علیه السلام) بخوان و
بعد از آن دو رکعت نماز نزدیک ظهر، قبل از زوال به جای آور و سپس ندبه و

علامه بزرگوار، سرانجام در 27 رمضان 1110 هجری قمری، در زمان شاه سلطان حسین صفوی و در
سن هفتاد و سه سالگی در اصفهان درگذشت و در «جامع عتیق» اصفهان، در جوار مرقد پدر بزرگوارش،
جایی که امروزه «بقعه مجلسی» خوانده می شود، به خاک سپرده شد.

گریه کن و دیگران را به گریه امر نما. در حالی که اظهار جزع کنند و یکدیگر را در حال گریه ملاقات بنمایند، و در منزلش مجلس عزابر پا دارد. و سپس امام باقر(علیه السلام) فرمود اگر این کار را انجام دهند من ضامن می شوم که تمام ثواب هایی که ذکر شد، به آنها برسد.

جهنی می گوید: به امام(علیه السلام) گفتم: جان من به فدای شما! شما ضامن هستید که اگر آن گونه عمل کردند، ثواب به آنان برسد؟

امام(علیه السلام) فرمود: من ضامن هستم. جهنی می گوید، خطاب به امام(علیه السلام) عرض کردم: چگونه مردم به یکدیگر تسلیت بگویند؟

امام فرمود، بگویید: عظم الله اجورنا و(اجورکم) بمصابنا بالحسین(علیه السلام) و خدا ما و شما را از طالبین خون سیدالشهدا، همراه با امام مهدی(علیه السلام) از آل محمد(صلی الله علیه و آله) قرار دهد.

و آن گاه امام(علیه السلام) فرمود: اگر برایت ممکن شد روز عاشورا، خود را مشغول حوائج مگردان و این روز، روز نحسی است و حاجتی برآورده نمی شود و اگر مشغول حوائج شدی، خداوند آن را مبارک نمی گرداند و پیشرفتی در آن کار نخواهد بود.

و در آن روز برای خانه خود چیزی را ذخیره مکن و اگر کسی ذخیره کند، خداوند آن را بر شخص و خانواده اش مبارک نمی گرداند. اگر کسی این دستورات را انجام داد خداوند متعال برایش هزار هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار غزوه که همه آنها در رکاب رسول خدا(صلی الله علیه و آله) است منظور

خواهد کرد. و همچنین ثوابِ عزاداری هر پیامبر و رسولی، و هر صدیق و هر شهیدی که وفات کرده یا به قتل رسیده، از زمان خلقت دنیا تا آخرین ساعت حیات، را کسب خواهد کرد.

سند اول زیارت عاشورا

منقول در بحارالانوار

علامه مجلسی (رحمه الله)

سپس صاحب بحارالانوار روایت علقمة بن محمد حضرمی از امام باقر (علیه السلام) را نقل می کند:

«قال صالح بن عقبة الجهني و سيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد الحضرمي: فقلت لابي جعفر (عليه السلام) علمني دعاء أدعو به في ذلك اليوم إذا أنا زرتك من قريب، ودعاء أدعو به إذا لم أزره من قريب وأومات إليه من بعد البلاد و من داري...»^{۱۶۴}

علقمة بن محمد حضرمی از امام باقر (علیه السلام) در خواست نمود که مرا دعایی تعلیم بفرما که هرگاه خواستم امام حسین (علیه السلام) را زیارت کنم از راه نزدیک یا دور و از خانه ام در این روز (روز عاشورا) بخوانم.

امام فرمود: ای علقمه! دو رکعت نماز بخوان، بعد از آن این زیارت (عاشورا) را بخوان. پس اگر تو این زیارت را بخوانی، دعا کرده ای به آنچه که، ملائکه

برای زائر حسین (علیه السلام) دعا می کنند و هزار هزار حسنه بر تو ثبت خواهد شد، هزار هزار گناه از تو محو می شود و خداوند صد هزار هزار درجه برای تو بنویسد و مثل کسی هستی که با حسین (علیه السلام) شهید شده باشد تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در زمره شهیدانی که شهید شده اند با آن حضرت، و نوشته شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین (علیه السلام) را، از روزی که شهید شده است.

سپس علامه مجلسی (رحمه الله) زیارت عاشورا را کامل و با تمام فقرات ذکر می نماید:

«تَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمُؤْتَوْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنْنِي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ...»^{۱۶۵}

بعد از نقل زیارت عاشورا می فرماید:

«قال: يا علقمة إن استطعت أن تزوره، في كل يوم بهذه الزيارة من دهرک فافعل،
فلک ثواب جميع ذلك انشاء الله تعالى».^{۱۶۶}

امام فرمود: یا علقمه! اگر توانستی هر روز زیارت کنی امام حسین (علیه السلام) را با این زیارت (زیارت عاشورا)، انجام بده که تمام ثواب های مذکور را کسب خواهی کرد.

سند دوم زیارت عاشورا

منقول در بحار الانوار

علامه مجلسی (رحمه الله)

«قال الشيخ الطوسي (رحمه الله) في المصباح: روى محمد بن اسماعيل بن بزيع عن صالح بن عقبة، عن أبيه، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: من زار الحسين بن علي (عليهما السلام) في يوم عاشورا من المحرم... و ساق الحديث نحواً ممّا مرّ إلى قوله تقول».

آنگاه صاحب بحار الانوار کل زیارت عاشورا با تمام فرازهایش ذکر می کند:
«السلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمُؤْتَوْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيََتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ»...^{۱۶۷}

بعد از آن روایت علقمه را ذکر می کند:

«قال علقمه: قال أبو جعفر (عليه السلام): إن استطعت أن تزوره، في كلِّ يومٍ بهذه

الزيارة فافعل ولك ثواب جميع ذلك»...^{۱۶۸}

۱۶۷- بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۲۴، ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

۱۶۸- بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۲۴، ص ۲۹۶.

سپس علقمه گفت، امام باقر(علیه السلام) فرمود: اگر توانستی هر روز، امام حسین(علیه السلام) را با این زیارت (زیارت عاشورا) زیارت کنی، انجام بده که برای تمام ثواب ها در نظر گرفته می شود.

سند سوم زیارت عاشورا

منقول در بحارالانوار

علامه مجلسی (رحمه الله)

سپس علامه مجلسی (رحمه الله)، روایت طایلسی از سیف بن عمیره را نقل می کند:

«و روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال و جماعة من أصحابنا الى الغری بعد ما خرج أبو عبدالله (عليه السلام) فسرنا من الحيرة إلى المدينة.

فلما فرغنا من الزيارة صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله (عليه السلام) فقال لنا: تزورون الحسين (عليه السلام) من هذا المكان من عند رأس أمير المؤمنين صلوات الله عليه من ههنا و أومى إليه أبو عبدالله (عليه السلام) وأنا معه»^{۱۶۹}

محمد بن خالد طایلسی از سیف بن عمیره روایت کرده که گفت: با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف حرکت کردیم - بعد از خروج حضرت صادق (عليه السلام) از حیره به جانب مدینه - پس زمانی که ما از زیارت^۲ یعنی زیارت امیرالمؤمنین (عليه السلام) فارغ شدیم، صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبدالله (عليه السلام) گردانید و به ما گفت: حسین (عليه السلام) را از این مکان از نزد سر مقدس امیرالمؤمنین (عليه السلام) زیارت

کنید که جناب صادق (علیه السلام) از اینجا به سلام بر آن حضرت ایما و اشاره کرد و من در خدمتش بودم. سیف گفت: پس صفوان همان زیارتی (زیارت عاشورا) که علقمه بن محمد حضرمی از حضرت باقر (علیه السلام) در روز عاشورا روایت کرده بود را خواند، آن گاه دو رکعت نماز کرد نزد سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بعد از آن نماز، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را وداع گفت و به سلام به جانب قبر حسین (علیه السلام) اشاره کرد در حالتی که روی خود را به جانب او گردانیده بود و بعد از زیارت او را وداع کرد و از دعاهایی که بعد از نماز خواند این بود:

«یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، یا کاشِفَ کُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، یا غِیاثَ الْمُسْتَغِیْثِينَ، یا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِحِينَ، ویا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، ویا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، ویا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِینِ، ویا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوَى، ویا مَنْ یَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعِینِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ»^{۱۷۰}

بعد از پایان نقل دعای معروف به «دعای علقمه»، صاحب بحار الانوار

می فرماید:

«قال سیف: فسألت صفوان فقلت له: إنَّ علقمة بن محمد لم یأتنا بهذا عن أبی جعفر (علیه السلام): انما أتانا بدعاء الزيارة فقال صفوان: وردت مع سیدی أبی

عبدالله (عليه السلام) الى هذا المكان ففعل مثل الذي فعلناه في زيارتنا، ودعا بهذا

الدعاء عند الوداع بعد أن صَلَّى كما صلينا، وودع كما ودعناه»...^{۱۷۱} تا آخر حدیث

سیف بن عمیرہ گوید: از صفوان سؤال کردم: علقمہ بن محمد این دعا را برای ما از حضرت باقر (علیه السلام) روایت نکرد؛ بلکه همان زیارت را حدیث کرد. صفوان گفت: من با سید خودم، حضرت صادق (علیه السلام) به این مکان وارد شدم پس در زیارت به جا آورد، مثل آنچه را که ما به جا آوردیم و دعا کرد به این دعا هنگام وداع بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت، چنانچه ما نماز گذاشتیم و وداع کرد چنانچه ما وداع کردیم. پس صفوان گفت، حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود: مواظب باش این زیارت را و بخوان این دعا را و زیارت کن به آن؛ پس به درستی که من ضامنم بر خدا برای هر کس که زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا، از نزدیک یا دور، اینکه زیارتش مقبول شود، سعیش مشکور گردد، سلامش به آن حضرت برسد، محبوب نماند، حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی، به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نومید برنگرداند. ای صفوان! یافتن این زیارت را به این ضامن از پدرم، و پدرم از پدرش، علی بن الحسین (علیه السلام) به همین ضامن و حسین از پدرش، امیرالمؤمنین (علیه السلام) با همین ضامن و امیرالمؤمنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، با همین ضامن و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از جبرئیل،

با همین ضمان و جبرئیل از خدای تعالی، با همین ضمان، و به تحقیق که خداوند عز وجل به ذات مقدس خود قسم خورده که هر کس زیارت کند حسین (علیه السلام) را به این زیارت، از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، قبول می کنم از او زیارت او را می پذیرم از او خواهش او را به هر قدر که باشد و می دهم مسئلتش را، پس باز نگردد از حضرت من با ناامیدی و خسار و بازش گردانم با چشم روشن به برآوردن حاجت، فوز به جنت و آزادی از دوزخ و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند، جز شفاعت دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود. قسم خورده حق تعالی به این بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند به آن، ملائکه ملکوت او، پس جبرئیل گفت: یا رسول الله! خدا مرا فرستاده به سوی تو به جهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از اولاد تو (علیهم السلام) و شیعه شما تا روز رستاخیز.

پس صفوان گفت: حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای صفوان! هرگاه روی داد از برای تو به سوی خدای عز وجل حاجتی، پس زیارت کن به این زیارت، در هر مکانی که هستی و بخوان این دعا را و بخواه از پروردگار خود حاجت را که برآورده شود از خدا، و خدا خلاف نخواهد فرمود وعده خود را بر رسول خود به جود و امتنان خویش والحمد لله.^{۱۷۲}

۱۷۲- بحارالانوار، ج ۹۸، باب ۲۴، ص ۲۹۹، کتاب المزار: مصباح الطوسی (رحمه الله)، ص ۵۴۲ - ۵۴۶، چاپ بیروت.

ذکر زیارت عاشورا در کتاب

تحفه الزائر

علامه مجلسی (رحمه الله)

در فضیلت و کیفیت زیارت شب و روز عاشورا و اعمال آن است

علامه مجلسی در این بخش از کتاب تحفه الزائر، بعد از ذکر چند حدیث در خصوص فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا، زیارت اول را با عنوان زیارت عاشورا ذکر می کند.

[زیارت] اول:

به سند معتبر، منقول است از سیف بن عمیره و صالح بن عقیبه، هر دو از محمد بن اسماعیل و علقمه بن محمد حضرمی، و هر دو از مالک جهنی، که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: هر کس زیارت کند حضرت امام حسین (علیه السلام) را در روز دهم محرم تا نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج، دو هزار هزار عمره، و دو هزار هزار جهاد، که هر یک را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) انجام داده باشد.

مالک گفت: فدای تو شوم! چه ثواب است برای کسی که در شهرهای دور باشد، و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت ممکن نباشد؟

فرمود که: چون روز عاشورا درآید، بیرون رود به سوی صحرا، یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود، و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتل آن حضرت، و بعد از آن، دو رکعت نماز به جا آورد؛ و انجام دهد این کار را در اول روز، پیش از ظهر، پس ندبه، نوحه و گریه کند بر حسین، و امر کند هر که را در خانه او است و - اگر از او تقیه نکند - به گریه کردن بر آن حضرت، و در خانه خود مصیبتی بر پا دارد به اظهار جزع بر آن حضرت، و ملاقات کند بعضی از ایشان بعضی را، در خانه های خود به گریه کردن، و تعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را، به مصیبت آن حضرت؛ پس من ضامنم بر خدا، که هرگاه این کارها را انجام دهند، جمیع آن ثواب ها را به ایشان عطا فرماید.

مالک گفت: تو ضامن و کفیلی از برای ایشان به این ثواب؟ فرمود: بلی!

پرسید: چگونه یکدیگر را تعزیه بگویند؟

فرمود، می گویند:

«عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام)، وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بَثَّارِهِ
مَعَ وَلِيِّهِ الْأَمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)»^{۱۷۳}.

و اگر توانی در آن روز از برای هیچ کاری از خانه بیرون مرو، که آن روز، روز نحسی است و حاجت هیچ مؤمنی در آن روز برآورده نمی شود؛ و اگر برآورده شود، از برای او مبارک نیست، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید. و از برای منزل خود چیزی ذخیره مکن، که در این روز هرکه از برای منزل خود چیزی ذخیره کند، از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است؛ و از برای اهلش نیز مبارک نخواهند بود.

پس کسی که چنین کند، از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج، هزار هزار عمره، هزار هزار جهاد، که همه را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام داده باشد. و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت.

علقمه بن محمد گفت، به حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) عرض کردم که تعلیم نما به من دعایی که بخوانم در این روز، هرگاه که خواهم آن حضرت را زیارت کنم از نزدیک، و دعایی که هرگاه در شهرهای دور بودم و خواستم به سلام به او اشاره کرده آن حضرت را زیارت کنم، بخوانم.

فرمود: ای علقمه! هرگاه دو رکعت نماز زیارت را خواندی بعد از آنکه اشاره کرده باشی به جانب آن حضرت به سلام، و گفته باشی بعد از اشاره و نماز، آن قول را که مذکور خواهد شد، پس دعا کرده ای به دعایی که ملائکه می خوانند، در زمانی که آن حضرت را زیارت می کنند، و می نویسد خدا برای تو به واسطه

آن زیارت، هزار هزار حسنه، و محو می کند از برای تو هزار هزار گناه، و بلند می کند از برای تو در بهشت، هزار هزار درجه، و از آنهایی خواهی بود که شهید شده باشند با حسین بن علی (علیه السلام) تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان، و شناسند تو را مگر از آنهایی که با آن حضرت شهید شده اند، و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبر و رسول، و ثواب زیارت هر کس که آن حضرت را زیارت کرده است، از روزی که شهید شده است.

می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمُؤْتَوْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّْي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ»^{۱۷۴}

۱۷۴- مصباح المتعبد، ص 537 - 539، چاپ بیروت؛ کامل الزیارات، ص 174، باب 71، ح 8؛ بحار الانوار، ج 101، ص 290، ح 1 و ص 293؛ موسوعة زیارات المعصومین (علیهم السلام)، ج 3، ص 384، ش 1178.

علقمه گفت، امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: اگر توانی هر روز، آن حضرت را به این کیفیت زیارت کنی، بکن که جمیع این ثواب ها از برای تو خواهد بود.^{۱۷۵}

و محمد بن خالد الطیالسی از سیف بن عمیره روایت کرد که گفت: من با صفوان ابن مهران جمال و جماعتی از اصحاب خودمان به سوی نجف رفتیم - بعد از آنکه حضرت صادق (علیه السلام) پیش از ما از حیره به مدینه بیرون رفته بودند - پس چون از زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فارغ شدیم، صفوان روی خود را به سوی قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) گردانید و گفت:

حضرت امام حسین (علیه السلام) را از این مکان، از بالای سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) زیارت کنید، که حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) چنین کرد در زمانی که من در خدمت آن حضرت به این مکان شریف آمده بودم.

پس صفوان آن زیارت، که علقمه از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) برای روز عاشورا روایت کرده است را خواند.

پس نزد سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) دو رکعت نماز کرد، و بعد از نماز امیرالمؤمنین (علیه السلام) را وداع کرد و رو به جانب قبر امام حسین (علیه السلام) کرده و آن حضرت را نیز وداع کرد.

و از جمله دعاهایی که بعد از آن دو رکعت نماز خواند، این دعا بود:

۱۷۵- قال علقمه: قال ابو جعفر (علیه السلام): ان استطعت ان تزوره فی کل یوم بهذه الزیارة من دارک فافعل ولک ثواب جمیع ذلک. مصباح المتهجد، ص 539، چاپ بیروت.

«یا اَللهُ یا اَللهُ یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، یا کاشِفَ کُرْبِ الْمَكْرُوْبِینَ، یا غِیاثَ الْمُسْتَغِیْثِینَ، یا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِخِینَ، وِیا مَنْ هُوَ اقْرَبُ اِلیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ، وِیا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرءِ وَقَلْبِهِ، وِیا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِینِ، وِیا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوٰی، وِیا مَنْ یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعِیْنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُوْرُ، وِیا مَنْ لَا تُخْفِی عَلَیْهِ خَافِیَةٌ، یا مَنْ لَا تَشْتَبَهُ عَلَیْهِ الْأَصْوَاتُ، وِیا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْحَاجَاتُ، وِیا مَنْ لَا یُبْرِئُهُ إِلَّا حَاجُ الْمُلْحِینَ، یا مُدْرِكَ کُلِّ فَوْتٍ، وِیا جَامِعَ کُلِّ شَمْلٍ، وِیا باریَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، یا مَنْ هُوَ کُلُّ یَوْمٍ فِی شَأْنٍ، یا قاضِیَ الْحَاجَاتِ، یا مُنْقِصَ الْکُرْبَاتِ، یا مُعْطِیَ السُّؤْلَاتِ، یا وَلِیَّ الرَّغْبَاتِ، یا کافیَ الْمُهْمَّاتِ، یا مَنْ یَکْفِی مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَلَا یَکْفِی مِنْهُ شَیْءٌ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^{۱۷۶}

سیف بن عمیره گفت، من به صفوان گفتم: علقمه که این زیارت را از امام محمد باقر (علیه السلام) برای ما روایت کرد، این دعا را نقل نکرد!

صفوان گفت: من با سید خودم، امام جعفر (علیه السلام) به این مکان وارد شدم، پس در زیارت، همان کاری را کرد که ما کردیم و این دعا را خواند در هنگام وداع، بعد از آنکه آن دو رکعت نماز را خواند، و آن وداع را به جا آورد.

بعد از آن صفوان گفت، حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود: مداومت کن این زیارت را، و بخوان این دعا را، و به این نحو زیارت بکن، که من ضامنم بر خدا، که هر کس این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور؛ اینکه

زیارتش مقبول باشد، سعیش مزد داده شود، سلامش به آن حضرت برسد، محبوب نگردد، و هر حاجت که از خدا بطلبد برآورده شود، هرچند که حاجتش بزرگ باشد.

ای صفوان! این زیارت را با همین ضمان از پدرم شنیدم، و پدرم از علی بن الحسین (علیه السلام) با همین ضمان، و از امام حسین (علیه السلام) و او از امام حسن (علیه السلام) با همین ضمان، و او از پدرش، امیرالمؤمنین (علیه السلام) با همین ضمان، و امیرالمؤمنین از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با همین ضمان، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جبرئیل (علیه السلام) با همین ضمان، و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضمان.

و به تحقیق که حق تعالی به ذات مقدس خود قسم خورده است که، هر کس حضرت امام حسین (علیه السلام) را به این روش زیارت کند از نزدیک یا دور، و این دعا را بخواند، زیارت او را قبول کنم، و از درگاه من ناامید برنگردد، و او را بر گردانم شاد و خوشحال به برآمدن حاجت، فائز شدن به بهشت، آزاد شدن از جهنم، و از برای هر که شفاعت کند، شفاعتش را قبول کنم، مگر شفاعت در حق کسی که دشمن ما اهل بیت باشد و گواه گرفت خدای بلند مرتبه ما را بر آنچه گواه گرفته بود بر آن، ملائکه ملکوت خود را.

پس جبرئیل گفت: ای رسول خدا! حق تعالی مرا به سوی تو فرستاده است برای بشارت، سرور و خوشحالی تو، و بشارت و شادی علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن، حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت.

پس حضرت صادق(علیه السلام) فرمود: ای صفوان! هرگاه تو را حاجتی به سوی خدا به هم رسد، این زیارت را بکن هر جا که باشی، و این دعا را بخوان، و از پروردگار خود حاجت خویش را بطلب، که البته برآورده می شود و حق تعالی خلف وعده خود نمی فرماید^{۱۷۷}.

۱۷۷- مصباح المتهجد، ص 543، چاپ بیروت؛ قال صفوان: قال لی ابوعبدالله(علیه السلام): یا صفوان اذا حدث لک إلی الله حاجةً فرز بهذه الزيارة من حیث کنت، وادع بهذا الدعاء وسل ربک حاجتک تاک من الله، والله غیر مخلف وعده رسوله(صلی الله علیه وآله) بمنه والحمد لله.

ذکر زیارت عاشورا در کتاب

زاد المعاد

علامه مجلسی (رحمه الله)

هرکس زیارت کند و بماند نزد قبر شریف سیدالشهدا (علیه السلام) شب عاشورا، خداوند متعال در روز قیامت او را، در حالی که به خون خود غلتان است، به شکل کسانی که در کربلای معلی به زمین افتاده اند با آنان محشور خواهد کرد و اگر زیارت کند شب و روز عاشورا، سیدالشهدا (علیه السلام) را، خداوند متعال او را مانند کسی که در رکاب آن حضرت به شهادت رسیده است، محشور خواهد کرد. سپس روایت «من زار الحسين (علیه السلام) يوم عاشورا وجبت له الجنة»^{۱۷۸}؛ کسی که زیارت کند امام حسین (علیه السلام) را در روز عاشورا واجب می شود بر او بهشت را ذکر می کند. و در ادامه زیارت عاشورا را، همراه با روایات منقول در فضیلت آن، بیان می کند.

محمد بن اسماعیل بن بزيع از صالح بن عقبه از پدرش، از حضرت امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی (علیهما السلام) را در روز دهم محرم، تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول

۱۷۸- زاد المعاد، ص ۱۴۲؛ المزار الشیخ المفید، ص ۵۲؛ المزار ابن مشهدی، ص

خدا(صلی الله علیه وآله) و ائمه طاهرین(علیهم السلام). راوی گفت، عرض کردم: فدایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا است و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت در مثل این روز ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرا یا بالا رود، بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز کند و این کار را در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب انجام دهد پس ندبه کند بر حسین(علیه السلام) و بگیرد بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند - هرگاه از ایشان تقیه نمی کند - به گریستن بر آن حضرت، و بر پا دارد در خانه خود مصیبتی به اظهار کردن جزع بر آن حضرت، و تعزیت بگویند یکدیگر را به مصیبت ایشان به حسین(علیه السلام) و من ضامنم برای ایشان بر خدا که هرگاه بیاورند این عمل را، جمیع آن ثواب ها را بهره مند گردند. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می شوی این ثواب ها را برای ایشان و کفیل می شوی این ثواب ها را؟ فرمود: بلی! من ضامن و کفیل از برای کسی که این عمل را به جا آورد. گفتم: چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بَثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله)»؛ یعنی بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت ما به حسین(علیه السلام) و قرار دهد ما و شما را از خواهندگان خون او با ولی او، امام مهدی از آل محمد(علیهم السلام).

و اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است که برآورده نمی شود در آن، حاجت مؤمن و اگر برآورده شود، مبارک نخواهد بود از برای او و در آن خیر و رشدی نخواهد بود. البته هیچ یک از شما برای منزلش در آن روز چیزی را ذخیره نکند پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را برکت نخواهد دید در آن چیزی که ذخیره نموده، و مبارک نخواهد بود از برای او در اهلش، که ذخیره برای آنها نهاده؛ پس هرگاه به جای آوردند این عمل را، حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد که همه را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام داده باشد بنویسد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از زمانی که حق تعالی دنیا را خلق فرموده تا زمانی که قیامت به پای شود.

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره از علقمه بن محمد حضرمی نقل می کنند که به حضرت باقر (علیه السلام) عرض کردم: تعلیم فرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز، هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک و دعایی که بخوانم آن را هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک و بخواهم اشاره کنم به سلام به سوی او از شهرهای دور و از خانه ام پس ایشان به من فرمود: ای علقمه! هرگاه تو به جا آوردی آن دو رکعت نماز را، بعد از آنکه اشاره کنی به سوی آن حضرت به سلام، پس بگو در وقت اشاره به آن حضرت، بعد از گفتن تکبیر، این قول؛ یعنی زیارت آتیه را، پس هرگاه گفתי این قول را، به درستی که همان دعایی را

خوانده ای که شهیدان در رکاب امام حسین (علیه السلام) خوانده اند. تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در زمره شهیدانی که شهید شده اند با آن حضرت و نوشته شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین (علیه السلام) را از روزی که شهید شده است و سلام خدا بر آن حضرت (علیه السلام) و بر اهل بیتش (علیهم السلام) باد و می گویی:

«السلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمُؤْتَوْرَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلامُ اللَّهِ أَبَداً مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ...».

امام فرمود: یا علقمه! اگر توانستی هر روز زیارت کنی امام حسین (علیه السلام) را با این زیارت (زیارت عاشورا)، انجام بده که تمام ثواب های مذکور را کسب خواهی کرد.

محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره نقل می کند که گفت: با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف حرکت کردیم - بعد از خروج حضرت صادق (علیه السلام) از حیره به جانب مدینه - پس زمانی که ما از

زیارت؛ یعنی زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فارغ شدیم صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبدالله (علیه السلام) گردانید و به ما گفت که حسین (علیه السلام) را از این مکان، از نزد سر مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) زیارت کنید که جناب صادق (علیه السلام) از اینجا ایما و اشاره کرد به سلام بر آن حضرت و من در خدمتش بودم. سیف گفت، پس صفوان، همان زیارتی را (زیارت عاشورا) که علقمه بن محمد حضرمی از حضرت باقر (علیه السلام) در روز عاشورا روایت کرده بود را خواند آن گاه نزد سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) دو رکعت نماز کرد و بعد از آن نماز، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را وداع گفت و اشاره کرد به جانب قبر حسین (علیه السلام) به سلام در حالتی که گردانیده بود روی خود را به جانب او، و بعد از زیارت او را وداع کرد و از دعاهایی که بعد از نماز خواند این بود:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِحِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»...

تا آخر دعا

سیف بن عمیره گوید: که از صفوان سؤال کردم و گفتم: علقمه بن محمد این دعا (دعای بعد از زیارت عاشورا) را برای ما، از حضرت باقر (علیه السلام) روایت نکرد؛ بلکه همان زیارت را حدیث کرد. صفوان گفت: من با سید خودم، حضرت

صادق(علیه السلام) به این مکان وارد شدم پس به جا آورد مثل آنچه را که ما به جا آوردیم در زیارت و دعا کرد به این دعا هنگام وداع، بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت، چنانچه ما نماز گذاشتیم و وداع کرد چنانچه ما وداع کردیم. آن گاه صفوان گفت: حضرت صادق(علیه السلام) به من فرمود: مداومت کن و بخوان این دعا را و زیارت کن به آن، پس به درستی که من ضامنم بر خدا، برای هر کس که زیارت کند به این زیارت (زیارت عاشورا) و دعا کند به این دعا (دعای بعد از زیارت عاشورا) از نزدیک یا دور، اینکه زیارتش مقبول، سعیش مشکور باشد و سلامش به آن حضرت برسد، محجوب نماند، حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی، به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نومید برنگرداند. ای صفوان! یافتیم این زیارت را به این ضامن از پدرم، و پدرم از پدرش، علی بن الحسین(علیه السلام) به همین ضامن و حسن از پدرش، امیرالمؤمنین(علیه السلام) با همین ضامن و امیرالمؤمنین(علیه السلام) از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) با همین ضامن و رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از جبرئیل با همین ضامن و جبرئیل از خدای تعالی با همین ضامن و به تحقیق که خداوند عز و جل به ذات مقدس خود قسم خورده که، هر کس زیارت کند حسین(علیه السلام) را به این زیارت، از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، قبول می کنم از او زیارتش را و می پذیرم خواهشش را به هر قدر که باشد و می دهم مسئلتش را، پس باز نگردد از حضرت من با ناامیدی و خسار و بلکه بگردد با چشم روشن به برآوردن حاجت، فوز به جنت و آزادی از دوزخ، و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که

شفاعت کند جز شفاعت دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود. و حق تعالی قسم خورده به این امور بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند به آن ملائکه ملکوت. پس جبرئیل گفت: ای رسول خدا! پروردگار فرستاده مرا به سوی تو به جهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از اولاد تو (علیهم السلام) و شیعه شما تا روز رستاخیز.

پس صفوان گفت: حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای صفوان! هرگاه حاجتی داشتی به درگاه خدای عز و جل، پس زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که باشی و بخوان این دعا را و بخواه از پروردگار خود حاجت را، که برآورده شود از سوی خدا، و خدا خلاف وعده ای که به رسول خود به جود و امتنان خویش داده، نخواهد کرد والحمد لله.^{۱۷۹}

۱۷۹- بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۳۰۰، باب ۲۴، کتاب المزار؛ مصباح الطوسی (رحمه الله)، ص ۵۴۲ - ۵۴۶.

نقل سند کامل زیارت عاشورا

منقول در مصباح المتهجد شیخ طوسی (رحمه الله)

سند اول

روایت: «صالح بن عقیبه و سیف بن عمیره قال: علقمة بن محمد الحضرمی قلت لابی جعفر (علیه السلام) ...»^{۱۸۰}.

یعنی: این دو نفر (صالح بن عقیبه و سیف بن عمیره) مشترکاً از علقمه بن محمد حضرمی زیارت عاشورا را از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده اند.

سند کامل به نقل از صالح بن عقیبه

«شیخ طوسی (رحمه الله) از علی بن احمد بن محمد بن ابی جید از محمد بن حسن بن ولید از محمد بن حسن فروح صفار از محمد بن حسین بن ابی خطاب از محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقیبه از علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر (علیه السلام)».

سند کامل به نقل از سیف بن عمیره

«شیخ طوسی (رحمه الله) از علی بن احمد بن محمد بن ابی جید از محمد بن حسن بن ولید از محمد بن حسن صفار از محمد بن حسین بن ابی خطاب از

۱۸۰- مصباح المتهجد، شیخ طوسی، ص 536 - 539، چاپ بیروت؛ کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، ص 325 - 328.

محمد بن اسماعیل بن بزیع از سیف بن عمیره از علقمه بن محمد الحضرمی از امام باقر (علیه السلام).

سند دوم

روایت محمد بن خالد طیالسی عن سیف بن عمیره، در خصوص زیارت عاشورا، از حضرت اباعبدالله امام صادق (علیه السلام)¹⁸¹
«روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره».
سند کامل اینگونه می شود:

شیخ طوسی (رحمه الله) از حسین بن عییدالله غضائری از احمد بن محمد بن یحیی از محمد بن یحیی عطار از محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی از محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره از صفوان بن جمال از امام صادق (علیه السلام).

سند سوم

«روی محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح بن عقبه عن ابیه (عقبه بن قیس بن سمعان) عن أبی جعفر (علیه السلام)».¹⁸²

۱۸۱- مصباح المتهجد، ص 540، چاپ بیروت؛ کامل الزیارات، ص 325 - 328.

۱۸۲- مصباح المتهجد، ص 772.

با توجه به اینکه شیخ طوسی (رحمه الله) سه طریق برای وصول به کتاب «الحج» محمد بن اسماعیل بن بزیع نقل کرده است، سند کامل این گونه می شود:

1- «شیخ طوسی (رحمه الله) از ابن ابی جید (ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن ابی جید القمی)، از محمد بن حسن بن ولید، از علی بن ابراهیم، از پدرش (ابراهیم بن هاشم قمی)، از محمد بن اسماعیل بن بزیع».^{۱۸۳}

2- «شیخ طوسی (رحمه الله) از حسین بن عبیدالله غضائری، از حسن بن حمزه علوی، از ابراهیم بن هاشم، از پدرش (ابراهیم بن هاشم قمی)، از محمد بن اسماعیل بن بزیع».

3- «شیخ طوسی (رحمه الله) از ابن ابی جید (ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن ابی جید القمی)، از محمد بن الحسن بن ولید، از سعد (بن عبدالله اشعری قمی) و حمیری (عبدالله بن جعفر حمیری)، و احمد بن ادريس (قمی)، و محمد بن یحیی (العطار القمی) از احمد بن محمد (بن عیسی الاشعری القمی)، و محمد بن الحسین (بن ابی الخطاب)، از محمد بن اسماعیل بن بزیع».^{۱۸۴}

سند چهارم زیارت عاشورا

منقول در کتاب کامل الزیارات مرحوم ابن قولویه (رحمه الله)

۱۸۳- فهرست، شیخ طوسی (رحمه الله)، ص 215، رقم 605.

۱۸۴- فهرست، شیخ طوسی (رحمه الله)، ص 236، رقم 706.

«حدثني حكيم بن داود بن حكيم وغيره، عن محمد بن موسى الهمداني، عن محمد بن خالد الطيالسي، عن سيف بن عميرة وصالح بن عقبة جميعاً، عن علقمة بن محمد الحضرمي و محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن مالك الجهني، عن أبي جعفر (عليه السلام)»^{١٨٥}.

سند کامل با سه طریق:

1- «حكيم بن داود بن حكيم و غيرش از محمد بن موسى همداني از محمد بن خالد طيالسي از سيف بن عميره از علقمه بن محمد حضرمي از امام باقر (عليه السلام)».

2- «حكيم بن داود بن حكيم و غيرش از محمد بن موسى همداني از محمد بن خالد طيالسي از صالح بن عقبة از علقمة بن محمد حضرمي از امام باقر (عليه السلام)».

3- «محمد بن اسماعيل از صالح بن عقبة از مالك جهني از امام باقر (عليه السلام)».

سند پنجم زیارت عاشورا

منقول در کتاب کامل الزیارات مرحوم ابن قولویه (رحمه الله)

قال صالح بن عقبه الجهني وسيف بن عميرة قال علقمة بن محمد الحضرمي فقلت
لابي جعفر (عليه السلام): ...^{١٨٦}

صالح بن عقبه جهني و سيف بن عميرة از علقمة بن محمد حضرمي نقل
کردند که به امام باقر (عليه السلام) عرض کردم.
و سند کامل با دو طريق اینگونه می شود:

1. «جعفر بن محمد بن قولويه، از حکيم بن داود بن حکيم، و غير او، از
محمد بن موسی همدانی، از محمد بن خالد طيالسی، از سيف بن عميره،
وصالح بن عقبه جميعاً، از علقمة بن محمد حضرمي».

2. «محمد بن اسماعيل (بن بزيع)، از صالح بن عقبه، از مالک جهني، از امام
باقر (عليه السلام)».

لعن

تعریف لعن

لعن از دیدگاه قرآن

لعن در کتب اهل سنت

فرازهایی از زیارت عاشورا در کتاب و سنت

سیره شیعیان

استحباب لعن

انی اکره لکم ان تکنوا سبائین

تعریف لعن

ابن منظور در تعریف لعن می گوید: لعن: «الابعاد والطرده من الخير»^{۱۸۷}
یعنی: لعن به معنای دور کردن و طرد از خیر است»، و به تعبیر واضح تر دعا کردن برای اینکه خداوند رحمت خود را از کسی بردارد.
راغب اصفهانی می گوید: «لعن به معنای طرد و دور کردن با غضب است. لعن اگر از جانب خدا باشد در آخرت به معنای عقوبت و در دنیا به معنای انقطاع از قبول رحمت و توفیق است. و اگر از انسان باشد به معنای دعا و نفرین و درخواست بر ضرر غیر است».^{۱۸۸}
طریحی می گوید: «لعن به معنای طرد از رحمت است».^{۱۸۹}
ابن اثیر می گوید: «اصل لعن به معنای طرد و دور کردن از خداست. و از خلق به معنای سبّ و نفرین است».^{۱۹۰}

۱۸۷- لسان العرب، ج 13، ص 387.

۱۸۸- مفردات راغب، ص 471.

۱۸۹- مجمع البحرین، ج 6، ص 309.

۱۹۰- النهایه، ج 4، ص 330.

خداوند متعال در قرآن کریم 37 بار «لعن» را با انتساب به خودش و نیز یک بار با انتساب به مردم به کار برده است. و این حدّ به کار بردن این واژه فی حد ذاته دلیل بر مشروعیت لعن از حیث اصل اولی است. و در قرآن هیچ موردی وجود ندارد که از لعن نهی شده باشد، در حالی که از سب نهی شده است؛ آنجا که می فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا»^{۱۹۱} و شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می خوانند دشنام می دهید تا مبادا آنان هم از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند».

هم چنین با مراجعه به سنت نبوی پی می بریم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) تعبیر «لعن» و مشتقات آن را در موارد بسیاری، به کار برده است؛ نهی هایی که به خاطر نافرمانی بعضی از صحابه با غضب شدید همراه بوده است؛ که به بیش از سیصد مورد ثبت شده است.^{۱۹۲}

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «خدا لعنت کند شراب، شرابخوار، ساقی، بایع و مشتری آن را»^{۱۹۳} و نیز فرمود: «خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده را در قضاوت»^{۱۹۴} و نیز فرمود: خدا لعنت کند ربا و گیرنده و دهنده و نویسنده و شاهد و... آن را»^{۱۹۵}.

۱۹۱- انعام، آیه 108 .

۱۹۲- موسوعه اطراف الحديث النبوی، ج 6، ص 594 - 606.

۱۹۳- سنن ابی داود، ج 3، ص 324.

۱۹۴- مسند احمد، ج 2، ص 387.

۱۹۵- الجامع الصغير، ج 2، ص 406.

لعن از دیدگاه قرآن

با مراجعه به قرآن کریم پی می بریم که خداوند متعال لعن را در چهار مورد به کار برده است:

1- در مورد ابلیس؛ آن جا که می فرماید: «وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ»^{۱۹۶} و همانا لعنت من بر توست تا روز جزا».

2- در مورد عموم کافرین؛ آن جا که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا»^{۱۹۷} همانا خداوند لعنت کرده کافران را و برای آنان جهنم را آماده نموده است».

3- در مورد اهل کتاب به طور عموم و یهود به طور خصوص؛ آن جا که می فرماید: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ»^{۱۹۸}؛ لعنت شدند کسانی که از بنی اسرائیل کافر شدند، به زبان داود و عیسی بن مریم».

4- مواردی که لعنت بر عنوان عامی وارد شده، که قابل انطباق بر مسلمین است؛ مثال:

۱۹۶- ص، آیه 78.

۱۹۷- احزاب، آیه 64.

۱۹۸- مائده، آیه 78.

الف) عنوان ظالمین: «(أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ)^{۱۹۹}؛ آگاه باش لعنت خدا بر ظالمان است».

ب) عنوان کاذبین: «(وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ)^{۲۰۰}؛ و بار پنجم قسم یاد کند که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغ گویان باشد».

ج) عنوان ایذای رسول (صلی الله علیه وآله): «(الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ)^{۲۰۱}؛ و کسانی که خدا و رسول را اذیت می کنند خداوند آنان را در دنیا و آخرت مشمول لعنت خود قرار داده است».

د) عنوان رمی محصنات به زنا: «(إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ)^{۲۰۲}؛ کسانی که به زنان با ایمان و پاک دامن بی خبر از کار بد تهمت بستند محققاً در دنیا و آخرت ملعون شدند».

هـ) عنوان قتل مؤمن: «(وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا)^{۲۰۳}؛ و هرکس مؤمنی را به عمد بکشد مجازاتش آتش جهنم است که در آن جاوید معذب خواهد بود. خدا بر او خشم و لعنت کند، و عذابی بسیار شدید برایش مهیا سازد».

۱۹۹- هود، آیه ۱۸.

۲۰۰- نور، آیه ۷.

۲۰۱- احزاب، آیه ۵۷.

۲۰۲- نور، آیه ۲۳.

۲۰۳- نساء، آیه ۹۳.

و) عنوان نفاق: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ»^{۲۰۴}؛ خدا مرد و زن از منافقان و کافران را وعده آتش دوزخ و خلود در آن داده، همان دوزخ برای کیفر آنان کافی است، و خدا آنان را لعن کرده و برای آنان عذاب ابدی است».

ز) عنوان فساد و قطع رحم: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ»^{۲۰۵}؛ شما منافقان اگر از فرمان خدا و طاعت روی برگردانید یا در زمین فساد و قطع رحم کنید باز هم امید دارید؟ اینان همین منافقانند که خدا آنان را لعن کرده و گوش و چشمشان را کور گردانید».

قرآن طلیعه دار هدایت جامعه بشری است و برای راهنمایی گروه های مختلف فکری، عقیدتی و... اسلوب و مبنای خاص خود را دارد. با عاقلان به اقامه دلیل و برهان می پردازد و می فرماید: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ)^{۲۰۶} و جاهلان را پند و

۲۰۴- توبه، آیه ۶۷.

۲۰۵- محمد، آیه ۲۲.

۲۰۶- بقره، آیه ۱۶۴.

اندرز داده و می فرماید: (وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ)^{۲۰۷} و بعد از اقامه دلیل و برهان، و رد آن از طرف کافرکیشان، آنان را به خذلان و سخط خویش وعده داده و می فرماید: (الَّذِينَ كَفَرُوا لَيَبْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ).^{۲۰۸}

و با لعن و نفرین ابدی از آنان اظهار نفرت نموده که به چند نمونه از آنها در قرآن مجید اشاره می کنیم:

(وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ).^{۲۰۹}

گفتند: قلب های ما در میان پوششی است [از این رو گفتار تو به دل های ما نمی رسد، ولی چنین نیست] بلکه خداوند آنان را به سبب کفرشان لعنت کرد [و از رحمت و هدایت خود دور ساخت] پس اندکی ایمان می آورند.

(وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ).^{۲۱۰}

و آن گاه که آنان را از جانب خداوند کتابی آمد که تصدیق کننده چیزی است که با آنهاست (تورات) با آنکه پیش از این با آن بر کافران پیروزی می جستند؛

۲۰۷- بقره، آیه ۱۶۸.

۲۰۸- مائده، آیه ۸۰.

۲۰۹- سوره بقره: آیه ۸۸.

۲۱۰- همان، آیه ۸۹.

ولی همین که آنچه (کتاب) با آن کس (پیامبر) که می شناختند بدیشان آمد، به او کافر شدند، پس لعنت خدا بر کافران باد.

(إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ).^{۲۱۱}

کسانی که حجت های روشن و هدایتگری را که ما نازل کرده ایم با وجود آنکه در کتاب آسمانی (قرآن) برای مردم توضیح داده ایم کتمان می کنند، خدا و لعن کنندگان لعنتشان می کنند.

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ).^{۲۱۲}

آنان که کافر شدند و کافر مردند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنها است.

(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نُبَيِّنْكُمْ وَأُنَبِّئْكُمْ وَنَسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ).^{۲۱۳}

پس هرکس با تو در مقام مجادله برآید درباره عیسی بعد از آنکه به وحی خدا به احوال او آگاهی یافتی بگو بیایید ما و شما بخوانیم فرزندان، و زنان و نفوس

۲۱۱- سوره بقره، آیه ۱۵۹.

۲۱۲- همان، آیه ۱۶۱.

۲۱۳- سوره آل عمران، آیه ۶۱.

خود را تا با هم به مباحله برخیزیم (در حق یکدیگر نفرین و در دعا به درگاه خدا اصرار کنیم) تا دروغگو و کافران را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.
(أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ).^{۲۱۴}

آنها سزایشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردم یکسره بر آنها باد.

(مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنِّتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا).^{۲۱۵}

از قوم یهود کسانی هستند که سخنان را جا به جا و پس و پیش می کنند و می گویند: (فرمان خدا را) شنیدیم و از آن سرپیچی کردیم و گویند: بشنو و همان به که نشنوی و ما را رعایت کن! و گفتارشان زبان بازی و طعنه و تمسخر به دین است و اگر به احترام می گفتند: ما فرمان حق را شنیده و تو را اطاعت کنیم و تو سخن ما بشنو و به حال ما بنگر، برایشان نیکوتر و به صواب نزدیک تر بود؛ ولی خداوند آنها را به سبب کفرشان، به لعنت خویش دچار نمود و جز اندکی ایمان نمی آورند.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فَرَدَّهَا عَلَى أُدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا).^{۲۱۶}

۲۱۴- سوره آل عمران، آیه ۸۷.

۲۱۵- سوره نساء، آیه ۴۶.

۲۱۶- سوره نساء، آیه ۴۷.

ای کسانی که کتاب (آسمانی) به شما داده شده! ایمان بیاورید به آنچه ما آن را نازل کردیم (بر پیامبر خود) که تصدیق کننده چیزی است که از پیش با شما می باشد (تورات و انجیل)، پیش از آنکه صورت هایی را محو کنیم و سپس به پشت سر و گونه هایتان واژگون سازیم یا آنکه مانند اصحاب سبت (گروهی که روز شنبه دغل کاری کردند) لعنت شان کنیم و بدانید که کار خدا انجام شدنی و حتمی است.

(أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا)^{۲۱۷}

آنها کسانی هستند که خداوند لعنت شان کرده و هرکه به لعنت خدا گرفتار آید، هرگز برای او یاوری نخواهی یافت.

(لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَا تَخِذْنِ مِنْ عِبَادِكِ نَصِيبًا مَفْرُوضًا)^{۲۱۸}

خداوند او (ابلیس) را لعنت کرد و او گفت: من از بندگان تو بهره ای معین را خواهم گرفت.

(فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)^{۲۱۹}

۲۱۷- سوره نساء، آیه 52.

۲۱۸- همان، آیه 118.

۲۱۹- سوره مائده، آیه 13.

پس چون (بنی اسرائیل) پیمان شکستند، آنان را لعنت کردیم و دل هایشان را سخت گردانیدیم (که موعظه در آنها اثر نکرد)، آنها معانی اصلی کلمات (کتاب الهی) را تغییر می دادند و از بهره آن کلمات که به آنها پند داده شد (در تورات) قسمتی را از دست دادند و همواره بر خیانتکاری و نادرستی آنان آگاهی می یابی؛ مگر اندکی از آنان، پس تو از ایشان درگذر و کار بدشان را عفو کن (که تحقیقاً) خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

(قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ).^{۲۲۰}

بگو: آیا شما را خبر دهم که چه کسانی موقعیت و منزلتشان نزد خدا بدتر است؟ آنان افرادی می باشند که خدا لعنت شان کرد و مورد خشمشان قرار داده و گروهی از آنان را (مسخ کرد و) به شکل بوزینه و خوک درآورد و آن کس که بندگی طاغوت کرد، جایگاه آنها از همه بدتر و از راه اعتدال و حق دورتر و گمراه ترند.

(وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ).^{۲۲۱}

۲۲۰- سوره مائده، آیه ۶۰.

۲۲۱- سوره مائده، آیه ۶۴.

یهودیان گفتند: دست خدا بسته است، دست های خودشان بسته باد! و به سبب این سخن ناروا که گفتند، لعنت شده اند، بلکه دو دست (قدرت) الهی گشوده است و به هر کیفیتی که بخواهد روزی می دهد و بخشش می کند، و آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شد، یقیناً بر سرکشی و کفر بسیاری از آنها می افزاید و ما هم تا روز رستاخیز دشمنی و کینه را در بین ایشان افکنده ایم. هرگاه آتشی را برای جنگ (با مسلمانان) افروختند، خدا آن را خاموش کرد و آنها می کوشند که در زمین فتنه و فساد راه بیندازند و خدا هرگز مردم ستمکار مفسد را دوست نمی دارد.

(لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ).^{۲۲۲}

کافران بنی اسرائیل به زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند؛ به خاطر آنکه نافرمانی خدا نمودند و از حدّ خود تجاوز می کردند.

(وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ).^{۲۲۳}

بهشتیان دوزخیان را ندا می دهند که: آنچه را پروردگار ما به ما وعده داده بود، حق یافتیم، آیا شما نیز آنچه را خداوندتان به شما (از عذاب) وعده کرده

۲۲۲- همان، آیه 78.

۲۲۳- سوره اعراف، آیه 44.

بود، حق یافتید؟ می گویند: آری، پس ندا دهنده ای بین آنان بانگ در دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

(وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ).^{۲۲۴}

چه کسی ستمکارتر از آن کسانی است که به خدا دروغ و افترا ببندند، آنها (در قیامت) بر پروردگارشان عرضه می شوند و گواهان می گویند: اینان هستند که (بزرگترین ظلم را مرتکب شده و) به پروردگار خود دروغ می بستند، (ای خلاق) آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

(وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادِ قَوْمِ هُودٍ).^{۲۲۵}

در این دنیا و روز قیامت، لعنت به دنبال آنان خواهد بود، آگاه باشید که قوم عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند، پس قوم عاد که قوم هود می باشند (از رحمت او) دور باد.

(وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ).^{۲۲۶}

در این دنیا و روز قیامت، لعنت بدرقه آنان خواهد بود و چه بد عطایی است که بهره ایشان می شود.

۲۲۴- سوره هود، آیه ۱۸.

۲۲۵- همان، آیه ۶۰.

۲۲۶- همان، آیه ۹۹.

(وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ).^{۲۲۷}

و کسانی که پیمان خدا را پس از محکم کردنش می شکنند و چیزی را که خدا به پیوستن آن فرمان داده، گسسته و در زمین فساد می کنند، آنها کسانی هستند که لعنت خدا بر آنان است و در آن عالم، بد سرایی دارند.

(وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ).^{۲۲۸}

و به دنبال ایشان در این دنیا لعنت قرار دادیم و روز قیامت، ایشان از زشت کاران باشند.

(إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا).^{۲۲۹}

به راستی که خدا کافران را لعنت کرد (از رحمت خود دور نمود) و برای آنان آتشی افروخته و آماده ساخت.

(رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا).^{۲۳۰}

پروردگارا! آنها را از عذاب دو چندان بده و لعنت شان کن؛ لعنتی بزرگ.

(يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ).^{۲۳۱}

۲۲۷- سوره رعد، آیه 25.

۲۲۸- سوره قصص، آیه 42.

۲۲۹- همان، آیه 64.

۲۳۰- همان، آیه 68.

۲۳۱- سوره غافر، آیه 52.

در آن روز ستمکاران را عذرخواهی (و پشیمانی) سود ندهد و بر آنان لعنت و خشم باشد و برای آنان سرای بد (جهنم) مهیا است.
(أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ)^{۲۳۲}
آنها (منافقین) کسانی هستند که خداوند آنان را لعن کرده و گوش هایشان را کر و چشم هایشان را کور گردانید.

(وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا)^{۲۳۳}
و عذاب می کند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که درباره خداوند گمان بد دارند، گردشِ بدِ روزگار بر آنان باد و خدا بر آنها غضب نماید و آنها را لعنت کند و دوزخ را برای آنها فراهم کرده و آن، بد بازگشت گاهی است.

هدف و منظور قرآن مجید از این شیوه و روش، این نبوده است که انسان را بد زبان و دشنام گو به بار آورد یا این که بذر کینه و جبهه گیری بر ضد یکدیگر را در دل افراد جامعه بپاشد؛ بلکه هدف قرآن از این شیوه آن است که راه استواری ایمان و پایداری بر حق را به انسان بیاموزد که از آشکارترین مصداق های ایمان محکم و ثبات بر حق، اصل تبرّی می باشد و لعن کردن از روشن ترین مصادیق تبرّی است.

۲۳۲- سوره محمد، آیه 23.

۲۳۳- سوره فتح، آیه 6.

چکیده سخن این است که لعن کردن برای مؤمن در پذیرش حق و به دور
افکندن باطل یک نوع تربیت روحی است.

لعن در کتب اهل سنت

علاوه بر قرآن، احادیث نبوی موجود در کتب اهل سنت مشتمل بر بر لعن می باشد:

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در مواطن مختلف، افرادی را لعن فرمود از جمله: «لما مرض رسول الله (صلی الله علیه وآله) مرضه الذي توفي فيه، فجهّز إلى الروم جيشاً إلى موضع يقال له: مؤتة، وبعث فيه وجوه الصحابة وأمر عليهم أسامة بن زيد فوّلاه وبرزوا عن المدينة، فثقل المرض برسول الله (صلی الله علیه وآله) وحينئذ تمهّل الصحابة عن السير وتسألوا، ورسول (صلی الله علیه وآله) يصيح فيهم جهزوا جيش أسامة، لعن الله المتخلف عنه، حتى قالها ثلاثاً»^{۲۳۴}

بعد از آنکه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مریض شدند دستور دادند عده ای از صحابه به سر کردگی اسامه بن زید به پادگان خارج از مدینه مستقر شوند که بعضی از این فرمان تخلف کردند (از جمله خلیفه اول و دوم) و آنجا بود که پیامبر متخلفین را سه بار لعن کرد.

مورد دیگر: «قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): ستة لعنتهم لعنهم الله وكل نبی مجاب: المكذب بقدر الله والزائد في كتاب الله والمتسلط بالجبروت ليزل ما أعز الله

۲۳۴- طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۱، ح ۳۷؛ ج ۲، ص ۲، ح ۴۱، ج ۴، ص ۱، ح ۴۷؛ فتح البار، للعسقلانی، ج ۷، ص ۸۷، ج ۸، ص ۱۵۲؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۷۲، ح ۳۰۲۶۶؛ تهذیب تاریخ ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۱۷ و ۱۲۲؛ دلائل الصدق، ج ۳، ص ۴ و ۵؛ الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۹؛ شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۵۲؛ اصول الاخیار، ص ۶۸.

ويعز ما أذل الله والمستحل لحرم الله والمستحل من عترتيما حرم الله والتارك
سنتي؛^{٢٣٥}

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: لعنت باد بر شش گروهی که خدا و انبیاء
آنان را لعنت کرده است:

1- کسی که قدرت الهی را تکذیب کند. 2- کسی که تحریفی در قرآن ایجاد
کند. 3- کسی که به جبر متوسل می شود تا کسی را که خداوند عزیز کرده را
خوار و ذلیل کند. 4- کسی که عزت دهد کسی را که خداوند او را ذلیل کرده
است. 5- کسی که حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال شمارد. 6- کسی که
سنت مرا ترک کند».

و صاحب صواعقه^{٢٣٦} می گوید: «إن رسول الله(صلی الله علیه وآله) قال: ليدخلن
الساعة عليكم رجل لعين! فدخل الحكم بن العاص؛

٢٣٥- هذا الحديث رواه الحاكم في مستدرکه في ثلاثة مواضع، ج 1، ص 36؛ ج 2، ص 525؛ ج 4، ص 90؛ وقال هذا حديث صحيح على شرط البخاری ولم يخرجاه، ورواه بن حبان في صحيحه، ج 13، ص 60؛ والهيثمي في مجمع الزوائد، ج 9، ص 372؛ والطبرانی في المعجم الكبير، ج 17، ص 43؛ وفي الأوسط، ج 2، ص 398؛ وابن أبي عاصمه في السنة، ص 628، ج 2.
٢٣٦- الصواعق المحرقة، ص 144؛ ورواه البلاذري في أنساب الأشراف، ج 5، ص 126؛ والحاكم في مستدرکه، ج 4، ص 481؛ وصححه.

صاحب می گوید: روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: الآن کسی وارد می شود که مورد لعن و نفرین است، و در آن هنگام حکم بن عاص وارد شد».

حکم بن عاص روزی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) اذن خواست داخل شود رسول خدا (صلی الله علیه وآله) صدای او را شنید و فرمود:

«أئذنوا له، لعنة الله عليه وعلى من يخرج من صلبه إلا المؤمنين وقليل ما هم»^{۲۳۷}
به او اذن دهید خدا لعنت کند او و کسی که از نسل او به وجود می آید مگر اشخاص مؤمن...».

و صاحب کنز العمال^{۲۳۸} می گوید: «أن رسول الله (صلی الله علیه وآله) لعن الحكم بن العاص وما ولد؛

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) لعن کرده حکم بن عاص و فرزندانش را».
عایشه به مروان گفت: «إن رسول الله (صلی الله علیه وآله) لعن أباك وأنت في صلبه»^{۲۳۹}.

۲۳۷- الغدير، ج 8، ص 245؛ جواهر المطالب في مناقب الامام علي (عليه السلام)، ج 2، ص 192.

۲۳۸- كنز العمال، 90/6.

۲۳۹- المستدرک للحاکم، 481/4؛ تفسير القرطبي، 197/16؛ تفسير الزمخشري، 99/3؛ الفائق، 325/2؛ تفسير ابن كثير، 159/4؛ تفسير الرازي، 491/7؛ واسد الغابة لابن الاثير، 34/2؛ النهاية لابن كثير، 23/3؛ شرح النهج لابن ابي الحديد، 55/2؛ تفسير النيسابوري بهامش تفسير الطبري، 13/26؛ الاجابة للزركشي، ص 141؛ تفسير النسفي هامش الخازن، 132/4؛ الصواعق المحرقة لابن حجر، ص 108؛ ارشاد الساري للعسقلاني، 325/7؛ لسان العرب، 73/9؛ الدر المنثور للسيوطي، 41/6؛

و در روایت دیگر عایشه به مروان گفت: شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که به پدرت و جدت ابی العاص بن امیه می گفت شما شجره ملعونه در قرآن هستید.

«قالت عائشة لمروان بن الحكم: سمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله) يقول لأبيك وجدك أبي العاص بن أمية أنكم الشجرة الملعونة في القرآن».^{۲۴۰}
برهان الدین الحلبي در روایتی گفته است: «اللهم العن فلاناً، وفلاناً»؛^{۲۴۱} خدا لعنت کند فلانی و فلانی را».

بخاری می گوید: «حدثني سالم عن أبيه أنه سمع رسول الله (صلی الله علیه وآله) إذا رفع رأسه من الركوع من الركعة الأخيرة من الفجر يقول: اللهم العن فلاناً، وفلاناً بعدما يقول: سمع الله لمن حمده، ربنا ولك الحمد، فأنزل الله: (ليس لك من الأمر شيء) إلى قوله (فإنهم ظالمون)»؛^{۲۴۲}

السيرة الحلبية، 337/1؛ تاج العروس، 69/5؛ تفسير الشوكاني، 20/5؛ تفسير الالوسي، 2/6؛ السيرة الدحلانية بهامش السيرة الحلبية، 245/1.
۲۴۰- الدر المنثور للسيوطي، ج 4، ص 191؛ السيرة الحلبية، ج 1، ص 337؛ تفسير الشوكاني، ج 3، ص 231؛ تفسير الالوسي، ج 15، ص 107.
۲۴۱- السيرة الحلبية، ج 2، ص 234، طبعة مصر.
۲۴۲- صحيح البخاري مشكول، ج 3، ص 24 طبعة عيسى البابي الحلبي بمصر.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هنگامی که سر از رکوع آخر نماز صبح بر می داشت و «سمع الله لمن حمده، ربنا ولك الحمد» می گفت آنگاه فرمودند: خدا لعن کن فلانی و فلانی را».

«ووقف الرسول (صلی الله علیه وآله) طويلاً عند الحكم بن العاص والد مروان بن الحكم وجد خلفاء بني أمية فقال الرسول لأصحابه: (ويل لأمتي من هذا وولد هذا)»؛^{۲۴۳}

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در نزد حکم بن عاص فرزند مروان بن حکم جد خلفاء بنی امیه مدت طولانی ایستاد آنگاه به اصحاب خود گفتند: وای به حال اتمم از دست این و فرزند این».

«وقال (صلی الله علیه وآله) يوماً لأصحابه مشيراً إلى الحكم: (ويل لأمتي مما في صلب هذا)»؛^{۲۴۴}

روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به اصحاب خود در حالی که اشاره به حکم بن عاص می کرد فرمود: وای به حال اتمم از دست نسلی که از این شخص است».

۲۴۳- راجع کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۶۷؛ والإصابة لابن حجر، ج ۲، ص ۲۹.

۲۴۴- رواه ابنعساکر راجع کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۶۷.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روزی در حالی که اشاره به حکم بن عاص کرد فرمود: «إن هذا سيخالف كتاب الله وسنة رسوله وسيخرج من صلبه فتن يبلغ دخانها السماء وبعضكم يومئذ شيعة»؛^{۲۴۵}

این شخص (اشاره به حکم بن عاص) مخالفت می کند خدا و سنت رسول خدا را و خارج می شود از نسل او فتنه هایی به پا می شود که آفاق آسمان را می گیرد و بعضی از شماها (اشاره به اصحاب) پیروان او خواهید بود». «وبعد أن كشف الرسول (صلی الله علیه وآله) خطورة الرجل وحقيقة أولاده (لعنه رسول الله ولعن أولاده»؛

بعد از آنکه رسول خدا حقیقت حکم بن عاص و اولادش را بیان کرد لعن کرد او و اولادش را».^{۲۴۶}

قال عبد الرحمن بن أبي بكر لمروان: (إن رسول الله (صلی الله علیه وآله) لعن أبای وأنت فی صلبه).^{۲۴۷}

عبد الرحمن بن ابی بکر به مروان گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) لعن کرد پدر تو را در حالی که تو در نسل او بودی.

۲۴۵- رواه الدار قطنی راجع کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۶۷؛ ابن عساکر، ج ۱۱، ص ۳۶۰؛ الطبرانی، ج ۱۱، ص ۱۶۷.

۲۴۶- مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۱ و قال رواه احمد والبخاری والطبرانی فی الاوسط.

۲۴۷- مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۱ و قال رواه البخاری.

«وقال الإمام الحسن بن علي بن أبي طالب (عليه السلام) لمروان: لقد لعنك الله على لسان رسوله وأنت في صلب أبيك»؛^{۲۴۸}

امام حسن (عليه السلام) خطاب به مروان فرمود: پیامبر خدا تو را لعن کرد در حالی که در نسل پدرت بودی».

حلبی به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می گوید: «صار رسول الله يقول: اللهم العن فلاناً وفلاناً»؛^{۲۴۹}

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرمود: خدایا لعن کن فلانی و فلانی را».

سیوطی در المنثور می گوید: «عن ابن عمر قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) يوم أحد: اللهم العن أباسفيان، والعن الحرث بن هشام، اللهم العن سهيل بن عمرو، اللهم العن صفوان بن أمية...»؛^{۲۵۰}

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در روز احد گفتند: خدایا لعن کن، اباسفیان و حرث بن هاشم و سهیل بن عمرو و صفوان بن امیه».

«عن ابن عمر أنه قال: كان الرسول (صلی الله علیه وآله) يدعو على أربعة نفر...»؛^{۲۵۱}

۲۴۸- مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۰ ؛ ابن سعد و ابن عساکر راجع کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۵۷ ؛ ابن کثیر، ج ۸، ص ۲۸۰.

۲۴۹- السيرة الحلبية، ج ۲، ص ۲۳۴.

۲۵۰- الدر المنثور للسيوطی، ج ۵، ص ۷۱؛ بخاری و ترمذی و نسائی و ابن جریر و بیهقی در دلائل نقل کرده است.

۲۵۱- ترمذی و ابن جریر و ابن ابی حاتم.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بر علیه چهار نفر دعا می کرد...».

«وأخرج نصر بن مزاحم المنقري في وقعة صفين: عن البراء بن عازب قال: أقبل أبو سفیان ومعه معاوية فقال رسول الله (صلی الله علیه وآله): (اللهم العن التابع والمتبوع) اللهم عليك بالأقيعس، فقال ابن البراء لأبيه من الأقيعس؟ قال: معاوية؛^{۲۵۲}

در واقعه صفین وقتی ابوسفیان و معاویه رو به روی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) قرار گرفتند فرمود: اللهم العن التابع والمتبوع...».

«وأخرج نصر بن مزاحم أيضاً قال... فنظر رسول الله (صلی الله علیه وآله) إلى أبي سفیان وهو راكب، ومعاوية وأخوه، أحدهما قائد وآخر سائق، فلما نظر إليه رسول الله (صلی الله علیه وآله) قال: (اللهم العن القائد والسائق والراكب) قلنا أنت سمعت رسول الله؟ قال: (نعم وإلا فصمت أذنای)؛^{۲۵۳}

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به ابی سفیان در حالی که سواره بود و معاویه و برادرش که یکی راه را به مرکب نشان می داد و دیگری حیوان را می برد برخورد کرد فرمودند: خدایا لعنت کن راهنما و راننده و سواره را. سؤال کردیم آیا تو از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدی. گفت: بله و اگر دروغ می گویم گوشه‌ایم کر شود».

محمد بن ابی بکر در نامه ای خطاب به معاویه می گوید:

۲۵۲- قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۱۰۷؛ وقعة صفین، ص ۲۱۸.

۲۵۳- وقعة صفین، ص ۲۱۷ و ۲۲۰؛ تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون؛ الانتصار، ج ۸، ص ۱۷۵.

«وَأَنْتَ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ، لَمْ تَزَلْ أَنْتَ وَأَبُوكَ تَبْغِيَانِ لِرَسُولِ اللَّهِ الْغَوَائِلَ، وَتَجْهَدَانِ فِي إِطْفَاءِ نَوْرِ اللَّهِ، تَجْمَعَانِ عَلَى ذَلِكَ الْجُمُوعِ، وَتَبْذِلَانِ فِيهِ الْمَالَ وَتَوَلِّيَانِ عَلَيْهِ الْقِبَائِلَ، وَعَلَى ذَلِكَ مَاتَ أَبُوكَ وَعَلَيْهِ خَلَقْتَهُ»^{۲۵۴}

معاویه، تو ملعون فرزند ملعونی هستی که هنوز دست از طغیان بر رسول خدا نکشیده و سعی می کنی نور خدا را خاموش کنی و لشکرکشی می کنی و در این راه مال مصرف می کنی و قبائل را بر علیه رسول خدا می شورانید و بر این روش پدیرت مرد...»^{۲۵۵}.

۲۵۴- مروج الذهب للمسعودی، ج 3، ص 14؛ المناظرات فی الامامة، ص 87؛ شرح احقاق الحق، ج 31، ص 525.

۲۵۵- مخازی عثمان الخمیس، ص 101؛ روایات لعن در متون اهل سنت فراوان می باشد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

«اسحاق بن محمد الفروی، قنا: عبدالرحمن بن أبی الموال القرشی، وأخبرنی محمد، قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): ستة لعنتهم لعنهم الله وكل بنی مجاب المكذب بقدر الله، والزائد فی کتاب الله، والمتسلط بالجبروت یذل من أعز الله ویعز من أذل الله، والمستحل لحرم الله، والمستحل من عترتی ما حرم الله، والتارك لسنتی، قد إحتج البخاری بعبد الرحمن بن أبی الموال، وهذا حدیث صحیح الإسناد، ولا أعرف له علّة، ولم یخرجاه». (الحاکم النیسابوری، المستدرک، ج 1، ص 36، ح 102)

«حدثنا: عبدالله بن جعفر الفارسی، ثنا: یعقوب بن سفیان، ثنا: إسحاق بن محمد الفروی، ثنا: عبدالرحمن بن أبی الموال، عن عبدالله بن موهب، عن أبی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم، عن عمرّة، عن عائشة قالت: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): ستة لعنتهم لعنهم الله وكلّ نبی مجاب، المكذب بقدر الله، والزائد فی کتاب الله، والمتسلط بالجبروت لیذل ما أعز الله ویعز ما أذل الله، والمستحل لحرم الله، والمستحل من عترتی ما حرم الله، والتارك لسنتی». (المستدرک، ج 4، ص 90، ح 7011)

«عن عائشة: أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال: ستُّ لعنتهم ولعنهم الله وكل نبي مجاب: الزائد في كتاب الله عزوجل، والمكذب بقدر الله عزوجل، والمستحل حرمة الله، والمستحل من عترتي ما حرم الله، والتارك السنة». (الهيثمي، مجمع الزوائد، ج 1، ص 176)

«وعن عائشة: أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال: ستُّ لعنتهم وكل نبي مجاب، الزائد في كتاب الله، والمكذب بقدر الله، والمستحل لمحارم الله، والمستحل من عترتي ما حرم الله، وتارك السنة». (الهيثمي، مجمع الزوائد، ج 7، ص 205)

«حدثنا محمد بن بشار، حدثنا إبن أبي عدي وسهل بن يوسف، عن سعيد، عن قتادة، عن أنس: أن النبي (صلى الله عليه وآله) أتاه رعل وذكوان وعصية وبنو لحيان فزعموا أنهم قد أسلموا واستمدوه على قومهم فأمدهم النبي (صلى الله عليه وآله) بسبعين من الأنصار، قال أنس: كنا نسميهم القراء يحطبون بالنهار ويصلون بالليل فإنطلقوا بهم حتى بلغوا بئر معونة غدروا بهم وقتلوه، فقتل شهراً يدعو على رعل وذكوان وبنو لحيان، قال قتادة: وحدثنا أنس أنهم قرءوا بهم قرأنا ألا بلغوا عنا قومنا بأنا قد لقينا ربنا فرضى عنا وأرضانا ثم رفع ذلك بعد؟». (صحيح البخاري، الجهاد والسير، ح 2836)

«عن أنس بن مالك، أن النبي (صلى الله عليه وآله) قنت شهراً يلعن رعلأ وذكوان وعصية عصوا الله ورسوله، وحدثنا عمرو الناقد، حدثنا الأسود بن عامر، أخبرنا شعبة، عن موسى بن أنس، عن أنس، عن النبي (صلى الله عليه وآله) بنحوه». (صحيح مسلم، ح 1091)

«عن عمرو بن عبسة السلمي قال: كان رسول الله (صلى الله عليه وآله) يعرض الخيل وعنده عيينة بن بدر الفزاري فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله): أنا أعلم بالخيال منك، فقال عيينة: وأنا أعلم بالرجال منك، فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) فمن خير الرجال؟ قال: رجال يحملون سيوفهم على عواتقهم ورماحهم على مناسج خيولهم من رجال نجد، فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله): كذبت بل خير رجال اليمن، والإيمان يمان إلى لخم وجذام ومأكول حمير خير من أكلها، وحضر موت خير من بني الحارث، والله ما أبالي لو هلك الحارثان جميعاً، لعن الله الملوك الأربعة جمداً، ومخوساً، وأبضعة، وأختهم العمدة، ثم قال: أمرني ربي أن ألعن قريشاً مرتين فلعننتهم، وأمرني أن أصلي عليهم فصليت عليهم مرتين، ثم قال: لعن الله تميم بن مرة خمساً وبكر بن وائل سبعة، ولعن الله قبيلتين من قبائل بني تميم مقاعس وملاذس ثم قال: عصية عصت الله ورسوله عبد قيس، وجعدة، وعصمة ثم قال: أسلم وغفار ومزينة وأحلافهم من جهينة خير من بني أسد وتمرهم و غطفان وهوزان عند يوم القيامة، ثم قال: شر قبيلتين في العرب نجران وبنو تغلب، وأكثر القبائل في الجنة مذحج». (الحاكم النيسابوري، المستدرک، ح 6979)

«عن أنس أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) قنت شهراً قال: شعبة، لعن رجالاً، وقال: هشام يدعو على أحياء من أحياء العرب، ثم تركه بعد الركوع. هذا قول هشام وقال: شعبة، عن قتادة، عن أنس أن النبي (صلى الله عليه وآله) قنت شهراً يلعن رعلا وذكوان ولحيان». (سنن النسائي، ص 203، ح 1067) «... أبو سفيان بن حرب وأشياعه من بني أمية، الملعونين في كتاب الله، ثم الملعونين على لسان رسول الله في عدة مواطن، وعدة مواضع، لماضى علم الله فيهم وفي أمرهم، ونفاقهم وكفر أحلامهم، فحارب مجاهداً، ودافع مكابداً، وأقام منابذاً حتى قهره السيف، وعلا أمر الله وهم كارهون، فقتل بالإسلام غير منطو عليه، وأسر الكفر غير مقلع عنه، فعرفه بذلك رسول الله (صلى الله عليه وآله) والمسلمون، وميز له المؤلفة قلوبهم، فقبله و ولده على علم منه، فمما لعنهم الله به على لسان نبيه (صلى الله عليه وآله)، وأنزل به كتاباً قوله: والشجرة الملعونة في القرآن ونخوفهم فما يزيدهم إلا طغياناً كبيراً، ولا إختلاف بين أحد أنه أراد بها بني أمية ...»

اللهم العن أبا سفيان بن حرب، ومعاوية ابنه، ويزيد بن معاوية، ومروان بن الحكم وولده، اللهم العن أئمة الكفر، وقادة الضلالة، وأعداء الدين، ومجاهدى الرسول، ومغيرى الأحكام، ومبدلى الكتاب، وسفاكى الدم الحرام». (تاريخ طبرى، ص 185 و 189)

«ورأى النبي (صلى الله عليه وآله) أبا سفيان مقبلاً ومعاوية يقوده ويزيد أخو معاوية يسوق به فقال: لعن الله القائد والراكب والسائق، وقد روى: أن أبا سفيان قال: يا بني عبد مناف تلقفوها تلقف الكره فما هناك جنة ولا نار». (تاريخ ابى الفداء، احداث سنة مئتين وثلاثة وثمانون)

«عن سعيد بن جمهان، عن سفينة: أن النبي (صلى الله عليه وآله) كان جالساً فمر رجل على بغير وبين يديه قائد وخلفه سائق، فقال: لعن الله القائد والسائق والراكب». (مسند البزار، البحر الزحار، ما اسند سفينة)

«وعن سفينة: أن النبي (صلى الله عليه وآله) كان جالساً فمر رجل على بغير وبين يديه قائد وخلفه سائق، فقال: لعن الله القائد والسائق والراكب». (الهيثمي، مجمع الزوائد، ج 1، ص 113) «ومنه قول الرسول (صلى الله عليه وآله): وقد رآه مقبلاً على حمار ومعاوية يقود به ويزيد ابنه يسوق به: لعن الله القائد والراكب والسائق». (تاريخ الطبرى، ج 8، ص 185)

«عن البراء بن عازب قال: أقبل أبو سفيان ومعه معاوية؟ فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله): اللهم العن التابع والمتبوع، اللهم عليك بالأقيعس، فقال ابن البراء لأبيه: من الأقيعس؟ قال: معاوية». (ابن مزاحم المنقرى، وقعة صفين، ص 217)

«قال: وخرج من فج فنظر رسول الله إلى أبي سفيان وهو راكب ومعابيه وأخوه، أحدهما قائد والآخر سائق، فلما نظر إليهم رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال: اللهم العن القائد والسائق والراكب، قلنا: أنت سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله)؟ قال: نعم وإلا فصمتا أذناي، كما عميتا عيناى». (وقعة صفين، ص 220)

«عن عمرو بن عبسة السلمى قال: كان رسول الله (صلى الله عليه وآله) يعرض يوماً خيلاً وعنده عيينة بن حصن بن بدر الفزارى، فقال له رسول الله (صلى الله عليه وآله): أنا أفرس بالخيال منك فقال عيينة وأنا أفرس بالرجال منك فقال له النبي صلى الله عليه وسلم وكيف ذاك قال خير الرجال رجال يحملون سيوفهم على عواتقهم جاعلين رماحهم على مناسج خيولهم لابسو البرود من أهل نجد فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله): كذبت بل خير الرجال رجال أهل اليمن والإيمان يمان إلى لخم وجذام وعاملة ومأكول حمير خير من أكلها وحضرموت خير من بنى الحارث وقبيلة خير من قبيلة وقبيلة شر من قبيلة والله ما أبالى أن يهلك الحارثان كلاهما لعن الله الملوكة الأربعة: جمداء ومخوساء ومشرجاء وأبضعة وأختهم العمردة، ثم قال: أمرنى ربى عز وجل أن ألعن قريشاً مرتين فلعننتهم، وأمرنى أن أصلى عليهم فصليت عليهم مرتين ثم قال عصية عصت الله ورسوله غير قيس وجعدة وعصية ثم قال لأسلم وغفار ومزينة وأخلاقهم من جهينة خير من بنى أسد وتميم وغطفان وهوازن عند الله عز وجل يوم القيامة، ثم قال شر قبيلتين فى العرب نجران وبنو تغلب وأكثر القبائل فى الجنة مذحج ومأكول، قال: قال أبو المغيرة: قال صفوان: حمير حمير خير من أكلها قال: من مضى خير ممن بقى». (مسند احمد بن حنبل، ح 18628)

«فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله): كذبت، بل خير الرجال رجال أهل اليمن، والإيمان يمان إلى لخم وجذام وعاملة، ومأكول حمير خير من أكلها، وحضرموت خير من بنى الحارث، وقبيلة خير من قبيلة، وقبيلة شر من قبيلة، والله لا أبالى أن يهلك الحارثان كلاهما، لعن الله الملوكة الأربعة: جمداء ومخوساء ومشرجاء وأبضعة وأختهم العمردة، ثم قال: أمرنى ربى عز وجل أن ألعن قريشاً فلعننتهم، وأمرنى أن أصلى عليهم مرتين فصليت عليهم مرتين». (الهيثمي، مجمع الزوائد، ج 10، ح 43)

«... ونزل فيه أيضاً: ويؤثرون على أنفسهم ولو كان بهم خصاصة، سبحانه الله أسامة أحب إلى رسول الله من نفسه؟ وقد سمع مراراً تأكيد رسول الله له أن يزحف بجيشه إلى مؤتة، حتى قال: صلوات الله عليه: لعن الله من تخلف عن جيش أسامة، فتعلل ولم يزل، عن عسكره حتى توفى رسول الله (صلى الله عليه وآله) وصار غرض رسول الله (صلى الله عليه وآله) من هذا البعث منقوضاً!! سبحانه الله أسامة أحب إلى

رسول الله من نفسه؟ وقد سمع مراراً تأكيد رسول الله له أن يزحف بجيشه إلى مؤتة حتى قال (صلى الله عليه وآله): لعن الله من تخلف عن جيش أسامة، فتعلل ولم يزل، عن عسكره حتى توفي رسول الله (صلى الله عليه وآله) وصار غرض رسول الله من هذا البعث منقوضاً!!». (الحاكم الحسكاني، شواهد التنزيل، ج 1، ص 338)

«عن أنس، عن النبي (صلى الله عليه وآله) قال: المدينة حرم من كذا إلى كذا لا يقطع شجرها ولا يحدث فيها حدث من أحدث حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين». (صحيح بخارى، ج 1734)

«حدثنا عاصم قال: قلت لأنس بن مالك أحرم رسول الله (صلى الله عليه وآله) المدينة قال: نعم ما بين كذا إلى كذا فمن أحدث فيها حدثاً قال: ثم قال لي هذه شديدة من أحدث فيها حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل الله منه يوم القيامة صرفاً ولا عدلاً، قال: فقال: ابن أنس أو آوى محدثاً». (صحيح مسلم، ج 2429)

«عن إبراهيم التيمي، عن أبيه، عن علي قال: ما عندنا شيء إلا كتاب الله تعالى وهذه الصحيفة، عن النبي (صلى الله عليه وآله) المدينة حرام ما بين عائر إلى ثور من أحدث فيها حدثاً أو آوى محدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل الله منه عدل ولا صرف وقال: ذم المسلم واحد فممن أخفر مسلماً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل الله منه صرف ولا عدل، ومن تولى قوماً بغير إذن مواليه فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل الله منه صرفاً ولا عدلاً». (مسند احمد، ج 936)

«وللبخارى عنه: أن النبي (صلى الله عليه وآله) قال: المدينة حرم من كذا إلى كذا لا يقطع شجرها ولا يحدث فيها حدث، من أحدث فيها حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين. (نيل الاوطار، الشوكاني، ج 5، ص 101)

ولمسلم، عن عاصم الأحول قال: سألت أنساً أحرم رسول الله (صلى الله عليه وآله) المدينة؟ قال: نعم هي حرام، ولا يختلي خلاها، فمن فعل ذلك فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين». (الشوكاني، نيل الاوطار، ج 5، ص 101)

«عن أنس بن مالك: أن النبي (صلى الله عليه وآله)، قال: إن المدينة حرم آمن من كذا إلى كذا لا يقطع شجرها، ولا يحدث فيها حدث فمن أحدث فيها حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل الله منه صرف ولا عدل، رواه البخارى فى الصحيح، عن عارم». (سنن الكبرى، ج 5، ص 197)

«المدينة حرم من كذا إلى كذا، لا يقطع شجرها ولا يحدث فيها حدث، من أحدث فيها حدثاً أو آوى محدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين، لا يقبل الله منه يوم القيامة صرفاً ولا عدلاً». (المتقى الهندي، كنز العمال)

«المدينة حرم ما بين غير إلى ثور فمن أحدث فيها حدثاً أو آوى محدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل الله منه يوم القيامة صرفاً ولا عدلاً، وذمة المسلمين واحدة يسعى بها أدناهم، فمن أخفر مسلماً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين، لا يقبل الله منه يوم القيامة صرفاً ولا عدلاً، ومن ادعى إلى غير أبيه أو إنتمى إلى غير مواليه فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين، لا يقبل الله منه يوم القيامة صرفاً ولا عدلاً». (المتقى الهندي، كنز العمال، ج 12، ص 231)

«عن أنس، أن النبي (صلى الله عليه وآله) قال: المدينة حرام، من كذا إلى كذا، لا يقطع شجرها، ولا يحدث فيها، من أحدث حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين». (محي الدين النووي، المجموع، ج 7، ص 476)

روى البخاري، عن أنس أن النبي قال: المدينة حرم، من كذا إلى كذا، لا يقطع شجرها، ولا يحدث فيها حدث، من أحدث فيها حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين». (فقه السنة، ج 1، ص 690)

«عن عبدالله بن عمرو قال: كنا جلوساً عند النبي (صلى الله عليه وآله) وقد ذهب عمرو بن العاص يلبس ثيابه ليلحقني، فقال: ونحن عنده ليدخلن عليكم رجل لعين، فو الله ما زلت وجلأ أتشوف داخلاً وخارجاً حتى دخل فلان يعني الحكم». (مسند احمد، ح 6233)

«عن عبدالله بن عمرو، قال: كنت عند رسول الله (صلى الله عليه وآله) فبينما نحن عنده إذ قال: ليدخلن عليكم رجل لعين، وكنت تركت عمرو بن العاص يلبس ثيابه ليلحقني، فما زلت انظر وأخاف حتى دخل الحكم بن أبي العاص، وهذا الحديث لا نعلمه يروى بهذا اللفظ إلا عن عبدالله بن عمرو بهذا الاسناد». (مسند البزار، حديث عبدالله بن عمرو بن العاص)

«وعن عبدالله بن عمرو قال: كنا جلوساً عند النبي (صلى الله عليه وآله) وقد ذهب عمرو بن العاص يلبس ثيابه ليلحقني، فقال: ونحن عنده ليدخلن عليكم رجل لعين، فوالله ما زلت وجلأ أتشوف خارجاً وداخلاً حتى دخل فلان يعني الحكم. (مجمع الزوائد، ج 1، ص 112)

وعنه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ليطلعن عليكم رجل يبعث يوم القيامة على غير سنتي، أو على غير ملتي وكنت تركت أبي في المنزل فخفت أن يكون هو فأطلع رجل غيره، فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) هو هذا». (مجمع الزوائد، ج 1، ص 112)

«وعن عبدالله بن عمرو قال: كنا جلوساً عند النبي (صلى الله عليه وآله) وقد ذهب عمرو بن العاصي يلبس ثيابه ليحلقتي، فقال ونحن عنده: ليدخلن عليكم رجل لعين فو الله ما زلت وجللاً أتشوف خارجاً وداخلاً حتى دخل فلان يعني الحكم، رواه أحمد والبزار إلا أنه قال: دخل الحكم بن أبي العاص». (مجمع الزوائد، ج 5، ح 241)

«عن عبدالله بن الزبير، أنه قال: وهو على المنبر: ورب هذا البيت الحرام، والبلد الحرام إن الحكم بن أبي العاص وولده ملعونون على لسان رسول الله (صلى الله عليه وآله)». (الطبراني، معجم الكبير)

«عن عبدالله بن الزبير قال: وهو على المنبر: ورب هذا البيت الحرام، والبلد الحرام، إن الحكم بن أبي العاص وولده ملعونون على لسان رسول الله (صلى الله عليه وآله)». (الفاكهي، اخبار مكة، ذكر من لم ير بأساً)

«أخبرنا: أبو القاسم بن الحسين، أنا: أبو علي بن المذهب لفظاً، أنا: أبوبكر بن مالك، نا: عبدالله بن أحمد، حدثني أبي، نا: ابن نمير، نا: عثمان بن حكيم، عن أبي إمامة ابن سهل بن حنيف، عن عبدالله بن عمرو قال: كنا جلوساً عند النبي (صلى الله عليه وآله) وقد ذهب عمرو بن العاص يلبس ثيابه ليحلقتي، فقال: ونحن عنده ليدخلن عليكم رجل العين، فو الله ما زلت وجللاً أتشوف داخلاً وخارجاً حتى دخل فلان يعني الحكم.

و عن أبي الحسين بن الأبنوسي: أنا: أبوبكر بن بيري قراءة، قال: نا: محمد بن اسماعيل، أنا: ابن أبي خيثمة، نا: عبدالرحمن بن صالح الأزدي، نا: عمرو بن هاشم الحسني، عن إسماعيل بن أبي خالد، عن عامر قال: سمعت عبدالله بن الزبير وهو مسند ظهره إلى الكعبة، وهو يقول: ورب هذا البيت الحرام إن الحكم بن أبي العاص وولده ملعونون على لسان رسول الله (صلى الله عليه وآله)». (ابن عساكر، تاريخ مدينه دمشق، ج 57، ص 270 - 271)

«عن مسروق قال: قالت لي عائشة: أني رأيتني على تل وحولي بقر تنحر فقلت لها: لئن صدقت رؤياك لتكونن حولك ملحمة قالت: أعوذ بالله من شرك بئس ما قلت: فقلت لها: فلعله أن كان أمر أسيسوءك فقالت: والله لئن آخر من السماء أحب الي: من أن أفعل ذلك فلما كان بعد ذكر عندها أن علياً قتل ذا الندية فقالت لي: إذا أنت قدمت الكوفة فإكتب لي ناساً ممن شهد ذلك ممن تعرف من أهل البلد فلما قدمت وجدت الناس أشياء فكتبت لها من كل شيع عشرة ممن شهد ذلك قال: فأتيتهما بشهادتهما فقالت: لعن الله عمرو بن العاص فإنه زعم لي إنه قتله بمصر». (مستدرک الحاكم، كتاب معرفة الصحابة، ح 6744)

«وفى كتاب صفين أيضاً للمدائني، عن مسروق، أن عائشة قالت له لما عرفت أن علياً (عليه السلام) قتل ذا الثدية: لعن الله عمرو بن العاص ! فإنه كتب إلي يخبرني أنه قتله بالإسكندرية، إلا أنه ليس يمنعني ما في نفسي أن أقول ما سمعته من رسول الله (صلى الله عليه وآله)، يقول: يقتله خير أمتي من بعدى».

(ابن أبي الحديد، شرح نهج البلاغة، ج 2، ص 268)

«عن سليمان بن عمرو بن الأحوص، قال: أخبرني رب هذه الدار أبو هلال، قال: أسمعت أبا برزة، قال: كنا مع رسول الله (صلى الله عليه وآله) في سفر فسمع رجلين يتغنيان وأحدهما يجيب الآخر وهو يقول:

لا يزال حوارى تلوح عظامه *** زوى الحرب عنه أن يجن فيقبرا

فقال النبي (صلى الله عليه وآله): إنظروا من هما قال: فقالوا: فلان وفلان، قال: فقال النبي (صلى الله عليه وآله) وآله): اللهم إركسهما ركسا ودعهما إلى النار دعا». (مسند احمد بن حنبل، ج 18944)

«عن ابن عباس، قال: سمع رسول الله (صلى الله عليه وآله) صوت رجلين وهما يقولان:

ولا يزال حوارى تلوح عظامه *** زوى الحرب عنه أن يجن فيقبرا

فسأل عنهما، فقيل: معاوية وعمرو بن العاص، فقال: اللهم إركسهما في الفتنة ركسا ودعهما إلى النار دعا». (المعجم الكبير، الطبراني)

«عن المطلب بن ربيعة قال: بينما رسول الله (صلى الله عليه وآله) في بعض أسفاره يسير في بعض الليل إذ سمع صوت غناء، فقال: ما هذا؟، فنظر فإذا رجل يطرح رجلاً للغناء:

لا يزال حوارى تلوح عظامه *** زوى الحرب عنه أن يجن فيقبرا

فقال: اللهم إركسهما في الفتنة ركسا، ودعهما في نار جهنم دعا، لم يرو هذا الحديث، عن نصير بن الأشعث إلا عمرو بن عبد الغفار». (الطبراني، المعجم الاوسط، باب العين)

«قال أبو بكر: ثنا: محمد بن فضيل، فذكره وفيه: أنه سمع أبا برزة الأسلمي، يحدث: أنهم كانوا مع رسول الله (صلى الله عليه وآله) فسمعوا غناء، فتشوفوا له، فقام رجل فاستمع، وذلك قبل أن يحرم الخمر، فأتاهم ثم رجع، فقال: هذا فلان وفلان وهما يتغنيان، يجيب أحدهما الآخر، وهو يقول:

لا يزال حوارى تلوح عظامه *** زوى الحرب عنه أن يجن فيقبرا

فرفع رسول الله (صلى الله عليه وآله) يديه، فقال: اللهم إركسهما في الفتنة ركسا، ودعهما إلى النار دعا».

(ابن حجر، المطالب العالیه، كتاب المناقب)

«عن عمرو بن الأحوص، قال: حدثني: أبو هلال، عن أبي برزة، قال: كنا مع النبي (صلى الله عليه وآله) في سفر، فسمع رجلين يتغنيان وأحدهما يقول لصاحبه:

فرازهایی از زیارت عاشورا در کتاب و سنت

یزال حوار ما تزول عظامه *** زوى الحرب عنه أن يجن فيقبرا
قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): من هذا؟ قال: فقيل له فلان وفلان، قال: فقال: اللهم إركسهما فى
الفتنة ركسا، ودعهما فى النار دعا، حدثنا: أبوبكر بن أبى شيبه، حدثنا: محمد بن فضيل، عن يزيد بن
أبى زياد، عن سليمان بن عمرو بن الأحوص، قال: حدثني: رب هذه الدار أبو هلال أنه، سمع أبا برزة
الأسلمى، يحدث أنهم كانوا مع رسول الله (صلى الله عليه وآله)، فسمعوا غناء فتشوفوا له، فقام رجل
فأستمع، وذلك قبل أن تحرم الخمر، فأتاهم، ثم رجع، فقال: هذا فلان وفلان، وهما يتغنيان يجيب
أحدهما الآخر، وهو يقول، فذكر نحوه». (مسند أبى يعلى الموصلى، حديث أبى برزة الأسلمى)
«عن زيد بن أسلم، عن أبيه، عن شقران قال: كنا مع النبي (صلى الله عليه وآله) فسمع قائلاً يقول:
لا يزال حوارى تلوح عظامه *** زوى الحرب عنه أن يخن فيقبرا
فقال النبي (صلى الله عليه وآله) من هذا فقلت: هذا معاوية بن التابوت ورفاعة بن عمرو بن التابوت، فقال
النبي (صلى الله عليه وآله): اللهم إركسهما فى الفتنة ركسا ودعهما إلى نار جهنم دعا». (الكامل، ج 4،
ص 4)
«عن أبى برزة قال: كنا مع النبي (صلى الله عليه وآله) فسمع صوت غناء فقال: إنظروا ما هذا؟ فصعدت
فنظرت فإذا معاوية وعمرو بن العاص يتغنيان فجئت فأخبرت نبي الله (صلى الله عليه وآله)، فقال: اللهم
إركسهما فى الفتنة ركسا، اللهم دعهما إلى النار دعا». (ابن الجوزى، الموضوعات، ج 2، ص 23)
«عن أبى برزة، قال: تغنى معاوية وعمرو بن العاص، فقال النبي (صلى الله عليه وآله): اللهم إركسهما فى
الفتنة ركسا، ودعهما فى النار دعا، غريب منكر». (ميزان الاعتدال، ج 4، ص 424)
«حدثنا: أبى، أسمع ابن راهويه يقول: لا يصح، عن النبي (صلى الله عليه وآله) فى فضل معاوية شئ،
إبن فضيل: حدثنا: يزيد بن أبى زياد، عن سليمان بن عمرو بن الأحوص، عن أبى برزة، كنا مع
النبي (صلى الله عليه وآله)، فسمع صوت غناء، فقال: إنظروا ما هذا؟ فصعدت فنظرت، فإذا معاوية
وعمر بن العاص يتغنيان، فجئت فأخبرته، فقال: اللهم العنهما واركسهما فى الفتنة ركسا، ودعهما فى
النار دعا، هذا مما أنكر على يزيد». (الذهبي، سير اعلام النبلاء، ج 3، ص 132)

گلوآژه های زیارت عاشورا، بوی غربت و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) را در طول تاریخ به مشام دل سوختگان می رساند، و اشک از دیدگان می فشاند. این واژگان روئیده از خون شهدا، ننگی است از ظلم اعدا، و داغی است گران از مظلومیت اهل ولا، که خون پاک شهیدان حسینی را از خاک ظلمت برافراشته و در قالب زیارتی سر تا سر همدردی و اظهار مودّت با ایشان و عداوت با دشمنان خاندان نبوت، در تارک اعتقادات مسلمانان آزاده، برای همیشه درج نموده، از این رو مضامین و مفاهیم والای این زیارت شریفه در احادیث شیعه و سنی به وفور یافت می شود.

1- حسن و حسین فرزندان رسول خدا می باشند

«السلام علیک یابن رسول الله».

چگونه امام حسین (علیه السلام) فرزند رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) خوانده می شود در حالی که ایشان فرزند دختر رسول الله (صلی الله علیه وآله) هستند و عرب معمولاً امتداد نسل و نسب را فقط از طرف اولاد ذکور می داند.

سادات منسوب به پیامبر (صلی الله علیه وآله) هستند یا امیر المؤمنین (علیه السلام)؟ چرا در بین شیعیان، سادات خود را منتسب به پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) و از اولاد ایشان می دانند در حالی که شجره آن ها در نهایت به حضرت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر می گردد. بنابراین سادات از بستگان امیرالمؤمنین (علیه السلام) می باشند، نه از ذریه و نسل رسول الله (صلی الله علیه وآله)؟
 برای پاسخ به این شبهه، ابتدا به نقل یک مناظره تاریخی بین امام موسی کاظم (علیه السلام) و هارون الرشید خواهیم پرداخت.
 امام موسی کاظم (علیه السلام) می فرماید: روزی در مجلس هارون الرشید - خلیفه عباسی - وارد شدم. از من سؤالاتی را پرسید که یکی از آنها همین سؤال بود، چنین پاسخ دادم، خداوند در قرآن مجید می فرماید:

(وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ)^{۲۵۶} از این آیات نتیجه می شود: اولاد نوح و ابراهیم، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس، همگی از صالحین اند. اما چون از برای عیسی مسیح پدری نبود، خدای تعالی او را از طریق حضرت مریم از ذراری انبیا قرار داد. همان طور نیز ما را از طرف مادرمان فاطمه (علیها السلام) از ذریه پیغمبر اسلام (صلی الله علیه وآله) قرار داده است.

این تفسیر را امام فخر رازی از علمای اهل تسنن در جلد چهارم تفسیر کبیر درباره همین آیه آورده است. او نیز حسن و حسین (علیهما السلام) را از طرف مادر، ذریه رسول الله (صلی الله علیه وآله) می داند.

و یکی دیگر از موارد آیه مباهله است.

در آیه شریفه: (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ)^{۲۵۷}؛ هرکس درباره عیسی با تو در مقام مجادله برآید، بعد از آن که با وحی خدا به احوال او آگاهی یافتی، به آن ها بگو: بیایید بخوانیم پسرانمان و پسرانتان، زن هایمان و زن هایتان، و کسانی را که به منزله نفس ما هستند، و خودتان را، آنگاه با هم مباهله نماییم تا دروغگویان و کافران را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.

به دلیل آن که در وقت مباهله به جز علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن و حسین (علیهما السلام) کس دیگری به همراه پیغمبر نبوده است لذا در این آیه مراد از «انفسنا» امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، مراد از «نساءنا» فاطمه زهرا (علیها السلام) و مراد از «ابناءنا» حسن و حسین اند که خداوند آنان را پسران پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نامیده است.

حال که به استناد آیه فوق، حسن و حسین فرزندان پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) می باشند پس معلوم می شود که جمیع سادات بنی فاطمه مفتخر به این افتخار بزرگ بوده و تماماً از ذراری پیامبر عظیم الشان اسلام می باشند.

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه^{۲۵۸} و ابوبکر رازی در تفسیر آیه مباحله^{۲۵۹}، با توجه به جمله «ابناءنا» به همین طریق استدلال می کنند که: همانطور که خداوند در قرآن مجید، عیسی مسیح را از طریق مادرش مریم از ذریه ابراهیم خوانده است، حسن و حسین (علیه السلام) از طرف مادرشان فاطمه (علیها السلام) پسران پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) می باشند.

«عن جابر عنه قال قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): ان الله عزوجل جعل ذریة کل نبی فی صلبه وان الله تعالی جعل ذریة فی صلب علی بن ابی طالب»^{۲۶۰}
خداوند عزوجل ذریه هر پیغمبری را در صلب او قرار داد و ذریه مرا در صلب علی ابن ابی طالب قرار داد».

«ابنای هذان ریحانتان، قاما او قعدا».^{۲۶۱}

خطیب خوارزمی از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) چنین نقل می کند: «این دو فرزندانم حسن و حسین، ریحانه های من می باشند و هر دوی آنها امامند؛ خواه قائم به امر امامت باشند، خواه ساکت و نشسته».

۲۵۸- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۲۶.

۲۵۹- تفسیر الرازی، ج ۸، ص ۸۲.

۲۶۰- معجم الکبیر، ج ۳، ص ۴۴، ح ۲۶۳۰؛ جامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۶۲؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۰.

۲۶۱- کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۲.

عمر بن الخطاب می گوید: «انی سمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله) يقول كل حسب ونسب منقطع يوم القيامة ما خلا حسبي ونسبي وكل بنی انی عصبتهم لابیهم ما خلا بنی فاطمة فانی انا ابوهم و انا عصبتهم»^{۲۶۲}

عمر بن الخطاب نقل می کنند که گفت: از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدم که فرمود: «هر حسب و نسبی به جز حسب و نسب من در روز قیامت منقطع است».

2- امام حسین (علیه السلام) فرزند امیرالمؤمنین و سید الوصیین است

«السلام علیک یابن امیرالمؤمنین وابن سید الوصیین».

در این خصوص آنچه را حموی شافعی در کتابش به نام فرائد السمطین آورده است نقل می کنیم: ابن عباس می گوید که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «انا سید النبیین وعلی سید الوصیین» همچنین ابو نعیم در کتاب حلیه الاولیاء روایتی را از انس بن مالک بدین معنی نقل می کند: «رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) روزی فرمود اولین کسی که از این در وارد شود امیرمؤمنان، سید مسلمانان، و آخرین اوصیا است در این زمان علی (علیه السلام) از در وارد شد».

3- فاطمه زهراء سیده عالمین است

«السلام علیک یابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمین».

۲۶۲- کنز الفوائد، ص ۱۶۷؛ السیدة فاطمة الزهراء، ص ۶۱؛ افحام الاعداء والخصوم، ص ۷۷.

بخارى و مسلم صاحب صحيح ترين صحاح ششگانه نزد اهل سنت اين حديث را از رسول اکرم (صلی الله عليه وآله) نقل می کند که فاطمه سيده النساء اين امت است.^{۲۶۳}

۲۶۳- المنصف، ج 7، ص 527؛ السنن الكبرى، ج 4، ص 252؛ خصائص امير المؤمنين، ص 119.

«عن عائشة قالت: أقبلت فاطمة (عليها السلام) إليها تمشي مشيتها مشية النبي (صلى الله عليه وآله وسلم)، فقال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): مرحباً بابنتي ثم اجلسها عن يمينه أو عن شماله، ثم أسر إليها حديثاً فبكت فقلت لها: لم تبكين؟ ثم أسر إليها حديثاً فضحكت فقلت: ما رأيت كالיום فرحاً أقرب من حزن، فسألتهما عما قال، فقالت: ما كنت لأفشي سر رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) حتى قبض النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) فسألتهما، فقالت أسر الي: جبريل كان يعارضني القرآن كل سنة مرة وأنه عارضني العام مرتين ولا أراه إلا حضر اجلى وإنك أول أهل بيتي لحاقاً بى فبكيت، فقال: أما ترضين ان تكوني سيده نساء أهل الجنة أو نساء المؤمنين؟ فضحكت لذلك». (صحيح البخارى فى كتاب بدء الخلق فى باب علامات النبوة فى الاسلام، ج 4، ص 183، ج 6، ص 101).

«عن عائشة... قالت: إنا كنا أزواج النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) عنده جميعاً لم تغادر منا واحدة، فاقبلت فاطمة (عليها السلام) تمشي ما تخطى مشيتها من مشية رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فلمّا رأها رحب بها وقال: مرحباً بابنتي، ثم اجلسها عن يمينه أو عن شماله ثم سارت فبكت بكاء شديداً، فلمّا رأى حزنها سارها الثانية فإذا هي تضحك فقلت لها: أنا من بين نسائه خصك رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) عليه وآله وسلم) باسر، فلمّا توفي قلت لها: عزمت عليك لما اخبرتنى؟ قالت: أما الآن فنعم، فاخبرتنى قالت: أما حين سارنى فى الامر الاول فانه اخبرنى إن جبريل كان يعارضه بالقرآن كل سنة مرة وأنه قد عارضنى به العام مرتين ولا ارى الاجل الا قد اقترب فاتقى الله واصبرى فانى نعم السلف انا لك قالت: فبكيت بكائي الذى رأيت، فلمّا رأى جزعى سارنى الثانية قال: يا فاطمة الا ترضين أن تكوني سيده نساء المؤمنين أو سيده نساء هذه الامة؟». (صحيح البخارى، فى كتاب الاستئذان، فى باب من ناجى بين يدي الناس، ج 7، ص 141)

«عن حذيفة قال: سألتنى أمى متى عهدك؟ - تعنى بالنبي (صلى الله عليه وآله وسلم) - فقلت: ما لى به عهد منذ كذا وكذا فقالت منى فقلت لها: دعيني آتى النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) فأصلى معه المغرب حتّى صلى العشاء ثم انفتل فتبعته فسمع صوتى فقال: من هذا حذيفة؟ قلت: نعم، وقال: وما

حاجتك غفر الله لك ولا مكر؟ قال: إن هذا ملك لم ينزل الأرض قط قبل هذه الليلة استأذن ربه أن يسلم على ويبشرني بأن فاطمة سيدة نساء أهل الجنة وأن الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (صحيح الترمذی، ج 5، ص 226؛ ورواه الحاكم أيضاً في مستدرک الصحيحین، ج 3، ص 151)

«عن عائشة أن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) قال - هو في مرضه الذي توفي فيه - يا فاطمة ألا ترضين أن تكوني سيدة نساء العالمين وسيدة نساء هذه الأمة وسيدة نساء المؤمنين؟ قال: هذا اسناد صحيح». (مستدرک الصحيحین، ج 3، ص 156، صحيح مسلم، ج 6، ص 1904 و 1905)

«عن عمران بن حصين إن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: ألا تنطلق بنا نعود فاطمة فانها تشتكي؟ قلت: بلى، قال: فانطلقنا حتى إذا انتهينا إلى بابها فسلم واستأذن فقال: ادخل أنا ومن معي؟ قالت نعم ومن معك يا ابتاه. فوالله ما على إلا عباءة فقال لها: اصنعي بها كذا واصنعي بها كذا فعلمها كيف تستتر، فقالت: والله ما على رأسى من خمار، قال: فأخذ ملاءة كانت عليه فقال: اختمري بها، ثم اذنت لهما فدخلتا، فقال: كيف تجدنيك يا بنية؟ قالت: إني لوجعة وإنه ليزدني أنه مالى طعام آكله، قال: يا بنية أما ترضين أنك سيدة نساء العالمين؟ قالت: يا أبت فأين مريم ابنة عمران؟ قال: تلك سيدة نساء عالمها وأنت سيدة نساء عالمك، أما والله زوجتك سيداً في الدنيا والآخرة». (حلية الأولياء لأبي نعيم، ج 2، ص 42؛ ورواه الطحاوي أيضاً في مشكل الآثار، ج 1، ص 141)

«عن جابر بن سمرة قال: جاء نبي الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فجلس فقال: إن فاطمة وجعة فقال: القوم لو عدناها، فقام فمشى حتى انتهى إلى الباب عليها مصفق قال: فنأدى شدى عليك ثيابك فان القوم جاؤا يعودونك، فقالت: يا نبي الله ما على إلا عباءة، قال: فأخذ رداه فرمى به إليها من وراء الباب فقال: شدى بهذا رأسك، فدخل ودخل القوم فقعد ساعة فخرجوا، فقال القوم: تالله بنت نبينا (صلى الله عليه وآله وسلم) على هذا الحال، قال: فالتفت فقال: أما إنها سيدة النساء يوم القيامة». (حلية الأولياء، ج 2، ص 42)

«عن أبي هريرة قال: إبطأ علينا رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يوماً صبور النهار، فلما كان العشي قال له قائلنا: يا رسول الله قد شق علينا لم نرك اليوم، قال: إن ملكاً من السماء لم يكن زارني فاستأذن الله في زيارتي فأخبرني وبشرني أن فاطمة بنتي سيدة نساء امتي وأن حسناً وحسيناً سيدا شباب أهل الجنة». (تاريخ مدينة دمشق، ج 47، ص 481 و 482؛ المعجم الكبير، ج 22، ص 417 و 418)

«عن عائشة أن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) - في مرضه الذي قبض فيه - قال: يا فاطمة بابنتي أحتي على فأحنت عليه فناجاها ساعة ثم انكشفت عنه تبكي وعائشة حاضرة، ثم قال رسول الله (صلى

الله عليه وآله وسلم) بعد ذلك ساعة احنى على فأحنت عليه ففاجأها ساعة ثم انكشفت عنه تضحك فقالت عائشة: يا بنت رسول الله اخبريني بماذا ناجاك ابوك؟ قالت: اوشكت رأيته ناجاني على حال سر ثم ظننت اني اخبر بسرّه وهو حى، فشق ذلك على عائشة ان يكون سر دونها فلمّا قبضه الله إليه قالت عائشة لفاطمة (عليها السلام): ألا تخبريني ذلك الخبر؟ قالت: أما الآن فنعم، ناجاني فى المرة الاولى فاخبرنى إن جبريل كان يعارضه القرآن فى كلّ عام مرة وإنه عارضه القرآن العام مرتين وإنه اخبره إنه لم يكن نبي بعد نبي إلاّ عاش نصف عمر الذى كان قبله وإنه اخبرنى ان عيسى عاش عشرين ومائة سنة ولا أرانى إلاّ ذاهب على رأس الستين، فأبكاني ذلك، وقال: يا بنيّة إنه ليس من نساء المؤمنين اعظم رزية منك فلا تكونى أدنى من امرى صبراً، ثمّ ناجاني فى المرة الاخرى فأخبرنى انى أول أهله لحوقاً به، وقال: إنك سيده نساء أهل الجنة، قال: اخرجه ابن عساكر». (المعجم الكبير، ج 22، ص 417 و 418؛ كنز العمال، ج 13، ص 676)

«عن عائشة قالت لفاطمة بنت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ألا ابشرك انى سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يقول: سيدات نساء أهل الجنة اربع مريم بنت عمران، وفاطمة بنت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وخديجة بنت خويلد وآسية». (مستدرک الصحيحين، ج 3، ص 205)

«عن على (عليه السلام) إن النبی (صلى الله عليه وآله وسلم) قال لفاطمة (عليها السلام): ألا ترضين أن تكونى سيده نساء أهل الجنة وابنيك سيدا شباب أهل الجنة؟». (كنز العمال، ج 13، ص 290)

«فى كنز العمال ولفظه: أما ترضين انى زوجتك أول المسلمين إسلاماً، وأعلمهم علماً، فانك سيده نساء أمتى كما سادت مريم قومها، أما ترضين يا فاطمة؟ ان الله اطلع على أهل الارض فاختر منهم رجلين فجعل احدهما أباك والآخر بعلك، قال: اخرجه الحاكم والطبرانى والخطيب». (كنز العمال، ج 11، ص 177؛ المعجم الكبير، ج 22، ص 416؛ كنز العمل، ج 11، ص 605، ح 32925)

«وعن ابن عباس عن النبی (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: اربع نسوة سيدات سادات عالمهن، مريم بنت عمران، وآسية بنت مزاحم، وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، وافضلهن عالماً فاطمة (عليها السلام)، قال: خرج الحافظ الثقفى الاصبهانى، (أقول) وذكره السيوطى ايضاً فى الدر المنثور فى ذيل تفسير قوله تعالى: (واذ قالت الملائكة يا مريم إن الله اصطفاك وطهرک واصطفاك على نساء العالمين) فى سورة آل عمران وقال: اخرجه ابن عساكر من طريق مقاتل عن

الضحاك عن ابن عباس عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم). (ذخائر العقبى، ج 1، ص 44؛ كنز العمال، ج 12، ص 66)

«عن ابن عباس قال: خط رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) أربعة خطوط، ثم قال: اتدرون ما هذا؟ قالوا: الله ورسوله أعلم، قال: إن أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، ومريم بنت عمران وآسية بنت مزاحم (الحديث) قال: هذا حديث صحيح الاسناد. (مستدرک الصحيحين، ج 3، ص 174 و 205)

«عن أبي هريرة - واللفظ يطابق الموضع الأخير - قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): خير نساء العالمين أربع، مريم بنت عمران، وآسية بنت مزاحم، وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)». (الاستيعاب، ج 4، ص 1821 و 1896؛ ذكره الهيثمي أيضاً في مجمعه، ج 9، ص 223)

«في كنز العمال ولفظه: خير رجالكم على خير شبابكم الحسن والحسين وخير نساءكم فاطمة، قال: أخرجه ابن عساكر عن ابن مسعود». (كنز العمال، ج 12، ص 28 و 102، ج 34191؛ تاريخ بغداد، ج 4، ص 391؛ تاريخ مدينه دمشق، ج 14، ص 167؛ ينابيع المودة، ج 2، ص 275)

«في فيض القدير في المتن: خديجة خير نساء عالمها، ومريم خير نساء عالمها، وفاطمة خير نساء عالمها، قال: أخرجه الحارث بن أبي أسامة في مسنده عن عروة بن الزبير». (فيض القدير للمناوى، ج 3، ص 432)

«عن ثابت البناني يحدث عن أنس بن مالك إن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: خير نساء العالمين أربع، مريم بنت عمران، وآسية بنت مزاحم امرأة فرعون، وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)». (تفسير ابن جرير، ج 3، ص 180)

«عن أنس إن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: حسبك من نساء العالمين مريم ابنة عمران، وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، وآسية امرأة فرعون». (رواه الحاكم في مستدرک الصحيحين، ج 3، ص 157)

«عن قتادة قال: ذكر لنا أن نبي الله كان يقول: حسبك بمريم بنت عمران، وامرأة فرعون، وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) من نساء العالمين». (تفسير ابن جرير الطبري، ج 3، ص 357)

4- شهادت امام حسین (علیه السلام) بزرگ ترین مصیبت

«مصیبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام وفي جميع اهل السماوات والأرض».

معنی این جمله آن است که مصیبت شهادت حسین (علیه السلام) آنچنان بالای عظیم و بزرگی است که در اسلام و بر تمام اهل آسمان ها و اهل زمین بزرگ تر

«عن أبي موسى الأشعري قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): كمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا مريم، وآسية امرأة فرعون، وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)». (تفسير ابن جرير، ج 3، ص 180)

«في السيوطي في الدر المنثور في ذيل تفسير قوله تعالى: (واذ قالت الملائكة يا مريم إن الله اصطفاك وطهرك واصطفاك على نساء العالمين) في سورة آل عمران قال: وأخرج ابن مردويه عن أنس قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إن الله اصطفى على نساء العالمين أربعة، آسية بنت مزاحم، ومريم بنت عمران، وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)». (السيوطي في الدر المنثور)

وعن عائشة... ان النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: «وهو في مرضه الذي توفي فيه، يا فاطمة، ألا ترضين ان تكوني سيدة نساء العالمين، وسيدة نساء هذه الأمة، وسيدة نساء المؤمنين». (صحيح مسلم، ج 7، ص 142؛ السيدة فاطمة الزهراء، ص 167؛ المستدرک، ج 3، ص 156)

وفي رواية الحاكم في المستدرک: «يا فاطمة ألا ترضين ان تكوني سيدة نساء العالمين، وسيدة نساء هذه الأمة». (صحيح بخاری، ج 7، ص 142؛ المستدرک، ج 3، ص 156؛ عمدة القاری، ج 22، ص 266؛ السنن الكبرى، ج 4، ص 352)

وعن عمران بن حصين ان الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) قال لفاطمة: «أما ترضين ان تكوني سيدة نساء العالمين، قالت: فأين مريم ابنة عمران، قال لها: أي بنية، تلك سيدة نساء عالمها، وأنت سيدة نساء العالمين». (الاستيعاب، ج 4، ص 1895)

از آن نازل نشده است. گریه پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر حسین (علیه السلام) 50 سال پیش از شهادت ایشان نشان دهنده عظمت این مصیبت است.^{۲۶۴}

حضرت آدم در کربلا

هنگامی که حضرت آدم (علیه السلام) به زمین فرستاده شد. میان او و همسرش «حوا» جدایی افتاد. آدم برای یافتن همسرش، به جستوجو پرداخت. در میانه راه، گذارش به کربلا افتاد. پس بی اختیار، اشک از چشمانش جاری شد و ابری از غم، دلش را تسخیر کرد. سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! بار دیگر، دچار معصیتی شده ام که این حال به من دست داده است؟

خطاب رسید: «ای آدم! گناهی از تو سر نزده است، بلکه در این سرزمین، فرزند تو - حسین (علیه السلام) - را با ستم، به قتل می رسانند».

عرض کرد: خدایا حسین کیست؟ آیا از پیامبران است؟

ندا آمد: «نه، پیامبر نیست، ولی فرزند پیامبر آخر الزمان - محمد بن عبدالله - است».

عرض کرد: خدایا! قائل او کیست؟

خطاب آمد: «نامش یزید است که ملعون آسمان ها و زمین است».

در این هنگام به جبرئیل رو کرد و گفت: درباره قاتل حسین (علیه السلام) چه باید کرد؟

۲۶۴- مستدرک سفینه البحار، ج 7، ص 213؛ حقوق آل البيت (علیهم السلام)، ص 194.

جبرئیل گفت: «باید او را لعن کرد».
آدم (علیه السلام) چهار بار یزید را لعن کرد و راه خود را در پیش گرفت و از
سرزمین کربلا خارج شد.^{۲۶۵}

کشتی نوح در کربلا

عجله کنید: «همه سوار بر کشتی شوید، کودکان را فراموش نکنید. عذاب
خداوند نازل شده است». این کلامی بود که حضرت نوح (علیه السلام) به قوم خود
می گفت: از آسمان و زمین آب فوران می کرد و وزش باد شدید نیز، وحشت و
اضطراب مردم را دو چندان کرده است. همه بر کشتی سوار شدند و کشتی بر
امواج پر تلاطم آب سرگردان شد. مدتی در راه بود که ناگهان کشتی از حرکت
ایستاد. نوح (علیه السلام)، مضطرب و نگران با خود می گفت: خدایا! چه شده
است؟ چرا کشتی حرکت نمی کند؟

ناگهان ندا آمد: «ای نبی الله! این جا، سرزمینی است که فرزند زاده خاتم
الانبیاء (صلی الله علیه و آله) و پسر اشرف اولیا کشته می شود».

نوح پرسید: قاتل او کیست؟

ندا آمد: «قاتل او، ملعون آسمان ها و زمین است». نوح (علیه السلام) چهار بار
قاتلان آن حضرت را لعن کرد تا سرانجام کشتی به راه افتاد و از غرق شدن
نجات پیدا کرد.^{۲۶۶}

عبور حضرت ابراهیم از قتلگاه

ابراهیم (علیه السلام) به سرزمین کربلا رسید. آرام آرام با مرکبش می گذشت که ناگهان به گودال قتلگاه رسید و اسب، او را به زمین زد. ابراهیم (علیه السلام) زبان به استغفار گشود و عرض کرد: خدایا! از من، چه خطایی سر زده است که به این بلا دچار شود؟

جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «ای ابراهیم! از تو گناهی سر نزده است. در این سرزمین، فرزند آخرین فرستاده خدا، - محمد بن عبدالله - را به قتل می رسانند».

قاتل او کیست؟

جبرئیل گفت: «قاتل او، ملعون آسمان ها و زمین است که قلم، بر روح اعظم، لعن او را نگاشته است». در این هنگام، ابراهیم دست خود را به طرف آسمان بالا برد و در حق قاتلان آن حضرت، لعن و نفرین کرد.^{۲۶۷}

باد و سلیمان (علیه السلام)

۲۶۶- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۸، چاپ قدیم.

۲۶۷- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۷، چاپ قدیم.

سلیمان بر بساط خود، در آسمان در حال حرکت بود. ناگهان، باد به جنب و جوش افتاد و بساط سلیمان از کنترل ولی خارج شد. سلیمان (علیه السلام) تعجب کرد و وحشت و اضطرابی عجیب، سراپای او را فرا گرفت.

پرسید: چه شده است؟

باد جواب داد: ما به قتل گاه حسین (علیه السلام) رسیده ایم.

سلیمان پرسید: حسین (علیه السلام) کیست؟

باد گفت: او فرزند علی بن ابی طالب و دختر خاتم الانبیا - محمد مصطفی - است که در این سرزمین، به دست قومی جفاکار به قتل می رسد.

سلیمان پرسید: نام قاتلش کیست؟

پاسخ داد: او ملعون زمین و آسمان ها است.

در این هنگام، سلیمان دست به آسمان برداشت و یزید را لعن کرد. باد به خود آمد و بساط سلیمان را برداشت و از زمین کربلا دور کرد.^{۲۶۸}

عیسی (علیه السلام) و کربلا

عیسی (علیه السلام) که در جمع حواریان بود و از سرزمین کربلا می گذشت، پس از شنیدن خبر قرار گرفتن شیری بر سر راه عابران، جلو آمد و رو به شیر گفت: چرا در این راه نشسته ای و مانع رفت و آمد عابران هستی؟

حیوان به زبان آمد و گفت: یا نبی الله! نمی گذاریم از این جا بگذری، مگر آن
که بر یزید، قاتل حسین، لعن کنی.
عیسی (علیه السلام) پرسید: قاتل او کیست؟
شیر گفت: ملعون چرندگان و پرندگان و درندگان بیابان ها است. به ویژه در
ایام عاشورا.

عیسی (علیه السلام) به همراه حواریان دست به آسمان برداشت و یزید و قاتلان
امام حسین (علیه السلام) را لعن کرد، آنگاه شیر از سر راه کنار رفت و آنان از آن
سرزمین گذشتند.^{۲۶۹}

گریه رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) بر امام حسین (علیه السلام)
فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود: روزی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله)
وارد شدم و فرزندم امام حسین را در حالی که کودک بود در حجر ایشان قرار
دادم ناگهان دیدم رسول خدا شروع به گریه کردند؟ سؤال کردم جانم فدای شما
چرا گریه می کنید؟ فرمود: این جبرئیل است که به من خبر داد امتم این فرزندم
را خواهد کشت. سؤال کردم از جبرئیل آیا این فرزندم؟ گفت: آری، آن گاه تربتی
به من داد که به رنگ خون بود...^{۲۷۰}.

۲۶۹- بحارالانوار، ج 10، ص 157، چاپ قدیم.

۲۷۰- دلائل الامامة، ص 180؛ الارشاد، شیخ مفید، ج 2، ص 129؛ المستدرک، ج 3، ص 177؛ کنز
العمال، ج 12، ص 123.

علی بن ابی طالب در کربلا

ابن سعد نقل می کند: چون امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در مسیر صفین از کربلا گذشت و رو به روستای نینوا بر کرانه فرات قرار گرفت، ایستاد و سؤال کردند به این سرزمین چه می گویند؟ گفت: کربلا، حضرت گریست تا آنکه زمین از اشکهایش تر شد. فرمود: روزی خدمت پیامبر رسیدم که می گریست. سبب گریه را پرسیدم، فرمود: جبرئیل پیش من بود. مرا خبر داد که فرزندان حسین (علیه السلام) در کنار فرات در جایی به نام کربلا کشته می شود. مثنی از خاک آن را برداشت و داد تا بویش کنم، چشمانش پر از اشک شد.^{۲۷۱}

5- موافقت بعضی از فرازها من جمله: «بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ» با اصول دین که همان تولی و تبری باشد.

6- موافقت بعضی از فرازها من جمله: «إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» با حدیث نبوی که فرمود: «أَنَا حَرْبٌ لَكُمْ حَارِبْتُمْ، سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ».^{۲۷۲}

این مضمون از زیارت عاشورا در دو جا به صورت «إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» تکرار شده است.

۲۷۱- طبقات، ج 7، ص 274؛ اخبار الطوال، ص 107؛ شرح احقاق الحق، ج 8، ص 147.
۲۷۲- ترمذی، سنن، ج 5، ص 360؛ حاکم، مستدرک، ج 3، ص 149؛ طبری، معجم الکبیر، ج 3، ص 40؛ ح 2620.

احمد بن حنبل هم حدیثی را به صورت مستند و با مضمون فوق از رسول الله (صلی الله علیه وآله) نقل می کند: «ابوهریره نقل می کند که رسول الله (صلی الله علیه وآله) به علی و حسن و حسین و فاطمه نگاه کرد و فرمود: «انا حرب لمن حاربکم، سلم لمن سالمکم».^{۲۷۳}

ترمذی^{۲۷۴} نقل نموده است: زید بن ارقم نقل می کند که رسول الله به علی و فاطمه و حسن و حسین فرمود: «انا حرب لکم حاربتکم، سلم لمن سالمتم».^{۲۷۵}

7- در چندین قسمت از زیارت عاشورا مانند «أَنْ يُجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» و یا «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» آمده است. معنای این جملات از زیارت عاشورا چیزی جز دعای بر آن نیست که خداوند ما را از رهروان راه اهل بیت (علیه السلام) در این دنیا و محشور با آنها در آخرت قرار دهد. روایات بیشماری از رسول الله (صلی الله علیه وآله) آمده است که ما را به تبعیت از اهل بیت (علیهم السلام) امر می نماید. آنچه ما به عنوان حدیث ثقلین می شناسیم یک شاهد قوی در سنت رسول الله (صلی الله علیه وآله) برای این فراز از زیارت می باشد که رسول الله (صلی الله علیه وآله) مسلمین را امر به تبعیت از اهل بیت (علیهم السلام) کرد.^{۲۷۶}

۲۷۳- ج 2، ص 422.

۲۷۴- سنن ترمذی، ج 5، ص 360.

۲۷۵- سنن الترمذی، ج 5، ص 360.

۲۷۶- صحیح مسلم، ج 7، ص 122.

حدیث اول: محمد بن عیسی الترمذی در کتاب سنن الترمذی

زید بن ارقم قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «انی تارک فیکم ما ان تمسکتُم به لن تضلوا بعدی، احدهما اعظم من الآخر؛ کتاب الله جبل ممدود من السماء الى الارض وعترتی اهل بیتی ولن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیهما. هذا حدیث حسن غریب؛^{۲۷۷}

زید بن ارقم گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: من از میان شما می روم در حالی که دو چیز را در میان شما می گذارم، اگر به آن دو تمسک جوئید هرگز بعد از من به گمراهی و ضلالت کشیده نخواهید شد، یکی از آن دو برتر از دیگری است؛ قرآن کریم که مانند ریسمانی از آسمان به زمین متصل است، و عترت و اهل بیت، این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند، تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، پس بنگرید که چگونه در مورد آن دو عمل می کنید، این حدیث اگرچه حسن است، اما غریب و ناآشنا است».

حدیث دوم: محمد بن عیسی الترمذی در کتاب سنن الترمذی

۲۷۷- سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۲۹، ح ۳۸۷۶؛ مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۲۶۷؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۵.

از جابر بن عبدالله قال: رسول الله (صلی الله علیه وآله) در روز عرفه در حج مشاهده کردم که سوار بر شترش خطبه می خواند و فرمود: «یا ایها الناس انی ترک فیکم ما ان اخذتم به لن تضلوا کتاب الله و عترتی اهل بیتی»؛^{۲۷۸}

جابر بن عبدالله نقل کرد: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را در روز عرفه در حج مشاهده کردم که حضرت سوار بر شتر بودند و خطبه می خواندند و می فرمودند: ای مردم من دو چیز در میان شما به امانت می گذارم، اگر از آن دو بهره جستید هرگز به گمراهی نخواهید رفت، قرآن کریم و عترتم اهل بیت».

حدیث سوم: مسلم بن حجاج در کتاب صحیح مسلم

«حدثنی زهیر بن حرب وشجاع بن مخلد جميعاً عن ابن عطية قال زهیر حدثنا اسماعیل بن ابراهیم حدثنی ابو حیان حدثنی یزید ابن حیان قال انطلقت انا وحصین بن سبرة وعمر بن مسلم الی زید بن ارقم فلما جلسنا إلیه قال له حصین لقد لقیته یا زید خیراً كثيراً رأیت رسول الله (صلی الله علیه وآله) وسمعت حدیثه وغزوت معه وصلیت خلفه لقد لقیته یا زید خیراً كثيراً حدثنا یا زید ما سمعت من رسول الله (صلی الله علیه وآله) قال: یا ابن اخی والله لقد کبرت سنی وقدم عهده ونسیت بعض الذی کنت اعی من رسول الله (صلی الله علیه وآله) فما حدثکم فاقبلوا وما لا فلا تکلفونیة ثم قال قام رسول الله (صلی الله علیه وآله) یوما فینا خطیباً بماء یدعی خماً بین

۲۷۸- سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۲۸، ح ۳۸۷۶؛ المستدرک، ج ۱، ص ۹۳؛ السنن الکبری البیهقی، ج ۱۰، ص ۱۱۴.

مكة والمدينة فحمد الله واثنى عليه ووعظ وذكر ثم قال اما بعد الا ايها الناس فانما انا بشر يوشك ان ياتي رسول ربي فاجيب وانا تارك فيكم ثقلين اولهما كتاب الله فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به فحث على كتاب الله ورغب فيه ثم قال واهل بيتي اذكركم الله في اهل بيتي اذكركم الله في اهل بيتي اذكركم الله في اهل بيتي. فقال له حصين ومن اهل بيته يا زيد أليس نساؤه من اهل بيته قال نساؤه من اهل بيته ولكن اهل بيته من حرم الصدقة بعده قال ومن هم قال هم آل علي وآل عقيل و آل جعفر و آل عباس قال كل هؤلاء حرم الصدقة قال نعم؛^{٢٧٩}

يزيد بن حيان گفت: من و حصين بن سبره و عمر بن مسلم به نزد زيد بن ارقم رفتيم، آنگاه حصين به او گفت: ای زيد! تو با دیدن جمال رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و شنیدن سخنانش و شرکت در غزوات و نماز خواندن پشت سر پیامبر(صلی الله علیه وآله) خیر و برکت زیادی به دست آوردی، ای زيد اکنون از آنچه که از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) شنیدی اندکی برايمان نقل کن؟ زيد گفت: ای پسر برادر من به خدا سوگند کاسه عمرم لبریز شده و بر بیشتر آنچه که از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) دیده یا شنیده ام گرد فراموشی نشسته است. پس آنچه را که به شما می گویم بپذیرید و بر ما باقی آن اصرار نکنید، سپس گفت: روزی پیامبر خدا در میان ما و در کنار رودی بین مکه و مدینه به نام خم خطبه ای خواند و بعد از حمد و ثنای الهی و موعظه و ارشاد

٢٧٩- صحيح مسلم، ج 7، ص 123؛ المعجم الكبير، ج 5، ص 183؛ تفسير ابن كثير، ج 3، ص 494.

فرمود: ای مردم بدانید که من همچون شما انسانم و بی تردید اجلم نزدیک است، پس من او را اجابت خواهم کرد، اما دو چیز گرانها در میان شما می گذارم، کتاب خدا، که در آن هدایت و نور است، از قرآن درس بگیرید و به آن تمسک جوئید، پس پیامبر در مورد قرآن سفارشات اکیدی نمود و ما را به قرآن تشویق و ترغیب نمود، سپس فرمود: و دیگری اهل بیت من می باشند، پس خدا را در مورد اهل بیتم به یاد آورید و این جمله را سه مرتبه تکرار نمودند، حصین از زید پرسید: اهل بیت پیامبر شامل چه کسانی می شود آیا همسران پیامبر نیز اهل بیت او محسوب می شوند؟

زید گفت: آری همسران پیامبر نیز اهل بیت اویند، و هر کسی که صدقه بر او حرام باشد نیز اهل بیت پیامبر می باشد».

حدیث چهارم: «وحدثنا محمد بن بكار بن الریان حدثنا حسان (یعنی ابن ابراهیم) عن سعید بن مسروق عن یزید بن حیان عن زید بن ارقم عن النبی (صلی الله علیه وآله) وساق الحدیث بنحوه بمعنی حدیث زهیر»

یزید بن حیان گفت: زید بن ارقم از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) برایمان مثل حدیث قبل (حدیث سوم) نقل نمود».

حدیث پنجم: «حدثنا ابوبكر بن ابی شیبة حدثنا محمد بن فضیل وحدثنا اسحاق بن ابراهیم اخبرنا جریر كلاهما عن ابی حیان بهذا الاسناد نحوه حدیث

اسماعیل و زاد فی حدیث جریر کتاب الله فیہ الهدی والنور من استمسک به واخذ به کان علی الهدی ومن اخطأه ضل؛^{۲۸۰}

اسحاق بن ابراهیم گفت: جریر از ابن حیان به همان اسناد حدیث قبل، برایمان حدیث را نقل کرد، اما در حدیث اسماعیل، اضافه دارد که: کتاب خدا (قرآن) در آن هدایت و نور است، هرکس به آن تمسک جوید و از آن بهره گیرد، هدایت می شود، و هرکس از فرامین قرآن تخلف ورزد، در گمراهی آشکار به سر می برد).

حدیث ششم: «حدثنا محمد بن بکار بن الریان حدثنا حسان (یعنی ابن ابراهیم) عن سعید (وهو ابن مسروق) عن یزید بن حیان عن زید بن ارقم قال دخلنا علیه فقلنا له لقد رأیت خیرا لقد صاحب رسول الله (صلی الله علیه وآله) وصلیت خلفه وساق الحديث بنحو حدیث ابی حیان غیر انه قال الا وانی تارک فیکم ثقلین احدهما کتاب الله عزوجل هو حبل الله من اتبعه کان علی الهدی ومن ترکه کان علی ضلالة وفيه فقلنا من اهل بيته نساؤه قال لا وایم الله ان المرأة تكون مع الرجل العصر من الدهر ثم يطلقها فترجع إلى ابیها وقومها اهل بيته اصله و عصبته الذین حرموا الصدقة بعده؛^{۲۸۱}

۲۸۰- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۴، ص ۶۳؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۸ .
۲۸۱- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳؛ صحیح ابن حیان، ج ۱، ص ۳۳۰؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۵ .

یزید بن حیان گوید: بر زید بن ارقم وارد شدیم و به او گفتیم: با مصاحبت و مجالست با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و اقتدا به حضرتش در نماز، خیر بسیاری به دست آوردی. این حدیث همانند حدیث ابن حیان است الا اینکه فرمود: به درستی من دو چیز گرانبها در میان شما می گذارم، یکی از آنها کتاب خداوند عزوجل است که ریسمان مستحکم خداوند است، هرکس از آن تبعیت کرده و به آن چنگ زند در مسیر هدایت قرار می گیرد و هرآن کس که از آن روی گرداند، به سوی گمراهی می رود و در آن ضلالت باقی خواهد ماند.

پس پرسیدم اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند، آیا همسرانش نیز اهل بیت او حساب می شوند؟ گفت: به خدا سوگند، نه همانا زنان در برهه ای از زمان با مردان زندگی می کنند، سپس او را رها کرده به سوی پدر، خانواده و قومش باز خواهند گشت. اما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) کسانیند که صدقه بر آنان بعد از پیامبر اسلام حرام باشد».

حدیث هفتم: احمد بن شعیب النسائی در کتاب سنن النسائی

از زید بن ارقم گفت: زمانی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) از حجۃ الوداع بازگشت در غدیر خم توقف نمود و فرمود: «... إني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر كتاب الله وعترتي اهل بيتي فانظروا كيف تخلصوني فيهما

فانهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض ثم قال ان الله مولای وانا ولی کل مؤمن ثم اخذ بيد علی فقال من كنت ولیه فهذا ولیه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه;^{۲۸۲}

ابی طفیل به نقل از زید بن ارقم می گوید: زمانی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) از حجه الوداع بازگشتند در غدیر خم توقف نمودند، و فرمودند: . . . مرگ مرا به سوی خود می خواند و عنقریب او را اجابت کرده و از میان شما خواهم رفت، اما دو چیز گران بها به رسم امانت برایتان باقی می گذارم، که یکی ارزشش از دیگری بیشتر است، کتاب خدا و عترت و اهل بیت، پس مواظب باشید که چگونه با این دو امانت رفتار می کنید که هرگز از هم جدا نمی شوند تا آنکه بر حوض کوثر بر من وارد شوند، سپس فرمود: خداوند متعال مولی و سرپرست من و تمام مؤمنان است، آنگاه دست حضرت علی (علیه السلام) را گرفت و فرمود: هرکس که من مولی و سرپرست اویم، بعد از من علی امام و سرپرست او است، پروردگارا سرپرستی کن کسی را که از حضرت علی (علیه السلام) متابعت و پیروی نماید».

ابی طفیل می گوید: «فقلت لزید: سمعته من رسول الله (صلی الله علیه وآله) قال ما كان فی الدوحات رجل الا راه بعینه وسمع باذنه»;^{۲۸۳}

۲۸۲- المستدرک، ج 3، ص 109؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 164؛ السنن الکبری، ج 5، ص 45.

۲۸۳- السنن الکبری، السنایی، ج 5، ص 45.

ابی طفیل می گوید به زید بن ارقم گفتیم: تو واقعاً خودت این کلام را از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدی؟ گفت: هیچ کس در آنجا نبود مگر اینکه او را دید و کلامش را شنید».

حدیث هشتم: اسحاق بن راهویه در مسندش

«اخبِرنا ابو عامر العقدي، عن كثير بن زيد، عن محمد بن عمر بن علي، عن ابيه، عن علي رضي الله عنه، قال: ان النبي (صلی الله علیه وآله) حضر الشجرة بخم، ثم خرج اخذا بيد علي رضي الله عنه قال: الستم تشهدون ان الله تبارك وتعالى ربكم؟ قالوا: بلى، قال (صلی الله علیه وآله): الستم تشهدون ان الله ورسوله اولی بكم من انفسكم، وان الله ورسوله اولیاءكم؟ فقال: بلى قال: فمن كان الله ورسوله مولا، فان هذا مولا، وقد تركت فيكم ما ان اخذتم به لن تضلوا: كتاب الله تعالى، سببه بیده، وسببه بایدیکم، واهل بیتی»^{۲۸۴}.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: رسول خدا در مراجعت از مکه در کنار درخت خم توقف نمودند، مردم به دورش حلقه زدند، حضرت دست مرا گرفت و خطاب به حجاج فرمود: آیا شهادت به ربوبیت الهی می دهید؟ گفتند: آری، فرمود: آیا گواهی می دهید که خدا و رسولش بر نفستان از خودتان بیشتر ولایت و اختیار دارند؟ گفتند: بلی، آنگاه حضرت فرمود: هرکس که خدا و رسولش ولی

۲۸۴- خلاصه عبقات الانوار، ج ۱، ص ۱۲۸؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۴۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۱۳.

و سرپرست اوست، همانا علی بعد از من سرپرست و صاحب اختیار اوست، سپس فرمودند: من از میان شما می روم و در میان شما دو چیز می گذارم که اگر به آن تمسک بسته و دست توسل به دامن آنها زنید هرگز دچار گمراهی نخواهید شد. کتاب خدا و عترتم».

حدیث نهم: یعقوب بن سفیان الفسوی در کتاب المعرفة والتاریخ

«عن زید بن ارقم قال: قال النبی (صلی الله علیه وآله): انی تارک فیکم ما ان تمسکتُم به لن تضلوا: کتاب الله عزوجل وعترتی اهل بیتی، وانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»؛^{۲۸۵}

زید بن ارقم گفت: نبی مکرم اسلام فرمود: من در میان شما چیزی می گذارم که اگر به آن متوسل شوید و به دامن آن چنگ زنید، بعد از من از گمراهی و ضلالت مصون خواهید ماند، کتاب خدا و عترتم، این دو از یکدیگر جدا نمی شود تا بر من در کنار حوض کوثر وارد شوند».

حدیث دهم: احمد بن حنبل در کتاب مسند احمد

«حدثنا الاسود بن عامر ثنا شریک عن الرکین عن القاسم بن حسان بن زید بن ثابت قال قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) انی تارک فیکم خلیفتین کتاب الله حبل

۲۸۵- مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۳؛ المعجم الصغير، ج ۱، ص ۱۳۱؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۶۵؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۲؛ تفسیر الثعلبی، ج ۸، ص ۴۰؛ تفسیر الکوسی، ج ۴، ص ۱۸؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۹۴؛ الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۳۰۸؛ غایة المرام، ج ۲، ص ۲۱؛ المعرفة والتاریخ، ج ۵، ص ۲۹۴.

ممدود ما بین السماء والارض او ما بین السماء الى الارض وعترتی اهل بیتی وانهما
لن يتفرقا حتی یردا علی الحوض؛^{۲۸۶}

زید بن ثابت به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) گفت: من از میان شما
می روم، در حالی که دو چیز گرانها برای شما می گذارم، کتاب خدا که مانند
ریسمانی از آسمان به زمین متصل است و عترتم اهل بیت، و این دو از هم
مفارقت نمی کنند تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند».

حدیث یازدهم: الطبرانی در کتاب المعجم الکبیر

«حدثنا علی بن عبدالعزیز، ثنا: أبو نعیم، ثنا: کامل ابوالعلاء، قال: سمعت
حبیب بن أبی ثابت یحدث، عن یحیی بن جعدة، عن زید بن ارقم، قال: خرجنا مع
رسول الله (صلی الله علیه وآله) حتی انتهینا الی غدیر خم امر بدوح فکسح فی یوم ما
اتی علینا یوم کان اشد حرا منه، فحمد الله واثنی علیه وقال: یا ایها الناس، انه لم
یبعث نبی قط الا عاش نصف ما عاش الذین کانوا قبله وانی اوشک ان ادعی
فاجیب وانی تارک فیکم ما لن تضلوا بعده، کتاب الله ثم قام واخذ بید علی رضی
الله عنه فقال: یا ایها الناس، من اولی بکم من انفسکم؟ قالوا: الله ورسوله اعلم. قال:
من کنت مولاه فعلی مولاه؛^{۲۸۷}

۲۸۶- مسند احمد، ج ۵، ص ۱۸۲؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲۸۷- المستدرک، ج ۳، ص ۵۳۳؛ المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۷۱؛ نفحات الازهار، ج ۷، ص ۲۴۵.

یحیی بن جعدہ گفت از زید بن ارقم شنیدم که می گفت: ما با رسول خدا از مکه خارج شدیم به سوی مدینه، تا اینکه به غدیر خم رسیدیم در روزی که شدت گرما و سوز آن بی سابقه بود، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در میان جمع حجاج بعد از حمد و ثناء باری تعالی فرمود: ای مردم! خداوند پیامبری نفرستاد مگر اینکه به اندازه نصف عمر نبی قبلی عمر می کند و نزدیک است که من دعوت حق را لبیک گویم و از میان شما بروم، اما چیزی در بین شما از خود باقی می گذارم که اگر به آن تمسک کنید هرگز در مسیر زندگانی دچار لغزش و گمراهی نخواهید شد. کتاب خدا؛ آنگاه حضرت ایستادند و دست حضرت علی (علیه السلام) را گرفته و فرمود: ای مردم! ولایت چه کسی بر نفس خودتان بیشتر است؟ گفتند: خدا و رسولش، نسبت به این مسأله آگاه ترند. حضرت فرمود: هر که من مولا و سرپرست اویم، این علی (علیه السلام) نیز بعد از من سرپرست و ولی اوست».

حدیث دوازدهم: احمد بن حنبل در کتاب مسند احمد

«حدثنا عبدالله حدثني ابي ثنا اسود بن عامر ثنا اسراييل بن عثمان بن المغيرة عن علي بن ربيعة قال: لقيت زيدا بن ارقم وهو داخل على المختار او خارج من عنده

فقلت له اسمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله) يقول: انی تارک فیکم الثقلین قال نعم؛^{۲۸۸}

علی بن ربیعہ گوید: زید بن ارقم را ملاقات نمودم در حالی که به مجلس مختار داخل می شدم یا آنکه خارج می شد؛ به او گفتم: آیا از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) استماع کرده و به دو گوش خود شنیده ای که حضرت می فرمود: من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم؟ گفت: بله».

حدیث سیزدهم: «حدثنا فهد بن سليمان قال: ثنا ابو غسان مالك بن اسماعيل النهدي قال ثنا اسراييل بن يونس عن عثمان بن المغيرة عن علي بن ربيعة الاسدي قال: لقيت زيد بن الارقم وهو داخل على المختار او خارج فقلت ما حديث بلغني عنك سمعت النبي (صلی الله علیه وآله) يقول انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله - عزوجل - وعترتی؟ قال: نعم». همچنین الطبرانی حدیث را به این صورت نقل می کند: «حدثنا علی بن عبدالعزیز ثنا أبو غسان مالك بن اسماعيل ثنا اسراييل عن عثمان بن المغيرة عن علي بن ربيعة قال لقيت زيد بن ارقم داخلا على المختار او خارجاً قال قلت حديثا بلغني عنك سمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله) انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی قال نعم؛^{۲۸۹}

۲۸۸- مسند احمد، ج 4، ص 371؛ المعجم الكبير، ج 5، ص 186؛ فضائل الصحابة لابن حنبل، ج 2، ص 572.

۲۸۹- نفحات الازهار، ج 2، ص 162.

علی بن ربیعہ اسدی گفت: با زید بن ارقم ملاقاتی داشتم در حالی که او به نزد مختار می رفت و یا آنکه از آنجا بر می گشت، گفتم: ای زید! از تو به من حدیثی رسید حاکی از آن که تو گفته ای از رسول خدا شنیدم: من در میان شما دو چیز گرانبها می گذارم، کتاب خدا و عترتم؟ گفت: آری.

الالبانی در کتاب خود «صحيح الجامع الصغير»: «انی تارک فیکم خلیفتین، کتاب الله حبل ممدود ما بین السماء والأرض وعترتی اهل بیتی وانهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض».^{۲۹۰}

8- عظمت مصیبت وارده بر اهل بیت چنان بزرگ و دردآور است که انبیاء الهی نیز بر این واقعه ندبه کرده و اشک ریخته اند و مطلب به علت وضوح بی نیاز از شرح و بیان است که فرمود: «لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ...».

«وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ».

این فراز بدین معنی است که سوگواری تو در آسمان ها بزرگ و عظیم شد. شاید این سؤال مطرح شود که سوگواری امام حسین (علیه السلام) در آسمان ها چگونه ظاهر شد. طبرانی محدث بزرگ اهل سنت در کتاب «المعجم الكبير» خود روایت مستندی بدین معنی نقل می کند^{۲۹۱}: «زمانی که امام حسین (علیه السلام)

۲۹۰- مسند احمد، ج 5، ص 128؛ کنز العمال، ج 1، ص 172.

۲۹۱- المعجم الكبير، تألیف الطبرانی، متوفای 360، ج 3، ص 113.

کشته شد آسمان برای چندین روز به رنگ خون در آمد». نور الدین الهیثمی عالم مشهور حدیث شناس اهل سنت در کتاب خود می گوید^{۲۹۲}: «راویان این روایت مورد اعتماد و صحیح هستند». در روایت دیگری طبرانی می گوید^{۲۹۳}: «زمانی که امام حسین (علیه السلام) کشته (شهید) شد خورشید گرفت به طوری که ستارگان در وسط روز ظاهر شدند و مردم گمان کردند که روز رستاخیز فرا رسیده است». نور الدین الهیثمی می گوید^{۲۹۴}: «این روایت دارای سند خوب و قابل قبولی است». سیوطی می گوید^{۲۹۵}: «زمانی که امام حسین (علیه السلام) کشته (شهید) شد آسمان خون بارید به طوری که همه چیز پر از خون گشت». روایت صحیحی در مورد اینکه پس از قتل (شهادت) امام حسین (علیه السلام) آسمان خون بارید بسیار زیاد هستند^{۲۹۶}. در واقع این فراز از زیارت عاشورا به همین حوادث طبیعی که پس از واقعه کربلا اتفاق افتاده است می تواند اشاره داشته باشد.

«مُصِيبَةٌ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتُهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ».

معنی این جمله آن است که مصیبت شهادت حسین (علیه السلام) آن چنان بالای عظیم و بزرگی است که در اسلام و بر تمام اهل آسمان ها و اهل زمین بزرگ تر از آن نازل نشده است که مرور انبیاء عظیمی الشانی چون آدم، نوح و ابراهیم و

۲۹۲- مجمع الزوائد، تألیف نور الدین الهیثمی، متوفای ۸۰۷، ج ۹، ص ۱۹۸.

۲۹۳- المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۴.

۲۹۴- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۹۷.

۲۹۵- خصائص الكبرى، السيوطی، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲۹۶- مخازی عثمان الخمیس، ص ۷۰.

عیسی (علیه السلام) و... به آن سرزمین و طواف به گرد کعبه عشق و گریه کردن بر مظلومیت سبط نبی اعظم، و گریستن پیغمبر اسلام بر شهادت مظلومانه امام حسین (علیه السلام) و همین طور پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین (علیه السلام) خود گواهی صادق بر عظمت این مصیبت عظمی است.

9- دفع از مقام و منزلت بعد از اعتراف به آن: تحمل ظلم دردناک است و دردناک تر از آن زمانی است که دشمن معترف به مقام و منزلت مظلوم بوده و در عین حال ظلم روا می دارد که فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا» در صورتی که در روایات دارد:

«قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): سيلقى اهل بيتي من بعدى تطريداً وتثريداً»^{۲۹۷}

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: بعد از من اهل بیتم رانده و فراری خواهند شد.

«قال النبي (صلی الله علیه وآله) لعلى (علیه السلام): اما انك ستلقى بعدى جهداً.

قال (علیه السلام): فى سلامة من ديني؟ قال: فى سلامة من دينك»^{۲۹۸}

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: بعد از من با مشکلات مواجه خواهی شد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) سؤال کردند: آیا دینم در امان خواهد بود. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمودند: بلی.

297- المستدرک على الصحيحين، ج 4، ص 466 و 487.

298- المستدرک الحاکم، ج 3، ص 140؛ کنز العمال، ج 11، ص 617.

و همچنین رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «یا علی آنک من بعدی مغلوب
مغضوب تصبر علی الاذی فی الله...»^{۲۹۹}

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) خطاب به علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمودند: یا علی بعد از من دشمن بر تو غالب خواهد شد و مورد ظلم قرار خواهی گرفت و به خاطر خدا بر آزار آنها صبر می کنی و...».

10- اعتراف به مهدویت و دعا برای طلب خون سیدالشهدا (علیه السلام):
می فرماید: «وَأُكْرِمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ» و
در فرازی دیگر می فرماید: «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِي كُمْ مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ
بِالْحَقِّ».

11- دعا برای وصول به مقام محمود مقامی که رسیدن به آن جز بزرگ ترین
آرزو و امیال ابناء بشر، از بدو خلقت تا قیام قیامت بوده است. بر همین اساس در
این زیارت شریفه می فرماید: «وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ».

12- اعتراف به صحت شفاعت در روز قیامت که فرمود: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامَ يَوْمَ الْوُرُودِ...».

13- شفیع آوردن به درگاه الهی برای کسب مقام اخروی که می فرماید: «اللَّهُمَّ
اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

و این فرازها شمه ای از مضامین نورانی زیارت شریفه عاشورا است که بر دل
شیفتگان و مخلصین درگاه ولایت اهل بیت (علیهم السلام) می تابد.

سیره شیعیان

سیره شیعیان از دانشمند و عوام، در همه دوران ها و تمامی شهرها بر این جاری است که به عنوان عبادت آفریدگار بر کسانی که به اهل بیت (علیهم السلام) ستم روا داشته اند، لعنت می فرستند که به طور قطع آشکار کننده آن است که از ائمه هدایتگر (علیهم السلام) به آنها القاء شده است.

سیره شیعه نیز جاری شده است بر عبادت خدا به وسیله لعن فرستادن بر دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) و ستم کنندگان به ایشان و کسانی که حقوقشان را غصب کرده اند و چیزهایی از ایشان را که خداوند حرمتش را لازم دانسته بر خود روا شمردند و به اذیت و آزارشان پرداختند و حقشان را انکار کردند و بر ناسزا گویان به ایشان و ستیزه گران با آنان، همچنین لعن بر قاتل امیرمؤمنان (علیه السلام) و قاتلان امام حسین (علیه السلام)؛ بلکه قاتلان همه امامانی که به شهادت رسیده اند.

همچنین در زیارت های خصوصی و عمومی ائمه هدی (علیهم السلام)، کمتر زیارتی را می یابیم که خالی از لعنت بر دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)، قاتلان و ستمگران ایشان باشد.

استحباب لعن

در روایاتی که به سر حدّ تواتر رسیده، بر کسانی که به اهل بیت (علیهم السلام) ستم کرده اند و حقوق ایشان را به ناروا گرفته اند و آنان را کشته اند لعنت شده است و در بسیاری از آن روایات آمده است که مراقبت و مواظبت بر لعن بر چنین افرادی استحباب دارد.

در صحیفه سجادیه از امام زین العابدین (علیه السلام) در دعای روز جمعه و عید قربان آمده است: «اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيِّمٌ، وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ وَالرَّاعِبُ وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ النَّاظِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ... - إِلَى أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيائِكَ وَمَوَاضِعِ أُمَنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَرُؤْهَا، وَأَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ... - إِلَى أَنْ قَالَ: حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَرِّينَ، يَرَوْنَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا... - إِلَى أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ الْعَنُ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ، وَأَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ...^{۳۰۰}؛ پروردگارا! این روزی است پر برکت و فرخنده که مسلمان ها در گوشه و کنار زمین تو گرد هم آیند و همگی از تو خواستار آمرزش اند و دست نیاز به درگاہت دراز کرده اند، همه به تو امیدوارند و از غضب تو بیمناک اند و تو به حوائجشان آگاهی و به احوالشان بینایی... - تا این که می فرماید: بارالها!

۳۰۰- صحیفه سجادیه کامله، دعای 48 (دعای روز عید قربان و روز جمعه)، ص 354؛ جمال الاسبوع،

ص 267؛ المصباح الکفعمی، ص 434.

این جایگاه (خلافت و خواندن خطبه و اقامه نماز عید) مقام ویژه خلفا و برگزیدگان تو می باشد و کسانی که امین تو می باشند و در درگاه تو از درجه و مقامی بس والا که ویژه آنان ساخته ای، برخوردارند؛ اما غاصبان این مقام را از آنان ربودند و تویی تقدیر کننده... - تا آنکه فرموده است: تا این که (بر اثر غصب خلافت) برگزیدگان و جانشینان تو به ظاهر شکست خوردند و حقوقشان به یغما رفت و می دیدند که حکم تو تبدیل شده... - تا این که فرموده: بارالها! دشمنان ایشان را از پیشینیان و آیندگان و هرکس که از کردار آنان خشنود است و پیروان و حامیانشان همه را لعنت کن (از رحمت خود محرومشان بدار) و آنها را به عذاب دردناکی معذب فرما...».

«عن داود الرقي قال: كنت عند أبي عبدالله (عليه السلام) إذا استسقى الماء فلما شربه رأيته قد استعبر واغرورقت عيناه بدموعه ثم قال لي: يا داود لعن الله قاتل الحسين (عليه السلام) وما من عبد شرب الماء فذكر الحسين (عليه السلام) وأهل بيته ولعن قاتله إلا كتب الله عز وجل له مائة ألف حسنة وحط عنه مائة ألف سيئة ورفع له مائة ألف درجة وكأنما أعتق مائة ألف نسمة وحشره الله عز وجل يوم القيامة ثلج الفؤاد^{٣٠١}؛

٣٠١- الكافي، ج 6، ص 391، ح 6؛ وسائل الشيعه، ج 25، ص 272، ح 1؛ بحارالانوار، ج 63، ص 464.

شیخ کلینی (رحمه الله) از داود رقی روایت کرده که گفت: در خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم، حضرت آب خواست، چون آشامید، اشک در حلقه چشمانش موج زد و گریست و فرمود: ای داود! خدا لعنت کند کشنده حسین (علیه السلام) را؛ یاد مصیبت های حسین (علیه السلام) چه قدر زندگی را تلخ و ناگوار می سازد، من هیچ آب خنکی را نمی آشامم جز آنکه حسین (علیه السلام) را یاد می کنم) و هیچ بنده ای نیست که آب بیاشامد و حسین (علیه السلام) را یاد کند و قاتل او را لعن کند؛ جز آنکه خداوند صد هزار درجه برایش بالا برد، گویا صد هزار بنده آزاد کرده و خداوند او را در روز قیامت در حالی محشور فرماید که دلش شادمان و خنک شده باشد».

شیخ کلینی در «کافی»^{۳۰۲} و ابو الفتح کراچکی در کتاب «کنز الفوائد»^{۳۰۳} به سلسله سند خودش از حضرت جعفر بن محمد، از پدر و اجدادش (علیهم السلام)، از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در حدیث طولانی چنین روایت نمودند:

(پیامبر (صلی الله علیه وآله) به او فرمود): «يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَأَصْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ تَعَالَى أَلْفَ عَامٍ مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِكَ، وَإِنَّ وَلَايَتَكَ لَا تُقْبَلُ إِلَّا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ

۳۰۲- کافی، ج ۲، ص ۱۲۵.

۳۰۳- کنز الفوائد، ص ۱۸۵.

وَأَعْدَاءِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِكَ. بِذَلِكَ أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ (عليه السلام) فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ اِی علی؛ قسم به آن که مرا به پیامبری برانگیخت و بر تمامی کائنات و آفریدگان برگزید، اگر بنده ای خداوند را هزار سال عبادت کند، خداوند عبادتش را نمی پذیرد؛ جز به وسیله ولایت تو و ولایت امامان از فرزندان تو و قطعاً ولایت تو پذیرفته نمی شود؛ جز به وسیله برائت و بیزاری جستن از دشمنان تو و دشمنان امامان از فرزندان. جبرئیل مرا به آن خبر داده، پس هر که خواهد آن را تصدیق کند و هر که خواهد کافر شود».

شیخ کلینی در کتاب «کافی» در باب زیارت قبر مقدس ابا عبدالله، حسین بن علی (علیهما السلام) روایتی نقل کرده طولانی از امام صادق (علیه السلام) که چنین فرمودند: «عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إذا أتيت قبر الحسين (عليه السلام) فأت الفرات واغتسل بحيال قبره وتوجه إليك وعليك السكينة والوقار حتى تدخل إلى القبر من الجانب الشرقي وقيل حين تدخله: السلام على ملائكة الله المنزلين، السلام على ملائكة الله المردفين، السلام على ملائكة الله المسومين، السلام على ملائكة الله الذين هم في هذا الحرم مقيمون فإذا استقبلت قبر الحسين (عليه السلام) فقل: السلام على رسول الله، السلام على أمين الله على رسله وعزائم أمره والخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته ثم تقول: اللهم صل على أمير المؤمنين عبدك وأخي ورسلك الذي انتجبت به بعلمك وجعلته هادياً لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك وديان الدين

بعدلک وفصل قضائک بین خلقک ومهیمن علی ذلک کله والسلام علیہ و رحمۃ
اللہ و برکاتہ...؛

سلام بر فرشتگانی که فرود آمده اند... (تا آنجا که فرمود:) خدا لعنت کند آن
کسی را که شما را کشت و کسی که به او دستور داد و کسی که خبر آنچه اتفاق
افتاده بود، به او رسید و بدان خوشنود شد. شهادت می دهم که همه کسانی که
پرده حرمت شما را دریدند و خون شما را ریخته اند، بر زبان پیامبر اُمّی (مکتب
نرفته) لعنت شده اند.

سپس می گویی: «پروردگارا! بر همه کسانی که نعمت تو را تبدیل کردند و
با ملت تو مخالفت ورزیدند و از فرمان تو روی برگرداندند و به پیامبر تو تهمت
زدند و نسبت ناروا دادند و به راه (دین) تو پشت کردند، لعنت فرست. خدایا!
گورهایشان را از آتش پر کن و آتش به اندرونشان بیفکن و خودشان و پیروانشان
را کبود چشم^{۳۰۴} به سوی جهنم برانگیز. پروردگارا! ایشان را لعنت کن؛ بدان گونه
که هر فرشته مقرب و هر پیامبر برانگیخته شده به رسالت و هر بنده مؤمنی که
خداوند قلبش را آزموده، لعنتشان می کنند. خدایا! ایشان را در پرده های پنهان و
در ظاهر و آشکار بی پرده لعنت کن. بارالها! لعنت کن جِبْت های (بت ها و
اشخاص بی خیر و منفعت) این امت را و لعنت کن گردنکشان و بیداد گران
متکبر این امت را و لعنت کن کشنده امیر المؤمنین را و لعنت کن کشنده امام

۳۰۴- ظاهراً کنایه از کوری باشد به دلیل چند آیه دیگر مثل آیات ۱۲۴ و ۱۲۵ سوره طه.

حسین را و آنان را گرفتار کن به عذاب سختی که هیچ یک از جهانیان بدان عذاب نمی شود...»^{۳۰۵}.

انی اکره لکم ان تکنونوا سبّیین

اشکال: گاهی گفته می شود روایتی از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) وارد شده است که فرموده اند: «إِنِّي أُكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّيِّينَ»^{۳۰۶}; من خوش ندارم که شما از بسیار دشنام دهندگان باشید؛ و این دال بر حرمت نفرین کردن و دشنام دادن است. چگونه و با توجه به این حدیث لعن جایز باشد؟

پاسخ این کلام:

1- واژه «اکره» جز با قرینه بر حرمت اصطلاحی دلالت نمی کند و در این جا قرینه ای وجود ندارد؛

2- حکم متوجه مخاطبینی است که به ایشان فرموده: «لَكُمْ» و این که فراگیر به همه مسلمانان باشد، احراز نمی شود؛ چون احتمال دارد ویژه جنگجویانی باشد که همراه آن حضرت بوده اند، به لحاظ اینکه اقتضای مقام نبرد و تاخت و تاز بر دشمن این است که از درگیری لفظی اجتناب شود و تمام توجه به چیزی باشد که در آن حال مهم تر و سودمندتر است؛

۳۰۵- فروع کافی، ج 4، ص 572، ح 1.

۳۰۶- نهج البلاغه، خطبه 206.

3- محلی که کراحت در آن قرار می گیرد، «سَبَاب» یعنی بسیار دشنام گوی بد دهان می باشد و تفاوت است میان کسی که بسیار دشنام گوی و ناسزا می گوید با کسی که یک بار دشنام می دهد، به لحاظ اینکه سَبَاب صیغه مبالغه است و مفهومش دشنام گویی زیاد و بد دهانی است و روشن است که کراحت سَبَّ زیاد، مستلزم آن نیست که «سَبَّ» به خودی خود کراحت داشته باشد؛

4- نهی در این روایت نهی ارشادی است، نه نهی مولوی (به قرینه جملاتی که در بعد از آن آمده است): «وَلَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَذَكَّرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ ذَلِكَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَأَبْلَغُ فِي الْعُذْرِ»^{۳۰۷} ولیکن شما اگر رفتار آنها را توصیف کنید و حالات ناروایشان را بگوئید، در گفتار شایسته تر می باشد و برای اتمام حجت، رساتر است». به این معنی که مضمون روایت ارشاد و راهنمایی است به اینکه بیان حال آنها بر روح و اراده طرف مقابل تأثیر بیشتری دارد تا دشنام، نه این که مفهومش تحریم دشنام یا مرجوحیت آن باشد؛

5- در لغت و در عرف میان سَبَّ و لعن تفاوت آشکاری وجود دارد. سَبَّ به معنای دشنام دادن به آبرو و شرف دیگران است، در حالی که لعن به معنای آرزو کردن و خواستن از خداوند است که رحمت خود را از کسی دور کند و او را گرفتار سازد.

بنابراین چنانچه از سبّ و دشنام گویی نهی و منع کردند، لازمه اش این نیست که از لعنت کردن هم نهی و منع شده باشد. با این بیان روشن می شود که درست نیست به روایاتی که در مذمت دشنام گویی و بد دهانی وارد شده است، بر مرجوح بودن لعن استدلال شود؛ زیرا دشنام و حرف های بد بر زبان آوردن از مصداق های «سبّ» است، نه «لعن»، و نهی از «سبّ» (به هر یک از مصداق هایش) مستلزم آن نیست که از لعن هم منع شده باشد.

علاوه بر این، بین نصوص و تصریحاتی از قرآن و سنت که بر رجحان لعن دلالت دارند و نصوصی که از آنها بوی نهی به مشام می رسد می توان جمع عرفی نمود و جمعش بدین گونه امکان دارد که به حسب متعلق باشد. و در این صورت، لعنی که از آن نهی شده، لعن بر مؤمنان و ناسزا گفتن به ایشان است و لعنی که رجحان دارد، لعن بر ستمگران به ویژه کسانی است که بر اهل بیت (علیهم السلام) ستم روا داشته اند و در روایات شواهدی بر آن وجود دارد، از جمله:

روایتی که شیخ کلینی در «کافی» به سلسله سند خود تا به امام باقر (علیه السلام) رسانده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) ضمن خطبه ای برای مردم فرمود: «... ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ هُوَ شَرُّ مَنْ ذَلِكَ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَلْمُتَفَحِّشُ اللَّعَانُ الَّذِي إِذَا ذُكِرَ عِنْدَهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَنَهُمْ وَإِذَا ذَكَرُوهُ لَعَنُوهُ»^{۳۰۸} سپس فرمود: آیا به شما خبر دهم از بدتر از آن؟ عرض کردند: آری ای

پیامبر خدا. فرمود: هرزه گویی که زیاد لعن کند که چون نزد چنین کسی از مؤمنان یاد شود، به ایشان لعنت فرستد، و چون او را یاد کنند، به او لعن کنند». شاهد دیگر بر آن نیز روایتی است که شیخ صدوق به سلسله سند خود از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده که در تفسیر فرمایش خدای عزّ و جلّ: (... وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)^{۳۰۹}؛ «و با مردم به زبان خوش سخن بگویید»، فرمود: «با مردم آن گونه سخن بگویید که دوست می دارید بدان گونه با شما سخن بگویند؛ زیرا خدا بنده ای را که به مردم بسیار نفرین می کند و ناسزا می گوید و با نیش و کنایه به مؤمنان سخن می گوید و فحش دهنده بی آبرویی که از ناسزا گفتن و ناسزا شنیدن باکی ندارد و گدایی که در درخواست کمک کردن، لجاجت و ستیز می کند، دشمن می دارد و بنده ای را دوست می دارد که با حیا، بردبار، پاکدامن و پارسا باشد».^{۳۱۰}

اما روایتی که در آن آمده است: «كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لِعَانِينَ شَتَامِينَ تَشْتُمُونَ وَتَتَبَرَّؤُونَ...»^{۳۱۱}؛ دوست ندارم برای شما که بسیار لعن کننده و دشنام دهنده باشید و پیوسته دشنام می دهید و بیزاری می جوئید...» تا پایان روایت که در آن نهی از اظهار لعن وارد شده؛ زیرا حجر بن عدی و عمر بن حمق شورش کرده بودند و آشکارا از اهل شام براءت می جستند و به آنها لعنت می کردند. امیرالمؤمنین

۳۰۹- سوره بقره: ۸۳.

۳۱۰- تحف العقول، ص ۳۱۰، ح ۶۷؛ امالی شیخ صدوق، ص ۳۲۶، ح ۵.

۳۱۱- واقعه صفین، ص ۱۰۲.

علی بن ابی طالب (علیه السلام) شخصی را نزد آنها فرستاد و به ایشان دستور داد تا از آن کار دست بکشند و در آن مورد بین آن دو نفر و آن حضرت گفتگویی صورت گرفت که در پایان، حضرت به ایشان فرمود: «دوست ندارم برای شما که...» و به خصوص اگر این نهی را به دقت بنگریم و اینکه آن در بردارنده براءت است که سخنی در وجوب آن نیست.

پس از آن آشکار می شود نهی که در آن باره وارد شده، در مورد اظهار و اعلان به آن در جلوی مردم است به ویژه در آن موقعیت خاص، و قوی ترین شاهد بر آن روایاتی است که در آنها نقل شده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به معاویه و پیروانش لعنت می کرد. پس ناگزیریم نهی آن حضرت در آنجا (به حجر بن عدی و عمرو بن حمق) را بر آن موقعیت خاص حمل کنیم تا بتوانیم جمع بین آن و آیات و روایاتی بنماییم که صحیح آنها بیش از حدّ تواتر است.

بررسی نسخه های خطی

زیارت عاشورا

نسخه خطی مصباح کبیر

نسخه خطی مصباح صغیر

اعتماد علما در بحث و فتاوی

شروح زیارت عاشورا

نسخ خطی که فرازهای لعن در آن ذکر شده است

بررسی نسخه های خطی

جهت بررسی نسخ خطی به پنج مورد اشاره می شود:

- 1- در خصوص نسخه خطی «مصباح کبیر» و نسخی که از آن موجود می باشد.
- 2- در خصوص نسخه خطی «مصباح صغیر» و نسخی که از آن موجود می باشد.
- 3- در مورد اعتماد علما در کتب و فتاویشان.
- 4- در خصوص شروحاتی که بر زیارت عاشورا تدوین شده است.
- 5- در خصوص نسخی که فرازهای لعن در آن ذکر نشده و علت عدم درج این فقرات در دعا.

در خصوص نسخه مصباح کبیر

کتاب مصباح کبیر شیخ طوسی (رحمه الله) از کتب ادعیه معروف است که زیارت عاشورا در این کتاب نقل شده است و نسخ خطی از مصباح متعجد کبیر (که به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) بر می گردد) وجود دارد که می توان ضمن تطبیق نسخ موجود با آن نسخه تمام فرازهای زیارت عاشورا را به اثبات رساند.

در اینجا به بعضی از نسخی که محل شاهد ما می باشد اشاره می شود تا ادعای ما در خصوص زیارت عاشورا را به اثبات رساند.

نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله)

این نسخه مهم ترین نسخه از مصباح کبیر می باشد به دلیل اینکه بین نسخه «مصباح الکبیر» و نسخه مرحوم «غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله)» طریق مشترک وجود دارد که به زمان خود شیخ طوسی (رحمه الله) بر می گردد و این مقابله نسخه با نسخه شیخ طوسی (رحمه الله) را مولی احمد بن حاجی محمد بشروی تونی (رحمه الله) ذکر نموده است که این مقابله مذکور در حقیقت به سه مقابله بر می گردد که آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.

مقابله اول: مقابله نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله) بر نسخه مرحوم حسن بن راشد (رحمه الله)، و این مقابله توسط مرحوم مولی احمد تونی (رحمه الله) صورت گرفته است.

مقابله دوم: مقابله نسخه مرحوم حسن بن راشد (رحمه الله) بر نسخه مرحوم علی بن احمد رمیلی (رحمه الله)، و نسخه مرحوم رمیلی (رحمه الله) مقابله شده بر نسخه مرحوم ابن سکون (رحمه الله)، و با ذکر این مقابله دوم روشن می شود که نسخه ابتدا توسط مرحوم حسن بن راشد بر نسخه مرحوم علی بن احمد رمیلی (رحمه الله) صورت گرفته و خود مرحوم علی بن احمد رمیلی (رحمه الله) نسخه خود را با نسخه مرحوم ابن سکون (رحمه الله) مقابله نموده است.

مقابله سوم: نسخه مرحوم حسن بن راشد (رحمه الله) بر نسخه های متعدده؛ از جمله مقابله نموده با نسخه مرحوم ابن ادريس (رحمه الله) و نسخه مرحوم ابن ادريس (رحمه الله) مقابله شده با نسخه مصنف مرحوم شیخ طوسی (رحمه الله)، و

مقابله کننده اول، عماد الدین شریف استرآبادی (رحمه الله) است و مقابله کننده دوم، مرحوم ابن ادريس (رحمه الله) است.

بعد از بررسی سلسله مقابله های که صورت گرفته به این نتیجه می رسیم که نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله) به نسخه مرحوم شیخ طوسی (رحمه الله) از نظر سند متصل است و می توان به صحت نسخه غیاث الدین استرآبادی پی برد. مقابله صورت گرفته با بررسی مقابله هایی که صورت گرفته اند بدین شرح می باشد: مرحوم غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله) مقابله کرده نسخه خود را بر نسخه مرحوم حسن بن راشد (رحمه الله) و مرحوم حسن بن راشد (رحمه الله) مقابله کرده نسخه خود را بر نسخه مرحوم علی بن احمد الرمیلی (رحمه الله) و مرحوم علی بن احمد الرمیلی (رحمه الله) نسخه خود را مقابله کرده بر نسخه مرحوم ابن سکون (رحمه الله) و مرحوم ابن سکون (رحمه الله) نسخه خود را مقابله کرده با نسخه مرحوم شیخ طوسی (رحمه الله) نسخه حسن بن راشد با نسخ مختلفی مقابله شده است از جمله آن مقابله ها، مقابله نسخه حسن بن راشد (رحمه الله) با نسخه ابن ادريس است که نسخه ابن ادريس به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) می رسد.

صفحه اول از نسخه غياث الدين

صفحه زیارت در نسخه غیاث الدین

صفحه دیگر از نسخه غیاث الدین

تذکری در خصوص نسخه غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله)

این نسخه بنابر آنچه که گذشت:

- 1- نسخه توسط خود غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله) کپی شده است.
- 2- این نسخه طبق اجازه ای که بر آن ثبت شده است، یکی از شاگردان استرآبادی این نسخه را برایشان قرائت کرده است.
- 3- این نسخه با دقت از نسخه شیخ طوسی (رحمه الله) کپی گرفته شده است.
- 4- بنابر یادداشتی که بر نسخه استرآبادی (رحمه الله) وجود دارد، دو بار با نسخه اصلی تطبیق شده است.

اجازات که بر روی نسخه غیاث الدین (رحمه الله) وجود دارد به زمان خود مؤلف شیخ طوسی (رحمه الله) می رسد و اینگونه در نسخه ثبت شده است کاتب نسخه غیاث الدین بن شمس الدین نجم استرآبادی (رحمه الله) و کپی این نسخه در 15 شعبان سال 912 هـ به اتمام رسیده است.

و در آخرین صفحه نسخه غیاث الدین (رحمه الله) دارد:

«فی يوم الخمس خامس عشر من شهر شعبان المعظم المنتظم فی سلک شهر سنة اثنی عشر وتسعمائة هجرية بنبوية علی صاحبه الصلوات النامیات رب کما وفقتنی لاتمامه وفقتنی للتحلی بما فيه ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم وارحم عبد آقا... و انا العبد... غیاث الدین بن شمس الدین».

در آخر نسخه غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله)، احمد بن حاجی محمد معروف به تونی در حاشیه مطلبی دارد که دال بر اعتبار این نسخه است.

تونى (رحمه الله) در حاشيه ذكر كرده است كه اين نسخه را مكرر بر طبق نسخه هاى مختلف تصحيح كرده است و نسخى كه از روى آن تصحيح صورت گرفته به زمان شيخ طوسى (رحمه الله) مى رسد.

مرحوم تونى (رحمه الله) در حاشيه اينگونه مى گويد:

(بلغت المقابلة بنسخة مصححة وقد بذلنا الجهد فى تصحيح وإصلاح ما وجد فيه من الغلط إلا ما زاغ عنه البصر وحسر عنه النظر).

يعنى نسخه خود را با نسخه مصححه مقابله كرده و در آن تلاش كردم كه اشتباه را از نسخه ام زائل كنم مگر آنكه چشم به خطا رفته باشد.

حسن بن راشد در حاشيه ديگر نسخه غياث الدين (رحمه الله) ذكر مى كند:

[بلغت مقابلته بنسخة مصححة بخط على بن أحمد المعروف بالرميلي، ذكر أنه نقل نسخته تلك من خط على بن محمد السكون وقابلها بها بالمشهد المقدس الحائري الحسيني سلام الله عليه، وكان ذلك فى سابع شعبان المعظم عمت ميامنه من سنة ثلاثين وثمانمئة كتبه الفقير إلى الله حسن بن راشد].

يعنى نسخه خود را با نسخه اى به خط على بن احمد معروف به رميلى (رحمه الله) مقابله كرده ام و مرحوم رميلى (رحمه الله) گفته كه نسخه خود را با نسخه على بن محمد سكون (رحمه الله) در كربلاى معلى در 7 شعبان سال 830 هـ. ق مقابله كرده ام.

و همچنین در حاشیه دیگر از نسخه غیاث الدین (رحمه الله) مرحوم حسن بن راشد (رحمه الله) می گوید: [بلغت المقابلة بنسخ متعددة صحيحة وذلك في شهر شعبان من سنة إحدى وسبعين وتسعمائة، و كان واحد من النسخ بخط الشيخ العالم الفاضل محمد بن إدريس العجلي صاحب كتاب (السرائر)].

یعنی من نسخه خود را با نسخ متعدد در شعبان سال 971 هـ. ق مقابله کردم و یکی از نسخ، نسخه شیخ ابن ادريس (رحمه الله) می باشد. (لازم به تذکر است که نسخه ابن ادريس به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) بر می گردد) و در آخر نسخه خود ابن ادريس (رحمه الله) دارد:

[فرغ من نقله و کتابته محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس بن الحسين بن القاسم بن عيسى العجلي في جمادى الأولى سنة سبعين وخمسمائة (خلده الله تعالى) وعرض هذا الكتاب بالأصل المسطور بخط المنصف (رحمه الله)، وبذلت فيه وسعي ومجهودى إلا ما زاغ عنه نظرى وحسر عنه بصرى، والله الله من غير فيه شيئاً أو بدل وتعاطى ما ليس فيه فانه أقسم عليه بحق الله سبحانه ومحمد (صلى الله عليه وآله) أن يغير فيه حرفاً أو يبدل فيه لفظاً من إعراب وغيره، و رحم الله من نظر فيه و دعا له وللمؤمنين بالغفران].

یعنی: من نسخه خود را در سال 570 هـ. ق به پایان رساندم و آن را با نسخه مؤلف (شیخ طوسی (رحمه الله)) مقابله کردم. در آخر نسخه استرآبادی (رحمه الله) می گوید:

... وكتب العبد الأقل عماد الدين على الشريف القارى الاستربادى فى السنة المذكورة. ونحن حين قابلناه بذلك الأصل كان معنا مختصر المصباح بخط العالم العابد الورع على بن محمد بن محمد بن على بن السكون الحلى (رحمه الله) فكلما كتبنا عليه بخطهما فالمراد ابن السكون وابن إدريس.

وكان الفراغ منها فى أوائل شهر محرم الحرام من شهور سنة ثمان وستين بعد الألف من الهجرة النبوية عليه الصلاة والتحية.

و در آخر این نسخه مرحوم استرآبادى مى گوید: نسخه خود را با نسخه اصل ابن سکون و ابن ادريس الحلى تطبيق نموده و نسخه خود را در اوائل محرم الحرام سال 1068 هـ. ق به پایان رساندم.

نسخه ابن ابی الجود

این نسخه یکی از مهم ترین نسخ «مصابح الکبیر» است و صحیح ترین نسخه موجود می باشد و به واسطه اجازه ای که در این کتاب موجود است زمان آن به شیخ طوسی (رحمه الله) می رسد، اجازه را مرحوم سید حیدر حسینی (رحمه الله) به مرحوم ربیب الدین ابن ابی الجود (رحمه الله) داده است و خود مرحوم سید حسینی (رحمه الله) اجازه را از استادش مرحوم ابن شهر آشوب (رحمه الله) گرفته است (صاحب کتاب معالم العلماء) و خود مرحوم ابن شهر آشوب (رحمه الله) از جدش و استادش مرحوم شهر آشوب سروی اجازه داشته و مرحوم شهر آشوب سروی (رحمه الله) از استادش مرحوم شیخ طوسی (رحمه الله) مجاز بوده است. با توجه به مطلب فوق و سلسله اجازات مذکور بر متبّع منصف ظاهر می شود که نسخه مرحوم ابن ابی الجود (رحمه الله) به زمان شیخ طوسی بر می گردد که نسخه کپی جلد اول آن موجود می باشد. این نسخه در حال حاضر در مرکز بزرگ مخطوطات دارالصدیقه الشهیده (علیها السلام) نگهداری می شود و نسخه دیگری در مکتبه آیت الله نجفی مرعشی (رحمه الله) می باشد که مشهور است که نسخه مرحوم ابن ابی جارود (رحمه الله) است ولیکن بعد از تتبع، بر ما روشن شد که نسخه متأخر بوده و نسخه اصلی نمی باشد؛ بلکه نسخه ای است که از روی نسخه ابنی جود (رحمه الله) کپی گرفته شده است. لازم به تذکر است نسخه ای که مربوط به ابنی جود (رحمه الله) و نسخه اصل است، به تاریخ 627 هـ. ق بر می گردد و اجازه مرحوم حیدر حسینی (رحمه الله) که بر روی نسخه حک شده، سال 629 هـ. ق

می باشد، روشن می شود که سید حیدر حسینی (رحمه الله) بعد از کپی گرفتن از نسخه اصلی ابی جود (رحمه الله) آن را به ابی جود (رحمه الله) نشان داده شده و ابی جود (رحمه الله) اجازه را بر آن ثبت کرده است و نسخه موجود نسخه اصلی ابی جود (رحمه الله) نمی باشد بلکه کپی آن است که توسط سید حیدر حسینی (رحمه الله) نوشته شده است.

این نسخه خطی فعلاً در کتابخانه دار الصدیقه الشهیده (علیها السلام) نگهداری می شود.

صفحه ای که اجازه سید حیدر حسین به واسطه ابی جود بر آن حک شده است

صفحه اول از نسخه ابی جود

صفحه دیگر از نسخه ابی جود

تأیید بر نسخه غیاث الدین (رحمه الله) و ابن ابی جود (رحمه الله)

پنج نسخه وجود دارد که می توانند تأیید بر نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله) و نسخه مرحوم ابن ابی جود (رحمه الله) باشند که آن نسخه ها عبارتند از:

1- نسخه مرحوم رقی (رحمه الله)

2- نسخه مرحوم نهاری (رحمه الله)

3- نسخه مرحوم محمد فاضل التونی (رحمه الله)

4- نسخه الانصاری (رحمه الله)

نسخ خطی آن زمان با توجه زمان تقیه و مشکلاتی که شیعیان داشتند به شکل های مختلف نگاشته می شد که با الهام گیری از «مصباح کبیر» دست به دست رد و بدل می شد. و بعضی از نسخ، مانند نسخه مرحوم فاضل تونی (رحمه الله) و نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی (رحمه الله)، نسخه خواجه شیر احمد و ... فقرات فصول سه گانه که شامل لعن (اللهم العن اول ظالم...) و سلام (السلام عليك يا ابا عبدالله) و (اللهم خص انت اول ظالم...) می باشد در حاشیه کتاب ذکر شده است که این خود دال بر سخت گیری بر شیعیان و ملاحظه امور در آن دوران بوده است و هرکس به نسخ موجود آن زمان نظر کرد پی می برد که شیعیان با توجه به تقیه و فشاری که داشتند به هر نحو ممکن می خواستند این زیارت مبارکه به دست افراد برسد و هرچند مجبور شوند فرازی از آن را حذف نمایند که رعایت تقیه در بعضی از نسخ خطی به وضوح مشاهده می شود.

نسخه رقی

کاتب محمد بن یوسف بن محمود الرقی با نسخ معرب خوب. قبل از شروع کتاب و بسمله صیغه وقفنامه روی کتاب به خط نستعلیق دیده می شود که در آن گفته شده: «بنا به وصیت میرزا محمد داودی این کتاب وقف شیعیان علی بن ابی طالب (علیه السلام) گردیده که از آن مستفیض شوند و از شهر مقدس بیرون نبرند». تاریخ وقفنامه 1241 هجری است.

متن کتاب با جمله زیر پایان می یابد:

«وقد تم تحریره فی الرابع من شهر رجب المرجب من شهر سنة تسعه وتسعين بعد الف علی ید اقل العباد عملاً واكثرهم زللاً المحتاج الی ربه الودود محمد بن یوسف بن محمود الرقی مولداً والمشهدی مسکناً الحمد لله اولاً وآخراً وباطناً اللهم وفقنا للعمل به وصل علی محمد و آله».

پس از جمله بالا با خط نستعلیق و با زبان عربی محمد بن یوسف می نویسد که: «این نسخه با نسخه ای که به خط علی بن احمد معروف به رمیلی مقابله شده و نسخه رمیلی با نسخه ابن سکون مقابله شده است و نسخه خط رمیلی با نسخه نوشته شده مقابله گردیده و نسخه مسکون که از طرف الحسن بن راشد نوشته شده با چند نسخه دیگر در شعبان سنه 971 مقابله شده است که یکی از این نسخه ها به خط علامه محمد بن ادريس حلی صاحب کتاب «السرائر» بوده که در آخر آن نوشته شده: محمد بن منصور بن احمد بن ادريس بن الحسين بن

قاسم بن عیسیٰ عجللی در جمادی الاولی سنه 570 آن را نوشته است، و این نسخه با نسخه اصل که به خط مؤلف بوده در سال 573 مقابله گردیده، نسخه معتبر و پاکیزه است.^{۳۱۲}

۳۱۲- کتابخانه ملک تهران، به شماره 1256، تاریخ کتاب 1099 هجری دارای 239 برگ یعنی 478 صفحه 21 سطری خط نسخ معرب خوب کاغذ ترمه، قطع 2/19 سانتیمتر عرض و 25 سانتیمتر طول در بعضی صفحات کتاب حواشی وجود دارد.

صفحه اول نسخه رقی که عبارت وقف نقش بسته است

صفحه زیارت عاشورا

فرازهای لعن در زیارت عاشورا

صفحه دیگر از نسخه رقی

صفحه آخر کتاب نسخه رقی و عبارت های مقابله نسخه با نسخه های مختلف

نسخه محمد صالح نهاری (رحمه الله)

این نسخه بنابر حاشیه ای که در آن وجود دارد به تاریخ 1062 بر می گردد و با نسخه مولی عبدالله تونی الشبروی (صاحب وافیة در علم الاصول متوفی سنه 1071 هـ) مقابله شده است.

و در حاشیه کتاب محمد صالح النهاری (رحمه الله) این گونه می نویسد: «قد حرر ونقل هذا الكتاب عن النسخة المولى الالمعى أفضل الفضلاء وأصلح الصلحاء استادی مجتهد الربانی مولانا عبدالله التونی أدام الله فضله ونسله.

تاریخ کتابتها سنة ثلاثة وخمسين وتسعمائة وعليها بخطه سلمه الله ما صورته قد وقع الفراغ من مقابلة هذه النسخة الشريفة حادی عشر شهر شعبان المعظم من سنة سبع وخمسين بعد الألف من الهجرة النبوية عليه أفضل الصلاة والتحية وأنا أفقر الفقراء إلى الله ابن حاجی محمد التبردی الخراسانی عبدالله وقد كانت النسخة التي قبلت معها نسخة عتيقة تاريخ کتابتها سنة اثنين وثلاثين وسبعمائة وعليها مكتوب ما صورته قابلت هذا المصباح في الحلة في مقام مولانا جعفر الصادق (رحمه الله) مع نسخة الأصل الذي هي بخط مصنفه (رحمه الله) وأنا الفقير عبدالرحمن بن محمد الجزائري غفر الله ذنوبهما».

فاضل تونی خبر می دهد که مقابله و کپی نسخه ای به سال 732 هـ بر می گردد و نسخه اصلی متعلق به عبدالرحمن بن محمد جزائری است که مقابله

شده است با نسخه اصلی مؤلف مصباح المتهجد (شیخ طوسی (رحمه الله)) و این مقابله در حله در کنار مقام امام صادق (رحمه الله) صورت گرفته است. و همچنین در حاشیه نسخه النهاری دارد:

«وعليه أيضاً بلغ مقابله بنسخة مصححه منقوله عنها في مجالس متعددة آخرها سادس شهر محرم الحرام من شهور سنة... وستين وتسعمائة من الهجرة النبوية عليه افضل الصلاة والتحية وصح إلا ما زاغ عنه البصر وحسر عنه النظر والحمد لله وحده... كتب الحواشي على هذا الكتاب الشريف العزيز في مشهد سيدنا ومولانا أمير المؤمنين (عليه السلام)».

یعنی: نسخه تونی که النهاری از آن کپی گرفته است مقابله دیگری با نسخه های مختلف شده است که آخرین مقابله سال 963 هـ صورت گرفته است.

و همچنین در حاشیه نسخه النهاری دارد:

«وبلغ مقابلة بنسخة مصححة... مصنفه رحمه الله عليه العبد عبدالعلي الكليني الحلّي وعليه أيضاً خط الشهيد الثاني في أول عمل شهر رمضان وقد كتب صورة هذا... هذا كله صورة خطه حفظه الله وسلمه. انتهى ما كتب بالحاشية من أسفل».

که ذکر کرده است فاضل تونی مقابله دیگری غیر از دو مقابله قبل و آن مقابله را عبدالعلی کلینی حلی صورت داده است.

و تونی ذکر می کند که نسخه ای که از آن کپی گرفته است به سال 732 هـ بر می گردد و خط ثانی که به نظر می آید حواشی از شهید ثانی برای اعمال شهر رمضان باشد. نهاری بعد از ذکر مقابله های تونی می گوید: با توجه به اعتماد به این نسخه، نسخه خود را از او کپی گرفته است.

و در حاشیه کتاب خود اینگونه می گوید:

«قد وفقنی الله تبارک و تعالی علی مقابلة هذا الكتاب وتصحيحه وإصلاحه مع المنتسخ المذكور فی الحاشية ومع الحواشی المسطورة فی هامشه بقدر الجهد والطاقة إلا ما زاغ علیه البصر وحسر عنه النظر والحمد لله كثيراً وسبحان الله بكرة واصیلاً وصلواته علی أشرف انبیائه وخیر جمیع خلقه عبده... وصفیه محمد المصطفی وآله مصابیح الدجی وسلم كثيراً الضعیف ومحمد صالح بن خان أحمد عفی الله عنهما بمحمد وآله سنة 1062 هـ.»

یعنی: خداوند به من توفیق داد که این نسخه را مقابله و تصحیح و اصطلاح کنم... با توجه به تمام حواشی ای که در نسخه موجود است تمام توان خود را به کار گرفتم که چیزی از نظر پنهان نماند ولیکن ممکن است بعضی از موارد از دیدگان من دور مانده باشند و حمد می کنم خدا را و تسبیح می گویم او را... و محمد بن صالح بن خان احمد که خدا رحمتش کند و از گناهانش درگذرد به حق محمد و آل محمد سال 1062 هـ. ق.

نسخه انهارى كه در حاشيه آن مقابله ها ذكر شده است

تأکید مؤلف بر تصحیح نسخه و مقابله آن با نسخ معتبر

نسخه بخشی التونی (رحمه الله)

این نسخه حسب ظاهر که بر روی نسخه ذکر شده است با نسخه ابن ادريس (رحمه الله) مباشرتاً يا به واسطه نسخه ديگر مقابله شده است. این نسخه در سال 899 هـ کپی برداری شده است و مقابلات و تصحیحات متعدد بر روی این نسخه وجود دارد از جمله تصحیحات ناسخ و فرزند و چند نفر از علماء و این نسخه را شیخ کمال بن بخشی بن محمد تونی بر محقق کرکی خوانده است.

خصوصیات نسخه

- 1- تاریخ نسخ معلوم است.
 - 2- قرائت نسخه بر محقق کرکی
- این نسخه جزء کتب خطی دانشگاه تهران می باشد.

صفحه ای از نسخه بخشی التونی و ذکر می کند در حاشیه مقابله با او نسخه

صفحه دیگر از نسخه تونی که حاشیه متفاوت بر آن نقش بسته است

صفحه زیارت عاشورا در نسخه تونی

نسخه انصاری (رحمه الله)

این نسخه بنابر آنچه بر ظاهر نسخه درج شده است، مقابله شده است با نسخه غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله) (قبلاً مقابلاتی که بر نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله) صورت گرفته ذکر شد)، و آن توسط محمد یونس بن محمد خان الهمدانی در سال 1115 هـ و همچنین این نسخه توسط شیخ اسماعیل انصاری زنجانى با 5 نسخ دیگر مقابله شده است و این کار در سال 1401 هـ صورت گرفته است.

- 1- نسخه عالم بزرگ حاج شیخ عبدالحسن و آن نسخه خود تصحیح شده بود با نسخه ابن ادريس و السکون.
- 2- نسخه سید جلیل میرزا عبدالحسین یزدی و تصحیح شده بود این نسخه به ابن ادريس و السکون.

3- نسخه نقاش الرازی (در مورد آن در این کتاب مفصل بحث شده است).

4- با نسخه ای که ادعی شده، نسخه قدیمی است مقابله شده است.

صفحه ای از نسخه انصاری که تاریخ مقابله ذکر شده است

صفحه دیگر از نسخه انصاری

صفحه زیارت عاشورا و فرازهای لعن

در خصوص نسخه خطی مصباح صغیر

مرحوم شیخ طوسی (رحمه الله) «مصباح صغیر» را تألیف نمود تا نسبت به مصباح کبیر مختصر باشد و چون در آن زمان اختصار مرغوب بود و همچنین زمان اقتضا می کرد کتابی نسبت به «مصباح کبیر» تدوین شود که به اهم مطالب اشاره کرده باشد و حمل آن آسان باشد و راحت تر در دسترس قرار گیرد و این قاعده متداول بوده و هست. اگر به کتاب «مفاتیح الجنان» نظر شود می بینید که بعضی کتب تدوین شده اند در این زمان به عنوان مختصر یا منتخب مفاتیح الجنان به چاپ رسیده است. اقتضا داشت که کتاب «مصباح کبیر» به صورت خلاصه تدوین شود تا اهم مطالب در آن تدوین شود. بر این اساس، کتاب «مصباح صغیر» تدوین و در اختیار مؤمنین قرار گرفت و کتاب مصباح صغیر مورد رجوع علما قرار گرفت و از آن نقل قول کرده اند، که می توان از جمله به نسخه سید بن طاووس (رحمه الله) اشاره کرد که در کتاب «مصباح زائر» به کتاب «مصباح صغیر» استناد کرده است.

نسخه خطی موجود از مصباح صغیر به شرح زیر می باشد:

- 1- نسخه خطی مرحوم ابن علقمی (رحمه الله)
- 2- نسخه خطی مرحوم طبسی مشهدی (رحمه الله)
- 3- نسخه خطی مرحوم ابن زنبور (رحمه الله)
- 4- نسخه خطی مکتبه آیت الله گلپایگانی (رحمه الله)

5- نسخه خطی مکتبه آیت الله نجفی مرعشی (رحمه الله)

نسخه خطی مرحوم محمد بن احمد بن علقمی (رحمه الله)

این نسخه از اقدم نسخ موجود از «مختصر المصباح» می باشد و این نسخه به مرحوم شیخ محمد بن احمد بن العلقمی (رحمه الله) نسبت داده می شود.

این نسخه هم اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران به شماره سند 86589 نگهداری می شود و تاریخ آن به سال 578 هـ. ق بر می گردد و این نسخه از جهت وضوح خط و حواشی که بعضی از بزرگان از جمله مرحوم شهید اول محمد بن مکی (رحمه الله)، شهید ثانی مرحوم زین الدین (رحمه الله) و مرحوم علامه مجلسی (رحمه الله) بر آن، از امتیاز خاصی برخوردار است.

این نسخه فقط می تواند یک مؤید قوی برای نسخ معتبره باشد و این نسخه به واسطه تقیه در آن دست کاری شده است که با مشاهده اصل نسخه می توان به این حقیقت پی برد که فرازهای زیارت عاشوراً کاملاً در این نسخه بوده ولیکن بعضی از فرازها به خاطر رعایت تقیه محو شده است.

عكس صفحه شناسائی

جلد کتاب

صفحه اول از زیارت

صفحه دوم از زیارت

و کلمات دیگر جای گرفته است

آخرین صفحه نسخه که تاریخ آن ذکر شده است

سه فصل مورد بحث در این کتاب عبارتند از:

فصل اول: اَللّٰهُمَّ الْعَنُ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاٰخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلٰى ذٰلِكَ، اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتْ الْحُسَيْنَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلٰى قَتْلِهِ، اَللّٰهُمَّ الْعَنُھُمْ جَمِيعًا .

فصل دوم: اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِاللهِ وَعَلٰی الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَیْكَ مِنْنِیْ سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا بَقِیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْنِیْ لِزِیَارَتِکُمْ، اَلْسَّلَامُ عَلٰی الْحُسَيْنِ وَعَلٰی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلٰی اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلٰی اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ .

فصل سوم: اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنْنِیْ وَاَبْدًا بِهِ الْاَوَّلُ ثُمَّ الْثَانِیَ وَالثَّلَاثَ وَالرَّابِعَ، اَللّٰهُمَّ الْعَنُ یَزِیدَ خَامِسًا، وَالْعَنُ عُبَیْدُاللهِ بْنِ زِیَادٍ وَاَبْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ اَبِی سَفْیَانَ وَآلَ زِیَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ اِلٰی یَوْمِ الْقِیَامَةِ .

فصل ثالث از زیارت عاشورا در نسخه علقمی محو شده است ولیکن به وضوح روشن است که این فقره در نسخه بوده لکن به دلیل شدت تقیه محو شده است و بعدها به خاطر تملیک نسخه و یا خفت تقیه به این نسخه اضافه شده است.

نسخه مرحوم محمد بن علی طبسی (رحمه الله)

این نسخه هم اکنون در مکتبه مرحوم آیت الله حکیم (رحمه الله) در نجف اشرف نگهداری می شود و در قرن 11 در 5 شوال سال 1081 هـ. ق توسط مرحوم محمد بن علی بن محمد بن محمود طبسی (رحمه الله) نگاشته شده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی (رحمه الله)، مرحوم شیخ محمد بن علی طبسی (رحمه الله) را از طبقات اعلام شیعه ذکر کرده و از او به عالم فاضل تعبیر نموده است.^{۳۱۳} بعد از بررسی این نسخه خطی پی می بریم که مرحوم محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی (رحمه الله) نسخه را با نسخه ابی سکون (رحمه الله) مقابله کرده است. این مقابله در اواسط ذی الحجه سنه 1081 هـ. ق صورت گرفته است. و مرحوم محمد فاضل مشهدی (رحمه الله) از اعلام قرن 11 می باشد که بعضی از فقهاء، از او به فقیه امامی، محدث و شاعر تعبیر نموده اند و از شاگردان مرحوم حر عاملی (رحمه الله) می باشد.^{۳۱۴} و این نص مقابله ای است که در این نسخه ذکر شده است:

«الحمد لله موفق الخیرات و مجیب الدعوات والصلاة علی محمد وآله شفیعی الخطیئات والسیئات، فقد بلغت مقابلة هذا الكتاب وتصحيحه من أوله إلى هنا بنسخ صحيحة بقدر الوسع والطاقة، منها نسخة كانت بخط الشيخ الفقيه العابد الزاهد الورع

۳۱۳- طبقات اعلام الشیعه، ج 5، ص 527.

۳۱۴- طبقات فقهاء، ج 12، ص 39، ترجمه 3875.

علی بن محمد بن محمد بن علی بن السکون طاب ثراه، وکتبت فی سنة ثمان و خمسين و خمسمائة، وبالغت فی مطابقتها لها و تصحیحه منها، و مع ذلك فسهو القلم و طغیان البصر من عوارض ذات البشر، و كان ذلك فی أواسط شهر ذی الحجة من سنة إحدى وثمانین بعد الألف من الهجرة، و أنا العبد الفیر إلى الله الغنی فاضل بن محمد مهدی المشهدی، فرحم الله من إذا نظر فیہ أو عمل بما تضمنه دعانی [دعا لی بالرحمة المغفرة والرضوان].

محمد بن فاضل مشهدی می گوید: من این نسخه را با نسخه ابن سکون (رحمه الله) که قدمت نسخه به سال 558 هـ. ق می رسد در سال 1081 هـ. ق نیمه ذی الحجة مقابله کردم.

و خود مرحوم محمد علی طبسی (رحمه الله) در پایان نسخه خود می گوید: «تم الكتاب والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین، اتفق الفراغ من نسخة أصیل الثلاثاء الخامس من شهر شوال من سنة إحدى وثمانین بعد الألف من الهجرة النبویة بید الفقیر إلى الله الغنی محمد علی الطبسی». فارغ شدم از کتابت این نسخه سه شنبه 5 شهر شوال سنه 1081 بعد از هجرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله).

و بعد از مراجعه به نسخه مرحوم محمد علی طبسی (رحمه الله) مشاهده می شود بعضی تصحیحات نسخه طبسی (رحمه الله) به واسطه نسخه محمد فاضل

مشهدی (رحمه الله) صورت گرفته، که خود مشهدی (رحمه الله) نسخه خود را با نسخه سکون (رحمه الله) مقابله نموده است.

مشهدی در صفحه اول از مخطوطه خود می گوید:

«ما أدرجته في هذا الكتاب من الأدعية المهمة التي لم ينقلها الشيخ المصنف (قدس الله روحه) فيه ونقلها في المصباح المتهجد.

منها دعاء علي بن الحسين (عليه السلام) من أدعية الصحيفة في يومی الجمعة والأضحی، ومنها دعاء مروی عن أبي جعفر (عليه السلام) في يوم الجمعة بعد الظهر.

ومنها دعاء السحر لأبي حمزة الثمالي مروی عن علي بن الحسين سيد العابدين (عليه السلام) في شهر رمضان.

وأحمد الله الذي وفقني لاستكتابه ومقابلته، وأسأله أن يوفقني لطاعته وعبادته بحق محمد و آله مبلغی شريعته ومالکی طريقته، وأنا العبد الجاني الفاني محمد فاضل بن محمد مهدی المشهدی».

يعنی بعضی از ادعیه مهم که در مصباح کبیر شیخ طوسی (رحمه الله) ذکر کرده است و در مصباح صغیر آن را حذف نموده در نسخه خود ذکر کرده ام. سپس مرحوم مشهدی (رحمه الله) به موارد دعاهاى که ذکر کرده است اشاره می کند.

مشاهده می شود

صفحه اول از نسخه

صفحه اول از شرح زیارت

صفحه اول زیارت عاشورا

صفحه مشتمل بر فصل ثلاثه

صفحه مشتمل بر فصول ثلاثه

نسخه مرحوم ابن ابی زنبور (رحمه الله)

بعد از بررسی نسخه های موجود در کتابخانه «ثامن الحجج» حضرت امام رضا (علیه السلام) در مشهد مقدس به شماره 9607، این گونه به دست می آید که مرحوم حسن بن ابی جود (رحمه الله) نسخه «مصباح صغیر» را بر شیخ مرحوم خودش عماد الدین ابوالرضا احمد بن علی بن ابی زنبور (رحمه الله) خوانده است و این مقابله در سال 607 صورت گرفته که نص این گونه آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، يقول أصغر عباد الله تعالى وأضعف خلقه وأحوجهم إلى عفوهِ وتجاوزهِ، الحسن بن محمد بن يحيى بن علي بن أبي الجود، عفى الله عنه ورحمه، قرأت مختصر مصباح المتعبد علي شيخی العالم عماد الدين أبي الرضا أحمد بن علي بن... ابن أبي زنبور (قدس سره)، في سنة سبع وستمئة، وأخبرني أنه قراه علي شيخه رشيد الدين أبي جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب، فأخبره به عن جده شهر آشوب بن أبي نصر بن أبي الجيش المازندراني، عن مؤلفه الشيخ السعيد أبي جعفر الطوسي (قدس سره)، والحمد لله رب العالمين والصلوات خلقه سده الحمد نبي الرحمة واله الطاهرين».

يعني حسن بن جود در سال در سال 607 نسخه مصباح صغیر را بر شیخ خودش مرحوم بن ابی زنبور (رحمه الله) خوانده و شیخ ابی رضا احمد بن علی بن ابن ابی زنبور (رحمه الله) نسخه را بر شیخ رشید الدین ابی جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب خوانده و ابن شهر آشوب (رحمه الله) می گوید جدّم شهر آشوب بن

ابی نصر بن ابی جیش مازندرانی این نسخه را از شیخ طوسی (رحمه الله) نقل می کند.

لازم به ذکر است که نسخه ناقص می باشد و بعضی از فرازهای دعاهاى مختلف ذکر شده است. از جمله اینکه در «اللهم العن اول ظالم» دارد: «اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آخر تابع له على ذلك اللهم العن العصاة التي جاهدت الحسين و شایعت و بايعت على قتله اللهم اجعل لعنتك وبأسك ونقمتك عليهم اللهم العنهم جميعا (يقول ذلك مائة مرة)».

و در فصل سلام دارد: «السلام عليك يا ابا عبدالله و على الارواح... السلام على الحسن والحسين و على على بن الحسين و على اصحاب الحسين (يقول ذلك مائة مرة)».

و در فصل سوم «اللهم خص» دارد: «اللهم خص انت اول ظالم بالعن منى وابدأ به اولاً والعن عبيدالله بن زياد وابن مرجانة و عمر بن سعد وشمرا و آل ابى سفيان و آل زياد و آل مروان الى يوم القيامة» و در این فراز «ثم الثانى والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامساً» حذف شده است و ثبت فصل سوم به صورت موجود در نسخه، دال بر مراعات تقيه بوده است.

شماره نسخه در کتابخانه آستان قدس

صفحه نهایی نسخه و ابتدای دعای ابو حمزه

نهایت دعا با اسم کاتب دعا

صفحه ای که قرائت را بر آن نوشته است

صفحه اول از نسخه

صفحه اول از زیارت

صفحه مشتمل بر فصل لعن

فصل اللهم خص و پایان زیارت

صفحه دیگر از زیارت که شامل فصل سلام و فصل اللهم خص و...

نتیجه:

این نسخه می تواند مؤید قوی برای سایر نسخه های موجود باشد. این نسخه مطابق است با نسخه «مصباح صغیر» و همچنین موافق است با نسخه «مصباح کبیر». مقابله های متعدد موجود در حواشی قابل توجه است، این نسخه با خط های متفاوت و افراد متعدد حاشیه زده شده است و از این تعلیق ها می توان نتیجه گرفت که این نسخه در دست افراد متعددی قرار گرفته است.

نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی (رحمه الله)

این نسخه در کتابخانه مرحوم آیت الله گلپایگانی (رحمه الله) می باشد که به شماره 41384 ثبت شده است. تاریخ کتابت این نسخه مشخص نیست اما از بعضی از قرائن استفاده می شود که نسخه توسط عده ای از متأخرین تدوین شده است ولیکن دارای مقابله ای است که می تواند مؤید برای سایر نسخ خطی باشد.

امتیازات نسخه

از خصوصیات ممیزه این نسخه آن است که بر روی آن مقابله و تصحیحات فراوانی انجام شده است که می توان به مقابله ای که با نسخه مرحوم ابن ادریس (رحمه الله) و مرحوم ابن السکون (رحمه الله) شده اشاره کرد. خبر مقابله این نسخه توسط مؤلف در نسخه مشاهده می شود. بعضی از تصحیحات نگاشته شده در این نسخه، توسط خود شخص مؤلف تدوین شده و بعضی دیگر از موارد تصحیح را از واسطه گرفته و در نسخه ثبت نموده است.

این نسخه خطی با نسخه خطی مرحوم ابن ادریس حلی (رحمه الله) مقابله شده که مؤلف اینگونه اشاره می کند: این نسخه با نسخه ای که با دست خط شیخ شیخ سعید محمد بن ادریس (رحمه الله) می باشد مقابله شده است.

متن زیارت عاشورا همراه با فصول سه گانه در این کتاب آمده است.

زكاة تصحيح شده است

در این صفحه مقابله با نسخه ابن سکون و ابن ادريس ذکر شده است

در دایره بالا دو مقطع مقابله اولی با نسخه سکون و ابن ادريس ذکر شده است

بين رفته است

صفحه شرح زیارت

صفحه ابتداء زيارت

صفحه دوم از زیارت

فصل سوم از زیارت

صفحه چهارم از زیارت و در این، ابتدا فصل لعن وجود دارد

صفحه دیگر از زیارت

نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی (رحمه الله)

نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی (رحمه الله) است که در کتابخانه دانشگاه تهران و در شماره 2353 نگهداری می شود.
و در آخر فرازهای زیارت دارد:

«ثم تقول: اللهم العن أول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد و آخر تابع له على ذلك اللهم العن العصاة التي جاهدت الحسين وشايعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا (تقول ذلك مائة مرة).

ثم تقول: السلام عليك يا ابا عبدالله وعلى الأرواح التي حلت بفنائك عليك منى سلام الله ما بقيت و بقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد منى لزيارتكم السلام على الحسين وعلى بن الحسين وعلى أولاد الحسين وعلى أصحاب الحسين (تقول ذلك مائة مرة).

ثم تقول: اللهم خص أنت اول ظالم باللعن وابدا به اولاً، اللهم العن يزيد بن معاوية والعن عبيدالله بن زياد وابن مرجانه و عمر بن سعد و شمراً و آل ابی سفيان و آل مروان إلى يوم القيامة».

و در حاشیه کتاب به خط دیگر اینگونه ذکر شده است: «اولاً ثم الثاني والثالث والرابع والعن يزيد خامساً» که همانگونه که بیان شد این تعلیقه ها و حاشیه ها بر اثر مرور زمان و تخفیف فشار بر شیعه به کتاب اضافه شده است.

صفحه ای از نسخه معین الدین اصفهانی

نسخه مرحوم عبدالسمیع (رحمه الله)

نسخه مرحوم عبدالسمیع (رحمه الله) به قرن 11 بر می گردد و در مکتبه مجلس شورای اسلامی تهران به شماره 13433 محافظت می شود و در تاریخ روز یکشنبه 16 ذی القعدة سال 1054 نوشته شده است.

نص زیارت بعد از لعن و سلام صد مرتبه دارد:

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن وبدأ به اللهم العن يزيد بن معاوية والعن عبيدالله بن زياد وابن مرجانة و عمر بن سعد و شمرا و آل ابي سفيان و آل زياد و آل مروان على يوم القيامة» ثم تسجد... و در حاشیه دارد: «اولاً ثم العن الثانى والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامساً».

و همان مطلب قبل در همین مقطع تکرار می گردد و جای شبهه نیست که بعدها نسخه طبق اصل موجود حاشیه زده شده است و حذف این فراز به خاطر شدت تقیه بوده است.

صفحه ای از نسخه مرحوم عبدالسمیع

صفحه زیارت عاشورا در نسخه مرحوم عبدالسمیع

نسخه مرحوم شاهرودی (رحمه الله)

این نسخه در آستان قدس رضوی نگهداری می شود و تاریخ آن شب 6 ربیع الثانی سنه 1126 هـ می باشد و نویسنده این نسخه مرحوم محمد جعفر بن حق نظر کلوری شاهرودی (رحمه الله) و از مقطع (اولاً ثم الثانی والثالث والرابع اللهم العن یزید خامساً) را در پرانتز ذکر کرده است، بعضی خواسته اند بدین جهت بهانه گرفته و بگویند در پرانتز ذکر کردن دال بر آن است که این مقطع در اصل کتاب مصباح المتعجل نبوده است. ذکر این مقطع در بین پرانتز دال بر آن است که این نسخه از نسخ کپی برداری شده است که در تقیه سخت نگاشته شده و مقطع در پرانتز را نداشته لذا کپی کننده برای حفظ امانت آن را در پرانتز ذکر کرده است.

نسخه مرحوم شمس الدین یزدی (رحمه الله)

این نسخه در مکتبه آیت الله بروجردی (رحمه الله) نگهداری می شود و به قرن 7 هجری بر می گردد و ظاهر این نسخه این است که یک نسخه ای وجود داشته که بعضی از اوراق آن از بین رفته بوده و مرحوم شمس الدین (رحمه الله) با استفاده از آن اوراق ناقص نسخه را کامل کرده است صفحه آخر این نسخه دال بر این مدعی می باشد.

آخرين صفحه نسخه مرحوم شمس الدين يزدي

نسخه ملا محمد جعفر

نسخه مذکور در مرکز احیاء التراث الاسلامی قم به شماره 3789 نگهداری می شود و مجموع اوراق آن 147 می باشد و تاریخ آن به محرم سال 1073 هـ بر می گردد و به احتمال زیاد مؤلف همان محمد جعفر معروف به ترک می باشد. این نسخه فرازهای سلام صد مرتبه و لعن صد مرتبه را دارد، فراز اللهم خص «اللهم العن اولاً ثم الثالث والثالث والرابع والعن یزید خامساً» را ندارد و به جای کلمه عبیدالله اشتباهاً عبدالله آورده شده و اینگونه ثبت شده است «اللهم خص انت اول ظالم عبدالله بن زیاد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان الی يوم القيامة».

در خصوص این نسخه نکاتی قابل دقت می باشد:

اولاً: در ایام شدت تقیه کپی شده لذا بعضی فرازهای دعا حذف شده است.
ثانیاً: نسخه ثبت شده بر اثر آنکه از نسخه کپی گرفته شده که با ظرف تقیه تدوین شده لذا با کپی گرفتن از عین آن نسخه موجود بعضی فرازها ذکر نشده است.

ثالثاً: با توجه به اینکه دأب این بوده که هنگام مقابله بعضی از اشخاص قرائت می کردند و دیگران آن را می نوشتند ممکن است شخصی که آن را قرائت کرده از نسخه ای قرائت کرده که این فراز به دلیل شدت تقیه قرائت نشده است لذا آنگونه کپی شده است، در هر حال وجود این نسخه موجب انکار یا تغییر زیارت عاشورا با توجه به قرائن موجود و شرایط سخت تقیه نمی شود.

نسخه کرکانی

نسخه دیگری با عنوان نسخه کرکانی در مرکز احیاء التراث الاسلامی در قم مقدس به شماره 322/3 وجود دارد که در ماه صفر سال 1123 هـ نوشته شده است و کاتب این نسخه معلوم نمی باشد ولیکن در سنین مختلف در دست بعضی قرار داشته که نام آنها بر روی این نسخه درج شده است.

در حاشیه کتاب ثبت شده که: فرهاد میرزا فرزند ولی عهد در سال 1281 هـ مالک آن بوده و در سال 1323 هـ کرکانی آن را تملیک کرده است و این کتاب با دعاهاى هفته شروع می شود و تمام فرازهای زیارت عاشورا در آن ذکر شده است الا فراز «ابدأ به اولاً ثم الثانى والثالث والرابع» که عدم ذکر این مقطع پر واضح است که مؤمنین با توجه به فشار و اختناق موجود سعی می کردند بهانه دست معاندین ندهند و بعضی از فرازها را حذف کرده تا بتوانند این زیارت را به آسانی در اختیار یکدیگر قرار دهند و حذف این فرازها چیزی از اصل زیارت عاشورا بر طبق نص موجود در مصباح المتعجل کم نمی کند.

و این اختلاف نسخ نه تنها در خصوص بعضی زیارات رخ می داده است بلکه احادیث متعدد صحیح موجود می باشد که علماء آن را حمل بر تقیه می کنند. خود مؤید این مدعى است که شیعه همواره با توصیه امام (علیه السلام) شرایط تقیه را مراعات می کردند. و یکی از مواردی که مورد تقیه بوده بعضی از فرازهای زیارت عاشورا بوده که با مراعات تقیه حذف می شده است.

و اگر به حاشیه این زیارت در این نسخه با دقت نظر شود مشاهده می شود کلمه «اولاً» از فراز «اللهم العن اولاً ثم الثانی...» در نسخه موجود می باشد و بقیه فرازها محو شده است و لذا این احتمال دارد که:

1- فرازهای زیارت عاشورا از جمله «اللهم العن اولاً ثم الثانی و...» در نسخه بوده ولیکن به خاطر شرایط تقیه محو شده و در این نسخه به وضوح مشاهده می شود که پاک شده است.

2- لفظ «اللهم العن اولاً ثم الثانی و...» بعدها به نسخه اضافه شده و دوباره به خاطر مراعات تقیه آن را محو کرده اند و لفظ اولاً خوب محو نشده است.

نسخه علاء بیک

یکی از نسخه ها نسخه علاء بیک می باشد که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره 3247 نگهداری می شود.

این نسخه در تاریخ 951 هـ ماه رجب کپی شده است و نویسنده آن محمد بن جلال الدین مشهور به علاء بیک (رحمه الله) است.

در متن زیارت فصل سوم از زیارت دارد:

«اللهم خص بالعن منی ابدأ به» و مقطع «اولاً ثم الثانی والثالث والرابع اللهم العن

یزید خامسا» در حاشیه ذکر شده است.

نسخه عبدالحی (رحمه الله)

این نسخه به قرن دهم بر می گردد که ناسخ آن سید عبدالحی (رحمه الله) می باشد و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (رحمه الله) نگهداری می شود که شماره آن 6716 می باشد، و در حاشیه بعد از ذکر صد لعن دارد: «و شایعت و تابعت علی قتله اللهم اجعل لعنتک وبأسک ونقمتک علیهم اللهم العنهم جميعاً...». ثم يقول: «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابدأ به اللهم العن یزید خامساً والعن عبیدالله بن زیاد...».

و در حاشیه نسخه با خط دیگر دارد «اولاً ثم الثانی والثالث والرابع...». این نسخه همانگونه که مشاهده می شود در خصوص کلمات اضافه شده در شایعت و تابعت علی... متعارف است و برای مبالغه در اظهار تنفر از معاندین اهل بیت (علیهم السلام) کلمات دیگری در نسخه اضافه شده است که ضرری به اصل زیارت نمی رسد و این امر هم اکنون هم متداول است که در حین دعا بعضی کلمات که دال بر ظلم معاندین است ذکر می شود و عدم ذکر اولاً ثم الثانی والثالث... بر می گردد بر همان حفاظتی که شیعه سعی بر آن داشته که آن را مراعات کند و بعدها به واسطه رفع تقیه یا خصوصی شدن نسخه این فرازها اضافه شده است.

نسخه ابن زنگی

این نسخه در قرن ششم کپی شده است و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (رحمه الله) نگهداری می شود و در شماره 14226 بایگانی شده است.

و بر روی این کتاب نام طفرلتین اتابک ابی المظفر مسعود بن مودود بن زنگی بن اقا سنقر نصیر امیرالمؤمنین نوشته شده است.

اما چرا این نسخه به ابن زنگی معروف شده است دقیقاً نمی توان جواب داد ولیکن بر حسب آنچه که آن زمان موسوم بوده، یک کتاب اگر در کتابخانه شخصی نگهداری می شده آن کتاب به آن شخص نسبت داده می شده، بعید نیست بدین گونه بوده است. در آخر این نسخه خطی اینگونه دارد:

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابدأ به اولاً ثم العن الثانی والثالث والرابع اللهم العن یزید خامس ظالم... تغییر جزئی در بعضی از فقرات دعا ضرری به اصل و اثبات آن نمی زند و گفتن العن یزید خامس ظالم یا یزید خامساً یک معنی است و اینگونه تغییر موجب اشکال نمی شود.

نسخه مرحوم فرخ

این نسخه متعلق است به فرخ بن عبدالله (رحمه الله) و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود و شماره آن ش 202 خ و در مشهد مقدس کتابت شده است.

و این نسخه شامل لعن و صلوات صد مرتبه می باشد و فصل سوم را اینگونه ثبت کرده است: «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منى وابدأ (به اولاً ثم العن الثانى والثالث والرابع) الى اللهم العن يزيد بن معاويه».

اعتماد علما به زیارت عاشورا

- کتاب مزار کبیر
- کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر
- کتاب فرحة الغری فی تعیین قبرامیرالمؤمنین (علیه السلام)
- منهاج الصلاح فی اختصار المصباح
- زیارت عاشورا در منهاج الصلاح
- مزار شهید اول
- حجة الامان الواقیة و جنة الایمان باقیة
- البلد الامین والدرع الحصین
- بحار الانوار

سزاوار است در این بخش از بحث، اشاره ای به اعتماد علما به صحت زیارت عاشورا، و نقل آن در کتب بعضی از اجلاء و بزرگان شود.

کتاب مزار کبیر (مزار بن المشهدی)

این زیارت مبارکه را مرحوم شیخ محمد بن جعفر مشهدی (رحمه الله) در کتاب «مزار» نقل کرده است و کتاب «مزار کبیر» یا «مزار بن مشهدی» از مهم ترین کتب ادعیه و یکی از قدیمی ترین منابع دعایی شیعه محسوب می شود. مرحوم شیخ محمد بن جعفر المشهدی از بزرگان قرن ششم هجری و هرچند بعضی در وثاقت ایشان بحث دارند اما بعضی ایشان را توثیق کرده ولیکن بنابر نظر ما، در دعا نیاز به بررسی سند نمی باشد و این کتاب دعا بوده و با توجه به اخبار من بلغ، این کتاب نیازی به بررسی سندی ندارد و می توان به ادعیه های آن عمل کرد.

ابن مشهدی در مقدمه کتاب دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد مخصوص خداوندی است که دارای احسان قدیم است. امتنان و نعمت های او... و سلطنتش عالی است. برهانی روشن و شأنی رفیع دارد.

خدایی که ما را از هلاکات نجات داد و پاک نمود ما را از شبهات و به ما الهام فرمود اعمال صالحه را، و ما را تأیید فرمود و ما را قرار داد از پیروان بهترین مخلوقات، کسی که خداوند او را انتخاب فرمود برای بهترین پیامبری ها، محمد ابن عبدالله پیغمبری که تأیید گردیده به معجزات و برطرف کننده غم ها و غصه ها و نجات دهنده از همه سختی ها، صلوات خدا بر او و آل او، کسانی هستند که ما را به نمازها دعوت می کنند و امر به دادن زکات می نمایند و آگاه می کنند شیعیان خود را به اعمال خیر تا زمانی که آسمان و زمین بر پاست.

اما بعد: همانا من جمع آوری نمودم در این کتاب انواع زیارت نامه هایی را که در مشاهد مشرفه خوانده می شود و آنچه که از ناحیه امامان معصومین (علیهم السلام) تشویق به خواندن آنها در مسجدهای مبارک شده است و همچنین ذکر نمودم آنچه را که بعد از نمازها به آن توصیه شده است و همچنین ذکر نمودم آنچه را که بندگان در خلوت، شدت و گرفتاری بدان پناه ببرند و خدا را با آن ذکر کنند: (دعاهایی که نقل کرده ام از راویان ثقه و درست گفتار که ناقل قول معصومین (علیهم السلام) هستند و اولین چیزی که با آن کتاب را شروع کردم روایاتی است که در آن به زیارت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ائمه هدی (علیهم السلام) تشویق و تحریص شده است. و نقل نمودم روایتی که دال بر ثوابی است که به زائرین این زیارت می رسد. سپس ذکر می کنم آنچه را که باید زائر در هنگام عزم به زیارت این بزرگان و هنگام خروج برای زیارت آنها به جای آورد. سپس ذکر می کنم آنچه که در مورد زیارت پیامبر عظیم الشأن (صلی الله علیه وآله) وارد شده؛

زیرا که آن جناب در فضل و شرف بر سایر ذوات مقدسه تقدم دارد و امید دارم که خداوند مرا در این امر موفق گرداند و حاجات کسانی که به این ادعیه پناه می آورند، برآورده فرماید و مشکلات آنها را به لطف خود آسان گرداند. همانا فضل او تنها پناه و ملجأ برای همگان است و هیچ امیدی جز به لطف او نمی باشد، اوست که شنونده و جواب دهنده است.

مرحوم ابن مشهدی (رحمه الله) در دو موضع از کتاب «مزار» زیارت عاشورا را نقل نموده است.

موضع اول: مرحوم ابن مشهدی (رحمه الله) ذکر نموده زیارت عاشورا را در زیارات حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آن زیارت پنجم و ششم کتاب «مزار کبیر» می باشد. و در این مقطع از کتاب به زیارت عاشورا اشاره کرده و در ذیل زیارتی که صنوان از شیخ طوسی (رحمه الله) با کلمه «یا الله یا الله...» روایت شروع کرده که در نزد عرف به «دعای صفوان» معروف می باشد و در بین عوام مؤمنین این دعا را «دعای علقمه» می گویند، اکنون عین عبارت مرحوم مشهدی (رحمه الله) را نقل می کنیم:

«زیارت دیگری که برای امیرالمؤمنین و امام حسین بن علی (علیه السلام) روایت شده است:

روایت نمود محمد ابن خالد طیالسی از سیف ابن عمیره و سیف بن عمیره می گوید: بیرون رفتم با صفوان بن مهران جمال و جمع دیگری از اصحاب به سوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق (علیه السلام) وارد شده و آنجا را زیارت

کرده بودند، من به همراه صفوان و جمعی دیگر زیارت نمودیم؛ پس زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را پس وقتی فارغ شدیم از زیارت، صفوان برگشت و صورت خود را به سوی حرم ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) گرداند و گفت همانا زیارت می کنیم حسین بن علی (علیه السلام) را از همین مکان در کنار سر مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام)».

سپس ابن مشهدی روایتی را ذکر کرده است که شیخ طوسی در «مصباح المتهجد» آورده است اما با کمی اختلاف.

موضع دوم: در ذکر زیارت ابا عبدالله حسین (علیه السلام) از جمله ذکر زیارت عاشورا را ذکر می کند ابتدا می گوید:

«زیارت دیگری برای ابا عبدالله (علیه السلام) در روز عاشورا هست که شخص از قریب یا بعید آن را می خواند. پس ابن مشهدی (رحمه الله) تمام زیارت که به همان شکل موجود در مفاتیح الجنان را ذکر می نماید».

مصباح الزائر و جناح المسافر

یکی از مهم ترین منابع و مأخذی که زیارت عاشورا را نقل نموده، کتاب «مصباح الزائر و جناح المسافر» تألیف مرحوم سید رضی الدین علی بن موسی ابن طاووس (رحمه الله) می باشد.

مرحوم سید ابن طاووس زیارت عاشورا را به طور کامل در کتاب «مصباح الزائر و جناح المسافر» نقل نموده است و در نقل خود به دو نسخه اعتماد کرده است. به نسخه «مصباح کبیر» مرحوم شیخ طوسی (رحمه الله) که جد بزرگوارش می باشد و نسخه «مصباح صغیر»؛ یعنی با استفاده از کتاب مصباح صغیر و کبیر جدش، زیارت عاشورا را نقل نموده است.

توجه به یک مطلب:

با نظر به نقل سید بن طاووس روشن می شود که ایشان فقرات لعن و سلام را صد مرتبه از «مصباح صغیر» نقل نموده است و اما فصل های «اللهم خص انت» و همچنین دعای سجده را مرحوم سید، چنانچه از ظاهر کلامش استفاده می شود از کتاب «مصباح کبیر» نقل کرده و چنانچه خود مرحوم سید در عبارتی می گوید: علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد بن طاووس این روایت را نقل کردیم با سندش از «مصباح الکبیر» و این نسخه مقابله شده با خط مصنف کتاب و در کتاب «مصباح کبیر» دو فرقه صد مرتبه لعن و سلام موجود نبود و ما آن دو فصل را از «مصباح صغیر» نقل می کنیم.

مرحوم ابن طاووس ابتدا نقل می کند زیارت در روز عاشورا را طبق روایتی که شیخ طوسی نقل کرده است و سندی که ابن طاووس نقل می کند اینگونه است که صالح بن عقبه عن ابیه عن ابی جعفر (علیه السلام) سپس زیارت عاشورا را به شکل کامل نقل می کند.

صفحه اول، ابتدا کلام ابن طاووس

صفحه دوم در فضل زیارت

صفحه اول متن زیارت

صفحه دوم متن زیارت

صفحه سوم متن زیارت

صفحه چهارم متن زیارت

صفحه اول از ابتداء دعای صفوان

صفحه پایانی دعا

صفحه پایانی روایت زیارت

کتاب فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین (علیه السلام)

از کتب مهم و قدیمی است که در آن زیارت عاشورا درج شده است. مؤلف این کتاب سید عبدالکریم بن احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس است (رحمه الله) می باشد که متولد سال 647 هـ. و در سال 693 هـ. وفات نمود و قریب 45 سال زندگی کرده و عمویش سید رضی الدین علی بن مولی بن جعفر بن طاووس (رحمه الله) است که صاحب کتاب «مصباح الزائر» می باشد و در کتب تراجم از سید عبدالکریم (رحمه الله) به تجلیل یاد می شود.

و سید عبدالکریم بن احمد بن موسی بن جعفر (رحمه الله) در مقدمه نسخه کتاب می فرماید:

«الحمد لله مظهر الحق و مبديه، ومدحض الباطل ومدجيه، ومسدد الصواب ومسديه، ومشيد بنائه ومعليه، أحمده مجتهداً ولا أصل إلى الواجب فيه، وأثنى و ما قدر ثنائى حسب ما يفيضه على ويوليه، والصلاة على رسوله محمد النبى، وعلى آله المقتدين بهديه فيما يذره ويهديه.

وبعد: فإن بعض من يجب حقه على من الصدور الأماجد، والأعيان الأفاضل، طلب منى ذكر ما ورد من الآثار الدالة، على موضع مضجع أمير المؤمنين (عليه السلام)، و أن أذكر ذلك مستوفى الحدود تام الأقسام، فكتبت ما وصل إليه الجهد و صدق بسطره الوعد، مظهراً ذلك من دائرة غضون الدفاتر، مع ضيق الوقت وتعب خاطر، مع أن الوارد من ذلك فى الكتب شتيت الشمل مجهول المحل. ولكنى اجتهدت غاية

الاجتهاد، ولم آل جهداً بحيث أصل إلى مطابقة المراد، ومن الله تعالى أسأل عناية
عاصمة من الزلل، حاسمة مواد الخطأ والخطل بمنه، ورتبت الكتاب على مقدمتين و
خمسة عشر باباً:

المقدمة الأولى: فى الدليل على أنه (عليه السلام) فى الغرى حسب ما يوجبه
النظر.

المقدمة الثانية: فى السبب الموجب لإخفاء ضريحه عليه السلام.
وأما الأبواب فهى بهذه:

الباب الأول: فى ما ورد عن رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم).
الباب الثانى: فيما ورد فى ذلك عن أمير المؤمنين على بن أبى طالب (عليه
السلام).

الباب الثالث: فيما ورد عن الحسن والحسين (عليه السلام).
الباب الرابع: فيما ورد عن زين العابدين على بن الحسين (عليهما السلام).
الباب الخامس: فيما ورد عن محمد بن على الباقر (عليه السلام).
الباب السادس: فيما ورد عن جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام).
الباب السابع: فيما ورد عن موسى بن جعفر الكاظم (عليه السلام).
الباب الثامن: فيما ورد عن على بن موسى الرضا (عليه السلام).
الباب التاسع: فيما ورد عن محمد بن على الجواد (عليه السلام).

الباب العاشر: فيما ورد عن علي بن محمد الهادي (عليه السلام).

الباب الحادي عشر: فيما ورد عن الحسن بن علي العسكري (عليه السلام).

الباب الثاني عشر: فيما ورد عن زيد بن علي الشهيد.

الباب الثالث عشر: فيما ورد عن الخليفة المنصور والرشيد بن المهدي في ذلك،

ومن زاره من الخلفاء من بعده حسب ما وقع إلينا.

الباب الرابع عشر: فيما ورد عن جماعة من بني هاشم و غيرهم من العلماء

والفضلاء.

الباب الخامس عشر: فيما ظهر عند هذا الضريح المقدس مما هو كالبرهان على

المنكر من الكرامات».

که سید عبدالکریم (رحمه الله) بعد از حمد و درود بر رسول گرامی اسلام و بیان تلاش خود در جهت تدوین این کتاب می گوید: کتاب را بر طبق دو مقدمه و 15 باب تنظیم کرده است که مقدمه اول شامل دلیل بر اینکه قبر مطهر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در نجف می باشد و مقدمه دوم در سبب اخفاء قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) می باشد (قبر حضرت (علیه السلام) تا زمان هارون الرشید مخفی بوده است) و سپس ابواب کتاب را ذکر کرده است که با روایات رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) شروع و با ذکر کرامات در نزد ضريح امیرالمؤمنین (علیه السلام) پایان می یابد.

مکان زیارت در نسخه فرحۃ الغری

صاحب کتاب «فرحۃ الغری» به مناسبت در بین زیارات امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت صفوان (دعای علقمه) و زیارت مخصوص ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) که در بالای سر مرقد امیرالمؤمنین (علیه السلام) خوانده می شود را ذکر نموده است، زیارت عاشورا را در باب ششم ذکر نموده و چهل روایت از امام صادق (علیه السلام) مناسب با مقام ذکر می نماید. در نقل این زیارت به «مزار» محمد بن جعفر مشهدی (رحمه الله) اعتماد کرده است. صاحب «فرحۃ الغری» می گوید: اشکال نشود که روایت صفوان فرقی کرده است بدلیل اینکه تردد امام صادق (علیه السلام) در آن مکان های مبارکه و مواضع مختلفه بوده و امام (علیه السلام) در هر مناسبت مطلبی را می فرمودند و این روایت با روایت مصباح منافاتی ندارد.

منهاج الصلاح فی اختصار المصباح

از مصادر مهم در نقل زیارت عاشورا کتاب «منهاج الصلاح فی اختصار المصباح» متعلق به حسن بن یوسف بن المطهر الحلی (رحمه الله) و کتاب «منهاج» علامه حلی (رحمه الله) همان اختصار کتاب «مصباح کبیر» شیخ طوسی (رحمه الله) است و علامه حلی (رحمه الله) به طلب خواجه نصیر الدین طوسی (رحمه الله) کتاب «مصباح الکبیر» را در ده باب خلاصه کرده که باب آخر آن را مربوط به علم کلام تدوین نمود به «الباب الحادی عشر» معروف است و در مقدمه کتاب غرض از تدوین کتاب را بیان نموده است.

لازم به تذکر است این کتاب متأسفانه هنوز به شکل کتاب خطی نگهداری می شود و هنوز به چاپ نرسیده است و آنچه از این نسخه در مرکز دار الصدیقه الشهیده (علیها السلام) نگهداری می شود به قرن 11 بر می گردد.

بر متتبع کتب خطی مخفی نماند که کتاب «مصباح متهجد» شیخ طوسی (رحمه الله) دارای شروح و تعلیقات فراوان بوده است و بعضی از آنها در زمان های مختلف نگاشته شده است که می توان به این موارد اشاره کرد.

- 1- اختیار المصباح، مرحوم ابن باقی قرشی (رحمه الله).
- 2- ایضاح المصباح، مرحوم نیلی (رحمه الله).
- 3- تتمات المصباح، مرحوم سید رضی الدین علی بن طاووس (رحمه الله).
- 4- قبس المصباح، مرحوم صهرشتی (رحمه الله).
- 5- منهاج الصلاح، مرحوم علامه حلی (رحمه الله).

- 6- مختصر المصباح، مرحوم شیروانی (رحمه الله).
- 7- مختصر المصباح، مرحوم سید عبدالله شبر (رحمه الله).
- 8- مختصر المصباح، مرحوم نظام الدین علی بن محمد (رحمه الله).
- 9- منهاج الصلاح، مرحوم ابن عبد ربہ الحلّی (رحمه الله).
- و کتاب - منهاج الصلّام - مختصر کتاب مصباح کبیر شیخ طوسی (رحمه الله) است.

زیارت عاشورا در منهاج الصلاح

بر طبق آنچه که از نسخه خطی کتب به دست ما رسیده است فرازهای سه گانه که شامل لعن مکرر و سلام مکرر و اللهم خص انت و... ذکر شده است و علامه حلی فقط الفاظ زیارت را از مصباح متعهد نقل کرده است و روایتی که فضل زیارت را نقل می کند را بیان نکرده است و روایت دوم که دال بر دعای صفوان از امام صادق (علیه السلام) است را ذکر ننموده است، روایت دیگری را علامه حلی نقل کرده اند که شیخ طوسی (رحمه الله) آن را در «مصباح متعهد» ذکر نکرده است و این روایت مربوط به اخبار رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بر آنچه که بر صدیقه شهیده (علیها السلام) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسن و امام حسین (علیه السلام) خواهد گذشت می باشد.

نص روایتی که علامه حلی (رحمه الله) نقل نموده: «و زار النبی (صلی الله علیه وآله) يوماً فاطمة (علیها السلام)، فهیأت له طعاماً من تمر وقرص وسمن، وجاری عاداتها معه (علیه السلام)، واجتمعوا علی الأکل هو وعلی وفاطمة والحسن والحسین (علیهم السلام)، فلما أكلوا، سجد رسول الله (صلی الله علیه وآله) وأطال سجوده، ثم بکی، ثم ضحک، ثم جلس، وكان أجراًهم فی الخطاب علی بن أبی طالب (علیه السلام)، فقال: یا رسول الله رأینا منک الیوم ما لم نره قبل ذلک؟ قال: وما هو؟ قال: سجدت وبکیت وضحکت فما سبب ذلک؟ فقال (علیه السلام): إنی لما أکلت معکم فرحت وسررت بسلامتکم واجتماعکم، فسجدت لله تعالی شکراً، فهبط جبرئیل (علیه السلام) إلی وأنا

ساجد فقال: ربك يقرأك السلام ويقول: سجدت شكراً لفرحك بأهلك؟ فقلت: نعم، فقال: ألا أخبرك بما يجرى عليهم بعدك؟ فقلت: بلى يا أخى جبرئيل، فقال: أما ابنتك فهي أول أهلك لحوقاً بك، بعد أن تظلم، ويؤخذ حقها، ويمنع إرثها، ويظلم بعلمها، ويكسر ضلعها، وأما ابن عمك فيظلم، ويمنع حقه، ويقتل، وأما الحسن فإنه يظلم، وتطأه الخيول، وينهب رحله، وتسبى نساؤه وذراياه، ويدفن مرملاً بدمه، ويدفنه الغرباء، فبكيت، وقلت: هل يزوره أحد؟ قال: يزوره الغرباء؟ قلت: فما لمن زاره من الثواب؟ قال: يكتب له ثواب ألف حجة، وألف غزوة كلها معك، فضحكت».^{٣١٥}

صفحه اول از کتاب که شامل دیباچه کتاب است

صفحه دوم از کتاب که شامل دیباچه است

فصل پنجم از کتاب تحت عنوان اعمال محرم و ذکر بعد از آن زیارت عاشورا

صفحه دوم از زیارت عاشورا

صفحه سوم از زیارت عاشورا

صفحه چهارم از زیارت عاشورا شامل فصل سلام و فصل لعن و...

صفحه دیگر از زیارت عاشورا و ذکر سلام و فصل اللهم خص انت...

مزار شهید اول (رحمه الله)

و یکی دیگر از کتبی که در آن به زیارت عاشورا اعتماد شده و از مدارک مهم و با ارزش می باشد، کتاب «مزار» شهید اول (قدس سره) می باشد کتاب «مزار» از شهید اول، ابو عبدالله شمس الدین، محمد بن شیخ جمال الدین حکمی العاملی، النباطی، الجزینی (رحمه الله) از بزرگان قرن 8 و متولد سال 734 هـ. می باشد و او در سال 786 هـ. به شهادت رسید و عمر شریفشان در هنگام شهادت 52 سال بود.

اشاره ای به فهرست المزار

این کتاب دارای ابوابی است که و هر باب شامل فصول و خاتمه می باشد و کل کتاب به صورت دو باب ذکر شده است. در باب اول 8 فصل را ذکر کرده و سپس یک خاتمه ای را ذکر نموده اند که خود خاتمه شامل 4 فصل می باشد و باب دوم این کتاب دارای هفت فصل است. سپس خاتمه ای را ذکر کرده است که خاتمه خود شامل سه فصل می باشد و در فصل چهارم از باب اول آنچه مربوط به زیارت امام حسین (علیه السلام) است ذکر شده است و در همان جا زیارت عاشورا را به شکل موجود در «مفاتیح الجنان» همراه با سه فصل (شامل لعن و سلام و اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی) ذکر نموده است. شهید اول (رحمه الله) به ذکر الفاظ زیارات اکتفا کرده و فضل زیارت را ذکر ننموده است، بعد از بررسی کتاب پی می بریم که شهید اول (رحمه الله) هدفش آن

بوده که کتاب جامع و مختصری را گردآوری کند که طالب بتواند با استفاده از زیارت ضمن آنکه سهل الوصول باشد و به هدف خود، که همان توسل است برسد. لذا از ذکر اسانید و روایات مربوط به زیارت صرف نظر کرده است.

شیخ در مقدمه کتاب می فرماید:

«بسم الله الرحمن الرحيم، و به نستعين، اللهم يا من جعل الحضور في مشاهد أصفياه ذريعة إلى الفوز بدرجات أحبائه، نسألك أن تصلي على سيد أنبيائك محمد و آله أمنائك، وأن توقفنا لزيارة ضرائحهم المشرقة كلها، و أن تنطق ألسنتنا بأداء المناسك الماثورة فيها. و بعد، فهذا المنتخب موضوع لبيان ما ينبغي أن يعمل في المشاهد المقدسة والأمكنة المشرفة من الأفعال المرغبة والأقوال المروية، وهو مشتمل على بابين».

«... آنچه که سزاوار است عمل شده در مشاهد مقدسه و اماکن مشرفه، از افعال مرغوب و اقوال رؤیت شده...».

صفحه اول از کتاب مزار شهید اول

صفحه مشتمل بر لعن مکرر صد بار و ابتدا سلام مکرر

صفحه مشتمل بر تتمه سلام و فصل اللهم خص و دعا به خود

آخرين صفحه نسخه

حجۃ الامان الواقیۃ وجنۃ الایمان الباقیۃ (مصباح الکفعمی)

این کتاب از مصادر مهمی است که زیارت عاشورا را ذکر نموده و این کتاب معروف به «مصباح الکفعمی» تألیف شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی بن علی العاملی الکفعمی (رحمه الله) است.

این شخصیت از اعلام طایفه شیعه در قرن 9 بوده و سال ولادت آن عالم بزرگوار 840 هـ و به طور یقین تا سال 895 هـ زنده بوده به اعتبار اینکه در همین سال نسخه خود را به پایان رسانده است.

و «کفعم» بر وزن «زمزم» روستایی از روستاهای جبل عامل بوده و «الکف» به معنی روستا و «عیما» اسم روستایی بوده است و اصلش «کف عیما» یعنی روستای «عیما» بوده است.

و به خاطر نسبت به آن مکان «کفعیماوی» شده که یاء به خاطر شدت امتزاج، حذف شده است و به بواسطه استعمال پی در پی «کفعمی» شده است.

و این عالم جلیل القدر تألیفات فراوانی دارد که از آن جمله می توان به دو کتاب او در ادعیه اشاره کرد. «جنۃ الامان العراقیه فی جنۃ الایمان الباقیۃ» معروف به «مصباح کفعمی» و دومین کتاب «البلد الامین والدرع الحصین».

زیارت عاشورا در باب 41 که مخصوص زیارات می باشد ذکر شده است.

کتاب البلد الأمين والدرع الحصين

این کتاب شامل 50 فصل است که در باب 11 که به زیارات اختصاص دارد و زیارت عاشورا به شکل موجود در «مفاتیح الجنان» ذکر شده است و قبل از ذکر زیارت قسمتی از روایات فضل زیارت را ذکر نموده است و این لحن کلام اوست:

«وَأَمَّا زِيَارَةُ عَاشُورَاءَ مِنْ قَرَبٍ أَوْ بَعْدٍ، فَمَنْ أَرَادَ ذَلِكَ، وَكَانَ بَعِيداً عَنْهُ (عليه السلام)، فَلْيَبْرِزْ إِلَى الصَّحْرَاءِ، أَوْ يَصْعَدْ سَطْحاً مَرْتَفِعاً فِي دَارِهِ، وَيَوْمِئِذٍ إِلَيْهِ (عليه السلام)، وَيَجْتَهِدْ بِالِدُعَاءِ عَلَى قَاتِلِهِ، ثُمَّ يَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ، وَلَيْكِنْ ذَلِكَ فِي صَدْرِ النَّهَارِ قَبْلَ أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ، ثُمَّ لِيَنْدُبَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) وَيَبْكِيهِ وَيَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِذَلِكَ مِمَّنْ لَا يَتَّقِيهِ، وَيَقِيمُ فِي دَارِهِ مَعَ مَنْ حَضَرَهُ الْمَصِيبَةُ بِإِظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ، وَلِيَعِزَّ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِمَصَابِهِمْ بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام)، فَيَقُولُ: أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمَصَائِبِنَا بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام)، وَجَعَلْنَا اللَّهَ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)، فَإِذَا أَنْتَ».

«صَلِّتِ الرُّكْعَتَيْنِ الْمَذْكُورَتَيْنِ آنْفَاءً، فَكَبِّرِ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ، ثُمَّ أَوْمِ إِلَيْهِ (عليه السلام)، وَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَانَ رَسُولَ اللَّهِ . . .» سپس الفاظ زیارت را به شکل مشهور که مشتمل بر سه فصل نقل کرده است.

و بعد از ذکر سجود فرموده است:

«ثم صل ركعتي الزيارة بمهما شئت وقل بعدهما: اللهم إني لك صليت ولك ركعت ولك سجدت وحدك لا شريك لك لأنه لا تجوز الصلاة والركوع والسجود إلا لك لأنك أنت الله لا إليه إلا أنت، اللهم صل على محمد وآله محمد وأبلغهم أفضل السلام والتحية واردد على منهم السلام، اللهم وهاتان الركعتان هدية مني إلى سيدي مولاى الحسين بن على (عليهما السلام)، اللهم صل على محمد وآله وتقبلهما مني وأجرني عليهما أفضل أملى ورجائى فيك وفى وليك يا ولى المؤمنين».

ثم بعد ذلك ذكر صلاة يوم عاشورا وهى أربع ركعات.

ثم بعد ذلك ذكر رواية صفوان المشتملة على الدعاء، ولكنه اقتصر على قوله:

«ثم ادع بع هذه الزيارة بهذا الدعاء المروى عن الصادق (عليه السلام)، وهو يا الله

يا الله يا الله . . .».^{٣١٦}

بحار الأنوار

از موارد مهمی که زیارت عاشورا را ذکر نموده است کتاب «بحارالانوار» علامه مجلسی است.

وعلامه مجلسی کتاب «بحار» را به کتابهای مختلف تقسیم نموده است که از جمله آن کتاب «مزارات» که مختص زیارات معصومین (علیهم السلام) می باشد ابتداء زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) را ذکر می کند و سپس صدیقه شهیده فاطمه زهرا (علیها السلام) و سپس زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) و زیارت امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) را در هفت باب ذکر می کند و نام آن را ابواب زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می گذارد.

و بعد از آن روایات که مختص سیدالشهدا است ذکر می کند که ضمن 32 باب می باشد که عنوان آن ابواب «فضل زیارت سید شباب اهل الجنة» ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) و آدابها وما يتبعها» می گذارد و در باب 24 از این ابواب ذکر می کند آنچه که مختص به زیارت عاشورا می باشد و آن را در 9 روایت بیان می نماید.

الرواية الأولى: رواية ابن قولويه (قدس سره) في «كامل الزياره».

الرواية الثانية: رواية الشيخ الطوسي (قدس سره) في «مصباح المتعجد»، وذكر فيها الزيارة كاملة مشتملة على الفصول الثلاثة.

الرواية الثالثة: رواية الشيخ الطوسي الثانية التي رواها عن صفوان المشتملة على دعاء صفوان، والتي ذكرها في ذيل الرواية السابقة في مصباح المتعجل.

الرواية الرابعة: رواية الشيخ الطوسي التي ذكر فيها رواية عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام).

الرواية الخامسة: رواية السيد ابن طاوس (قدس سره) في الإقبال، وهي رواية عبد الله بن سنان المتقدمة عن الشيخ الطوسي.

الرواية السادسة: روايه صاحب «المزار الكبير»، ونقل نفس الرواية السابقة لعبد الله بن سنان بأسناد متصل إلى الشيخ الكليني بأسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام).

الرواية السابعة: رواية السيد ابن طاوس (قدس سره) التي رواها في الإقبال عن كتاب المختصر من المنتخب.

الراية الثامنة: رواية نسبها لمزار الشيخ المفيد أعلا الله مقامه، وهذه الزيارة هي الزيارة المعروفة بـ «زيارة الناحية المقدسة».

الرواية التاسعة: رواية لصاحب «المزار الكبير»، و نسبت می دهد به ناحیه مقدسه که همان روایت سابق است. الأبواب المختص بزيارة الحسين (عليه السلام) و زیارت عاشورا را همراه با لعن و تکرار صد مرتبه و فصل سلام و فصل اللهم خص أنت أول ظالم . . . را ذکر می کند.

اصل زیارت اضافه شده تا با زیارت اصلی که در «مصابح المتهجد» نقل شده مطابق باشد و زمان تقیه اقتضا می کرد احیاناً در بعضی نسخه ها حذف شود که ابتدا مرحوم معین الدین اصفهانی (رحمه الله) برای درامان بودن شیعه و بهانه ندادن دست اعداء اهل بیت (علیهم السلام) فراز اولاً ثم الثانی و... را حذف کرده که بعدها نسخه به دست اشخاص دیگر رسیده و آن را اضافه کرده اند که اضافه کردن این فراز به خاطر مواظبت بر نسخه بوده که در مکانی محافظت می شده و اعداء به آن دسترسی نداشته اند لذا آن فراز اضافه شده است یا زمان بر شیعیان سهل تر شد که توانستند این فراز را که در اصل بوده به حاشیه این نسخه اضافه کنند و یا... که همه آنها می تواند بر صحت نسخه گواه دهد.

شروح بعضى علما بر

زيارت عاشورا

- شفاء الصدور فى زيارت عاشورا
- رساله فى كيفية زيارت عاشورا
- اللؤلؤ النضيد فى شرح زيارت عاشورا
- الكنز الخفى
- شرح زيارت عاشورا

شروح بعضی علما بر زیارت مبارک عاشورا

شروح مختلفی بر زیارت عاشورا تدوین شده که به بعضی از آن شروح اشاره می شود تا اهمیت این زیارت عظیم بر همگان روشن گردد آن قدر این زیارت مورد اهتمام بوده است که علمای بزرگ را بر آن داشته که شرحی بر آن بنویسند و به بعضی از شروح اشاره می شود.

1- شفاء الصدور فی زیارت عاشورا

کتاب «شفاء الصدور فی زیارت عاشورا» از بزرگترین شروح زیارت عاشورا می باشد و مؤلف آن علامه میرزا ابوالفضل طهرانی (قدس سره) می باشد که در سال 1316 هـ وفات یافت و این کتاب به زبان فارسی تدوین شده است که توسط سید علی ابطحی اصفهانی تحقیق و اخیراً به چاپ رسیده است.

2- رساله فی کیفیت زیارت عاشورا

این کتاب با دقت نظر خاصی تدوین شده است و مؤلف آن شیخ أبوالمعالی الکلباسی، متولد 1315 هـ، رجالی معروف و صاحب کتب متعدد می باشد. وی

کتابی را تدوین کرد که شامل تنبیهات می باشد و در یکی از تنبیهات به زیارت عاشورا اشاره کرده است و آن را شرح داده است. تاکنون این زیارت به شکل نسخه حجری بوده که به واسطه بعضی از طلاب، تصحیح و «دار الصدیقه الشهیده (علیها السلام)» آن را به چاپ رسانده است.

3- اللؤلؤ النضید فی شرح زیارت عاشورا

تألیف شیخ نصر الله شبستری (رحمه الله) و یک چاپ به صورت غیر محقق از آن وجود دارد که به واسطه «مرکز الزهراء (علیها السلام)» ان شاء الله به زودی به چاپ خواهد رسید و نسخه خطی آن در مرکز دار الصدیقه الشهیده (علیها السلام) نگهداری می شود.

4- الكنز المخفی

این شرح از مهمترین شرح های زیارت عاشورا می باشد که توسط شیخ عبدالنبی عراقی (رحمه الله) از علماء بزرگ که شاگرد محقق عراقی (رحمه الله) بوده تدوین شده و به زبان فارسی به چاپ رسیده است. این کتاب به صورت یک مقدمه و انوار تقسیم بندی شده که بدین صورت آمده است: النور الاول والنور الثاني هکذا تا آخر ذکر.

اخيراً این کتاب ترجمه شده و هم اکنون توسط بعضی طلاب در حال تدوین و آماده شدن جهت چاپ می باشد که «مرکز الزهراء(علیها السلام)» متبني این کار می باشد و نسخه خطی آن در دار الصدیقه الشهیده(علیها السلام) نگهداری می شود.

5-شرح زیارت عاشورا

از مهم ترین شروح زیارت عاشورا می باشد و توسط شیخ مفید شیرازی بحرانی(رحمه الله) تدوین شده است که نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرحوم نجفی مرعشی (قدس سره) نگهداری می شود و در حال تحقیق توسط «مرکز الزهراء(علیها السلام)» است و ان شاء الله به زودی به چاپ خواهد رسید.

زیارت عاشورا در قرون متمادیه

قرن چهارم:

- 1- شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (رحمه الله) - مشهور به ابن قولویه (م 367 یا 369)، متن زیارت را در کتاب *کامل الزیارات* روایت کرده است.^{۳۱۷}
- 2- شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م 460)، متن زیارت را در کتاب *مصباح المتعبد* (ص 713 - 724) و نیز در *مختصر مصباح المتعبد* مشهور به *مصباح صغیر* آورده است.^{۳۱۸}

۳۱۷- *کامل الزیارات*، باب 71، ص 174 - 179. (شرح حال این عالم بزرگوار در صفحه... گذشت)

۳۱۸- *مصباح صغیر*، تاکنون چاپ نشده، و نشانی 12 نسخه خطی آن، در یادنامه شیخ طوسی، ج 3، ص 671 - 672 ذکر شده است. (شرح حال این عالم بزرگوار در صفحه... گذشت)

شهید سعید، قاضی نور الله شوشتری در کتاب *مجالس المؤمنین*، ج 1، ص 481 - 482 می نویسد: «نقل است که بعضی از مخالفان، به عرض خلیفه عباسی رسانیدند که شیخ طوسی (رحمه الله) و اصحاب او از شیعه امامیه، سبّ صحابه می کنند و کتاب *مصباح* او که دستور اعمال و ادعیه سنه متعبدان ایشان است، بر آن گواهی می دهد، زیرا که در دعاء روز عاشورا از آن کتاب واقع است که: «اللهم خصّ اول ظالم باللعن متی وابدأ به اولاً ثم الثانی والثالث والرابع، اللهم العن یزید خامساً». پس خلیفه به طلب شیخ و کتاب *مصباح* فرستاد. چون شیخ با کتاب حاضر شد، و باعث طلب او مذکور گردید، منکر سبّ شد. و چون کتاب را گشودند، و دعای مذکور به او نمودند، و گفتند: این را چه عذر خواهید گفت؟ شیخ طوسی (رحمه الله)، بدون تأمل به خلیفه گفت: مراد از آن عبارت، نه آن است که غمّازان گمان برده اند، بلکه مراد از اول ظالم، قابیل، قاتل هابیل است که بنیاد قتل در دنیا نهاد، و ابواب لعن بر وی گشاد، و مراد از ثانی، عاقر ناقه صالح است. و اسم عاقر، قیدار بن سالف بود. و مراد از ثالث، قاتل یحیی بن زکریا است که به سبب بغیّه ای از بغایای بنی اسرائیل، اقدام به قتل آن معصوم نمود. و مراد از رابع، عبدالرحمن بن ملجم لعنه الله است که اقدام به قتل علی بن ابی طالب (علیه السلام) نمود.

قرن ششم:

3- قطب الدین راوندی (رحمه الله)^{۳۱۹} مؤلف مزار قدیم - که به نوشته شیخ آقا بزرگ تهرانی (رحمه الله)^{۳۲۰} در الذریعه، ج 20، ص 322، معاصر با طبرسی (رحمه الله) صاحب احتجاج بوده - زیارت عاشورا را در کتاب خود نقل نموده است.

خلیفه چون آن تأویل را شنید، تصدیق او نمود، و انعام فرمود، و از ساعی و غماز انتقام کشید». این بیان تقیه آمیز شیخ طوسی (رحمه الله) در کتب دیگر نیز به نقل از مجالس المؤمنین نقل شده است.

۳۱۹- ابوالحسن احمد بن یحیی بن اسحاق ابن راوندی از متکلمین و فیلسوف در راوند، روستایی در نزدیکی کاشان دیده به جهان گشود و این شهر زادگاه عالمان بسیاری شناخته می شود. او گلی از بوستان مکتب محمدی بود که از آن دیار برخاست و قطب الدین لقب یافت او فرزند «هبة الله بن حسین بن هبة الله بن حسن راوندی» بود. پدر و جد قطب الدین، از عالمان و برجستگان آن دیار بوده اند. فرزانه برومند راوند، علاوه بر پدر، از محضر بزرگان دیگری استفاده کرده است. قطب الدین خوشه چین خرمن عالمانی است که ثمره اندیشه شان قرنهای متمادی مشام انسانها را معطر ساخته است. افکار بزرگ شخصیهایی چون شیخ صدوق (رحمه الله)، سید مرتضی (رحمه الله)، سید رضی (رحمه الله) و شیخ طوسی (رحمه الله)، در اندیشه و تفکر او جای پیدا کرده اند. بنابر آنچه در ریاض العلماء آمده است، قطب الدین (رحمه الله) روایاتی از بزرگان حدیث در شهرهای اصفهان، خراسان و همدان شنیده و نقل کرده است و از این روزنه می توان به مسافرتهای علمی او به شهرهای مختلف پی برد. چنانکه قرار داشتن قبر شریف او در شهر قم، دلیلی بر استفاده او از محضر استادان آن دیار است. برخی از استادان او عبارت اند از: ابو جعفر محمد بن علی بن محسن حلبی، ابوالحسن محمد بن علی بن عبدالصمد تمیمی نیشابوری، سید ابوالبرکات محمد بن اسماعیل مشهدی و صفی الدین مرتضی بن داعی بن قاسم که اکثر بزرگان و اندیشه وران آن عصر در زمره استادان وی میباشند. قطب راوندی (رحمه الله) خود به قرآن عشق می ورزید و در راه نشر معارف آن پرتلاش بود اما تأثیر نفس قدسی استادش طبرسی بزرگ (رحمه الله)، در اندیشه و آثار گران سنگ او نقش بسزایی داشت.

راوندی (رحمه الله) دانشمند بزرگ و وارسته قرن ششم از چهره های درخشانی است که فرزاندان بسیاری از محضر نورانی اش به فیض رسیده و دانش اندوخته و خود نیز شمع فروزان محافل علمی

گردیده اند. از میان انبوه جویندگان علم که از خرمن فضل راوندی (رحمه الله) خوشه چینی کرده اند نام فرزندان وی درخششی ویژه دارد. او نه تنها در مسجد و منزل و مکتب بلکه در سفر و حضر، به نورافشانی پرداخته و شاگردان بسیاری را به جامعه اسلامی آن روز ارائه داده است. شاگردان قطب الدین (رحمه الله) چهره های برجسته ای هستند که از وی به نقل روایت پرداخته اند. محمد بن علی معروف به «ابن شهر آشوب (رحمه الله)» از ستارگان درخشان تشیع و برجسته ترین شاگردان قطب بود. «ابن شهر آشوب (رحمه الله)» در کتاب خویش «معالم العلماء» با یادی از قطب الدین (رحمه الله) به عنوان استاد خویش نام وی را ثبت کرده است. و در بیشتر رشته های علوم اسلامی تبحر و تخصص خود را به نمایش گذارد که می توان به آثار زیر اشاره نمود: 1- *م القرآن*. 2- *تفسیر القرآن*، در دو جلد. 3- *خلاصه التفاسیر*، در ده جلد. 4- *شرح آیات المشکله فی التنزیه*. 5- *اللباب فی فضل آیه الكرسی*. 6- *الناسخ و المنسوخ من القرآن*. 7- *الخرايج و الجرايج*، این کتاب که معروفترین آثار قطب به شمار می آید در بیان مسائل کلامی و عقاید بوده و در برگیرنده هفت کتاب پیرامون مسأله معجزه و شیوه زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. 8- *ام المعجزات*، نام کتابی است که راوندی پس از چندی به عنوان «تممه الخرايج» به نگارش درآورد. 9- *الاختلافات*، این کتاب در برگیرنده اختلافهای کلامی بین شیخ مفید و سید مرتضی (علم الهدی) بوده و 95 مسأله اختلافی در آن بررسی شده است. 10- *تهافت الفلاسفه*، این کتاب که نشان دهنده دانش فلسفی قطب است در موضوع حکمت و فلسفه نگارش شده و به تناقض گویی فلاسفه پرداخته است. 11- *جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام*، شرحی بر کتاب «مقدمه الکلام» شیخ طوسی در علم کلام است. 12- *آیات الاحکام*، این کتاب آیاتی از قرآن کریم را که مربوط به مسائل فقهی و احکام دینی است مورد بحث و بررسی قرار داده است. 13- *احکام الاحکام*. 14- *الانجاز*، شرحی است بر کتاب «*لا یجاز فی الفرائض*» شیخ طوسی. 15- *حل المعقود فی الجمل و العقود*. 16- *الشافیه فی الغسله الثانيه*. 17- *الخمسه*. 18- *من حضره الاداء و علیه القضاء*. 19- *رساله الفقهاء*. 20- *مشکلات النهایه*. 21- *المنتهی فی شرح النهایه*، این کتاب به شرح نهاییه شیخ طوسی پرداخته و در ده جلد به چاپ رسیده است. 22- *الرائع فی الشرايع*. 23- *النیات فی جمیع العبادات*. 24- *نهیة النهایه*. 25- *فقه القرآن*، این کتاب گرانسنگ با تلاش و کوششی ستودنی به دست توانمند قطب

راوندی نوشته شده است. او در کتاب فوق تمام آیات قرآنی را که به احکام فقهی مربوط بوده است به ترتیب ابواب فقه دسته بندی کرده و در دو جلد به یادگار نهاده است.

26- *تحفه العلیل*، در موضوع دعا و آداب آن و احادیث مربوط به امراض و بلاها. 27- *رساله فی صحه احادیث اصحابنا*، موضوع آن بیان صحت احادیثی است که علمای شیعه نقل کرده اند. 28- شرح *الکلمات المائه*، شامل شرح صد کلمه از سخنان حضرت علی (علیه السلام). 29- *ضیاء الشهاب*، شرحی بر کتاب شهاب الاخبار قاضی سلامه مصری. 30- *لباب الاخبار*. 31- *لبالب*، اخبار و احادیثی در موضوع اخلاق. 32- *مزار*، کتابی بزرگ در موضوع زیارتنامه ها. 33- *المجالس فی الحدیث*. 34- *دعوات معروف به سلوه الحزین*، موضوع این کتاب ارزشمند مربوط به آداب دعاها و تأثیر آنها است که در چهار باب تدوین گشته است. 35- *جنى الجنتين*، در تاریخ اولاد امام هادی (علیه السلام) و امام عسکری (علیه السلام). 36- *قصص الانبیاء*، در این کتاب تاریخ و شرح زندگی پیامبران از زبان روایات بیان شده است. 37- *المستقصى*، نام کتابی از راوندی در علم اصول فقه است. این کتاب شرحی بر الذریعه سید مرتضی در علم اصول می باشد. 38- *التغریب فی التعریب*. 39- *الاغراب فی الاعراب*. 40- *شرح العوامل المائه*. شامل صد عامل در علم نحو. 41- *غریب النهایه*، در شرح لغت‌های مشکل فقهی کتاب نهاییه شیخ طوسی. 42- *نقشه المصدور*، این کتاب دیوان اشعار قطب راوندی است. چهاردهم شوال 573 ق. نزدیکیهای اذان ظهر بود که نسیم عطرآگین بهشت مشام راوندی را نوازش داد و شبنم اشک از دیدگان زنان و کودکان سرازیر گشت و جهان اسلام در عزای یکی از فرهیختگان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به سوگ نشست. پس از مراسم تشییع پیکر پاک آن فرزانه در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) به خاک سپرده شد و روح «سعید» محدثان به ملکوت اعلیٰ پر کشید. از آن پس جسم مطهرش با کتابها و نوشته هایش جاودانه شد و روزی که پس از هشت قرن تعمیرگران صحن مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) با پیکر سالم و سیمای نورانیش رو به رو شدند چیزی جز این منزلت را برای او تصور نکردند که باید جسم مطهرش چون روح شاهد و ناظرش بر حوزه فقاقت اهل بیت (علیهم السلام) تا قیام قیامت سالم بماند. حضرت آیت الله مرعشی نجفی (رحمه الله) به پاس خدمات او، سنگ قبری بلند و به یاد ماندنی را بر فرازش به یادگار نهاد تا زائران حرم فاطمه معصومه (علیها السلام) در ابتدای ورود و خروج از صحن مبارکش چشمانشان به قبر این فرزانه بزرگ روشن شود.

قرن هفتم:

- 4- شیخ محمد بن جعفر (رحمه الله) (ابن مشهدی) در مزار کبیر^{۳۲۱}.
- 5- سید رضی الدین علی بن طاووس (رحمه الله) (م 664) در کتاب مصباح الزائر^{۳۲۲}.

۳۲۰- روایت او در شفاء الصدور، ص 38 - 40، چاپ قدیم (ج 1، ص 100 - 104، چاپ حروفی قم) آمده است.

۳۲۱. شیخ سعید ابو عبدالله، محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری؛ معروف به محمد بن مشهدی وابن مشهدی از اجلاء علمای سلف می باشد و اصحاب به کتب او اعتماد کرده اند و عمده ادعیه و زیارات، از کتب ایشان اخذ شده است ولیکن به دلیل آنکه کتب ایشان (رحمه الله) کم منتشر گردیده از این رو اسمشان مجهول مانده است. و علمای بزرگ از جمله محدث حر عاملی می گوید: شیخ محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله) فاضل محدث و صدوق و برایشان کتب متعددی است و شیخ شهید محمد بن مکی (رحمه الله) در اجازه اش به شمس الدین شیخ سعید ابی عبدالله محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله) می نویسد که روایت کرده از بن مشهدی (رحمه الله) به واسطه تمام کتب و روایاتش و این خود دال بر آن است که بن مشهدی مرتبه والایی داشته است.

علامه مجلسی (رحمه الله) در کتاب شریف «بحار الانوار» از کتاب کبیر «فی الزیارات» بن مشهدی (رحمه الله) نقل می کند و سید بن طاووس (رحمه الله) در کتاب شریف «مصباح الزائر» خود از بن مشهدی (رحمه الله) نقل می کند و شیخ منتجب الدین (رحمه الله) در کتاب فهرست خود می گوید، سید ابو البرکات محمد بن اسماعیل مشهدی (رحمه الله) فقیه محدث است.

کتاب مزار ابن مشهدی (رحمه الله) از کتبی است که علمای بزرگ از جمله سید رضی الدین علی بن موسی (رحمه الله) در «مصباح الزائر» و سید عبدالکریم ابن طاووس (رحمه الله) در «فرحة الغری» و علامه مجلسی (رحمه الله) اعتماد نموده اند.

۳۲۲- شفاء الصدور، 35 و 48 چاپ قدیم (ج 1، ص 96 و 117 جدید) و الذریعه، ج 21، ص 119؛ شرح حال این بزرگوار در صفحه... گذشت.

6- سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله) (648 - 693)^{۳۲۳} در کتاب
فرحه الغری چاپ نجف، ص 96 - 98 صدر روایت صفوان جمال در زیارت
عاشورا را آورده است^{۳۲۴}.

۳۲۳- سید جمال الدین، احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس حسینی حلی (رحمه الله) از علمای
بزرگ قرن هفتم هجری است. آشناترین سخن در نسب سید جمال الدین، احمد بن موسی بن
طاووس (رحمه الله) این است که او برادر سید ابن طاووس، صاحب کتاب اقبال است. از جمله اجداد
بزرگوار او، شیخ طوسی (رحمه الله) و شیخ ورام بن ابی فراس (رحمه الله)، صاحب مجموعه ورام هستند.
لقب ابن طاووس و آل طاووس بخاطر جد بزرگ آنان ابو عبد الله، محمد بن اسحاق (رحمه الله) به این
خاندان داده شده که در اثر جمال و حسن صورت به طاووس د ملقب شده است. سلسله شریفه آل
طاووس منتهی به داوود، برادر رضاعی امام صادق (علیه السلام) می باشد. داوود (رحمه الله) کسی است
که وقتی در زندان بود، امام صادق (علیه السلام) دعای معروف «ام داوود»، از اعمال نیمه رجب، را به
مادر او آموخت و بدین وسیله فرزندش از زندان نجات یافت. خاندان آل طاووس همچون گوهری در بین
مسلمین می درخشد و در این خاندان نیز، ده ها درّ ناب با درخشندگی خود چشم همگان را خیره کرده
اند و این سؤال و تعجب را برای همه تداعی کرده اند که چگونه می شود یک خاندان این همه فضیلت
را یک جا در خود جمع کند! در یک تفحص اجمالی اسامی بیش از 20 عالم بزرگوار را در یک مقطع
کوتاه زمانی در این خاندان می توان مشاهده کرد. علمایی همچون سید رضی الدین علی (رحمه الله)،
صاحب «اقبال»، فرزندان او محمد و علی، که کتاب کشف المہجۃ را برای آنان نوشته است و... علمایی
که هر کدام از آنان کتبی گرانقدر در علوم مختلف به یادگار گذاشته اند. از جمله فضائل ارزشمند این
خاندان

جلیل القدر، نقابت طالبیان است. در عصر عباسی نقیب طالبیان ریاست تمام سادات عصر خویش را به
عهده داشته و مرجع حل اختلافات و دعاوی سادات بوده و امین ترین فرد در بین سادات برای این
منصب انتخاب می شده است. شرط اساسی دیگر برای این منصب، داشتن علم و اجتهاد بوده است. در
ارزش این منصب همان بس که بزرگی چون سید ابن طاووس (رحمه الله)، از جمله افتخارات خود این را
می داند که نقابت طالبیان به او واگذار شده است. نقابت طالبیان در بین این خاندان جلیل القدر تا

قرن هشتم:

7- آیت الله علامه حلی (رحمه الله) (م 726) که بنا به نقل شفاء الصدور (چاپ قدیم، و ج 1، ص 85 جدید) - زیارت عاشورا را در کتاب منهاج^{۳۲۵} /الصلاح فی اختصار المصباح روایت کرده است^{۳۲۶}.

چندین نسل ادامه داشت. مقام سید ابو الفضائل به قدری بلند و عالی است که هر بزرگی نام او را می برد، سرگرنش و تعظیم خم می کند. تمام کسانی که در نوشته های خود نامی از این بزرگوار برده اند، جز ستایش و تعریف هیچ ندارند. بنا به شهادت تمام بزرگان، سید احمد بن طاووس (رحمه الله) متبحر در علوم مختلف بوده است. او قله های رفیع علوم مختلف از جمله فقه، اصول فقه، کلام، شعر، ادبیات و... را درنور دیده است. با اینکه فرزندان سید موسی بن جعفر چهار نفر بوده اند، اما بیشتر اوقات سید علی و سید احمد (رحمه الله) یک جا ذکر می شوند و تنها سید احمد به دنبال سید علی یاد می شود و کسی که با مقام علمی و تقوایی سید علی آشنا باشد مقام و منزلت سید احمد را هم درک خواهد نمود.

از جمله مشایخ سید جمال الدین بن طاووس می توان به افراد ذیل اشاره کرد:

1- شیخ نجیب الدین ابن نما حلی (رحمه الله) 2- شیخ یحیی بن محمد سوراوی (رحمه الله) 3- سید عبد الکریم بن طاووس (رحمه الله)، فرزند بزرگوار او شاگرد برجسته سید در کتاب رجال خود، تألیفات استاد را 82 جلد شمرده است. این کتاب ها در علوم مختلف نوشته شده، اما متأسفانه همه آنها به دست ما نرسیده است. تعدادی از تألیفات سید احمد عبارتند از:

1- بناء المقالة الفاطمية فی نقض الرسالة العثمانية 2- ملاذ علماء الامامية، در فقه 3- الفوائد العدة، در اصول فقه 4- الثاقب المستخر علی نقض المشجر، در اصول دین 5- الروح، در رد ابن ابی الحدید 6- شواهد القرآن 7- بشری المحققین، در فقه و... سید احمد بن طاووس (رحمه الله) اولین کسی است که تقسیم معروف روایت به چهار قسم صحیح و موثق و حسن و ضعیف را عنوان کرد. این نظریه تا زمان علامه مجلسی (رحمه الله) مقبولیت عام داشت؛ لکن علامه مجلسی (رحمه الله) تقسیم را گسترش داد و چند قسم دیگر به آن افزود و تعداد اقسام حدیث به بیش از 9 قسم افزایش یافت. سید احمد بن موسی پس از عمری پر بار، که تمام آن را در راه تزکیه نفس و هدایت مردم و اعتلای نام مقدس ائمه

8- شیخ شمس الدین محمد بن مکی، شهید اول^{۳۲۷} (سال شهادت 786). به نوشته شفاء الصدور، ص 32 (چاپ قدیم، و ج 1، ص 86 چاپ جدید)، زیارت عاشورا را در کتاب المزار خود روایت کرده است.

قرن نهم:

9- شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی^{۳۲۸} (م 905) در جنّه الواقیّه، زیارت را روایت کرده است. (به نقل از شفاء الصدور، ص 34، چاپ قدیم و ج 1، ص 92 چاپ جدید).

قرن دوازدهم:

10- علامه محمد باقر مجلسی^{۳۲۹} (م 1110) روایت زیارت عاشورا را در سه کتاب خود آورده است:

اطهار علیهم السلام گذراند، در سال 673 هجری در شهر حله دیده از جهان فرو بست و به سوی معشوق حقیقی شتافت. قبر آن بزرگوار، که منشأ کرامات و ملجأ دردمندان است، در شهر حله معروف است و دوستداران عترت پیامبر (صلی الله علیه وآله) همواره به زیارت آن قبر شریف می روند. مرقد شریف سید احمد ابن طاووس (رحمه الله) پس از سال ها فراموشی دوباره رونق یافته است. این رونق دوباره، بعد از خوابی بود که شخصی از صالحین در مورد محل مرقد آن بزرگوار دید و در نتیجه مرقد او دوباره مرمت شد و مورد توجه خاص و عام واقع گشت.

۳۲۶- نسخ خطی متعددی از این کتاب در دست است، از جمله دو نسخه که در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج 2، ص 296 و ج 6، ص 298 معرفی شده است. شرح حال این بزرگوار در صفحه... گذشت.

۳۲۷- شرح حال این بزرگوار در صفحه... گذشت.

۳۲۸- شرح حال این بزرگوار در صفحه... گذشت.

۳۲۹- شرح حال این بزرگوار در صفحه... گذشت.

الف - بحار الانوار، ج 101، چاپ اسلامی، ص 290 - 303؛ و ج 8 چاپ سنگی قدیم تبریز، ص 241 (چاپ کمپانی، ص 251).

ب - زاد المعاد، ص 252 - 453.

ج - تحفه الزائر، باب هشتم، ص 211 - 217.

11- سید علی بن عبدالکریم (یا سید علی بن عبدالحمید) نجفی^{۳۳۰} در کتاب *ایضاح اهل الصلاح فی شرح مختصر المصباح* (که آغاز تألیف آن سال 784

۳۳۰. علی بن عبد الحمید (رحمه الله) نوه سید فخار یعنی (سید شمس الدین، فخار بن معدّ موسوی، از علمای بزرگوار قرن ششم و هفتم هجری و از بزرگان شهر حله است، شهری که در قرون متمادی مهد علم و عالمان بوده است. او از فرزندان ابراهیم مجاب، نوه امام کاظم (علیه السلام) است. نسب وی با ده واسطه به امام هفتم شیعیان، حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) می رسد. سید فخار نه تنها فقیه و اصولی بود بلکه شاعر و ادیبی بزرگ و مورخی توانا نیز به شمار می رفت و در شمار علمای نسابه قلمداد می شود) است از جمله فقها و نامداران عصر خویش بوده و کتاب ارزشمند «الأنوار المضيئة» در شرح زندگانی و فضائل امام عصر حجة بن الحسن (علیه السلام) از او به یادگار مانده است که یکی از منابع و مأخذ بحار الانوار هم می باشد. علامه بهاء الدین سید علی بن سید عبدالکریم نیلی نجفی که جلالت شأنش بسیار و مناقبش بی شمار است و تلمیذ شیخ شهید و فخر المحققین است. اصل کتاب الأنوار المضيئة مشترک بین دو نفر است که هر یک کتابی با این نام داشته اند. الأنوار که تعبیر به الأنوار الإلهیة فی الحکمة الشرعیة یا الأنوار المضيئة فی الحکمة الشرعیة شده است. این کتاب از سید علی بن عبدالکریم نیلی نجفی (رحمه الله) است و همان طور که از نامش پیداست کتابی جامع است در رابطه با علم کلام و فقه و اصول فقه و اسرار قرآن. اثبات امامت و وجود و عصمت آن حضرت از راه عقل، اثبات آن حضرت از قرآن، اثبات آن از روایات خاصه، اثبات آن از روایات اهل سنت، ولادت آن حضرت، سبب غیبت آن جناب، طول عمر ایشان، وکلای آن جناب و راویان از او، توقیعات شریف آن حضرت، کسانی که آن حضرت را ملاقات کرده اند، علامات ظهور حضرت و وضعیت جهان و اجتماع در ایام حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) از فصل های این اثر است. همچنین الأنوار المضيئة در غیبت امام عصر (علیه السلام) که بنابر نظر بزرگانی چون شیخ آقا بزرگ تهرانی مؤلف آن علی بن عبدالحمید بن

هجری است) در ضمن شرح مصباح صغیر، شرح زیارت^{۳۳۱} عاشورا را آورده است^{۳۳۲}.

فخار بن معد موسوی است و منتخب این کتاب به نام «الغیبه» از علی ابن عبدالکریم نیلی نجفی است. بنابراین نویسنده کتاب الأنوار الإلهیه همان کسی است که منتخب الأنوار المضيئه را گردآورده و آقا بزرگ نام آن را الغیبه دانسته، گرچه دیگران نام خاصی برای آن ذکر نکرده اند. سید عبداللطیف کوه کمری در مقدمه کتاب منتخب الأنوار المضيئه، اصل

کتاب را از سید علی نیلی نجفی دانسته و گفته منتخب آن از کسی دیگر است که ما او را نمی شناسیم و این کتاب را از الأنوار المضيئه در احوالات امام عصر (علیه السلام) انتخاب نکرده، بلکه از الأنوار المضيئه فی الحکمه الشرعیه جمع آوری کرده است. اشکال این نظریه آن است که این کتاب در احوالات امام عصر (علیه السلام) نبوده تا منتخب آن در غیبت امام عصر (علیه السلام) باشد. اما روش مؤلف به این قرار است که مؤلف در کتاب خویش از روش عقلی و نقلی با هم بهره برده، بدین شکل که قیاس های منطقی از انواع مختلف را در لابه لای مطالب کتاب و همراه روایات آورده تا هیچ اشکالی از طرف غیر شیعیان و حتی غیر مسلمانان بر کتاب وارد نشود. همچنین روایات را با ذکر اسناد و منابع نقل آورده است. این کتاب در دوازده فصل مرتب شده است:

1. اثبات امامت و وجود و عصمت آن حضرت از راه عقل
2. اثبات آن حضرت از قرآن
3. اثبات آن از روایات خاصه
4. اثبات آن از روایات اهل سنت
5. ولادت آن حضرت
6. سبب غیبت آن جناب
7. طول عمر ایشان
8. وکلای آن جناب و راویان از او
9. توقیعات شریف آن حضرت
10. ملاقات کنندگان آن حضرت
11. علامات ظهور
12. وضعیت جهان و اجتماع در ایام حکومت حضرت مهدی (علیه السلام).

سید علی نیلی نجفی (رحمه الله) کتاب خویش را خلاصه کرده که با نام «سرور اهل الایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان» منتشر شده است. البته این نام را نسخ کتاب برای آن برگزیده چون سید (رحمه الله) برای کتاب نامی انتخاب نکرده است.

12- سید حسین بن ابی القاسم جعفر خوانساری (م 1191)، رساله ای در شرح زیارت عاشورا نوشته، که مرحوم سید احمد روضاتی در مقدمه کتاب «مناهج المعارف» ضمن آثار ایشان نام می برد.

قرن سیزدهم:

14- محدث خبیر، سید عبدالله شبّر (م 1242) در کتاب «مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار»، ج 2، ص 341 - 342، زیارت را روایت کرده و شرحی درباره فقره «لعن الله امه اسرجت والجمت وتهيأت وتنقبت لقتالك» آورده است.

15- مرحوم سید حیدر کاظمی (1205 - 1265) در کتاب «عمده الزائر» ص 145 - 146 متن زیارت عاشورا را روایت کرده است. شرح حال و مقامات علمی ایشان در کتاب «احسن الودیعه» ج 1، ص 21 - 29 آمده است. وی در کتاب «انیس الزائرین» (نسخه خطی شماره 3321 کتابخانه آستان قدس رضوی) نیز زیارت عاشورا را آورده است.

16- مرحوم میرزا محمدعلی شهرستانی (م حدود 1290) شرحی به زیارت نوشته است.

17- مرحوم سید اسد الله شفتی (م 1290) مانند پدرشان، شرحی بر زیارت نوشته است.

قرن چهاردهم:

- 18- مرحوم شیخ جعفر شوشتری (م 1303) در کتاب «الخصائص الحسينیه» (چاپ حروفی نجف، ص 173 - 175) و نیز در رساله فتوائیه «منهج الرشاد» مطالبی درباره زیارت عاشورا دارد.
- 19- مرحوم شیخ زین العابدین مازندرانی (م 1309) بیاناتی در کیفیت زیارت عاشورا دارد که در «تذکره الزائرین» سید حسین ساروی طباطبائی نقل شده است.
- 20- مرحوم میرزا حبیب الله رشتی (1234 - 1312) نیز مطالبی در کیفیت زیارت دارد، که در «تذکره الزائرین» آمده است.
- 21- مرحوم شیخ ابوالمعالی کرباسی - یا کلباسی (1247 - 1315) رساله ای در کیفیت زیارت عاشورا دارند.
- 22- مرحوم شیخ علی بن محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی (م 1315) مانند پدر بزرگوارش سه رساله در زیارت عاشورا نوشته است.
- 23- مرحوم مولی محمد اشرفی مازندرانی (م 1315) رساله ای در کیفیت زیارت عاشورا دارند.
- 24- مرحوم حاج میرزا ابوالفضل طهرانی (م 1316) کتاب «شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور» را نوشته که شرح زیارت عاشورا است.
- 25- مرحوم مولی فتح الله شیخ الشریعة اصفهانی (م 1339) مطالبی در کیفیت زیارت عاشورا دارد، که در «تذکره الزائرین» آمده است.

26- مرحوم مولی حبیب الله شریف کاشانی (1262 - 1340) شرحی بر زیارت عاشورا دارد، که منتشر شده است.

27- مرحوم سید حسن طباطبائی ساروی (م حدود 1351) درباره زیارت عاشورا دو رساله نوشته، که در فصل سوم معرفی شده اند. یکی از این رساله ها، (رساله تذکره الزائرین مختصر یا صداق الحور فی شرح زیارة العاشور) در همان فصل به چاپ رسیده است.

28- مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی (1276 - 1355)، که طریقه ایشان در خواندن زیارت عاشورا، در کتاب «المصباح و النور» توتونچی، ص 7، و نیز در حاشیه مفاتیح الجنان (ج 1، چاپ جدید شفاء الصدور به نقل از آن) ذکر شده است.

29- مرحوم حاج شیخ عباس قمی (م 1359) در سه کتاب خود، درباره زیارت عاشورا مطالبی بیان داشته است:

الف - مفاتیح الجنان، در قسمت زیارات مخصوصه ابا عبدالله الحسین (علیه السلام).

ب - هدیة الزائر، باب چهارم، ص 133 - 149.

ج - سفینه البحار، ج 2، ص 607 - 608 ماده «نقب»، در توضیح عبارت «تنقبت لقتالک».

30- مرحوم شیخ عباس حائری تهرانی (م 1360) شرحی بر زیارت عاشورا نوشته اند.

- 31- مرحوم سید محسن امین جبل عاملی صاحب «*عیان الشیعه*» (م 1371) در کتاب «*مفتاح الجنات*» - شامل ادعیه و زیارات و مستحبات - زیارت عاشورا را آورده است. (ج 2، ص 355)
- 32- مرحوم شیخ محمد رضا افضل العصر تهرانی (م 1372) در رساله «*هنر* مسأله» (چاپ سنگی تهران 1347 قمری، ص 70 - 71 مسأله 450 و 451) درباره کیفیت زیارت سخن گفته است.
- 33- مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (1295 - 1373) در کتاب «*الفردوس الاعلی*» (مجموعه مقالات و بیانات متفرقه ایشان، که توسط مرحوم شهید سعید محمد علی قاضی طباطبائی گردآوری شده) درباره زیارت عاشورا بیاناتی ایراد کرده است. (الفردوس الاعلی، ص 22 - 26)
- 34- مرحوم شیخ عبد النبی نجفی عراقی (1308 - 1387) رساله ای درباره زیارت عاشورا دارند. وی از تلامذه بزرگانی همچون شیخ الشریعه اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ علی قوچانی، شیخ مهدی مازندرانی و میرزای نائینی بوده است.
- 35- مرحوم شیخ عبدالحسین امینی صاحب الغدیر (م 1390) در کتاب «*دب الزائر*» کلام مولی شریف شیروانی صاحب کتاب «*الصدف المشحون*» درباره کیفیت زیارت را نقل کرده است. کلام مرحوم شیروانی در حاشیه 110 - 111 چاپ جدید شفاء الصدور و 264 - 267 کتاب *اللؤلؤ النضید* شبستری نیز نقل شده است.

36- محدث بزرگ مرحوم حاج میرزا حسین نوری (متوفی 1320) در چندین موضع از کتاب نفیس مستدرک الوسائل به روایت زیارت عاشورا اشاره می کند. از جمله: کتاب الحج، ابواب المزار، باب 41، ح 6، طبع جدید، ج 10، ص 293 - باب 49، ح 8 و 9؛ ج 10، ص 315 - 317 - باب 86، ح 16، ج 10، ص 412 - 416. در اینجا متن زیارتی را که «زیارت عاشورای غیر معروفه» نامیده می شود، با اسناد آن آورده است.

37- صاحب حدائق شیخ یوسف بحرانی درباره زیارت عاشورا بحث کرده است. (کنز مخفی، ص 3)

38- فاضل محقق سبزواری در کتاب مفاتیح الجنان (که به تعبیر محدث نوری، از کتب نفیسه ادعیه است). درباره کیفیت زیارت عاشورا سخن گفته است. (سلامة المرصاد، محدث نوری، چاپ سنگی 1309 تبریز، ص 33 - 34)

39- سید مهدی بحرانی (م 1343) دو رساله درباره زیارت عاشورا نوشته است: «الصرخه المهدویه الكبرى» و خلاصه آن به نام «الصرخه المهدویه الصغرى».

40- مرحوم شیخ محمد باقر فقیه ایمانی (متوفی 1370 قمری) رساله ای تحت عنوان «رساله حول زیارة عاشوراء والبحث عن سنده و معناه» دارد، که فرزند دانشمندش در مقدمه کتاب دیگر او «مطلع الانوار فی ذکر الامام الغائب عن الابصار» (چاپ اول، مطبعه سعید، مشهد، 1412) در ضمن شرح حال ایشان، در زمره آثار مخطوط، نام برده است.

41- مرحوم مولی عبدالرحیم کرمانشاهی، رساله ای با عنوان «رساله حول زیارة عاشوراء» دارد، که در مقدمه کتاب «کشف الاسرار» ایشان (در شرح منظومه فقهی علامه بحر العلوم، که به اهتمام آیت الله جلیلی کرمانشاهی چاپ شده) ضمن شرح حال ایشان نام برده شده است.

42- مرحوم آقا میرزا محمد حسن نجفی (1236 - 1317) رساله ای درباره زیارت عاشورا دارد. وی از شاگردان فقهای بزرگی همچون صاحب جواهر، صاحب ضوابط و شیخ انصاری است. و مدفن او در تخت فولاد اصفهان قرار دارد. بنگرید: تذکره القبور ملا عبدالکریم گزی اصفهانی، ص 34 - 36.

43- آیت الله جعفر سبحانی در جزوه ای تحت عنوان (سند زیارت عاشورا) به بررسی سند زیارت عاشورا پرداخته اند

44- کتاب زیارت عاشورا فراتر از شبهات (فارسی)، تألیف استاد الفقهاء والمجتهدین فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره)^{۳۳۳}، متوفای سال 1427

۳۳۳- یکی از اعیان و مفاخر فقهای نامدار شیعه و یکی از اکابر و متبحرین در علوم اسلامی و یکی از استوانه های فقهی و اجتهادی در فقه جعفری که از نظر آثار و برکات وجودی بسیار با برکت بوده مرحوم فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) است، بسیار عابد، زاهد، اهل خشوع و تهجد بود و مداومت بر علم و دانش داشت. جماعت بسیاری از او بهره بردند. او بر تمام موالین و محبین اهل بیت (علیهم السلام) و فضلاء و طلاب حوزه حق دارد زیرا که در قرن خود در علوم و ولاء اهل بیت (علیهم السلام) تحولی عظیم ایجاد نمود. هرگاه در پی شناخت ایشان برآییم ایشان را آگاه بر هر فنی خواهیم یافت. جملات مدح و ستایش در معرفی او، ناتوانند. گویا او تندیس علم و دانش و ادب و تجسم فضل و کمال است. فقیه هوشیار محدث پارسا، ثقه جلیل القدر و سرچشمه بزرگواری ها و فضیلت ها و دارای تألیفات سودمندی است. علمای دین نه تنها از استاد خود درس علم و دانش

هـ. ق، ضمن اثبات اعتبار زیارت عاشورا، از جوانب مختلف آن را مورد بررسی قرار داده است. و اصل زیارت عاشورا را با تصحیح کامل و تطبیق آن با نسخ³³⁴

می آموزند بلکه مراتب معنوی و کسب کمال را سپری می نمایند. مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره)همزمان با طی مدارج علمی و سریع تر از آن مدارج معنوی و کمالات روحی را پیمودند تا آنجا که مصداق واقعی عالم ربانی گشت. این ادعا با مروری بر سجایای اخلاقی ایشان کاملاً روشن می شود از جمله خصائص بارز اخلاقی مرحوم میرزا(قدس سره)می توان به این موارد اشاره کرد: یاد خداوند متعال: مرحوم میرزا(قدس سره) هیچ گاه از یاد خدا غافل نبود و تمام اعمالش را با قصد قربت انجام می داد.

زیارت و توسل: مرحوم میرزا(قدس سره) به زیارت ائمه هدی(علیهم السلام)اهمیت فراوانی می داد و هر جا فرصت می یافت و یا امکان بر ایشان حاصل می شد شروع به خواندن دعا و زیارت ائمه(علیهم السلام)می نمودند.

توجه خاص به توسل به معصومین(علیهم السلام) باعث گردیده بود که مرحوم میرزا(قدس سره) به تألیف کتب عقایدی روی آورند و اهمیت خاصی به رد شبهات و دفاع از کیان تشیع و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام)دهند.

زهد و پارسایی: یک ویژگی بسیار مهم در زندگی این بزرگ مرد زهد و پارسایی و ساده زیستی اوست. مرحوم میرزا(قدس سره)تمام امکانات را در اختیار داشتند اما با همه اینها، زندگی شخصی مرحوم میرزا(قدس سره)در نهایت زهد و پارسایی سپری می شد.

تواضع: تواضع مرحوم میرزا(قدس سره) از دیگر خصائص اوست. مرحوم میرزا(قدس سره) هیچ گاه به مقام اجتماعی و بالا و پائین بودن موقعیت نظر نمی کرد، آن خصائص روحی و کمالات معنوی با علم و دانش گسترده از او شخصیتی ممتاز ساخته بود.

سعه صدر، خوش فهمی، حسن سلیقه، داشتن نظم و برنامه تحصیلی، ظرافت طبع، معنویت سخن و پختگی و بی نقص بودن آثار علمی، تخلق به اخلاق الهی و قرب منزلت از خصوصیات این عالم ربانی است.

قدیمی که زمان آنها به شیخ طوسی (رحمه الله) می رسد ذکر نموده اند. (محل دفن این عالم بزرگوار مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) قم، قسمت علماء می باشد).

45- زیارت عاشورا فوق الشبهات (عربی)، تألیف استاد الفقهاء والمجتهدین میرزا جواد تبریزی (قدس سره)، متوفی سال 1427 هـ. ق، زیارت عاشورا را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار داده و اعتبار آن را ثابت نموده اند و با نسخه زمان شیخ طوسی (رحمه الله) تطبیق نموده اند^{۳۳۵}.

تعلیم و تعلم از مهم ترین خدمات ایشان به شمار می آید. شخصیت بارز علمی ایشان در دقیق بودن در مطالب، و عمیق فکر کردن و حسن سلوک با طلاب هر روز گروه بیشتری از افراد علاقمند و با استعداد را به سوی مجلس درس ایشان می کشاند.

ایشان یکی از اعجوبه های روزگار خود بودند که در زمینه های مختلف علمی از جمله: فقه، اصول، کلام، رجال و... کتابهایی ارزشمند نوشته که به زیور آراسته شده و در حدود ده ها کتاب از آثار خطی ایشان به جای مانده است که حاکی از نبوغ این فقیه فقیه است.

تألیفات فراوان و گوناگون وی در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه ای پایان ناپذیر است که هم اکنون با گذشت ایام روز به روز بر ارزش و اعتبار آنها افزوده می شود و جایگاهی بس رفیع و والا یافته اند و در صدر قفسه کتابخانه ها و در سینه فقها و دانشمندان جای می گیرد که از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

1- ارشاد الطالب فی شرح المکاسب - 7 جلد

2- تنقیح مبانی العروة (طهارة) - 7 جلد

3- تنقیح مبانی العروة والمناسک (الحج) - 3 جلد

4- اسس القضاء والشهادات

5- اسس الحدود والتعزیرات

6- کتاب القصاص

46- حجت الاسلام والمسلمین سید یاسین موسوی، در کتابی به بررسی سند زیارت عاشورا و ذکر بعضی از فضائل زیارت عاشورا پرداخته اند.

-
- 7- کتاب الدیات
 - 8- طبقات الرجال (دوره کامل 11 جلد) - تبیین و تصحیح طبقات الرجال 15 جلد - معجم الرجال 5 جلد - مجمع الرواة 2 جلد
 - 9- الدروس فی علم الاصول (دوره کامل اصول)
 - 10- تنقیح مبانی العروة (الصلاة) (در حال چاپ)
 - 11- تنقیح مبانی العروة (کتاب الصوم)
 - 12- تنقیح مبانی العروة (کتاب الزکاة والخمس)
 - 13- صراط النجاة 12 جلد
 - 14- کتاب ظلمات فاطمة الزهراء (علیها السلام) (در حال چاپ)
 - 15- کتاب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب: (در حال چاپ)
 - 16- فذک
 - 17- الشعائر الحسینیة
 - 18- زیارت عاشورا فرائد از یک شبهه (در حال چاپ)
 - 19- زیارت عاشوراء فوق الشبهات
 - 20- نفی السهو عن النبی (صلی الله علیه وآله)
 - 21- نصوص الصحیحة علی الائمة (علیهم السلام)
 - 22- الانوار الهیة فی مسائل العقائدية
 - 23- النکات الرجالیة (مخطوط)
 - 24- ما استفدت من الروایات فی استنباط الاحکام الشرعیة (وسائل الشیعة مخطوط)
 - 25- النصایح (آداب المتعلمین)

توجه علمای بزرگ به

زیارت عاشورا

توجه علمای بزرگ به زیارت عاشورا

وحید بهبهانی (رحمه الله)

«معروف است که آقا محمد باقر معروف به وحید بهبهانی، زمانی که برای زیارت به حرم سیدالشهدا مشرف می شد، اول آستان کفش کن آن جناب را می بوسید و روی مبارک و محاسن شریف خود را بدان می مالید پس از آن، با خضوع و خشوع و رقت قلب به اندرون حرم مشرف می شد و زیارت می کرد و در مصیبت امام حسین (علیه السلام) کمال احترام را مراعات می فرمود».^{۳۳۶}

حکم به خواندن زیارت عاشورا

آقای حاج سید احمد زنجانی (رحمه الله) در کتاب *الکلام یجر الکلام* از مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (رحمه الله) نقل نموده است اشاره کرد که فرمود: من و آقای آقا میرزا علی آقا (رحمه الله) - آقا زاده میرزای شیرازی (رحمه الله) - و آقا سید محمود سنگلجی (رحمه الله) در سامرا شبی روی بام در خدمت مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی (رحمه الله) درس می خواندیم.

در اثنای درس، استاد بزرگ ما، مرحوم آقای سید محمد فشارکی (رحمه الله)^{۳۳۷} تشریف آوردند، در حالی که آثار گرفتگی و انقباض در بشره اش پیدا بود، معلوم شد شنیدن خبر بروز وبا در عراق (سامرا) ایشان را این گونه منقلب کرده است. فرمود: شما مرا مجتهد می دانید؟ عرض کردیم: بلی، فرمود: عادل می دانید؟ عرض کردیم: بلی! فرمود: من به تمام زن و مرد شیعه سامرا حکم می کنم که هر یک از ایشان یک مرتبه زیارت عاشورا را به نیابت از طرف نرجس خاتون، والده ماجده امام زمان (علیه السلام) بخوانند، و آن مخدره را نزد فرزند بزرگوارش، شفیع قرار دهند تا آن حضرت از خداوند عالم بخواهد که خدا شیعیان مقیم سامرا را از این بلا نجات دهد. به محض اینکه^{۳۳۸} حکم صادر گردید، تمام شیعیان مقیم

۳۳۷- آیت الله سید محمد بن قاسم فشارکی (رحمه الله) اصفهانی؛ در سال 1253 قمری (1214 شمسی) در منطقه فشارک (اصفهان) به دنیا آمد، در سن 11 سالگی به عراق رفت، و کفالت او را برادر بزرگش ابراهیم ملقب به «کبیر» بر عهده گرفت. و برخی دروس را نزد برادر و ما بقی را نزد علمای دیگر مانند آیت الله فاضل اردکانی (رحمه الله) و حاجی آقا حسن بن سید مجاهد (رحمه الله) گذراند. در سال 1286 قمری، به نجف رفت و در محضر آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی (رحمه الله) تلمذ کرد و در سال 1291 به همراه آیت الله شیرازی (رحمه الله) به سامرا رفت. پس از وفات آیت الله شیرازی (رحمه الله) مجدداً در سال 1312 هجری قمری به نجف بازگشت. آن طور که آقا بزرگ تهرانی در کتاب خود می فرماید: در مسجد هندی در نجف،

کرسی تدریس داشت، که حدود 300 شاگرد در درس او حاضر می شدند. شیخ عباس قمی (رحمه الله) در «فوائد الرضویه» می فرماید: زمانی که آیت الله شیرازی (رحمه الله) در شعبان 1312 وفات کرد بزرگان به او رجوع کردند؛ زیرا اعتقاد داشتند که او اعلم پس از میرزاست، و از او خواستند که تصدی امور شرع و مرجعیت را بر عهده بگیرد، اما ایشان فرمود: من خود می دانم که شایسته این کار نیستم؛

سامرا، حکم را اطاعت کرده و زیارت عاشورا، را طبق همان دستور خواندند، در نتیجه بعد از خواندن زیارت عاشورا، یک نفر شیعه سامرا تلف نشد، در صورتی که هر روز حدود پانزده نفر از غیر شیعه تلف می شدند.^{۳۳۹} لازم به تذکر است که از آن به بعد تمامی تلفات متوجه عامه بود که باعث شد عده ای از آنان متنبه شده و به مذهب حق روی آورند.^{۳۴۰}

زیرا ریاست امور شرعی نیاز به امور دیگری غیر از علم دارد، و من در این امور وسواس خاصی دارم، و من به غیر از تدریس به کاری نباید مشغول شوم. ایشان اشاره کرد که به سراغ مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی (رحمه الله) بروند که این یکی از دلایل بلندی همت، پاکی نفس و اخلاص قلب این بزرگوار بوده است. حاج میرزا محمد حسین نائینی (رحمه الله)، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (رحمه الله)، آقا شیخ محمد رضا نجفی (رحمه الله)، حاج شیخ محمد حسین طبسی (رحمه الله) و آقا میرزا سید علی مدرس یزدی (رحمه الله) از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی، اصالة البرائة، الاغسال، الفروع المحمدیه، مجموعه رسالاتی در فقه و غیره، شرح اوائل رساله البرائة شیخ انصاری، رساله ای در خلل نماز می باشد. وفات وی را در 1316 قمری (1277 شمسی) دانسته اند. محل دفن وی یکی از حجرات صحن مقدس علوی است.

۳۳۹- الکلام یجر الکلام، ج 1، ص 54 - 55.

۳۴۰- فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می فرمودند: هر هفته عده ای از طلاب حوزه نجف اشرف شب های جمعه برای زیارت سالار شهیدان (علیه السلام) از نجف به کربلا می رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم، و هر هفته به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می کردم، و موفق می شدم که در کنار قبر مطهر و روبه روی ضریح آن امام مظلوم (علیه السلام) زیارت عاشورا بخوانم، و به واسطه این توسل، از سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) مدد می جستیم. در این جهت مولی (علیه السلام) عنایت فراوانی به من کرد، و بسیاری از مشکلاتم به واسطه این توسل حل می شد. زیارت عاشورا مجرب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه توسلات بوده که از جمله آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت

شیخ مرتضیٰ انصاری (رحمه الله)

در شرح احوال شیخ مرتضیٰ انصاری (رحمه الله)، نواده شیخ انصاری آورده اند که: «از جمله عاداتش خواندن زیارت عاشورا بوده که در هر روز، دو بار صبح و عصر آن را می خواند و بر آن بسیار مواظبت می نمود. بعد از وفاتش کسی او را در خواب دید و از احوالش پرسید، در جواب سه مرتبه فرمود: عاشورا، عاشورا، عاشورا»^{۳۴۱}.

میرزای محلاتی (رحمه الله)

فقیه زاهد عادل، مرحوم شیخ جواد عرب - که مرجع تقلید گروهی از شیعیان عراق بوده - در شب 26 ماه صفر 1336 هـ. ق در نجف اشرف در خواب، حضرت عزرائیل (سلام الله علیه) را می بیند. پس از سلام از او می پرسد: از کجا می آیی؟

- از شیراز، و روح میرزا ابراهیم محلاتی را قبض کردم .

- روح او در عالم برزخ در چه حالی است ؟

عاشورا سهل انگاری نکنید، خداوند به واسطه این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالی.

- در بهترین حالات و در بهترین باغ های برزخ و خداوند هزار ملک موکل او کرده است که فرمان او را می برند.

- برای چه عملی از اعمال به چنین مقامی رسیده است؟

- برای خواندن زیارت عاشورا.

(مرحوم میرزای محلاتی سی سال آخر عمرش، زیارت عاشورا را ترک نکرد و هر روز که به سبب بیماری یا امری دیگر نمی توانست زیارت عاشورا بخواند، نایب می گرفت).

وقتی که آن مرحوم از خواب بیدار می شود، فردای آن شب به منزل آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای دوم) می رود و چون خواب خود را برای میرزا نقل می کند، ایشان می گیرند. سبب گریه را می پرسند، می فرماید: میرزای محلاتی از دنیا رفت و استوانه فقه بود. گفتند: شیخ خوابی دیده و واقعیت آن معلوم نیست. میرزا می فرماید: بلی، خواب است؛ اما خواب شیخ مشکور است نه خواب افراد.

فردای آن روز، تلگراف درگذشت میرزای محلاتی از شیراز به نجف مخابره شد و صدق رؤیای شیخ آشکار گشت^{۳۴۲}.

عاشورا عاشورا

محدث نوری در کتاب نجم الثاقب از سید احمد فرزند سید هاشم رشتی (رحمه الله)، تاجر ساکن رشت، نقل می کند که گفت: «در سال هزار و دویست و هشتاد، برای ادای حج و زیارت خانه خدا از رشت به تبریز آمدم، آنجا در خانه یکی از تجار معروف، به نام حاج صفر علی منزل نمودم. چون کاروانی نبود متحیر بودم که چگونه سفر را ادامه دهم، تا آنکه حاج جبار نامی که جلودار کاروان و از شهر سده اصفهان بود، مال التجاره ای برداشت، و من به همراه کاروان او حرکت کردم.

در یکی از منازل ما بین راه (در ترکیه) حاجی جبار جلودار، نزد ما آمد، که این منزلی که در پیش داریم مخوف است، قدری زودتر بار کنید که به همراه قافله باشید، چون در سایر منازل ما اغلب از قافله عقب بودیم، ما هم تقریباً دو ساعت و نیم یا سه ساعت به صبح مانده حرکت کردیم. به اندازه نیم یا سه ربع فرسخ از منزل دور شده بودیم، که هوا تاریک شد و برف باریدن گرفت، به طوری که هر یک از رفقا سر خود را پوشانده و تند راندند. هرچه کردم به آنها برسم ممکن نشد، تا آنکه آنها رفتند و من تنها ماندم، پس از اسب خود پیاده شده و در کنار راه نشستم. از آنجا که مبلغ ششصد تومان با خود داشتم مضطرب گشته، و تصمیم گرفتم که در همین مکان بمانم تا آفتاب طلوع کند، و سپس به منزل قبلی مراجعت کرده تا دلیلی بیابم و به کاروان ملحق شوم.

ناگاه در مقابل خود باغی دیدم، که در آن، باغبانی بیل به دست گرفته بر درختان می زد تا برف آنها بریزد. مرد پیش من آمد و در فاصله کمی ایستاد،

فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم: رفقای من رفته اند و تنها در این بیابان مانده ام و راه را هم نمی دانم. به زبان فارسی فرمود: نماز شب بخوان تا راه را پیدا کنی. من مشغول خواندن نماز شب شدم. بعد از فراغ از تهجد، باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: به خدا قسم راه را نمی دانم. فرمود: زیارت جامعه بخوان! من زیارت جامعه را از حفظ نمی دانستم - و الان هم از حفظ ندارم - اما ایستادم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم. باز فرمود: نرفتی؟ بی اختیار گریه ام گرفت، و گفتم: راه را نمی دانم! فرمود: زیارت عاشورا بخوان! من عاشورا را از حفظ نمی دانستم - و تا کنون هم حفظ نیستم - اما در آنجا با لعن و سلام و دعای علقمه از حفظ خواندم.

باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: نرفتم. تا صبح شد، فرمود: من حالا تو را به کاروان می رسانم، رفت و بر الاغی سوار شد، بیل خود را به دوش گرفت، و فرمود: پشت سر من بر الاغ سوار شو! سوار شدم، عنان اسب خود را کشیدم، تمکین نکرد و حرکت ننمود. فرمود: جلوی اسب را به من بده! دادم، بیل را به دوش چپ و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد و اسب در نهایت تمکین، متابعت کرد. پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نماز شب نمی خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: نافله، نافله، نافله.

باز فرمود: چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا.

بعد فرمود: چرا جامعه نمی خوانید؟ سه مرتبه فرمود: جامعه، جامعه، جامعه.

در همان حال به من فرمود: اینها رفقای تو هستند که لب نهر آب فرود آمده و برای نماز صبح مشغول وضو گرفتن هستند!!

من از الاغ پیاده شدم که سوار اسب خود شوم نتوانستم، او پیاده شد و بیل را در برف فرو برد، مرا سوار کرد و به سوی رفقا برگردانید.

در آن هنگام به فکر فرو رفته و از خود سؤال کردم که این شخص چه کسی بود که به زبان فارسی حرف می زد، در صورتی که زبانی جز ترکی، و مذهبی غالباً جز عیسوی در آن حدود یافت نمی شد، چگونه مرا با این سرعت به رفقایم رسانید؟ پس پشت سر خود نگاه کردم، احدی را ندیده، و اثری از او نیافتم و آن گاه به رفقای خود ملحق شدم.^{۳۴۳}

اگر نبود «الفین و زیارت عاشورا»

فرزند مرحوم علامه حلی (رحمه الله)، علامه را در خواب دید و از احوال آخرت از او سؤال کرد، جواب فرمود: «لولا الفین و زیارة الحسین لاهلکتني الفتاوی».

یعنی اگر نبود کتاب الفین و زیارت امام حسین (علیه السلام)، فتوهای من، مرا هلاک می کرد.

۳۴۳- نجم الثاقب، ص 601 - 602، مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (رحمه الله)، بعد از زیارت جامعه کبیره حکایت سید رشتی.

آن مرحوم، مداومت به زیارت امام حسین (علیه السلام) داشته و در کتاب «الفین» دو هزار دلیل و برهان برای حقانیت و تقدم و افضلیت امیر المؤمنین (علیه السلام) بر سایرین و بطلان خلافت دیگران اقامه نموده است^{۳۴۴}.

مرحوم کمپانی (رحمه الله)

نقل است که مرحوم کمپانی با خود قرار گذاشته بود که هر روز زیارت عاشورا را بخواند و سایر کارهایش؛ مانند تدریس و تقریر بحث‌ها و تهجد و نمازهای نافله و... را نیز انجام دهد؛ حتی از درگاه خداوند خواسته بود در روزی که مقدر است روز آخر عمرش باشد، خواندن زیارت عاشورایش ترک نشود؛ آن را بخواند، بعد فوت کند تا بالاخره روز آخر عمرش فرا رسد، زیارت عاشورا را بخواند و شبش فوت کرد^{۳۴۵}.

عاشورا، عاشورا

میرزا جواد تبریزی (قدس سره) و زیارت عاشورا

حجت الاسلام، شیخ غلامرضا توکلی می گوید: روزی خانمی از تهران تماس گرفته و اصرار می کرد که با مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) صحبت نماید، به ایشان گفتم: میرزا (قدس سره) فعلاً مکالمه‌ی تلفنی ندارند، اگر مطلبی دارید

۳۴۴- روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۸۲.

۳۴۵- شرح احوال فقیه راحل شیخ اراکی، ص ۶۱۴.

بفرمایید که به آقا برسانم. آن خانم گفت: جهت گرفتاری که داشتم زیاد به مسجد جمکران می رفتم چهل شب تمام شد اما مشکلم حل نشد، تا اینکه شبی در عالم خواب دیدم که حضرت ولی عصر (علیه السلام) در مکانی حضور دارند. (بدون آنکه مشاهده شود) در عالم خواب برای دیدن حضرت (علیه السلام) به آن مکان رفتم اما کثرت جمعیت اجازه نداد به حضرت (علیه السلام) برسم با این حال دیدم که مردم دور یک پیرمرد روحانی را گرفته اند و مسائلی را با او مطرح می کنند، به من گفتند که مشکل خود را با این آقا در میان بگذار. من به محضر آن روحانی رفتم اما قبل از آنکه مسئله ام را مطرح کنم و از ایشان راهنمایی بطلبم، اسم او را سؤال نمودم، گفتند: میرزا جواد تبریزی است. من مشکل خود را به ایشان گفتم، ایشان جوابی داده و دستوری فرمودند، اما بعد از بلند شدن از خواب جواب را فراموش نمودم و بسیار ناراحت شدم. از بعضی از روحانیون تهران سؤال کردم، شما شخصی به نام جواد تبریزی می شناسید، گفتند: ایشان از مراجع تقلید در قم می باشند. شماره ی دفتر ایشان را پیدا نمودم و الان می خواهم قضیه را به ایشان برسانید و بگویید شما چه می فرمایید. شیخ توکلی می گوید: خدمت آقا آمدم و مطلب را به ایشان رساندم، مرحوم میرزا (قدس سره) بدون آنکه عکس العملی نشان دهد در حالی که اشک در چشمان مبارکشان حلقه زد، فرمودند: به آن خانم بگویید زیارت عاشورا بخواند مشکلمش ان شاء الله حل خواهد شد.

عاشورا عاشورا عاشورا

در شرح حال مرحوم شیخ مرتضی (قدس سره)، نواده شیخ انصاری آورده اند که: از جمله عاداتش خواندن زیارت عاشورا بوده که هر روز دو بار صبح و عصر آن را می خوانده و بر آن بسیار مواظبت می نمود، پس از وفاتش کسی او را در خواب دید و از احوالش پرسید، در جواب سه مرتبه فرمود: عاشورا، عاشورا، عاشورا^{۳۴۶}.

ترک زیارت حسین (علیه السلام) و اعتراض رسول خدا (صلی الله علیه وآله

وسلم)

ابوالحسن فارسی می گوید:

من بسیار به زیارت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) مشرف می شدم تا این که بر اثر فقر و پیری آن را ترک کردم. شبی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را در خواب دیدم؛ در حالی که حسن و حسین (علیهما السلام) با او بودند و من بر آنان گذشتم.

حسین (علیه السلام) به جدش عرضه داشت: این مرد بسیار به زیارت من می آمده؛ ولی اکنون ترک کرده است.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به من فرمود: آیا از کسی مانند حسین می بُری و زیارتش را ترک می نمایی؟!

عرضه داشتم: هرگز ذی‌ولی پیر و ناتوان شده ام .
 رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: هر شب به پشت بام خانه ات برو و
 با انگشت شهاده به جانب آن حضرت (علیه السلام) اشاره کن و بگو:
 «السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَىٰ جَدِّكَ وَأَبِیْكَ، وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَىٰ أُمِّكَ وَأَخِیْكَ،
 وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَىٰ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِیْكَ»^{۳۴۷ ۳۴۸}.

زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام)
 مرحوم ابن داود قمی (رحمه الله) در کتاب زیاراتش آورده:
 مرا همسایه ای بود که هر ماه به زیارت حسین (علیه السلام) می رفت تا این که
 سالمند و ناتوان گردید و نتوانست به زیارت رود .
 پس از مدتی با پای پیاده به زیارت مشرف شد و پس از چند روز به کربلا
 رسید . به حرم رفت و بر آن حضرت (علیه السلام) سلام نمود، نماز زیارت به
 جای آورد و خوابید .
 در خواب اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را دید که از قبر بیرون آمده و به او
 فرمود: چرا بر من جفا کردی ؟ با این که نسبت به من مهربان بودی ؟

۳۴۷- بحار الانوار ؛ کتاب المزار .

۳۴۸- گنجینه رؤیا.

عرضه داشت: یا سیدی! جسمم ناتوان شده و در دلم افتاد که شاید آخر
عمرم باشد، در طول چند روز به زیارت شما آمدم و روایتی از شما نقل شده که
دوست دارم آن را از خودتان بشنوم .
فرمود: بگو .

گفتم: از شما روایت شده که فرموده اید: هرکس در زمان حیاتش مرا زیارت
کند، پس از مرگش او را زیارت می کنم .
فرمود: بله، من این را گفته ام و اگر آن شخص را در آتش ببینم، بیرونش
می آورم^{۳۴۹} .

ارزش گریه کردن بر امام حسین (علیه السلام)

سید بحر العلوم (رحمه الله) به قصد تشرف به سامرا تنها به راه افتاد. در بین راه
راجع به این مسأله که گریه بر امام حسین (علیه السلام) گناهان را می آمرزد، فکر
می کرد . همان وقت متوجه شد که شخص عربی سوار بر اسب به او رسید و
سلام کرد.
بعد پرسید:

جناب سید! درباره چه چیز به فکر فرو رفته ای؟ اگر مسأله ای علمی است
بفرمایید شاید من هم اهل باشم؟

۳۴۹- الدروع، ابن طاووس .

سید بحر العلوم عرض کرد: در این باره فکر می‌کنم که چطور می‌شود خدای تعالی این همه ثواب به زائرین و گریه کنندگان بر حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) می‌دهد؛ مثلاً در هر قدمی که در راه زیارت بر می‌دارند، ثواب یک حج و یک عمره در نامه عملشان نوشته می‌شود و برای یک قطره اشک، تمام گناهان صغیره و کبیره شان آمرزیده می‌شود؟ آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن من برای شما مثالی می‌آورم تا مشکل حل شود.

سلطانی به همراه درباریان خود به شکار می‌رفت. در شکارگاه از لشکریانش دور شد و به سختی فوق العاده ای افتاد و بسیار گرسنه شد. خیمه ای را دید و وارد آن خیمه شد. در آن سیاه چادر، پیرزنی را با پسرش دید. آنان در گوشه خیمه عنیزه ای (بز شیرده) داشتند و از راه مصرف شیر این بز، زندگی خود را می‌گرداندند.

وقتی سلطان وارد شد، او را نشناختند؛ ولی به خاطر پذیرایی از مهمان، آن بز را سر بریده و کباب کردند؛ زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند. سلطان، شب را همان جا خوابید و روز بعد، از ایشان جدا شد و هر طوری که بود، خود را به درباریان رسانید و جریان را برای اطرافیان نقل کرد. در نهایت از ایشان سوال کرد: اگر من بخواهم پاداش میهمان نوازی پیرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملی باید انجام بدهم؟

یکی از حضار گفت: به او صد گوسفند بدهید.

دیگری که از وزرا بود، گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید.

یکی دیگر گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدهید.

سلطان گفت: هر چه بدهم، کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و تخت را هم بدهم آن وقت، مقابله به مثل کرده ام؛ چون آنها هر چه را که داشتند، به من دادند. من هم باید هر چه را که دارم به ایشان بدهم تا سر به سر شود.

بعد سوار عرب به سید فرمود:

حالا جناب بحر العلوم! حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) هر چه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و دختر و خواهر و سر و پیکر داشت، همه را در راه خدا داد. پس اگر خداوند به زائرین و گریه کنندگان آن حضرت این همه اجر و ثواب بدهد، نباید تعجب نمود؛ چون خدا که خدایی اش را نمی تواند به سیدالشهدا (علیه السلام) بدهد.

پس هر کاری که می تواند، آن را انجام می دهد؛ یعنی با صرف نظر از مقامات عالی خود امام حسین (علیه السلام)، به زوار و گریه کنندگان آن حضرت درجاتی عنایت می کند. در عین حال، اینها را جزای کامل برای فداکاری آن حضرت نمی داند.

چون شخص عرب این مطالب را فرمود، از نظر سید بحر العلوم غایب شد.

مرثیه حضرت سیدالشهدا توسط محتشم کاشانی

محتشم پسری داشت که از دنیا رفت. چند بیت در رثای وی گفت. شبی

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) را در خواب دید که فرمودند:

«تو برای فرزند خود مرثیه می گویی ؛ اما برای فرزند من مرثیه نمی گویی؟»
می گوید: بیدار شدم ؛ ولی چون در این رشته کار نکرده بودم، سر رشته پیدا
نکردم که چگونه وارد مرثیه فرزند گرامی آن حضرت شوم.
شب دیگر در خواب مورد عتاب حضرتش گردیدم که فرمود: چرا در مصیبت
فرزندم مرثیه نگفتی؟ عرض کردم: چون تا کنون در این وادی قدم نزده ام، لذا راه
ورود برای خود پیدا نکردم. فرمود: بگو «باز این چه شورش است که در خلق
عالم است».

بیدار شدم، همان مصراع را مطلع قرار دادم و آنچه که می بایست، سرودم تا
رسیدم به این مصراع که گفتم: «هست از ملال گر چه بَری ذات ذو الجلال». در
این جا ماندم که چگونه این مصراع را به آخر برسانم که به مقام الوهیت جسارتی
نکرده باشم. شب، حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - را در خواب دیدم که
فرمودند:

چرا مرثیه خود را به اتمام نمی رسانی؟
عرض کردم: در این مصراع به بن بست رسیده ام، نمی توانم رد شوم . فرمود
که بگو: «او در دل است و هیچ دلی نیست بی ملال».
بیدار شدم ؛ این مصراع را ضمیمه آن مصراع نموده و بیت را به آخر
رسانیدم.

استفتائات و سیره میرزای تبریزی (قدس سره)

در خصوص زیارت عاشورا

بعضی در خصوص زیارت عاشورا تشکیک راه می اندازد و می گویند در زیارت لعن

نبوده است؟

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیارات معتبره و مجرب می باشد، زیارت عاشورا را شیخ طوسی (رحمه الله) در مصباح المتعجل صغیر و کبیر نقل کرده است (به همین شکل موجود در مفاتیح الجنان نیز نقل شده است). نسخ خطی فراوانی وجود دارد که از سه حال خارج نیست؛ یا تمام زیارت به شکل موجود در مفاتیح الجنان نقل شده است و یا اینکه قسمت لعن، به دلیل تقیه حذف شده است که محل حذف در نسخ خطی مشهود می باشد و به دلیل فشار بر تشیع، حفظ تقیه و تسهیل در رد و بدل نمودن آن، فرازهای لعن را حذف کرده اند و یا آنکه در بعضی از نسخ کپی شده، قسمت لعن در حاشیه ذکر شده که به دلیل تقیه ابتدا در نسخه ذکر نشده بود، ولیکن بعد از آنکه نسخه به شخصی خاص تعلق گرفته یا تشدید بر تشیع کمی برطرف شده است، آن را در حاشیه ذکر کرده اند تا مطابق با نسخه اصلی شود. در خصوص زیارت عاشورای موجود، با تمام فرازهایی که در مفاتیح الجنان ذکر شده است، شبهه ای وجود ندارد و معتبر می باشد.

در خصوص زیارات معروف از جمله جامعه، عاشورا، توسل، ناحیه و ... بعضی از افراد تشکیکاتی راه می اندازند و می گویند: سند این زیارات معلوم نمی باشد یا ضعیف است و کلماتی از این قبیل که موجب بروز توهمات به خصوص در نسل جوان می شود.

مضمون زیارات معروف، در بعضی از روایات وارد شده است و با مراجعه به روایات، مضامین فقراتی از ادعیه‌ی شریفه موجود می باشد و همچنین این زیارات مجرب است و بزرگان ما با توسل به این ادعیه به درجه‌ی عالی رسیدند و این گونه ادعیه که مضامین آن در روایات وارد شده، مجرب است، نیاز به سند ندارد و هر کس آنها را بخواند، خداوند متعال ضمن قبول این عمل، به آنها پاداشی خواهد داد (ان شاء الله تعالی) و مسئله‌ی تشکیک از ابتدا از بعضی افراد بی اطلاع و منحرف سر می زده و می زند و نباید به گفتار آنان گوش داد. بعضی از لذت عبادت دور هستند و فکر می کنند با مطرح کردن این مسائل می توانند دنیای خود را آباد کنند. حال آنکه این حرف ها ضمن قطع توفیق الهی، عاقبت خوشی برای این گونه افراد نخواهد داشت. خداوند به همه‌ی ما توفیق دهد که با وسیله بردن (وابتغوا إلیه الوسيلة...) به درگاه خداوند متعال، به خواندن این ادعیه موفق شویم.

شما در خصوص سؤالات زیر، چه می فرمایید؟

1. کسی که می گوید زیارت عاشورای اصلی این نیست؛ بلکه این زیارت تحریف شده

است!

2. ما بر علما اشکال کردیم، به ما جواب درست ندادند!

3. و در ملاء عام، حتی در نماز جمعه این اشکالات را مطرح می کند!

4. می توان به آنها خمس داد؟!

5. آیا خواندن نماز پشت سر آنها جایز است؟

بسمه تعالی:

1. هیچ گونه تزویری در زیارت عاشورا نیست و فقط بین نسخ اختلاف وجود دارد که به آن تزویر نمی گویند؛ بلکه اختلاف نسخ به دلیل تقیه اتفاق افتاده است و نسخی که در نزد ما است شامل تمام فقرات زیارت عاشورا، به شکلی که در مفاتیح الجنان است، می باشد و طبق اجازات موجود در بعضی نسخ، نسخه‌ی موجود به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) می رسد و تمام فقرات دعا در آن وجود دارد.

2. علما و بزرگان جواب مسئله را مناسب با مقام می گویند.

3. حاضر شدن و گوش دادن به خطبه‌ی این شخص جایز نیست.

4. دادن وجوه به این شخص جایز نیست.

5. نماز پشت سر این شخص جایز نمی باشد.

والله الهادی الی سواء السبیل.

از شما کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق الشبهات صادر شد و بسیار مفید بود،

نظر نهایی شما در خصوص زیارت عاشورا چیست؟

بسمه تعالی: همان گونه که در کتاب به آن تأکید کردیم، زیارت عاشورا از حیث سند صحیح است. بعضی از نسخ مصباح المتعجل که به شکل نسخه‌ی خطی می باشد در دسترس است و بعضی از این نسخه ها با توجه به اجازات موجود بر آن، تاریخش به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) می رسد و علمای بزرگ طایفه، این زیارت را با تمام فرازهای آن ذکر کرده اند، از جمله محمد بن مشهدی (رحمه الله) در مزار، ابن طاووس (رحمه الله) در مصباح و شهید اول (رحمه الله) در مزارش و

زیارت عاشورا مجرب است و علمای بسیاری به برکت این زیارت شریف، توفیقاتی کسب کرده اند و همین شهرت زیارت، در اثبات آن کافی است و مؤمنین در آن زمان تقیه، با آن مشکلات موجود به روش های مختلف از ادعیه حفاظت کرده اند تا به دست ما برسد و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان، از حیث سند معتبر می باشد و جای هیچ شبهه ای در آن نیست و خواندن آن اجر و ثوابی دارد که اهلش آن را درک می کنند.

آیا زیارت عاشورا معتبر است؟

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیارات معتبره می باشد و این زیارت مبارکه در کتب متعدد علمای ابرار ذکر شده است و مضمونش صحیح می باشد، زیارت عاشورا مجرب است و خداوند به همه توفیق خواندن آن را عنایت فرماید. به وسوسه‌ی افرادی که از علم حظی نبرده اند گوش ندهید و هر آنچه را که در راه زنده نگاه داشتن مصائب اهل بیت (علیهم السلام) انجام می دهید، مأجور هستید و زیارت عاشورا بیان مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و عمق فاجعه‌ی کربلا و موارد ظلم به اهل بیت (علیهم السلام) است، بخوانید که ان شاء الله فردای قیامت ذخیره‌ی خوبی خواهید داشت، موفق باشید.

در زیارت عاشورا آمده: «إِنَّ هَذَا يَوْمَ تَبْرُكُتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةٍ...»، در حالی که زیارت

عاشورا در طول سال خوانده می شود، آیا می توان عبارت را تغییر داد؟

بسمه تعالی: کلمه‌ی «هذا» به روز عاشورا اشاره دارد؛ یعنی به درستی که روز عاشورا؛ و از این رو در طول سال، چه شب و چه روز خوانده می شود.

آیا روایت وارده در خصوص زیارت عاشورا از امام باقر (علیه السلام) صحیح است و آیا می توان بر آن اعتماد کرد؟

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیاراتی است که علمای بزرگ آن را می خواندند و این زیارت نزد شیعه مشهور است و قرائت آن موجب ثواب می باشد و همان گونه که در روایت وارده آمده، قابل اعتماد است، از جهت سند صحیح می باشد، شبهه ای در آن نیست و در کتب معتبر علما نیز ذکر شده است.

ماهیت زیارت عاشورا چیست؟

ضمن بیان ظلم هایی که بر اهل بیت (علیها السلام) گذشته، ابراز لعن و نفرین بر ظالمین آنها است و از طرفی ارسال سلام و تجدید پیمان با خاندان اهل بیت (علیهم السلام) می باشد، بر خواندن این زیارت مداومت کنید که آثار عجیبی دارد.

زیارت عاشورا را چگونه باید خواند؟

به همان صورتی که در مفتاح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی (رحمه الله) ذکر شده است.

چرا زیارت عاشورا در مجامع حدیثی شیعی ذکر نشده است؟

مجامع حدیثی شیعه به عنوان منابع مورد مراجعه‌ی کلیه‌ی افراد، حتی عامه بوده است و مبنای محدثان، بزرگ اجتناب از ذکر احادیثی بوده که با تقیه سازگاری ندارد (با توجه به اینکه شیعه همواره در فشار حکام جور بوده) از این رو مشاهده می‌شود که این زیارت شریفه در منابع حدیثی ذکر نشده است و به ذکر زیارت عاشورا در کتب ادعیه که فقط مورد مراجعه شیعه بوده اکتفا نموده‌اند، پس عدم ذکر زیارت عاشورا در منابع اولیه‌ی شیعه، حاکی از آن نیست که این زیارت قبلاً نبوده و بعداً پدیدار گشته است؛ بلکه دستگاه ظلم بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با تکیه بر اریکه‌ی قدرت، قرن‌ها نگذاشت شیعه به راحتی رأی و معتقدات خود را منتشر کنند و کتابخانه‌های شیعی بارها به واسطه‌ی مخالفین مورد هجوم قرار گرفته و به آتش کشیده شد. به همین جهت علمای بزرگ با تلاش بی‌وقفه و تحمل مشقات آن زمان (که همواره در دوران متعدد، تقیه را پیشه‌ی کار خود قرار داده بودند) توانستند اثری را جهت حفظ مبانی حدیثی شیعه تدوین نمایند، که اولین آنها 400 اثری بود که به اصول/اربعمائه معروف گردید. این مجموعه توسط اصحاب ائمه (علیهم السلام) تدوین شد و حاوی کلمات ائمه (علیهم السلام) در موضوعات مختلف بوده است که به مرور زمان، و هجوم به منابع غنی شیعی، اکثر آنها از بین رفته‌اند، و آنچه که امروزه از اصول/اربعمائه باقی مانده است بیش از 16 اصل نمی‌باشد، که مرحوم محدث نوری (رحمه الله) در خاتمه‌ی کتاب مستدرک الوسائل ذکر

نموده اند. سپس با تلاش بزرگان، کتب اربعه تدوین شد که هم اکنون این کتب؛ یعنی الکافی، تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه منبع مراجعه‌ی علمای بزرگ می باشد.

از زمان غصب خلافت و تخلف از فرامین رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)، خانه نشین کردن امام شیعیان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و تبعید یاران راستین اسلام، فشار بر شیعیان و مخلصین درگاه اهل بیت (علیهم السلام) به واسطه‌ی مخالفین روز به روز بیشتر شد و عرصه را بر شیعیان تنگ تر کردند. در شام که دورترین نقطه‌ی خلافت اسلامی بود بنی امیه لعنه الله علیهم ریشه دواند و قدرت گرفت و جانشین رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را بر روی منابر مورد لعن قرار داده و با به شهادت رساندن دخت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) و علی بن ابی طالب (علیه السلام)، وصی برحق رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) هرآنچه که توانستند بر سر اسلام آوردند. به طوری که دو ریحانه‌ی رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را با بدترین آزارها به شهادت رساندند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

ذلت و خواری شیعه، بلای مهم و کشتار، پس از شهادت امام حسن (علیه السلام) و در زمان معاویه اتفاق افتاد. در هر شهری شیعیان ما را می کشتند و دست و پای افراد را، حتی به گمان شیعه بودن آنان، قطع می کردند. هرکسی به

ما اظهار محبت می نمود، به زندان می رفت. اموالش را غارت، و خانه اش را خراب می کردند و این بلا و مصیبت ادامه داشت، تا آنکه زمان/بن زیاد و قاتل امام حسین (علیه السلام) فرا رسید»^{۳۵۰}.

پس از بنی امیه، بنی عباس لعنه الله علیهم با شعار دروغین و با افکار پلید و منحرف خود، هر آنچه توانستند بر سر شیعیان آوردند؛ زیرا از حقانیت و قدرت گرفتن شیعیان هراس داشتند و ائمه ی اطهار (علیهم السلام) را با بهانه های پوچ و بی اساس مسموم و یا شهید نمودند و اصحاب راستین آنان را زندانی، تبعید و یا به شهادت رساندند. این روش خصمانه در قرون متمادی ادامه داشت و حکام جور هرچه از آثار شیعی به دستشان می رسید، از بین می بردند. ولیکن این مذهب با فداکاری علمای بزرگ و حامیان دین، توانست پا برجا بماند، ولو با اندک مبانی که علی رغم تقیه و فشار تدوین شده است و همواره علمای طائفه سعی کرده اند طوری حرکت کنند که بهانه ای به دست مخالفین ندهند و عدم ذکر زیارتی مانند زیارت عاشورا، که با تقیه سازگاری ندارد از همین رو است، به همین دلیل زیارت عاشورا را فقط در کتبی که مورد مراجعه شیعه بوده، ثبت و ضبط نموده اند. این زیارت شریفه عمدتاً در کتب ادعیه ای که به کتب مزار علما معروف است، ذکر شده است.

۳۵۰- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 15.

زیارت عاشورا در کدام کتب آمده است؟

زیارت عاشورا یکی از زیارات مشهوره می باشد، که در کتب بزرگان شیعه در طول قرون و اعصار ذکر شده است، که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی (رحمه الله)، قرن چهارم.
2. مصباح المتعجل، شیخ طوسی (رحمه الله)، قرن پنجم.
3. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)، قرن ششم.
4. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم.
5. فرح الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم.
6. منهاج الصلاح، علامه یحیی حلی (رحمه الله)، قرن هشتم.
7. کتاب مزار، شهید اول، سید محمد بن مکی (رحمه الله)، قرن نهم.
8. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعمی (رحمه الله)، قرن دهم.
9. بحار الانوار و تحفہ الزائر و زاد المعاد، علامه مجلسی (رحمه الله)، قرن یازدهم و

چرا زیاراتی مانند زیارت عاشورا نیاز به بررسی سندی ندارند؟

زیارتی مانند زیارت عاشورا (جامعه کبیره، توسل، کساء، ناحیه مقدسه و...) احتیاج به بررسی سند ندارد، و این گونه زیارات مشهور و شعار شیعه شده است و مضامین آن در روایات صحیح وجود دارد و علمای بزرگ بدان عمل کرده و جزء معتقدات شیعه شده است، چه شعاری بالاتر از بیان ظلم هایی که بر خاندان اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است. زیارت عاشورا بیان ظلم، لعن بر ظالمین اهل بیت (علیهم السلام) و سیدالشهدا (علیه السلام) و احیای واقعه‌ی طف است و باید بر آن محافظت کرد؛ زیرا زنده نگاه داشتن واقعه‌ی کربلا، زنده نگاه داشتن مذهب برحق تشیع است. اگر کسی به مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص هجوم به خانه‌ی وصی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و دخت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و حضرت صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) و سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) (که از مسلمات نزد شیعه است) آگاهی پیدا کند، حقیقت را خواهد یافت. همان گونه که بسیاری از افراد به واسطه‌ی آگاهی بر این ظلم ها، حقانیت مذهب تشیع و اهل بیت (علیهم السلام) بر آنها روشن گردیده و بدان روی آورده اند. همان گونه که شهادت بر مولای ما امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) (شهادت ثالثه) در اذان، شعار شیعه شده و ترک آن جایز

نمی باشد و کوتاهی در مثل این موارد، گناهی نابخشودنی به دنبال دارد^{۳۵۱}؛ زیرا که شعار مذهب و بانگ حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) است.

در فرازی از زیارت عاشورا می خوانیم: «و لعن الله بنی امیه قاطبة؛ و خدا همه ی افراد بنی امیه را لعنت کند»، سؤال این است که بعضی از بنی امیه شیعه بودند و بعضی مانند معاویه بن یزید (معروف به معاویه صغیر) خود را از خلافت خلع کرده و اظهار پیشیمانی می نمود و بعضی مانند عمر بن عبدالعزیز (هشتمین خلیفه ی اموی) نسبت به آل محمد (صلی الله علیه و آله) محبت فراوانی کرد و بخشی از حق آنها را ادا نمود و... پس چرا همه ی بنی امیه مورد لعن قرار گرفته اند؟

بسمه تعالی: مراد از بنی امیه در زیارت شریفه ی عاشورا کسانی هستند که در غصب خلافت و ظلم به اهل بیت (علیهم السلام) به هر شکلی نقش داشتند. والله العالم.

زیارت عاشورا دارای صد لعن و سلام است ولیکن گاهی انسان نمی تواند صد بار نکر کند، تکلیف چیست؟

۳۵۱. کلیه ی فرازا از کتاب زیارت عاشورا فراتر از شبهه و مجموعه ی استفتائات فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) اخذ شده است.

بسمه تعالی: می توان به یک بار اکتفا کند و افضل آن است که صد مرتبه ذکر
نماید و در هر حال اختصار لعن در زیارت عاشورا به یک بار جایز است، والله
الموفق.

چرا در ذکر سجده‌ی زیارت عاشورا گفته می‌شود: «اللهم لك الحمد حمد الشاکرین لك على مصابهم، الحمد لله على عظیم رذیقتی؛ پروردگار بر تو سپاس باد، همچون سپاس کسانی که برای مصائب شهیدان کربلا به سپاس و شکر تو پرداخته اند؟

بسمه تعالی: قضیه‌ی سیدالشهدا(علیه السلام) موجب نجات بشر و حفظ مذهب برحق تشیع است و از جهتی موجب تنبه و بیداری بسیاری از افراد، به خصوص جوانان است که بتوانند به واسطه‌ی این واقعه‌ی عظیم راه حق را تشخیص دهند و این واقعه موجب سازندگی و نجات است و چه بسیار افرادی که به واسطه‌ی تأمل در قضایای سیدالشهدا(علیه السلام) طریق صحیح را تشخیص داده و نجات یافتند.

آیا در زیارت عاشورا هنگام سجده‌ی آخر دعا «اللهم لك الحمد حمد الشاکرین...» باید رو به کعبه سجده کند؟

بسمه تعالی: سجده برای خداست و به هر طرف باشد مانعی ندارد، ولیکن به طرف قبله باشد اولی است.

اهمیت دادن مرحوم میرزا (قدس سره) به زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) گاهی در روزهای زیارتی امام حسین (علیه السلام) به پشت بام می رفتند و زیارت عاشورا را در زیر آسمان می خواندند و به ساحت مقدس ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) عرض ادب می کردند. ایشان همواره مدافع زیارت عاشورا بودند و جوانان و مؤمنین را به خواندن آن ترغیب می کردند و حتی برای رد شبهات، کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق شبهات تدوین کردند و می فرمودند: بسیاری از علما به واسطه‌ی مداومت بر زیارت عاشورا به درجه و مقام عالی نائل شدند، و مضمون زیارت عاشورا دفاع از حریم ولایت، معرفی غاصبان و به افتضاح کشیدن دستگاه بنی امیه و بنی العباس است و روشنگر ظلم‌هایی است که بر خاندان نبوت (علیهم السلام) گذشته، آن را در هر حال فراموش نکنید.

مرحوم میرزا (قدس سره) ضمن دفاع از این زیارت، در استفتائات مختلف می فرمودند: «به اینان که در خصوص زیارت عاشورا تشکیک می کنند، توجه نکنید. اینان از لذت عبادت به دورند و طعم شیرین عبادت را نچشیده اند؛ دستگاه سیدالشهدا - امام حسین (علیه السلام) - سفینه‌ی نجات است. متوسلین و عزاداران واقعی سیدالشهدا در آخرت در بهترین مکان‌ها منزل خواهند کرد. ان شاء الله تعالی، خدا توفیق دهد که ما هم عزادار واقعی آن امام شهید (علیه السلام) محسوب شویم.» و جمله‌ی معروف مرحوم میرزا (قدس سره) که در درس خود فرمودند: «ای کاش من روضه خوان ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بودم»،

همیشه در ذهن ها زنده است که این پیرمرد ولا چگونه به این خاندان عشق می‌ورزید و میدان دار دفع شبهات و دفاع از حریم ولایت بود.

زیارت عاشورا دارای سند صحیح بوده

و شبهه ای در آن نیست،

میرزای تبریزی (قدس سره) و زیارت عاشورا

روزی در محضر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) چنین مطرح شد که یک شیخ منحرف در احساء، تشکیکاتی در خصوص زیارت عاشورای موجود مطرح کرده و به طور کلی این شیخ کذابی حرف های امروزی دارد و به نظرش آمده که به مسائلی رسیده که کسی تا کنون به آن نرسیده است. فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) فرمودند: «زیارت عاشورا از نظر سند، صحیح می باشد و هیچ گونه تحریفی در آن صورت نگرفته و اگر کسی می گوید که تحریف شده، باید دلیل اقامه کند، که از اقامه ی دلیل عاجز است و فقط انکار می کند تا مشهور شود. (خالف تعرف) نباید به حرف چنین اشخاصی گوش داد، نسخه ی مصباح المتهجد موجود است و در آن زیارت عاشورا به شکل معروف موجود می باشد. نسخه ای که من مشاهده کردم به زمان شیخ طوسی (قدس سره) بر می گردد، اصلاً این گونه زیارات به سند احتیاج ندارند؛ بلکه زیارت عاشورا مجرب است، هرچند که بعضی به همین شکل معروف نقل کرده اند، مانند محمد بن المشهدی (قدس سره) در المزار، ابن طاووس (قدس سره) در مصباح و شهید اول (قدس سره) در کتاب مزار و ... و چه بسیار افرادی که از برکت زیارت عاشورا به حوائج خود رسیدند و چه بسیار علمایی که آن را تجربه کردند و به درجه ی معنوی نائل شدند. اصلاً این گونه زیاراتی که مجرب هستند و آثار

آن بر همه ظاهر شده است، احتیاج به سند ندارند و با همه‌ی این احوال، زیارت عاشورا به همین شکل موجود، محکم است و جای تردیدی در آن نیست. بخوانید و مرا دعا کنید که به دعای خیر شما احتیاج دارم. خداوند آنان را که در جهت دفاع از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) تلاش می کنند، موفق گرداند، ان شاء الله تعالی.

زیارت عاشورا همراه با لعن، ثابت است

و شبهه ای در آن نیست

میرزا جواد تبریزی (قدس سره) و لعن در زیارت عاشورا

در سال های پایانی عمر شریف فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) بعضی از افراد مدعی، ولیکن بی سواد و منحرف، در خصوص زیارت عاشورا شبهاتی در جامعه به راه انداختند که مرحوم میرزا (قدس سره) با قاطعیت مقابل آنان ایستاد و با نوشتن استفتائات متفاوت، ضمن رد شبهات، جواب محکمی به مشککین دادند.

ایشان می فرمودند: «اینان که شبهه به راه می اندازند، چون لذت عبادت و مناجات را نچشیده اند و توانایی درک فواید توسل، از جمله زیارت عاشورا را ندارند، دست به القا می زنند. علمای بزرگ به واسطه ی توسل به این زیارت شریف، به درجات عالی نائل شدند». مرحوم میرزا (قدس سره) می فرماید: «زیارت عاشورا همراه با لعن، به شکلی که در کتاب مفاتیح الجنان آمده، ثابت است. آنان که به خواندن زیارت عاشورا استمرار دارند، اثر خواندن این دعا را دیده و می بینند. برخواندن آن مداومت کنید و به حرف منحرفین جاهل گوش ندهید که آنان از رحمت خداوندی به دور هستند. زیارت عاشورا، یادآور مصائبی است که بر اهل بیت (علیهم السلام) گذشته و هرکس به واسطه ی این زیارت به اهل بیت (علیهم السلام) توسل کند، مأجور است و ان شاء الله گره کارهایش باز خواهد شد و در این دنیا اثر خواندن این دعا را خواهد دید، این دعای شریف مجرب

است و مؤمنین و مخلصین درگاه ولایت بر آن مداومت کنند. ممکن است بعضی افراد در دعا‌های دیگر شبهه به راه انداخته و با برداشت ناقص خود، که ناشی از بی سوادى آنهاست حرف‌هایی بزنند، اما بدانید که ادعیه‌ی مشهور از جمله زیارت جامعه، و دعای توسل، و حدیث کساء و... مجرب هستند و وسیله‌ای برای ارتباط با پروردگار به شمار می‌روند. بر آنها مداومت کنید که اثر آن را در همین دنیا خواهید دید. ان شاء الله تعالی.»

خواندن زیارت عاشورا در جوار بارگاه ملکوتی

سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام)،

میرزا جواد تبریزی (قدس سره) و خواندن زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می فرمودند: هر هفته عده ای از طلاب حوزه‌ی نجف / شرف شب های جمعه برای زیارت سالار شهیدان از نجف به کربلا می رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم و هر هفته به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می کردم و موفق می شدم که در کنار قبر مطهر و روبه روی ضریح آن امام مظلوم (علیه السلام) زیارت عاشورا بخوانم و به واسطه‌ی این توسل، از سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) مدد می جستیم. در این جهت مولا (علیه السلام) عنایت فراوانی به من کرد و بسیاری از مشکلاتم به واسطه‌ی این توسل حل می شد. زیارت عاشورا مجرب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه‌ی توسلات بوده، که از جمله‌ی آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت عاشورا سهل انگاری نکنید و به حرف افراد منحرف که لذت عبادت، توسل و دعا را نچشیده اند و فقط کارشان شبیه افکنی است، توجه نکنید. خداوند به واسطه‌ی این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالی.

زیارت عاشورا پلی به سوی استجابت دعا

نماز پشت سر کسانی که زیارت عاشورا

را منکر می شوند، جایز نیست

یک روز در شورای استفتاء، بحث شد که هر از چند گاه عده ای متأسفانه بعضی معمم، شروع به سم پاشی در بین متدینین می کنند و می گویند، فلان خبر ثابت نیست و درست بودن آن معلوم نمی باشد؛ از جمله عده ای در خصوص زیارات و ادعیه می گویند، ما برای آن سند نیافتیم و زیارت عاشورا به شکل موجود در *مفاتیح الجنان*، تحریف شده است. از مرحوم میرزا (قدس سره) سؤال شد: آیا می شود پشت سر این گونه اشخاص نماز خواند؟ اتفاقاً آن روز بحث در مورد کسی بود که در زیارت عاشورا تشکیک کرده است.

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) ابتدا فرمودند: اینان مگر نمی دانند که برخی از ادعیه و زیارات با چه زحمت و جهادی به ما رسیده است! ما همیشه در زمان تقیه زندگی کرده ایم و شیعیان در طول تاریخ در فشار بوده اند و ادعیه و زیارات سینه به سینه به ما نقل شده است و مضامین اکثر آنها در روایات موجود می باشد. اگر به بعضی نسخ خطی مراجعه کنید پی می برید که آنها مجبور بودند بعضی از فقرات ادعیه را حذف یا محو کنند تا بتوانند به دیگران برسانند. زیارت عاشورای مشهور، ثابت است و تزویری در آن نیست و آنچه از نظر اختلاف بین نسخ وجود دارد، به آن تزویر گفته نمی شود. نسخه ای که از نظر سند و متن ثابت است و زمان آن به شیخ طوسی (قدس سره) برمی گردد و

شامل تمام فقرات زیارت می باشد را مشاهده کردم و جای شکی در آن نیست و همچنین عمل علمای بزرگ و مجرب بودن زیارت در اثبات آن کافی می باشد، به تشکیکات افراد توجه نکنید؛ زیرا منشأ آن، دوری آن سیه دلان از معنویت و لذت نبردن از عبادت است. زیارت عاشورا، پلی است به سوی استجابت دعا و ارتباط معنوی با پروردگار متعال و برائت جستن از اعدای اهل بیت (علیهم السلام)، خداوند به همه توفیق دهد که این زیارت مبارک را قرائت نمایند و به واسطه‌ی توسل و خواندن این زیارت، حاجت همه برآورده شده و گره کار آنان برطرف شود؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى**.